شاهکارهای
نگارگری ایران





موزهٔ هنرهای معاصر تهران






بسم الله الرحمن الرحيم




بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین الرحمن الرحیم
مالک یوم الدین ایاک نعبد
وایاک نستعین اهدنا الصراط المستقیم
صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب
علیهم ولا الضالین

This book has been published on the occasion of the exhibition, *Masterpieces of the Persian Painting*, held at the Tehran Museum of Contemporary Art, in spring 2005.

The Tehran MOCA wishes to extend its acknowledgements to the Iranian Cultural Heritage and Tourism Organisation and its affiliated museums; Golestan Palace Museum, Iranian National Museum, Reza Abbassi Museum, Museum of Decorative Arts, and also to the Library of Shahid Motahari School of Higher Education for their generous loan to the exhibition.

Exhibition curator: Mohammad Ali Rajabi
Design and execution of the exhibition: Yaghoub Emdadian, Kambiz Sabri
Advisory committee: Aydin Aghdashlou, Mohammad Ali Rajabi, Dr.Abdolmajid Hosseini-Rad
English Editor: Anthony Schumacher
Translators: Claud Karbasi,Mary Parhizgari
Payam Parishanzadeh
Graphic designer: Mostafa Naderloo
Photo: Davoud Sadeghsa
Coordination: Alieh Foroughi

Special thank is due to the **Iranian Art Academy ,Iranian Cultureal Heritage and Tourism Organisation** and **Visual Arts Department of the Islamic Propagation Organisation** for their generous support.

Publisher: Tehran Museum of Contemporary Art
in association with the Institute for Promotion of Visual Arts.

Tehran Museum of Contemporary Art
North Kargar Ave.
Telefax: 88951965
E-mail:info@tehranmoca.com
Web site:www.tehranmoca.com

Art Director: Mostafa Naderloo
Scan: Megaps
Lithography: Kahali
Printed by: Kia Naghsh
Binding: Moeen
First edition 2005 .Tehran. Iran.

این کتاب به مناسبت برگزاری نمایشگاه شاهکارهای نگارگری ایران
در موزه هنرهای معاصر تهران، بهار ۱۳۸۴، منتشر شده است.

با تشکر از همکاری های:
ریاست و معاونین محترم سازمان میراث فرهنگی کشور
موزه کاخ گلستان تهران
موزه ملی ایران ،بخش دوران اسلامی
موزه رضا عباسی
کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری
موزه هنرهای تزیینی اصفهان

دبیر نمایشگاه: محمدعلی رجبی
شورای علمی نمایشگاه: آیدین آغداشلو ، محمدعلی رجبی ،
دکتر عبدالمجید حسینی راد
تنظیم مطالب و ویرایش علمی: دکتر عبدالمجید حسینی راد
تحقیق و توضیحات نسخه ها و تصاویر شاهنامه طهماسبی: محبوبه رزمجو
ویرایش فارسی: امید روحانی ، محمد حسن اثباتی
ترجمه:کلودکرباسی ، ماری پرهیزگاری ، پیام پریشان زاده
مدیر اجرایی نمایشگاه: یعقوب امدادیان
طراح گرافیک: مصطفی ندرلو
اسلاید: داوود صادق سا
چیدمان نمایشگاه: کامبیز صبری
هماهنگی: عالیه فروغی
حروفچینی: افتخارالسادات مهدوی

موزه هنرهای معاصر تهران
خیابان کارگر شمالی ، تلفن- فکس ۸۸۹۶۱۹۶۵
پست الکترونیک:Ir-info@tehranmoca.com
وب سایت:www.tehranmoca.com

با تشکر فراوان از حمایت های فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران
وحوزه هنری

ناشر : موزه هنرهای معاصر تهران- موسسه توسعه هنرهای تجسمی
نوبت چاپ:اول ۱۳۸۴ تهران-ایران
اسکن:مگاپس
لیتوگرافی:کحالی
چاپ :کیانقش
صحافی:معین



شاهکارهای نگارگری ایران

Iranian Masterpieces of Persian Painting

به مناسبت برگزاری نمایشگاه شاهکارهای نگارگری ایران
در موزه هنرهای معاصر تهران، بهار ۱۳۸۴



شاهکارهای نگارگری ایران
Iranian Masterpieces of Persian Painting

Contents / فهرست





Eternal Splendor

Persian traditional painting embodies a magnificent golden page of the glorious history of Iranian Islamic culture and civilisation. It illustrates to perfection the intellectual depth, creative power and literary sophistication of the Persian culture. However, compared to the literature, architecture and other manifestations of Iranian culture and civilisation, the achievements of the eternal masters of Iranian painting have been less exposed to the public, remaining hidden as so many neglected treasures. Hence, some minds might be under the impression that Iranian culture, while filled with literary delicacy and refinement, lacks pictorial power and visual creativity.

The current exhibition is a response to the quest of art lover's search for the celestial universe and the realm of myths in Persian painting, depicted by masters whose names will shine forever at the summit of Islamic Iranian culture and arts: Farhâd, Khâjeh Ghiâs-od-Din,Kamâl-od-Din,Behzâd,Soltân Mohammad, Âqâ-Mirak,Mir Mosavvar,Heydar-'Ali, Rezâ 'Abbâsi ...

These superb works of art not only reveal the intellectual and mystical depth of the Persian literature, but also reflect the mastery of Persian painters at utilizing purified forms, harmonious colours,bold and strong compositions, representation of depth without perspective and,most importantly, unity and general coherence of pictorial elements. All this has brought into being an awesome expression that is admired across the world. Our hope is that the exhibition of Masterpieces of the Persian Painting will play a historic role in stimulating all Iranian contemporary artists to focus on the original values embodied in these works and to perpetuate the glorious and exciting history of the Persian painting.

This exhibition owes its existence to the valuable cooperation of the Iranian Cultural Heritage and Tourism Organisation, its esteemed director, Mr. Mar'ashi, his deputy, Mr. Atriânfar, their affiliated museums, the Golestan Palace Museum, the National Museum of Iran, Rezâ Abbâsi Museum, the Decorative Arts Museum of Esfahân, as well as the library of Shahid Motahari Theological School. Taking this opportunity to thank them all, I also express my gratitude for their sincere efforts to Mr. Rajabi, the Curator of the exhibition, Mrs. Sharâreh Sâlehi, the secretary of the International Conference on Masterpieces of the Persian Painting, Mr. Emdâdiân, the executive manager of the exhibition, and Dr. Hosseini Râd, responsible for the publications of the exhibition. My heartfelt wish is that this historic event will initiate the liberation of parts of Iranian Islamic art presently locked up in repositories, enabling the public at large to contemplate them all in the future.

Dr. Ali Reza Sami-Azar
Director
Tehran Museum of Contemporary Art

شکوه جاودان

هنر نگارگری ایران، برگ زرّین و درخشانی از تاریخ شکوهمند فرهنگ و تمدن ایران در دوره اسلامی است. این هنر به خوبی عمق فکری و نیروی خلاقه و ظرایف ادبی فرهنگ پارسی را در خود به ظهور رسانده است. دستاوردهای چشمگیر و جاودانه اساتید نگارگری ایران، اما، کمتر از ادبیات، معماری و سایر جلوه های فرهنگی و آفرینش های تمدنی ایرانیان، در معرض مشاهده و علاقه عمومی قرارگرفته و همچون گنجی پنهان مغفول و مرموز مانده است. به همین خاطر در اذهان برخی، فرهنگ ایرانی مشحون از ظرایف و ذوق ادبی، اما عاری از نیروی تصویرگری و خلاقیت بصری، ارزیابی شده است.

نمایشگاه حاضر پاسخی است به جست وجوی اهل هنر در نگاره های اعجاب انگیز ایرانی برای کشف جهان ملکوت و قلمرو اساطیری که بر صفحه کاغذ نقش بسته و در لوح تصویر تجسم یافته است. آثار اساتیدی که نام جاودان آنها برای همیشه بر تارک فرهنگ و هنر ایران در دوره اسلامی می درخشد، همچون: فرهاد، خواجه غیاث الدین، کمال الدین بهزاد، سلطان محمّد، آقامیرک، میرمصور، حیدرعلی، رضا عباسی.

این آثار گرانسنگ نه تنها ژرفای فکری و عرفانی روایت های ایرانی را می گشاید، بلکه از قدرت هنرمندانه در کاربست عناصر تصویری همانند فرم های پالایش یافته، رنگ های هماهنگ شده، ترکیب های بسیار متهورانه و محکم، عمق نمایی بدون استفاده از پرسپکتیو و فراتر از همه، از همبستگی کلی و تمامیت یافتگی عناصر تصویری حکایت دارند. این همه، جلوه ای شگفت انگیز را پدید آورده که جهانیان را به تحسین واداشته است. ما امید داریم که نمایشگاه شاهکارهای نگارگری ایران ،نقشی تاریخی را در رویکرد همه هنرمندان ایرانی به سوی ارزش های اصیل و تکامل یافته، که در این آثار تجلی یافته اند، ایفا نماید. باشد که از این مسیر، تداوم تاریخ پرشکوه و شورانگیز نقاشی ایرانی را شاهد باشیم.

این نمایشگاه مرهون تشریک مساعی و همیاری ارزشمند سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، ریاست سازمان، جناب آقای مرعشی و معاونت آن جناب آقای عطریانفر و نیز موزه های تابعه؛ موزه کاخ گلستان، موزه ملی ایران، موزه رضا عباسی، موزه هنرهای تزئینی اصفهان و نیز کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری است. در این فرصت از توجه و اهتمام همه آنها قدردانی کرده و از تلاش های دبیر نمایشگاه جناب آقای محمدعلی رجبی، دبیر همایش بین‌المللی ، سرکار خانم صالحی، مدیر اجرائی نمایشگاه جناب آقای امدادیان و نیز مسئول انتشارات نمایشگاه ،جناب آقای دکتر حسینی راد تقدیر و سپاگزاری می نمایم. در پایان قلباً آرزو می کنیم که این رویداد تاریخی نقطه آغازی باشد بر پایان بخشیدن به محبوس بودن بخشی از میراث فرهنگ و هنر ایران در دوره اسلامی در انبارها؛ بدان امید که در آینده، فرصت مشاهده همه آنها برای مشتاقان هنر در هر لحظه فراهم باشد.

دکتر علیرضا سمیع آذر
مدیر موزه هنرهای معاصر تهران





He by whom the world,
Came into being
No one was ever told,
The secret of being



We thank and praise God for having bestowed arts upon us and made our sacred country the birthplace of illustrious figures that have become the pride of humankind.The uninterrupted chain of the history of Iranian art attests to the fact that the hallowed efforts of Iranian artists have consistently been aimed at discovering universal truths and manifestations of man's true homeland. Expressions of that unknown homeland, reflected in striking paintings, heavenly music, sublime architecture and exquisite handcrafts, have always filled the lives of this country's inhabitants with beauty, bolstering their eagerness to reach the true homeland and instilling an atmosphere of spiritual vigour into Iranian society.

The art of painting, which evokes images inspired from paradise, undoubtedly plays a major role in the deciphering of man's apparent life and his inner life. It is not without reason that such masters as Kamâl-od-Din Behzâd and Qâssem-'Ali have been described as the 'unveilers of the canvas', or that Eskandar Monshi has written: "Behzâd saw the sun's disk at a glance and depicted both worlds with one brush".

In the world outlook of Muslim Iranian painters, the universe was a manifestation of God's creation. Their understanding called for permanent spiritual communion with nature. They saw nature through uncontaminated eyes, cherishing its every manifestation and never looking upon them as mere soulless objects to be dominated by man. It was through this kind of relationship that the mysteries of existence were revealed to them. It was in this frame of mind that, creating his *Camels* at the age of seventy, Behzâd revealed the meaning of God's words: "Do they not see how the camel was created?"

Artistic education was based on a master-pupil system in

آن که پُرنقش زد این دایره مینائی
کس ندانست که در گردش پرگارچه کرد

سپاس و ستایش خدواند بزرگ را که موهبت هنر را بر ما ارزانی داشت و فرزانگانی را که فخر هنر عالمیان شدند در این سرزمین مقدس به پیدایی آورد. رشته پیوستهء تاریخ هنر ایران، گواه بر این نکته است که تلاش و رنج مقدس هنرمندان این سرزمین، جز برای کشف حقایق عالم و مظاهر وطن حقیقی انسان نبوده است. نشانه هایی از آن وطن بی نشان، با ابداع نگاره های چشم نواز و آوای دل نشین موسیقی ملکوتی، معماری و صنایع هنری ایران، همواره وجوه زندگی مردم این سرزمین را از لطف و زیبایی اشباع می کرد و امید آنها را نیز برای نیل به وطن حقیقی برمی انگیخت و فضایی از شور معنوی در جامعهء ایرانی به وجود می آورد.

بی شک هنر نگارگری که تصویرهایی ملهم از فضای بهشتی را در انظار مجسم می کند، نقشی ویژه در رازگشایی از حیات ظاهری و باطنی انسان، ایفا می کند. شاید بی وجه نبود که استادانی چون کمال الدین بهزاد و قاسم-علی و امثال آنها را "چهره گشای پرده تصویر" نامیدند و به قول اسکندر بیک منشی، "بهزاد با یک نظر قرص خورشید را می دید و با یک قلم هر دو جهان را تصویر می کرد."

عالم در نظر نگارگران مسلمان ایرانی، جلوه ای از آفرینش حق بود که لازمه شناخت آن را "انس" مدام و هم سخنی و معاشرت باطنی با مظاهر طبیعت می دانستند. آنها با دیده ای پاک به طبیعت می نگریستند و بی آنکه مظاهر آن را به عنوان اشیاء بی روح در سیطرهء انسان بدانند به آنها عشق می‌ورزیدند و در چنین رابطه ای راز وجود آنها برایشان مکشوف می شد. این چنبن بود که بهزاد در سن هفتاد سالگی، با ابداع نگارهء شترها، پرده از راز کلام الهی بر می دارد که "آیا به شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شده است؟"

روش تعلیم و تربیت هنری نیز براساس نظام "استاد- شاگردی" شکل گرفته بود و استاد ،هم چون پیری راهنما، مراتب آموزش را با توجه به ظهور قابلیت های معنوی و علمی از سوی شاگرد تبیین می نمود و شاگرد نیز رنج مقدس

کسب علوم مختلف هنری را، هم زمان با زدودن زنگار از دل، بر خود هموار می کرد تا هنرش صاحب "شأن" شود. روح پالایش یافته چنین هنرمندی است که می تواند با درک لطف الهی، تشعیرهایی ظریف و زیبا و مزیّن به رنگ های زرّین را با قلم خویش بر صفحه نگاره رقم زده و چنین القا کند که: "هزار نکته باریک تر ز مو اینجاست."

به هر حال آن چه با تعمق در این آثار می توان دریافت، نگرش حکیمانه و تلاش مقدسی است که بی ادعا بر صفحات کتاب ارزشمند تاریخ هنر ایران نقش خورده و عدم وجود امضا در اغلب نگاره ها، گواه این مدعاست. آنانی که به هر دلیل نامی از خود باقی گذاشته اند، یا با عناوینی هم چون "العبد، رقم کمترین بندهء درگاه" و امثال آن و یا با سجع هایی زیبا، نام خود را به قدیسانی مرتبط با عالم غیب احاله می کردند.

مسلماً این فرهنگ در معاشرت با ادبیات پربار اسلامی، خصوصاً ادبیات عرفانی غنا یافت و اصرار نگارگران بر تصویرگری کتب ادبی، اعم از حماسی، عرفانی و اخلاقی نه تنها تصویرگری محض داستان ها نبود، بلکه با اتکا به چنین منابعی از حکمت، تضمینی برای تجربهء معنوی ایشان محسوب می گردید. مجموعهء تاریخ نگارگری ایران با فراز و نشیب هایش، در عصر درخشان تیموری کمال یافت و با ظهور "نادرهء دوران"، کمال الدین بهزاد، دستاوردهای پیشین به ثمر رسید و مکتب نگارگری اسلامی ایران رقم خورد. در طول این دوره، آثار بدیع و زیبایی به وجود آمد که هم اکنون زینت بخش موزه ها و فخر کتابخانه های معتبر ایران و جهان است. با ظهور دورهء درخشان صفوی، روند کمالی این هنر ادامه یافت و ده ها استاد فرزانه ظهور یافتند و صدها اثر ارزشمند به وجود آمد. متأسفانه اغلب این آثار گرانبها به مرور از موطن خود خارج گردید و سلامتِ بخشی از آثار به مخاطره افتاد، به گونه ای که شیرازهء برخی از این نسخ نفیس دریده شد و هریک از اوراق این کتب به گوشه ای از جهان پراکنده گردید. خوشبختانه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تعداد ۱۱۸ برگ از شاهنامهء شاه‌طهماسب، که از نفیس ترین نسخه های خارج شده از وطن است، به ایران بازگشت و هم اکنون در موزهء هنرهای معاصر تهران نگهداری می شود. برپایی نمایشگاه عظیم و تاریخی شاهکارهای نگارگری ایران و همایش کم نظیر و گستردهء آن در موزهء هنرهای معاصر تهران، شاید این پرسش را برانگیزد که، چه نسبتی میان آثار چند قرن گذشته با هنر معاصر است که موزهء هنرهای معاصر تهران، اقدام به برپایی باشکوه آن کرده است؟

ابتدا باید متذکر شد که هر حرکتی، آغاز و طی طریقی دارد تا مقصد و منظور آن حاصل شود. انسان همواره در طریق است و جهت او نیز کشف و مشاهدهء حقیقت است.

تاریخ هنر که شرح احوال، آثار و اندیشه های هنرمندان گذشته در ساحت دل آگاهی تاریخی آنان است، هنر پیشینیان را به عنوان چراغی فراروی آیندهء هنرمندان قرارمی دهد. از سوی دیگر، وجود انسان، افتاده بین گذشته و آینده است و انسانِ بی گذشته، انسانِ بی آینده است.

تجربهء گرانبهای هنرهای تصویری ایران که از سوی بسیاری از هنرمندان معاصر جهان مورد استفاده قرارگرفته است، آیا نمی تواند در نگرش هنری هنرمندان ایرانی موثر باشد؟ و یا این هنر شریف که بر مبنای فطرت شکل گرفته و با نگاهی تجریدی به صورت های عالم نگریسته، آیا نمی تواند به عنوان

تجربه‌ای سترگ در هنرهای تجریدی که خاستگاه هنرمندان امروز است مدّنظر باشد؟

آنچه از این نمایشگاه و طرح مسائل گوناگون پیرامون نگارگری در موزهء

which the master, a venerable guide, steered his pupil through the different stages of learning as the latter's spiritual and scientific capabilities came to the fore, and the pupil embraced the holy hardships of learning and strived at removing every stain from his heart in order to achieve an 'eminent' level of artistry. Only the purified soul of such artists could, by perceiving the divine munificence, create sublime illuminated patterns of hair-thin strokes that seemed to say: "herein lie a thousand points each finer than a hair".

Contemplating these works reveals a sophisticated outlook and a holy endeavour penned upon the pages of the precious book of the history of Iranian art — in utter humility, as the absence of signatures from most of these paintings indicates. And those who, for whatever reason, have signed their names, have always accompanied them with epithets such as "*al-abd* [slave], *kamtarin bande-ye dargâh* [least doorstep servant]" etc., or poetically linked them to those of saints.

Doubtlessly, this culture was greatly enriched by contact with the monumental body of Islamic literature, particularly mystic works. The painters' eagerness to illustrate literary books, whether epic, mystical or moral, beyond the mere pleasure of putting them into pictures, inspired their spiritual development with their profound teachings.

The history of Iranian painting, with all its ups and downs, reached its peak of perfection in the brilliant Timurid era, and the school of Islamic painting began with the emergence of the unequalled master Kamâl-od-Din Behzâd. Original masterpieces created during this period are proudly displayed today in museums and libraries across the world.

The evolution of this art continued in the dazzling Safavid period, during which scores of eminent masters flourished who left behind hundreds of invaluable works. Unfortunately, most of these priceless masterpieces were gradually removed from their original locations, putting their physical condition in serious jeopardy. Indeed, some of these books were torn into separate pages that were scattered across the planet.

Fortunately, 118 pages of Shâh Tahmâsb's *Shâhnâmeh*, one of the most precious manuscripts to leave the country, were returned to Iran after the victory of the Islamic Revolution and are presently preserved at the Tehran Museum of Contemporary Art.

The exhibition of this large, unique and historic collection of masterpieces of Iranian painting on the premises of this museum may raise questions as to their relevance to modern art. One should, however, note that every movement has a beginning that is followed by an evolution towards its goal. Man is always in motion, eager to discover and behold truth, and the history of art, which records the lives and works of past artists in the context of their historic mission, sets the art of the past as a guiding light for artists of the future. Furthermore, since man's existence occurs between the past and the future, a man without a past is a man without a future.

Is it not possible for present-day Iranian artists to benefit from the precious experience of Iranian pictorial arts, which many contemporary international artists have exploited? Is it not possible for this noble art, which is rooted in man's inner soul

and looks upon the world in abstract terms, to be looked upon as a major experience in abstract arts, out of which most present-day artists have arisen?

The reasons for organizing this exhibition and holding discussions on painting-related issues at the Tehran Museum of Contemporary Art were to draw attention to this priceless heritage and to enable this rich pictorial tradition to open the way to a bright future.

In view of the large number of items in this collection and the large mass of scholarly articles presented, the scientific board of the conference has decided to limit the collection to reproductions of the paintings and to bring together the scholarly articles submitted in a book to be prepared under the supervision of Mrs. Sharâreh Sâlehi, the respected secretary of the international assembly, each complementing the other.

The present book covers precious Timurid and Safavid manuscripts and albums, followed by a page from the Demotte *Shâhnâmeh*, which dates back to the Mongol period and is one of the oldest manuscripts preserved in Iranian museums. Also included are six superb volumes of *The Thousand and One Nights* created in Qajar times, which mark the end of the art of book illustration in Iran. Thus, a relatively complete collection is on display.

Special thanks are due to Dr. Sami-Azar for his sincere support of this historic exhibition, which will undoubtedly mark a turning point in the history of Iranian visual arts.

Our hope is that this historic movement will contribute to the cultural enrichment of contemporary Iranian pictorial arts and that the efforts of all those involved in this project will meet with the gracious approval of the Almighty.

Mohammad Ali Rajabi
Curator of the Exhibition Masterpieces of Persian Painting

هنرهای معاصر تهران مدّنظر بوده، توجه به این تجربیات گرانبهاست تا با پشتوانه ای قوی از دستاوردهای تصویری، راهی به سوی آینده ای روشن پیدا شود.

با عنایت به کثرت آثار در این مجموعه و حجم گستردهء مقالات صاحبنظران، شورای علمی همایش تصمیم گرفت این مجموعه را به تصاویر نگاره ها اختصاص داده و مقالات اندیشمندان را در کتابی که با همّت دبیر محترم همایش، خانم شراره صالحی تنظیم گردیده ارائه نماید تا هریک مکمل دیگری باشد.

کتاب حاضر مشتمل بر نسخه ها و مرقعات گرانبهایی از عصر تیموری و صفوی است. گذشته از این آثار، برگی از "شاهنامهء دموت" ازعصر مغول به عنوان یکی از قدیمی ترین نسخ موجود در موزه های ایران و شش جلد کتاب نفیس "هزار و یک شب" از عصر قاجار که نشان دهندهء پایان سنت کتاب آرایی در ایران است معرفی شده تا مجموعه ای نسبتاً کامل ارائه شده باشد.

لازم است از حمایت مجدّانه و همت جناب آقای دکتر سمیع آذر در پیگیری و مدیریت این نمایشگاه تاریخی، سپاسگزاری شود. بی شک این اتفاق بی‌نظیر، نقطه عطفی در تاریخ هنرهای تجسمی کشور خواهد بود.

امید است این حرکت تاریخی، گامی در جهت اعتلاء فرهنگی هنرهای تصویری معاصر ایران باشد و تلاش مجموعهء دست اندرکاران نیز مورد رضایت حق تعالی قرارگیرد.

محمدعلی رجبی
دبیر نمایشگاه شاهکارهای نگارگری ایران





The Evolution of Persian Painting

Abd-ol-Majid Hosseini Râd (Assistant Professor, Tehran University)

The origins of Iranian painting unquestionably predate the advent of Islamic civilisation in Iran. From the 3rd century AH onwards, with the emergence of local ruling dynasties and the growing influence of distinguished Iranian figures at the 'Abbasid court, Iranian cultural and artistic traditions, which had remained stagnant for several centuries, were reborn under the compelling influence of Islamic teachings. Because pre-Islamic Iranian art had been based on ancient Iranian wisdom, it had the potential to become purified after contact with the monotheistic outlook of Islam. Hence, Iranian painters, quenching their thirst at the clear fountain of Islamic thought and mysticism, transformed their canvases into mirrors of divine beauty. Thereafter until the downfall of the Abbasid dynasty in Baghdad in the 6th century AH, Iranian artists painted a multitude of frescoes in mansions and palaces, illustrated innumerable books and adorned countless vessels, most of which have unfortunately disappeared.

Mongol hordes thrice invaded and devastated Iran during the 7th and 8th centuries AH. Genghis Khan's invasion began in 615 AH and lasted until 619 AH. Holâku Khan's army marched into Iran and razed Samarqand in 654 AH, before taking control of Baghdad and overthrowing the Abbasid dynasty three years later. Timur's repeated bloody onslaughts at the close of the 8th century AH left many Iranian cities in ruins and innumerable people dead. In the course of these savage invasions, wall paintings inside palaces were destroyed and thousands of manuscripts, both illustrated and non-illustrated, were burned to ashes when libraries across the country were put to flame. This explains the present-day scarcity of pictorial works from before the Mongol invasions, either in the form of illustrated manuscripts or wall paintings-an ancient Iranian tradition described in some ancient texts.[1]

Il-Khânid Painting in Tabriz

Political stability gradually returned to Iran after the last Il-Khâns embraced Islam and adopted the indigenous Iranian culture and civilisation. Thanks to the managerial skills and administrative experience the native Iranians brought to the Il-Khâns' government, scientific and cultural activities flourished and cities began prospering anew. During the reign of Ghâzân Khân (694-703 AH) (who later changed his name to Mahmood), the physician and historian Rashid-od-Din Fazlollâh Hamadâni (ca. 645-718 AH) rose to the post of prime minister. He commissioned and supervised the creation in the suburbs of Tabriz of the Rab'-e Rashidi ,Which became the gathering place for numerous scientists, calligraphers, artists and writers who soon began producing and illustrating sundry manuscripts in its workshops. It was during that era (Il-Khânid period, 8th century AH) that the Tabriz School of Painting reached full maturity. This school best reveals its personality and particularities in the illustrated copy of the *Jâme'-ot-Tavârikh,* compiled by Rashid-od-Din himself and said to have been reproduced and illustrated in approximately twenty Persian and Arabic copies, and in a copy of Ferdowsi's *Shâhnâmeh* (ca. 735 AH), inaccurately referred to as the "Demotte" *Shâhnâmeh.*[2]

With their tall figures clad in amply creased garments, their realistic depiction of men and horses, and their use of contrasting dark and light colours to create the illusion of perspective, the illustrations in the three extant copies of the *Jâme'-ot-Tavârikh* created at the Rab'-e Rashidi one dated 707 AH and containing 70 paintings (Library of Edinburgh), another dated 714 AH and containing 100 paintings, and a third (a Persian translation) dated 717 AH (Topkapi Saray, Istanbul) all display a visage of

سیر تحول نگارگری ایران

عبدالمجید حسینی راد (استادیار دانشگاه تهران)

آنچه مسلم است پیشینهء تاریخی نگارگری ایرانی به دوره های پیش از شروع تمدن اسلامی در ایران باز می گردد. از سدهء سوم ه. ق. به تدریج با شکل گیری حکومت‌های محلی ایرانی تبار و نفوذ کارگزاران مقتدر ایرانی در دربار عباسیان، سنن فرهنگی و هنری ایرانیان، که طی چند سده دچار رکود شده بود، حیات مجدد خود را براساس بینش و اعتقادات اسلامی آغاز کرد، زیرا هنر ماقبل دوران اسلامی ایران که براساس حکمت کهن ایرانی شکل گرفته بود، قابلیت آن را داشت که در کنار تفکر وحدانی اسلام پالایش یابد. نگارگران ایرانی نیز با سیراب شدن از چشمهء تفکر و عرفان اسلامی، آثار خود را آینه جلوه حسن و جمال الهی ساختند. از آن روزگار تا زمان بر افتادن حکومت عباسیان در بغداد در اواخر سده ششم ه. ق. آثار متعددی به صورت نقاشی دیواری در اماکن و کاخ ها، کتاب آرایی و نقاشی روی ظروف به دست نگارگران ایرانی به وجود آمد که متاسفانه بخش قابل توجهی از آنها از میان رفته است.

در طول سده های هفتم و هشتم ه. ق. سرزمین ایران سه بار مورد هجوم گسترده، اشغالگرانه و ویران کنندهء مغولان قرارگرفت. حملهء چنگیز در سال ۶۱۵ ه. ق. آغاز و تا سال ۶۱۹ ه. ق. به طول انجامید. به سال ۶۵۴ه. ق. هلاکو به سمرقند و ایران لشکر کشید و سه سال بعد با یورش به بغداد موجب انقراض حکومت عباسیان شد. سرانجام لشکرکشی های مکرر و توام با کشتار و غارت و چپاول تیمور در اواخر سدهء هشتم ه. ق. باعث شد بسیاری از شهرهای بزرگ و آباد ایران، ویران شوند و مردم بسیاری از دم تیغ بگذرند. با ویرانی شهرها و کاخ ها در پی حملات مغول ها، نقاشی های دیواری درون بناها نیز از میان رفتند و هزاران نسخهء خطی مصور و غیرمصور در آتش سوزی های کتابخانه ها به مشتی خاکستر تبدیل شدند. با این توصیف دلیل نادر بودن آثار تصویری پیش از دورهء مغولان، چه به صورت نسخه های مصور و چه در شکل دیوارنگاره- که از سنن کهن ایرانیان بوده است و در برخی متون قدیمی توصیف آنها آمده است(۱)-روشن می شود.

نقاشی دوران ایلخانی در تبریز

از عهد حکومت آخرین ایلخانانی که به اسلام گرویدند و تسلیم فرهنگ و تمدن ایرانی شدند، به تدریج دورهء ثبات و آرامش سیاسی در کشور برقرار گردید و با کارگزاری و مشارکت ایرانیان در دستگاه حکومت ایلخانان، به دلیل کاردانی و تجربه ای که در اداره امور کشور داشتند، مجدداً فعالیت های علمی و فرهنگی رونق گرفت و آبادانی و سازندگی شهرها مورد توجه واقع شد. از جمله هنگام حکمرانی غازان خان، (۶۹۴-۷۰۳ ه. ق.) که خود را محمود نام نهاد، رشیدالدین فضل اله همدانی (حدود ۶۴۵-۷۱۸ ه. ق.) پزشک و تاریخ نویس به وزارت رسید. تحت سرپرستی و با حمایت او، ربع رشیدی در جوار پایتخت، شهر تبریز، بنا نهاده شد و بسیاری از دانشمندان و خوشنویسان و هنرمندان و نویسندگان در آنجا گردهم آمدند و کارگاه‌های مصورسازی و ساخت نسخه های خطی فعال شدند. از همین زمان است که مکتب نقاشی تبریز در دورهء ایلخانی، سدهء هشتم ه. ق. به پختگی می رسد. این مکتب، شخصیت و ویژگی های خود را بیش از همه در نسخه های مصور جامع التواریخ که تألیف خود رشیدالدین است و گفته می شود در مجموع حدود بیست نسخه از آن به فارسی و عربی تهیه و مصور شده است و نسخه ای از شاهنامه فردوسی (حدود ۷۳۵ ه. ق.)، که برای ابوسعید ساخته شد و به غلط به "شاهنامه دموت" شهرت یافته است، نشان می دهد. (۲)

نگاره های سه نسخهء بازمانده از جامع التواریخ، یکی به تاریخ ۷۰۷ ه. ق. کتابخانه ادینبورو، دارای ۷۰ نقاشی؛ دیگری به تاریخ ۷۱۴ ه. ق. دارای ۱۰۰ تصویر و سومی نسخه فارسی این کتاب در کتابخانه موزه توپقاپو سرای استانبول به تاریخ ۷۱۷ ه.ق. در ربع رشیدی ساخته شده اند. نقاشی های این نسخ عموماً با پرداخت طبیعت گرایانه، پیکرهای بلند قامت با لباس های چین خورده و حرکات و رفتار واقع نمای آدم ها و اسب ها و هم چنین با به کار گرفتن رنگ های تیره- روشن و ایجاد حالتی از حجم نمایی و نیز استفاده از خطوط قوی، شخصیتی از نقاشی ایرانی را که تحت تاثیر ویژگی های ناشی از تسلط مغولان و نقاشی شرق دور بوده است به نمایش می گذارد. این ویژگی ها البته تا اواخر سدهء هشتم به تدریج رنگ می بازد، آن چنان که در نگاره های مربوط به شاهنامه فردوسی، حدود ۷۳۵ ه. ق. که برای ابوسعید ساخته شد، اگرچه برخی ویژگی ها، مثل توجه به واقع نمایی و نشان دادن حالات و احساسات انسانی در رفتار پیکره ها وجود دارد، اما لطافت و پختگی هنر ایرانی در نفوذ تزیین گرایی و رنگ آمیزی و پرداخت صحنه ها، جای خود را به خوبی بازکرده است.

Iranian painting under the strong influence of Mongol art and far-eastern painting. By the close of the 8th century AH, this influence had decreased. For example, although they preserve some of the earlier characteristics, such as attention to realism and representation of human moods and feelings through their characters' postures, the illustrations contained in a copy of Ferdowsi's *Shâhnâmeh*, created around 735 AH for Abu-Sa'eed, display the full refinement and maturity of Iranian art in their decoration, colouring and composition. Fortunately, a page of the *Shâhnâmeh* (Rezâ Abbâsi Museum) is on display in the current exhibition. Its large format and the masterful execution of its characters clearly indicate that 8th century AH Iranian painting had almost entirely shunned the influence of far-eastern painting. In addition, given the consistency of expression between the illustrations in this manuscript and the stories in the *Shâhnâmeh*, in which its most dramatic scenes are depicted, we can but rank these paintings among the most superb examples of Il-Khânid Iranian painting. Two illustrations of a *Shâhnâmeh* (Rezâ Abbâsi Museum) dating back to the early 8th century AH (probably before the creation of Abu-Sa'eed's copy) also appear in the exhibition. If indeed they belong to the old *Shâhnâmeh* of the Chester Beatty collection or are related to similar paintings in the Freer Gallery collection, they may be considered the most ancient works in the exhibition. All these copies of the *Shâhnâmehs* are similar: each page bears six columns of text and the paintings are all designed and executed in the same manner. They, therefore, probably belong to the same period and may even be the work of the same calligrapher and painter. Exactly where they were created remains a mystery. The style of these paintings, while retaining elements of the Mongol influence of the Il-Khânid period, is akin to that of the illustrations produced in the Shiraz School of Painting in the 7th century AH, including those in the *Varqeh va Golshâh* manuscripts, in terms of their rectangular compositions, their flat backgrounds and the design and dimensions of their characters. Undoubtedly, the paintings of other illustrated manuscripts produced in this period in Tabriz, such as a *Kalileh va Demneh* (ca. 775 AH) and a *Shâhnâmeh* (ca. 772 AH) preserved at the Topkapi Saray Museum in Istanbul, more clearly show the dominant role of characteristics typical of Iranian painting. These can also be seen in the illustrations of some 7th century AH manuscripts, including those of the famous copy of Ebn-e Bakhtishu's *Manâfe'-ol-Hayavân*. In this copy, illustrated in Marâgheh before the creation of the Rab'-e Rashidi in the late 7th century AH, animals are realistically depicted in landscapes filled with plants, trees and colourful birds that more accurately represent their natural habitats. The notable characteristics of this manuscript's illustrations are their marked edges and detailed figures, their representation of relief by means of hatchings, and their use of coloured grays to depict animals and their natural behaviours. As we already noted, these scenes invariably occur against a background in which the characteristics of Iranian painting are dominant. This atmosphere is even more perceptible in works of the 7th century AH Shiraz School of Painting (such as the illustrated copy of Ayuqi's *Varqeh va Golshâh* at the Topkapi Saray Museum), because Fârs, with its wealth of ancient Iranian relics, has experienced and safeguarded the traditions of Iranian art more than any of this country's other provinces. The Ayuqi manuscript contains 71 paintings laid out in horizontal rectangular frames, in sequence with the Persian poetic text. Vegetal designs cover the uniform backgrounds of these paintings and their characters and horses are usually as tall as the frames' height. In view of the characteristics of this manuscript and those of other manuscripts produced in southern Iran, we shall see that, during the Il-Khânid period, notwithstanding the powerful impact of Mongol dominion on the arts of western Iran, notably on the School of Tabriz, this part of Iran was by and large able

خوشبختانه یک برگ از این شاهنامه، متعلق به موزهء رضا عباسی، در مجموعهء حاضر ارایه شده است. قطع بزرگ این نسخه و پرداخت سترگ نمایانه پیکره ها به خوبی دورشدن از تاثیرات هنرشرق دور را در اواخر سدهء هشتم نشان می‌دهد. علاوه براین همزبانی نگاره های این نسخه با روایات داستانی شاهنامه و نمایش صحنه های تأثر برانگیز و هیجانی آن باعث‌می‌شود که تصاویر آن را از بی نظیرترین نمونه های نقاشی ایرانی دوران ایلخانی بدانیم. در نمایشگاه شاهکارهای نگارگری ایران دو نگاره از یک شاهنامه قدیمی، مربوط به اوایل سده هشتم ه. ق. و احتمالاً قدیمی تر از شاهنامه ابوسعیدی نیز وجود دارد که متعلق به موزه رضا عباسی هستند. چنانچه این دو نقاشی بخشی از همان شاهنامه قدیمی مجموعه چستربیتی و یا تصاویر مشابه در مجموعه گالری فریر باشد، می توان آنها را به عنوان قدیمی ترین آثار این نمایشگاه تلقی نمود. در همهء این شاهنامه های مشابه، صفحات دارای شش ستون نوشته و نقاشی ها از نظر طراحی و اجرا شبیه به هم هستند و حداقل ممکن است مربوط به یک دوره و یا حاصل قلم یک نقاش و خوشنویس باشند. شیوه اجرای این نقاشی ها، که محل دقیق ساخته شدن آنها روشن نیست، ضمن دارا بودن عناصری از تأثیرات مغولی دوران ایلخانی، از نظر ترکیب بندی در کادر مستطیل افقی کشیده، تخت بودن زمینه ها و طراحی و اندازه پیکرها مشابه تصاویر مکتب شیراز در سدهء هفتم ه. ق. و از جمله مشابه نقاشی های کتاب ورقه و گلشاه است. بی شک نگاره‌های دیگر کتاب های مصور این دوره در تبریز، هم چون کلیله و دمنه حدود ۷۷۵ ه. ق. و شاهنامه فردوسی حدود ۷۷۲ ه. ق. که هر دو در موزه توپ قاپو سرای استانبول نگهداری می شوند، با صراحتی بیش تر، استیلای ویژگی های نگارگری ایران را نشان می دهند، هم چنان که این ویژگی ها در نگاره های متعلق به سدهء هفتم، از جمله نگاره های نسخهء معروف منافع الحیوان ابن بختیشوع دیده می شود. در این نسخه که قبل از شکل گیری ربع رشیدی در اواخر سدهء هفتم ه. ق. در مراغه مصور شده، تصاویری از حیوانات به شیوه ای طبیعت گرایانه بر زمینه هایی که عموماً درختان و بوته ها و پرندگان با رنگ های زنده، محیط طبیعی زندگی حیوانات را نشان می دهند نقاشی شده است. خطوط کناره نما، ترسیم جزییات اندام و برجسته نمایی با استفاده از پرداخت هاشوری، بهره گیری از خاکستری های رنگی در نقاشی حیوانات و بازنمایی رفتار طبیعی آنها از ویژگی های قابل توجه نگاره های این نسخه است. همان طور که اشاره شد، در پسزمینه های تصاویر این نسخه، عموماً فضای نقاشی های ایرانی حاکم است، این ویژگی ها در آثاری که متعلق به مکتب نقاشی شیراز، سدهء هفتم ه. ق. است، بیش تر دیده می شود. چراکه منطقهء فارس، با سوابق تاریخی دوران ساسانی، سنت های هنر ایرانی را بیش از سایر نواحی تجربه و پاسداری کرده است. از جمله در نسخهء مصوری از ورقه و گلشاه عیوقی، متعلق به اواخر سدهء ششم ه. ق. که در موزهء توپقاپو سرا نگهداری می شود. این نسخه دارای ۷۱ تصویر است که در کادرهای مستطیل افقی کشیده، متناسب با نظم اشعار به زبان فارسی، در کتاب آمده اند. زمینه های نگاره ها عموماً با رنگ های تخت رنگ آمیزی و با نقوش گیاهی تزیین شده‌اند و قد آدم ها و اسب ها، معمولاً به اندازهء ارتفاع کادر است. با توجه به ویژگی های نگاره های این نسخه و نقاشی های سایر نسخ در جنوب ایران، خواهیم دید که این بخش از ایران در طول دوران ایلخانی، علی رغم تأثیراتی که مغولان در نگارگری غرب ایران، مکتب تبریز پدیدآوردند، توانست تا حدود زیادی سنت های نقاشی ایرانی را پاس بدارد و کم تر دستخوش تحولات و تاثیرات ناشی از حضور مغولان گردد.

پایداری سنت های نقاشی ایرانی در شیراز، سدهء هشتم ه. ق.

همزمان با رونق نگارگری و کتاب آرایی در غرب ایران به مرکزیت تبریز، در بخش جنوب نیز نگارگری مسیر خود را با تحولاتی نسبتاً متفاوت طی می کند. در واقع در خطهء فارس، به دلیل برکنار ماندن از تاخت و تاز مغولان، میراث هنر نگارگری براساس سنت های تاریخی نقاشی ایران ادامه می یابد و شیوهء پاکیزه هنر ایرانی در فارس، برخلاف تاثیرات ناشی از سلطهء مغولان در غرب، سیر تحولات طبیعی خود را طی می کند و ترکیب بندی نقاشی ها با پیکره های سترگ نما، ساختار قرینه و استفاده از رنگ های خالص تر و تزیینات بیش تر ادامه می یابد.

تداوم سنت های نگارگری این خطه را که بیش از تبریز با تحولات مکتب بغداد در ارتباط بوده و نمونهء برجستهء آن نگاره های نسخهء ورقه و گلشاه است، در نقاشی های نسخهء مونس الاحرار محمدابن بدر جاجرمی که در حدود سال ۷۴۱ ه. ق. در شیراز ساخته شده است به خوبی می توان دریافت. صفحات نقاشی شدهء این نسخه که اینک بخش هایی از آن در مجموعه های مختلف نگهداری می شود از سه بخش افقی مصور تشکیل شده اند و تصاویر آن که نقوش نشان دهندهء برج های سال هستند، عموماً روی پس زمینه ای به رنگ قرمز تخت نقاشی شده اند.

to preserve the traditions of Iranian painting and remain essentially unaltered by the Mongol presence.

The persistence of the traditions of Iranian painting in Shiraz in the 8th century AH

At the same time that painting and book illustration flourished in western Iran around Tabriz, painting continued its evolution in southern Iran, undergoing relatively different developments. In fact, escaping unscathed from the assault of Mongol hordes, the province of Fârs witnessed the natural evolution of Iranian painting traditions, free from Mongol influence, and compositions involving imposing figures, symmetrical structure, purer colors and more elaborate decoration were perpetuated by its artists.

The persistence of the painting traditions of this region, which was more in touch with the evolution of the School of Baghdad than was Tabriz, is best exemplified in the illustrations of the *Varqeh va Golshâh* manuscript and is also clearly perceptible in the paintings found in a copy of Mohammad ebn-e Badr-e Jâjarmi's *Muness-ol-Ahrâr* created around 741 AH in Shiraz. The illustrated pages of the latter manuscript, parts of which are now preserved in different museums, consist of three horizontal illustrated bands, and their paintings, which represent the constellations of the zodiac, are all executed on a uniform red background. These paintings are quite similar in terms of composition and structure to those of the *Varqeh va Golshâh* manuscript. The decorative features, palette and simple composition of the works produced by the School of Shiraz are best visible in the paintings of a *Shâhnâmeh* created around 732 AH and today preserved at the Topkapi Saray Museum in Istanbul (H. 1479).

Iranian painting under the Jalâyerids

The end of Il-Khânid rule after Abu-Sa'eed Bahâdor-Khân's death (736 AH) provided an opportunity for local governments to emerge across Iran. This period, which lasted until the end of the 8th century AH (the date of Timur's invasion), was a golden era during which the painting styles of western and southern Iran most effectively came together. In the interim period between the downfall of the Mongol Il-Khâns and the onset of Timur's invasions, the Jalâyerid dynasty enjoyed a more important position, which allowed it to rule from Baghdad to Tabriz for more than half a century (from around 740 - 813 AH). This interval allowed the artists of these two centers, each of which boasted a vigourous and longstanding tradition in the art of the book, to better benefit from their mutual experiences. Under Jalâyerid patronage, especially during the reigns of Soltân Oveis (739-776 AH) and Soltân Ahmad (784-813 AH), who were both keen supporters of poets and scholars, this merger of experiences led to the emergence of a purified style of painting at the Jalâyerid court in Baghdad. In fact, contacts between the schools of Shiraz and Baghdad in the second half of the 8th century AH and the transfer of artistic experiences through the artists of the School of Tabriz to the Jalâyerid court deeply affected the development of later schools of art, including that of Timurid painting. Mention must also be made here of Joneid's art, which masterfully combined the heritage of the Shiraz School with the experience of the artists of Tabriz, producing superb works in the late 8th century AH, including the illustrations of Khâju-ye Kermâni's *Divân*, created in 799 AH. The works of Joneid and Khâjeh 'Abd-ol-Hayy, another painter active at Soltân Ahmad Jalâyer's court, may be considered to have paved the way for the development of the School of Herat.

The extent to which the merger of the experiences of artists belonging to three major schools of art (Shiraz, Baghdad and

این نقاشی‌ها از نظر ترکیب و ساختار بسیار شبیه به نقاشی های کتاب ورقه و گلشاه هستند. هم چنین جنبه های تزیینی، رنگ پردازی ها و ترکیب های ساده آثارِ مکتب شیراز در نیمهء اول سدهء هشتم ه. ق. را به خوبی می توان در مجالس شاهنامه ای دید که متعلق به حدود سال ۷۳۲ ه. ق. است و در توپقاپو سرای استانبول نگهداری می شود. (خزینه ۱۴۷۹)

نقاشی ایرانی در عهد جلایریان

با پایان یافتن روزگار ایلخانان، پس از مرگ ابوسعید بهادر خان (۷۳۶ ه. ق.)، فرصتی برای تجدید قوای حکومت های محلی برای به دست گرفتن حکمرانی سرزمین ایران به وجود آمد. این دوران که تا آخر سدهء هشتم ه. ق. (زمان هجوم مجدد مغولان به رهبری تیمور) به طول انجامید، فرصتی طلایی و بسیار تاثیرگذار برای آمیزش شیوه های نگارگری غرب و جنوب ایران به شمار می آید. از میان مدعیان قدرت در فاصلهء سقوط ایلخانان مغول تا گردن فرازی تیموریان، خاندان آل جلایر از موقعیتی مهم تر برخوردار بودند. همین مسئله باعث شد تا آنها بیش از نیم قرن، از حدود سال ۷۴۰ تا ۸۱۳ ه. ق. حاکمیت خود را از بغداد تا تبریز اعمال نمایند. این زمان فرصتی را پدید آورد تا هنرمندان این دو مرکز که هرکدام سابقه ای قوی وطولانی در نگارگری و کتاب آرایی داشتند، از تجارب یک دیگر بهره ای بیشتر ببرند. این تجارب تحت حمایت جلایریان، به خصوص در دوران حکمرانی سلطان اویس (۷۷۶ - ۷۳۹ ه. ق.) و سلطان احمد جلایر (۸۱۳ - ۷۸۴ ه. ق.)، که از حامیان شعرا و فضلا و هنرمندان بودند، به شکل گیری نقاشی پالایش یافته در دربار جلایریان در بغداد انجامید. در واقع ارتباط مکتب نقاشی شیراز با بغداد در نیمهء دوم سدهء هشتم و انتقال تجارب هنری از طریق هنرمندان مکتب تبریز به دربار جلایریان، توانست در شکل گیری و تحول مکاتب پس از خود، از جمله نقاشی دوران تیموری، بسیار با اهمیت و تاثیرگذار باشد. در همین جا بایستی به هنرنمایی های جنید نیز اشاره کرد که ضمن برخورداری از میراث هنری مکتب شیراز توانست به خوبی از تجارب نقاشان تبریز برخوردار شود و آثاری بسیار ارجمند را در اواخر سدهء هشتم، از جمله نگاره های دیوان خواجوی کرمانی مربوط به‌سال ۷۹۹ ه. ق. به وجود بیاورد. آثار جنید و خواجه عبدالحی و دیگر نقاش دربار سلطان احمد جلایر، هموار کنندهء مسیر تحولات مکتب هرات به شمار می آیند.

اهمیت تلفیق تجارب هنرمندان سه مرکز مهم هنری شیراز، بغداد و تبریز در دوران جلایری و چگونگی انتقال این تجارب برای بنیان گذاری هنر تیموری و شکل گیری مکتب ارجمند هرات را می توان از یادداشت های دوست محمد گواشانی، کاتب و نقاش سدهء دهم ه. ق. دریافت. او ضمن معرفی احمد موسی به عنوان پدیدآورنده و مروج نگارگری ایرانی در زمان سلطان ابوسعید خدابنده، و انتساب ابوسعیدنامه، کلیله و دمنه و معراج‌نامه و تاریخ چنگیزی به او، به شاگردانش امیردولت یار و شمس‌الدین در عهد سلطان اویس جلایری در بغداد اشاره می کند. سپس به شاگردی خواجه عبدالحی نزد شمس الدین می پردازد. نقاش اخیر، علاوه بر فعالیت در دربار سلطان‌احمد، آخرین پادشاه جلایری در بغداد، در پی فتوحات تیمور و سقوط بغداد، با اردوی تیمور به سمرقند می رود و در آنجا شیوهء نقاشی خود و استادانش [مواریث مکاتب شیراز، تبریز و بغداد] را رواج می دهد. سپس شاگردانی را در سمرقند تربیت می کند که سرآمد آنها پیراحمد باغ شمالی است که پس از فوت تیمور به دربار شاهرخ در هرات می پیوندد و تا زمان فوت، در سن پنجاه سالگی، در کارگاه بایسنقر میرزا (۸۳۸-۸۰۲ ه. ق.) فعالیت‌می کند. علاوه بر این، بایسنقر برای راه اندازی کارگاه و کتابخانهء خود، تعدادی از هنرمندان نقاش، صحاف، خوشنویس و مذّهِب را از تبریز به هرات فرا می خواند. بدین ترتیب مکتب نقاشی هرات براساس میراث هنری مکاتب نقاشی بغداد، تبریز و شیراز سدهء هشتم و اوایل سدهء نهم ه. ق. شکوفا می شود.

نکتهء باریکی که در توضیحات دوست محمد به ظرافت آمده و قابل تاکید است، این‌که احمد موسی را "پرده گشای چهرهء تصویر" و نقاشی رایج دوران خود را، میراث کار او می داند، و از سه نسخه‌ای که آثار او را دربرگرفته اند و یکی از آنها معراج‌نامه است، نام می برد. در نگاره های معراج‌نامه ای که به نظر می رسد همان نسخه‌ای است که دوست محمد از آن نام برده و مربوط به همان زمان است و در توپقاپو سرای استانبول نگهداری می شود (خزینه ۲۱۵۴)، حال و هوا، رنگ پردازی و خصوصیات نقاشی ایرانی، فارغ از تاثیرات نقاشی شرق دور موج می زند. دوست محمد این توضیحات را در دیباچهء مرقعی که برای بهرام میرزا (حدود ۹۵۵-۹۲۳ ه. ق.) در سال ۹۵۱ ه. ق. نگاشته، بدین شرح تحریر کرده است: "... استاد احمد موسی که شاگرد پدر خود است، "پرده گشای چهرهء تصویر" شد و تصویری

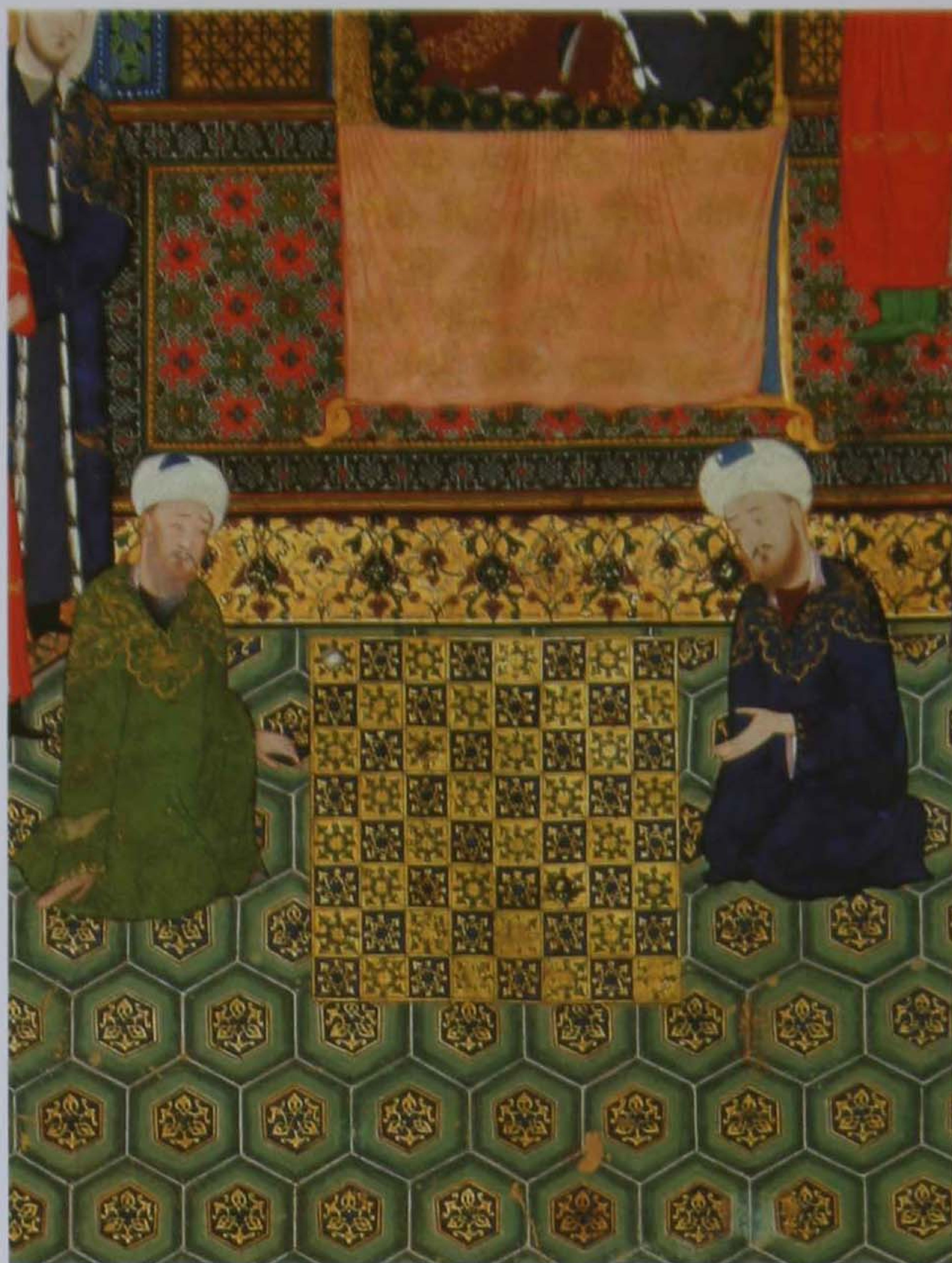
Tabriz) in the Jalâyerid period contributed to the foundation of Timurid art and the emergence of the highly regarded School of Herat may be measured by the personal notes of the 10th century AH copyist and painter, Doost-Mohammad Govâshâni. While introducing Ahmad Mussâ as the developer and promoter of Iranian painting under Abu-Sa'eed Khodâbandeh, to whom he attributes the *Abu-Sa'eed nâmeh, Kalileh va Demneh, Me'râj Nâmeh* and *Târikh-e Changizi*, he Notes that Amir Dowlatyâr and Shams-od-Din were his pupils during Soltân Oveis Jalâyer's rule in Baghdad. He then elaborates on Shams-od-Din's tutorship under Khâjeh 'Abd-ol-Hayy. After Timur's conquests and the fall of Baghdad, besides working at Soltân Ahmad's court, Shams-od-Din joined Timur's camp at Samarqand, where he began promoting his style of painting and that of his masters (the heritage of the schools of Shiraz, Tabriz and Baghdad) before turning to teaching students, notably Pir-Ahmad Bâghshomâli, who joined Shâhrokh's court in Herat after Timur's death and was active in Bâysonqor-Mirza's (802-838 AH) workshop until his death at the age of fifty. In preparation of his new library and workshop in Herat, Bâysonqor-Mirza also summoned several painters, book-binders, calligraphers and illuminators from Tabriz. In this way, the artistic heritage of the 8th and early 9th century AH schools of Baghdad, Tabriz and Shiraz enabled the painting school of Herat to flourish.

A fine point in Doost-Mohammad's notes is his description of Ahmad Mussâ as "the revealer of the image." He assesses the painting of his time as the latter's patrimony and mentions the *Me'râj Nâmeh* as being one of his works. The illustrations in a copy of the *Me'râj Nâmeh* at the Topkapi Saray Museum in Istanbul, (H. 2154) appear to be the ones mentioned by Doost-Mohammad. They are suffused with the atmosphere, colouring and painterly characteristics of Iranian painting.

In the foreword to an album he prepared in 951 AH for Bahrâm-Mirzâ (ca. 923-955 AH), Doost-Mohammad's explanations appear in the following words: "... Master Ahmad Muss, who learned his art under his own father's tutelage, became the revealer of the image, and the painting style practiced nowadays [Doost-Mohammad's time, i.e. the 10th century AH] is his invention. Among the books he worked on during the above-mentioned king's reign figured the *Abu-Sa'eed nâmeh*, the *Kalileh va Demneh* and the *Me'râj Nâmeh* in Mowlânâ 'Abdollâh Sayrafi's pen and the *Târikh-e Changizi* in a handsome handwriting, which were in the late Soltân Hossein-Mirzâ's library. Also, Amir Dowlatyâr, a servant of the late Soltân Abu-Sa'eed, had the honor of becoming Master Ahmad Muss's pupil, reaching such perfection, particularly in painting with the black pen, that Mowlânâ Valiollâh, himself a rare master, meekly acknowledged Dowlatyâr's superiority. Another of his pupils was Master Shams-od-Din, who learned his art during the reign of Soltân Oveis and later created the illustrations of a square Shâhnâmeh written by Khâjeh Amir-'Ali. After Soltân Oveis died, Master Shams-od-Din never entered into anyone else's service, and his pupil, Khâjeh 'Abd-ol-Hayy, took care of his living needs, while the master stayed at home, spending his time enjoying the pleasures of leisure and tutoring Khâjeh 'Abd-ol-Hayy, who later, in Baghdad, had the unique opportunity to teach painting to the exalted Soltân Ahmad, the great patron of scholars. Indeed, a black-brush illustration of the *Abu-Sa'eed Nâmeh* was painted by this king.

"Then, when Timur's thirst for new conquests extended to the region of Baghdad, taking him only a few days of perseverant efforts to establish his rule over that City of Peace, he brought in Khâjeh 'Abd-ol-Hayy under military escort to his capital, Samarqand, where the master later died. After Khâjeh 'Abd-ol-Hayy's death, his manner was emulated by every master artist.

"Another pupil of Shams-od-Din was Master Joneid Baghdâdi.



که حالا [زمان حیات دوست محمد] متداول است اختراع اوست. از جمله مواضعی که در زمان پادشاه مشارالیه از او بر صفحهٔ روزگار واقع است، ابوسعیدنامه و کلیله و دمنه و معراج نامه به خط مولانا عبدالله صیرفی، و تاریخ چنگیزی به خط خوب معلوم است، که در کتابخانهٔ پادشاه مرحوم سلطان حسین میرزا بود. دیگر، امیر- دولت یار که از جملهٔ غلامان سلطان ابوسعید بود و به شاگردی استاد احمد موسی مشرف شده و در این امر سرآمد، خصوصاً در قلم سیاهی با وجودی که مولانا ولی الله که بی نظیر عالم بود، چون کارهای دولت یار را دید، از روی انصاف به عجز اعتراف نمود. دیگر از شاگردان ایشان استاد شمس الدین است که در عهد سلطان اویس تربیت یافت و در شاهنامه به قطع مربع که به خط خواجه امیر علی بود مواضع ساخت. چون سلطان اویس به جوار رحمت ایزدی پیوست، استاد شمس الدین طریق ملازمت کسی دیگر از پیش نگرفت و شاگرد او که خواجه- عبدالحی بود به ضروریات معیشت او تردد می نمود و استاد مشارالیه در منزل خود به سر می برد و علی الدّوام به لوازم عشرت و فراغت مشغولی می نمود و همت به تربیت خواجه عبدالحی می گماشت. چنانچه خواجه مشارالیه در زمان پادشاه جمجاه فضیلت پناه سلطان احمد بغداد که چهرهٔ جمالش به تربیت ارباب فضل و کمال آراسته بود، قلم تفرّد و یگانگی برداشته، سلطان احمد را تعلیم تصویر کرد. چنانچه سلطان مشارالیه در ابوسعیدنامه یک موضع به قلم سیاهی ساخته اند.
چون رایات ملک ستانی تیمور گورکان پرتو خلافت به تسخیر ممالک بغداد انداخت و آن دارالسلام را روز چند به قدوم سعی و اهتمام مستقر سریر خلافت ساخت، خواجه عبدالحی را همراه عساکر گردون مآثر به دارالسلطنهٔ سمرقند آورد و در آنجا استاد مشارالیه وفات نمود. بعد از فوت خواجه، همهٔ استادان تتبع کارهای ایشان کردند.

دیگر استاد جنید بغدادی شاگرد شمس الدین است. دیگر از شاگردان سرآمد خواجه عبدالحی، پیراحمد باغ شمالی است که در زمان خود نادر بود و کسی دیگر در این شیوه بر وی تفوّقی نمی توانست نمود. عمرش به پنجاه سالگی رسیده بود که ودیعت حیات سپرد و حضرت بایسنقر میرزا، استاد سیدی احمد نقاش، خواجه علی مصور و استاد قوام الدین مجلّد تبریزی را از تبریز آورد، فرمود که بر اسلوب مرغوب جُنگ سلطان احمد بغداد، به همان دستور قطع و سطر و مواضع تصویر به عینها کتاب ترتیب دهند...»(۳)

مکتب نقاشی شیراز در سده نهم ه. ق.

در نیمه اول سدهٔ نهم ه. ق. و در دورهٔ حکمرانی نوادگان تیمور، اسکندر سلطان (۸۱۷ - ۸۱۲ ه. ق.) و پس از او ابراهیم سلطان (۸۳۷ - ۸۱۷ ه. ق.) در فارس،

"Another outstanding pupil of Khâjeh 'Abd-ol-Hayy was Pir-Ahmad Bâghshomâli, whose rare mastery in this art was unsurpassed in his time. He died when only fifty. Bâysonqor-Mirza summoned the painters Seyyedi Ahmad and Khâjeh 'Ali Mossavver and the book-binder Qavâm-od-Din Mojalled Tabrizi from Tabriz, ordering them to create books in the same sumptuous style of Soltân Ahmad's albums, following the same format, line arrangement and illustration layout…"[3]

The Shiraz School of Painting in the 9th century AH

The path toward the revival of the Iranian School of Shiraz, which occurred in the second half of the 9th century, was paved during its first half, when Timur's sons, Eskandar Soltân (812-817 AH) and Ebrâhim Soltân (817-837 AH), governed Fârs. After Timur's death and Shâhrokh's accession in Herat, these two princes, both keen patrons of artists and writers, successively ruled Fârs. Fortunately, like many other descendants of Timur, they were captivated by, and immersed themselves in, Iranian culture and arts. Painting and book design acquired great esteem in their courts. The illustrations of one of the most important manuscripts prepared in 813 AH for Eskandar Soltân *(Jong-e Eskandar Soltân)* and those of a Shâhnâmeh prepared after him for Shâhrokh's son, Ebrâhim Soltân, are the most significant products of the Shiraz School of Painting in the first half of the 9th century.

Some artists active at the court of these two princes had come to Shiraz from Samarqand and Herat, contributing their experiences to the local school of art. As a result, a greater maturity is perceptible in this city's painting of the first half of the 9th century. Works produced during this period display more precise symmetrical composition, more refined landscaping and better relationship between text areas and pictorial elements. A lighter palette, the use of decorative elements, more masterfully designed characters and refined silhouetting of rocks further add to their refinement.

The characteristics of the School of Shiraz at its peak during the second half of the 9th century AH are best represented in the illustrations of a *Khâvarân Nâmeh* dated 882 AH. The major part of this manuscript is preserved at the Golestân Palace-Museum, Tehran, and its illustrations are on display in the current exhibition. Created and completed in 830 AH by Ebn-e Hessâm Khossafi (d. 875 AH), the *Khâvarân Nâmeh* is an epic poem on wars conducted by Imam 'Ali (pbuh) and his generals. As some of the adventures depicted in this book are but pure poetic imagination, they have provided an opportunity for the artist (or artists) in charge of its illustration to complete the work in approximately ten years (from 882 AH to 892 AH). The illustrations of the *Khâvarân Nâmeh* display a particularly rich palette. They follow an easy, symmetrical composition, as is characteristic of the School of Shiraz. Their decorative clouds with small windswept ends, their golden backgrounds filled with vegetal patterns, the manner in which their characters are drawn all bespeak the prosperity of late 9th century AH painting in Shiraz. Some of the illustrations of this manuscript bear the signature of Farhâd, the painter from Shiraz. However, as the paintings indicate, other painters have also collaborated with Farhâd.

Painting at Herat in the Timurid period

Ninth century Iranian painting, inextricably linked with the name of Herat, is known as the Timurid School of Painting. Timur's son, Shâhrokh, had been appointed governor of Khorâssân, Sistân, Rey and Mâzandarân in 799 AH. After Timur's death (807 AH), he succeeded on the throne in Herat and ruled until 850 AH. Although initially faced with feuds and rebellions among provincial governors, he eventually secured his rule

پایه و مایهء تجدید حیات مکتب نقاشی شیراز در نیمهء دوم همان سده مجدداً فراهم گردید.

این دو امیرزاده پس از فوت تیمور و شروع حکمرانی شاهرخ در هرات، یکی پس از دیگری حکومت فارس یافتند و هر دو نیز از حامیان و مشوّقان هنرمندان و نویسندگان زمان خود به شمار می آمدند. خوشبختانه آنها هم چون بسیاری از دیگر بازماندگان تیمور، مجذوب فرهنگ و هنر ایرانیان شده و در آن مستحیل شدند و خود نیز از ذوق و هنر مایه هایی داشتند. به همین دلیل در دربار آنها نگارگری و کتاب آرایی جایگاهی با اهمیت یافت. نگاره های یکی از مهم ترین نسخه هایی که برای اسکندرسلطان به تاریخ ۸۱۳ ه. ق. ساخته شد به نام جنگ اسکندرسلطان، و نیز نقاشی های شاهنامه ای که پس از او برای ابراهیم سلطان فرزند شاهرخ تهیه شد، قابل توجه ترین آثار نگارگری مکتب شیراز در نیمهء اول سدهء نهم به شمار می آیند.

از آنجا که برخی از هنرمندان دربار این دو حاکم، از سمرقند و هرات به شیراز آمده بودند، و تجارب خود را با تحولات بومی نقاشی شیراز درآمیختند، نقاشی نیمهء اول سدهء نهم در این شهر نسبت به گذشته پختگی بیش تری را نشان می دهد. در آثار این دوره، ترکیب بندی های متقارن دقیق تر و مناظر پالوده تر و کتیبه های ابیات، ارتباط محکم تری را با سایر اجزاء نقاشی پیدا کرده اند، ضمن این که رنگ های روشن تر و استفاده از نقوش تزیینی و طراحی ماهرانه تر پیکرها و قلم گیری ظریف صخره ها، لطافت بیشتری به نقاشی ها داده اند.

بهترین نگاره هایی که ویژگی های نقاشی مکتب شیراز را در اوج خود در نیمهء دوم سدهء نهم ه. ق. نشان می دهند، نقاشی های نسخه ای از خاوران نامه به تاریخ ۸۸۲ ه. ق. هستند. از آنجا که بخش عمدهء این نسخه خوشبختانه در موزهء کاخ گلستان تهران نگهداری می شود، تصاویر آن به این نمایشگاه راه یافته است. خاوران نامه حماسهء منظومی است که آن را ابن حسام خوسفی (فوت ۸۷۵ ه. ق.) در سال ۸۳۰ ه. ق. سروده و به پایان آورده است و در شرح جنگ های امیرالمومنین علی(ع) و سرداران وی است. از آنجا که برخی ماجراهای این کتاب ساختهء تخیل شاعرانه است و جنبهء خیالی دارد، فرصتی مغتنم را برای هنرنمایی نقاش یا نقاشان آن فراهم آورده تا در طی حدود ده سال، از ۸۸۲ تا ۸۹۲ ه. ق.، تصاویر این نسخه را قلمی سازند. نقاشی های خاوران نامه از نظر رنگ آمیزی غنایی خاص دارند. ترکیب بندی ها هم چنان که ویژگی مکتب شیراز است، از راحتی و تقارن برخوردارند. ابرهای تزیینی با دنبالهء کوچک، پسزمینهء طلایی با نقوش گیاهی و طرز ترسیم پیکرها، شکوفایی مکتب نگارگری اواخر سدهء نهم در شیراز را به نمایش می گذارند. برخی آثار این نسخه امضاء فرهاد نقاش شیرازی را دارند، اما آن گونه که از نگاره ها پیداست، نقاشان دیگری در مصورکردن این نسخه با فرهاد همکار بوده اند.

نقاشی هرات در دوران تیموری

هنر نگارگری ایران در سدهء نهم ه. ق. با نام هرات گره خورده و به نام مکتب دوران تیموری شهرت یافته است. شاهرخ فرزند تیمور که پیش از فوت او حکومت خراسان، سیستان، ری و مازندران یافته بود (۷۹۹ ه. ق.)، پس از وفات تیمور (۸۰۷ ه .ق.)، در هرات به سلطنت نشست و تا ۸۵۰ ه. ق. در آنجا حکومت راند. او اگرچه در ابتدا با منازعات و عصیان های حکام مواجه بود، لیکن سرانجام حکومت خویش را در تمام ایران و ماوراءالنهر تثبیت کرد و با آبادسازی هرات و برخی شهرهای دیگر، فرصت را برای توسعهء هنر و شکوفایی مکتب هرات فراهم آورد.

یکی از نسخه هایی که برای شاهرخ ساخته شد، مجمع التواریخ حافظ ابرو، مربوط به حدود ۸۲۸ ه. ق. است که متأسفانه اوراق آن نیز پراکنده است و اکنون تعدادی از برگ های آن که به موزه رضا عباسی تعلق دارد، در کنار سایر آثار نمایشگاه شاهکارهای نگارگری ایران چهره نقاشی هرات دوران شاهرخ میرزا را به نمایش می گذارد. نگاره های مجمع التواریخ دارای ترکیب بندی هایی ساده است که در آنها پیکره های بزرگ آدم ها در امتداد و در مقابل هم روی پسزمینه ای نسبتاً تهی با آسمان آبی قرار گرفته اند.

همزمان با شاهرخ، پسرش بایسنقر میرزا نیز کتابخانه ای تاسیس کرد و زبده ترین هنرمندان نقاش، صحاف، مذهب و خوشنویس را در کارگاه کتاب آرایی خود

over all Iran and Transoxiana. He devoted considerable energy to the development of Herat and other cities, thereby providing an opportunity for the School of Herat to flourish.

A manuscript created for Shâhrokh around 828 AH was Hâfeze Abru's *Majma'-ot-Tavârikh*. Its surviving pages are unfortunately scattered today. Several pages of this manuscript, preserved at the Rezâ 'Abbâsi Museum, represent the School of Herat at the time of Shâhrokh in the current exhibition. The illustrations of the *Majma'-ot-Tavârikh* are simple compositions of large aligned or opposed characters depicted on a relatively bare background topped by a blue sky.

Concurrently with Shâhrokh, his son, Bâysonqor-Mirzâ, founded a library of his own, where he gathered the most talented painters, book-binders, illuminators and calligraphers of his time. The painters Hâj-'Ali Mossavver, Amir-Shâhi Sabzevâri and Seyyed Ahmad Naqqâsh, the book-binder Qavâm-od-Din Sahhâf and the renowned calligrapher Mowlânâ Ja'far Tabrizi were among the artists busy in the workshops of Bâysonqor-Mirzâ's library.

Bâysonqor-Mirzâ was a man of letters and a calligrapher and the workshops under his patronage greatly contributed to the progress of the School of Herat. In fact, as noted above, this prosperity of the School of Herat took place under the influence, and as a natural result, of the evolution of book illustration in the schools of Tabriz, Baghdad and Shiraz.

The beautiful paintings of two superb manuscripts created in this period, a *Kalileh va Demneh* dated 833 AH (Topkapi Saray Museum, Istanbul, No. 1022) and the *Shâhnâme-ye Bâysonqori* preserved at the Golestân Palace Museum and included in the current exhibition, clearly show the mastery of artists active in the first half of the 9th century AH in Bâysonqor's workshops and the development of the School of Herat in that period. The famous *Shâhnâme-ye Bâysonqori*, dated 833 AH, contains twenty-two paintings attributed to three artists: Mowlânâ 'Ali, Mowlânâ Qiâm-od-Din and Amir Khalil. In an extant report, Ja'far Tabrizi (Bâysonqori), the calligrapher responsible for the texts of this manuscript, writes about its paintings: "The portraits of this manuscript were created by Mowlânâ 'Ali, whereas its scenes are the work of Mowlânâ Qiâm-od-Din, because Mowlânâ 'Ali's eyes hardly gave him any service near the end of his life." He continues: "Amir Khalil is another painter of the *Shâhnâme-ye Bâysonqori*'s illustrations."[4] With their original compositions, the rich palette of their natural elements, their indigo blue or golden skies, their colourful bushes, luminous blossoms and lush trees, their narratives, at times intense and at others serene, the masterful design and execution of their characters and sponge-like rocks, their decorative architectural elements, and their attention to landscaping details, the paintings of this manuscript constitute masterpieces of their time. Similarly, the illustrations of the *Kalileh va Demneh* well depict the fabulous atmosphere of its edifying scenes of animals' lives through their inspired colouring, fine decorative rendering of rocks and flowery bushes, and realistic design of animals. These illustrations are closely related in design and colouring to those of the *Shâhnâme-ye Bâysonqori* and the proximity of their creation dates suggests that some artists active at Bâysonqor-Mirzâ's workshops probably worked on both manuscripts.

Several illustrations of a *Kalileh va Demneh* preserved at the Golestân Palace-Museum, Tehran (No. 2198), whose creation dates are unclear, also appear in the exhibition. This manuscript contains a total of 35 unsigned illustrations which some experts attribute to Mowlânâ Khalil and believe to have been created in Shâhrokh's workshops in Herat in the early 9th century AH.[5] The illustrations of this manuscript bear great similarities to those of the above-mentioned copy of this book preserved at the Topkapi Saray Museum in Istanbul. Their animals are realistically depicted and their exquisite landscapes of colorful



گردهم آورد. حاج علی مصور، امیرشاهی سبزواری، سیداحمد نقاش، قوام الدین‌ـ صحاف و مولانا جعفر تبریزی استاد چیره دست خوشنویسی، از هنرمندان کارگاه او بودند.

بایسنقر میرزا خود ادیب و خوشنویس بود و کارگاه تحت حمایت وی تاثیری قابل توجه در اعتلای هنر نگارگری هرات گذاشت. در واقع هم چنان که توضیح داده شد، شکوفایی مکتب نقاشی هرات در این دوره تحت تاثیر و نتیجهٔ طبیعی روند مصورسازی مکاتب تبریز ، بغداد و شیراز است.

نگاره های زیبای دو نسخهٔ ارزش‌مند این دوره، کلیله و دمنه ، ۸۳۳ ه. ق. موزهٔ توپقاپو سرای استانبول به شماره (۱۰۲۲) و شاهنامه بایسنقری موزهٔ کاخ گلستان که نسخهٔ اخیر به نمایشگاه شاهکارهای نگارگری ایران راه یافته، به خوبی نشان دهنده مهارت هنرمندان نیمهٔ اول سدهٔ نهم ه. ق. و استادی نقاشان کارگاه بایسنقر و تحولاتی است که در نقاشی هرات آن روزگار شکل گرفته‌اند. شاهنامهٔ معروف بایسنقری، به تاریخ ۸۳۳ ه. ق. بیست و دو مجلس دارد و نقاشی های آن به سه هنرمند نسبت داده می شوند: مولانا علی، مولانا قیام الدین و امیر خلیل. گزارشی از جعفر تبریزی (بایسنقری) خوشنویس این نسخه موجود است که دربارهٔ نقاشی های آن می نویسد: "تصاویر این نسخه را مولانا علی ساخته، ولی سازندهٔ وقایع آن مولانا قیام الدین است، زیرا چشم مولانا علی، در اواخر عمرش به زحمت کار می داد." در ادامه می افزاید: "امیر خلیل هم یکی از مصوران نسخهٔ شاهنامه بایسنقری است."(۴) نگاره های این نسخه با ترکیب بندی بدیع، رنگ آمیزی غنی عناصر طبیعت: آبی لاجوردی و یا طلایی آسمان، بوته های رنگارنگ، شکوفه های روشن و درختان پربرگ و داستان های گاه پرتحرک و گاه آرام، قلم گیری و طراحی استادانه صخره های با بافت اسفنجی و پیکره ها و به کارگیری نقوش تزیینی در معماری و توجه به جزییات در نقاشی مناظر طبیعی، از شاهکارهای عصر خود به شمار می‌روند. نگاره های نسخهٔ کلیله و دمنه نیز به خوبی فضای خیال پردازانه و حالات و حرکات واقع نمای زندگی پند آمیز جانوران را با رنگ آمیزی خیال انگیز و ظرافت قلم گیری در صخره ها و بوته ها به شکل تزیینی و طراحی واقع نمای حیوانات نشان می دهد. شیوه اجرای نگاره های این نسخه از نظر طراحی و رنگ آمیزی ارتباط بسیار نزدیکی با نقاشی های شاهنامه بایسنقری دارد و نزدیک بودن تاریخ ساخته شدن آنها در کارگاه بایسنقر میرزا موید کار نقاشان مشترک روی هر دو نسخه است.

تعدادی از نگاره های کلیله و دمنه نسخهٔ کتابخانه موزه کاخ گلستان تهران به شماره ۲۱۹۸ نیز در نمایشگاه شاهکارهای نگارگری ایران ارایه شده اند که دارای تاریخ روشنی نیستند. این نسخه در مجموع دارای ۳۵ نگاره بدون امضاء است که برخی از متخصصان آنها را منتسب به مولانا خلیل و محصول کارگاه شاهرخ در اوایل سدهٔ نهم هرات می دانند(۵). نقاشی های این نسخه بسیار شبیه به نگاره های نسخهٔ فوق الذکر، متعلق به کتابخانه توپقاپو سرای استانبول است. تصاویر حیوانات این نسخه به صورتی واقع گرا و زنده ترسیم شده اند و منظره پردازی های زیبای آن با رنگ آمیزی دلپذیر گل های رنگارنگ و صخره های مضرس، دنیایی رویایی از جهان

flowers and ragged rocks invoke a dream-like vision of the animal world. If this manuscript was indeed produced in Shâhrokh's workshops in the early 9th century AH, it probably served as a model for Bâysonqor-Mirzâ's artists in their creation of the *Kalileh va Demne-ye Bâysonqori*.

Two other manuscripts contain illustrations which bear great importance in the study of the School of Herat in mid 9th century AH. One is Mir-Heidar's *Me'râj Nâmeh*, dated 840 AH and preserved at the Bibliothèque Nationale in Paris. All the pages of this manuscript contain illustrations whose vibrant colours and brilliant gilding make them excellent examples of the application of the traditions of Iranian pictorial art, in which the metaphoric atmosphere of Iranian painting is most perceptible. The other is a *Shâhnâmeh* created for another Timurid prince and known as the *Shâhnâme-ye Mohammad-e Juki*.

As concerns the particularities of Iranian painting in the first half of the 9th century AH, one may say in general terms that they involve livelier, less symmetrical scenes than their contemporary counterparts produced in Shiraz. Their sophisticated colours, the precise design of their human and animal characters, their attention to the reproduction of nature's idyllic landscapes and their relationship to architectural elements constitute important achievements of the School of Herat in the second half of the 9th century AH. Hence, this school paved the way for the paintings of Behzâd and his contemporary artists to develop.

After Shâhrokh's death in the second half of the 9th century AH, the workshops of Herat remained idle until Soltân Hossein Bâyqarâ's accession in 873 AH. Soltân Hossein's reign over Herat, which lasted until 911 AH, witnessed the revival of artistic and literary activities. Assisted by his erudite minister, Mir 'Ali-Shir Navâ'i (848-906 AH), he gathered prominent artists and men of letters at his court, creating a circle of learned and talented figures in his entourage. Notable figures in this circle were the famous calligrapher Soltân 'Ali Mashhadi, the historians Mirkhând and Khândmir, the illustrious poet and mystic 'Abd-or-Rahmân Jâmi, the painters Amir Roohollâh Mirak and Shâh Mozaffar, and the greatest artist of the time, Kamâl-od-Din Behzâd.

The brilliant art produced by this talented team in the fourth quarter of the 9th century AH illumined the entire body of Timurid art, to which it owes the best part of its universal recognition. Fortunately, after the Timurid period, a considerable portion of this magnificent heritage was transferred, thanks to Safavid patronage, to Tabriz, where it gave birth to the most sublime gems of Iranian art.

The absence in the current exhibition of many of these artists' works, such as Sharaf-od-Din 'Ali Yazdi's *Zafarnâmeh* dated 872 AH (Johns Hopkins University, Baltimore), Sa'di's *Bustân* dated 893 AH (Cairo Museum) and Nezâmi's *Khamseh* dated 898 AH (British Museum), is disappointing. However, the remaining works, although disparate, nevertheless display a fair portrait of the peak of the Timurid art of Herat in the late 9th and early 10th centuries AH. Some of the works produced in this period, including those of Kamâl-ed-Din Behzâd, can be admired in the *Moraqqa'-e Golshan* and in a copy of the *Zafarnâme-ye Timuri* dated 935 AH (No. 807), both preserved at the Golestân Palace-Museum Library, Tehran.

This copy of the *Zafarnâme-ye Timuri* was written by Soltân Mohammad Noor and contains 24 paintings attributed to Kamâl-od-Din Behzâd and two illuminated frontispieces by Mir 'Azod. The illustrations in this manuscript bear all the characteristics of Behzâd's art in terms of their composition, the design and motions of their characters, and their atmosphere. Although all or part of these paintings may not be the work of Behzâd himself, the battle scenes and the warriors' postures in fight are typical of the master. Because little is known of Behzâd's

حیوانات را تجسم بخشیده اند. چنانچه این نسخه متعلق به کارگاه شاهرخ در اوایل سده نهم ه. ق. باشد، احتمالاً سرمشق هنرمندان کارگاه بایسنقر در ساخت کلیله و دمنهء بایسنقری بوده است.

یکی از نسخه هایی که نگاره های آن در بررسی مکتب نگارگری هرات در نیمهء سدهء نهم ه. ق. بسیار با اهمیت است، معراج‌نامه میرحیدر، مربوط به‌سال ۸۴۰ ه.ق. است که در کتابخانهء ملی پاریس نگهداری می شود و تمامی صفحات آن مصور است. نگاره های این نسخه نمونه ای زبده از به کارگیری سنت های هنر تصویری ایران با رنگ های پرتلاءلو و استفاده از طلا است که فضای تمثیلی نقاشی ایرانی را به بهترین شکل نمایش می دهد، و دیگری شاهنامه ای است که برای شاهزاده دیگر تیموری ساخته شده و به شاهنامهء محمد جوکی شهرت دارد.

درخصوص ویژگی های نگارگری نیمهء اول سده نهم ه. ق. هرات، به طور کلی می توان گفت که این آثار از صحنه های پرتحرک تری نسبت به نگاره های همزمان خود در شیراز برخوردارند زیرا از ترکیب های متقارن در صحنه ها کم تر بهره برده‌اند. در عین حال رنگ آمیزی بسیار لطیف، طراحی دقیق پیکره های انسانی و حیوانات، توجه به بازسازی مناظر خیال انگیز طبیعت و ارتباط آن با عناصر معماری، دستاوردهای مهمی را برای نقاشی هرات داشته است، به طوری که مکتب نقاشی هرات در نیمهء دوم سدهء نهم ه. ق. براساس همین میراث هنری توانست بستر مناسبی را برای رشد و شکوفایی نقاشی های مکتب بهزاد و نقاشان هم عصر او فراهم آورد.

پس از فوت شاهرخ در نیمهء سدهء نهم ه. ق. برای مدتی نسبتاً طولانی، تا زمان به سلطنت رسیدن سلطان حسین بایقرا (۸۷۲ ه. ق.)، فعالیت هنرمندان کارگاه‌های هرات دچار رکود شد. سلطان حسین تا سال ۹۱۱ ه. ق. بر هرات حکمرانی کرد و دورهء سلطنت او باعث اوج گیری فعالیت های هنری و ادبی شد. او به کمک وزیر دانشمند و ادیب خود میرعلیشیر نوایی (۹۰۶ - ۸۴۸ ه. ق.)، هنرمندان و ادیبان سرشناس را در دربار خود گردهم آورد و در پیرامون خود حلقه ای از عالمان و اهل فضل و هنر را تشکیل داد. برخی از بزرگان تشکل هنرمندانهء دربار هرات در این زمان عبارت بودند از: سلطان علی مشهدی خوشنویس مشهور، میرخواند و خواندمیر تاریخ نویس، نورالدین عبدالرحمن جامی شاعر داستان سرا و عارف نامدار و امیر روح الله میرک، شاه مظفر و کمال الدین بهزاد، بزرگ ترین نقاشان آن عصر.

در واقع درخشش هنر و آثار این بزرگان در ربع چهارم سدهء نهم ه. ق. به تمامیِ هنر دوران تیموری روشنایی بخشیده است و شهرت جهانگیر هنر این عصر، بیش از همه مربوط به هنر نمایی همین بزرگان است که در دربار سلطان حسین بایقرا فعال بوده اند. خوشبختانه پس از عصر تیموریان نیز بخش مهمی از این میراث گرانقدر تحت حمایت صفویان به تبریز منتقل شد و ارزشمندترین آثار هنری ایران را به وجود آورد.

اگرچه جای خالی بسیاری از آثار گرانقدر هنرمندان این دوران به دلیل خارج شدن از ایران، مثل نسخه های مصور ظفرنامه شرف الدین علی یزدی، مورخ ۸۷۲ ه.ق. دانشگاه جانز هاپکینز بالتیمور، بوستان سعدی مورخ ۸۹۳ ه. ق. موزهء قاهره، و خمسهء نظامی مورخ ۸۹۸ ه. ق. موزهء بریتانیا و فقدان آنها در نمایشگاه شاهکارهای نگارگری ایران بسیار تاثر برانگیز است، اما در عین حال آثار به جای مانده نیز، اگرچه پراکنده، به خوبی می تواند تصویری از اوج هنر تیموری هرات در اواخر سدهء نهم و اوایل سدهء دهم هـ. ق. را در این نمایشگاه به ما نشان دهد. برخی از نگاره های هنرمندان این دوران از جمله آثار کمال الدین بهزاد را می توان در آثار مضبوط در مرقع گلشن و نسخه ای از ظفرنامه تیموری مورخ ۹۳۵ ه. ق. به شماره ۸۰۷، هر دو متعلق به کتابخانهء کاخ گلستان که در این کتاب ارایه شده اند، ملاحظه نمود.

ظفرنامهء تیموری فوق الذکر به خط سلطان محمد نور کتابت شده و با ۲۴ نگاره، منسوب به کمال الدین بهزاد و دو سرلوح مذهب مرصع، کار میر عضد، آراسته شده است. نگاره های این نسخه از نظر ترکیب بندی و طراحی حالت ها و حرکت پیکره ها و فضاسازی، ویژگی های آثار بهزاد را دارد. اگرچه ممکن است همهء نگاره ها و یا همهء بخش های نگاره ها توسط خود بهزاد نقاشی نشده باشند، اما صحنه های کارزار و حالات جنگجویان در میدان نبرد، بیش ترین خصوصیات آثار بهزاد را نشان می دهند. از آنجا که آثار بهزاد پس از روی کارآمدن صفویان و انتقال او به تبریز کم تر شناخته شده اند، آثار این نسخه از ظفرنامه اهمیت چشمگیری در پیگیری فعالیت بهزاد در سده دهم ه. ق. دارند.

works after the advent of the Safavid dynasty and his transfer to Tabriz, the illustrations in this copy of the *Zafar Nâmeh* are crucial to the survey of Behzâd's activity in the 10th century AH.

In their portrayal of diverse characters in various postures and from different angles, Behzâd and his pupils have been keen to depict their individual temperaments as well. The characters of Behzâd's paintings are alive, looking after their businesses in their day-to-day environment. His treatment of his subjects' faces tends to emphasise their individual qualities and feelings. In Behzâd's works, rather than mere backgrounds to historic or fabulous events, his landscapes and buildings are linked to the characters' actions and other aspects of the composition, creating a unified environment filled with life and motion. Behzâd's palette is masterfully diverse, his compositions are balanced, and their constituent elements, including the text areas, all contribute to make the artwork a unified whole.

Behzâd's style of painting and the innovations he introduced in the arts of his time influenced his contemporaries and pupils, including Sheikhzâdeh and Qâssem-'Ali Chehregoshâ. This influence remained perceptible, alongside that of the School of Tabriz, in the works of Mir-Mossavver, Mir-Seyyed-'Ali and their successors, Mohammadi and Rezâ 'Abbâsi.

Although Behzâd was the most famous artist of his time, only a few paintings bear his distinctive signature, "'Amal-e al-'abd Behzâd." The date of Behzâd's death in Tabriz appears in an *Abjad*-encoded hemistich of a poem by Amir Dowlatshâhi quoted by Doost-Mohammad as "Nazar afkan be khâk-e qabr-e Behzâd," which yields the figure 942.

Clues to the importance of Behzâd's personality and art are found in an edict issued on 27 Jamâdi-ol-Avval 928 AH by the Safavid Shâh Esmâ'il, appointing him director of the royal library and its workshops in Tabriz and ordering their entire staff, including scribes, painters, illuminators, frame draftsmen, gilders and watercolourists, to obey him.[6]

The Tabriz School of Painting in the Safavid period

The Safavids' accession to power in the 10th century AH brought Iran religious and political unity and development, as well as historical and cultural progress and artistic prosperity. Shâh Esmâ'il (892-930 AH), the grandson of Sheikh Safi-od-Din Ardebili (who was the founder and first monarch of this dynasty), conquered Tabriz and all Azarbâyejân in 907 AH. From there, he went on to conquer Isfahân, Yazd, Kermân, and southern Khorâssân, before eventually taking control of Baghdad and Diâr-Bakr in 914 AH, to the detriment of the Âq-Qoyunloo dynasty. Shâh Esmâ'il's main achievement after these conquests was his cleansing of eastern Iran of all Uzbek presence in 916 AH. After having the Uzbek Shibak Khân assassinated, he launched a campaign towards Herat, which he soon conquered. Although some are of the opinion that, after defeating the Uzbeks, Shâh Esmâ'il had some of the artists of the workshops of Herat, including Behzâd, move to Tabriz, this is quite improbable, because the stability needed for the workshops of the Safavid court to develop did not exist in Tabriz at the time. More likely, as Mostafâ 'Ali has recorded in his *Manâqeb-e Honarvarân*, Shâh Esmâ'il kept Behzâd concealed in a cave during the chaotic days of the Ottoman armies' pillage of Tabriz in 920 AH and the Battle of Châldorân, later taking him, along with several other artists, back to Herat. They remained there until 928 AH, before eventually moving back to Tabriz in the company of the heir to the Throne, Tahmâsb-Mirzâ, because the edict appointing Behzâd director of the royal library and workshops dates from that year.

Be it as it may, the presence in Tabriz of Behzâd and other artists from the workshops of Herat played a significant role

بهزاد و شاگردان او ضمن ترسیم پیکرها در حالات متفاوت و از زوایای مختلف، به نمایش روحیات و مشخصات فردی آدم ها نیز توجه کرده اند. پیکره های آثار بهزاد دارای حیات و مشغول زندگی در فضای روزمره هستند. طرز ترسیم صورت ها به نشان دادن فردیت آدم ها نزدیک می شود و احساسات شخصی به صورتی زنده نمایش داده می شود. منظره و معماری در آثار بهزاد تنها به صورت یک پس زمینه برای یک رویداد تاریخی یا داستانی تصویر نمی شود، بلکه با رفتار پیکرها و سایر موضوعات ترکیب بندی پیوند می یابد و فضایی یکدست و سرشار از حرکت و زندگی طبیعی را به وجود می آورد. رنگ آمیزی آثار بهزاد بسیار استادانه و پرتنوع است و ترکیب ها بسیار موزون و اجزاء آن، از جمله کتیبه ها در خدمت کل اثر می باشند.

شیوهء نقاشی و تحولی که بهزاد در نگارگری عصر خود پدیدآورد در آثار نقاشان هم عصر او و شاگردانش، مثل شیخ زاده و قاسم علی چهره گشا بسیار تاثیر گذار بود. این تاثیر گذاری، بعدها با حضوربهزاد در کنار نقاشان مکتب تبریز، در آثار هنرمندانی مثل میرمصور، میرسیدعلی و نقاشان نسل های بعد مثل محمدی و رضا عباسی ادامه یافت.

بهزاد اگرچه مشهورترین هنرمند عصر خود و پس از آن است اما تعداد انگشت شماری از آثار، امضای اصیل او "عمل العبد بهزاد" را برخود دارند. سال فوت بهزاد را دوست محمد با ذکر شعری از امیر دولت شاهی، "نظر افکن به خاک قبر بهزاد" (۹۴۲ ه. ق.) و در تبریز ذکر کرده است. از حوادث بسیار مهمی که اهمیت شخصیت و هنر بهزاد را روشن می کند، فرمانی است که شاه اسماعیل صفوی در ۲۷ جمادی الاولی سال ۹۲۸ ه. ق. برای کلانتری کتابخانه و کارگاه سلطنتی تبریز به او داده است و براساس آن، همهء مردم کتابخانهء همایونی، کاتبان و نقاشان و مذهبان و جدول کشان و حلکاران و زرکوبان و لاجوردشویان را به پیروی از او فراخوانده است.

مکتب نقاشی تبریز در دوران صفوی

شکل گیری سلسلهء صفوی در سدهء دهم ه. ق.، هم اتحاد و تحول مذهبی و سیاسی و هم تحول تاریخی- فرهنگی و شکوفایی هنری را برای ایران به ارمغان آورد. اسماعیل صفوی (۹۳۰-۸۹۲ ه. ق.)، نوهء شیخ صفی الدین اردبیلی، موسس و اولین پادشاه این سلسله، در سال ۹۰۷ ه. ق.، تبریز و آذربایجان را فتح کرد و سپس به تسخیر اصفهان، یزد، کرمان و جنوب خراسان پرداخت و در سال ۹۱۴ ه. ق.، بغداد و دیار بکر را از دست خاندان آق قویونلو بیرون آورد. بزرگ ترین اقدامی که شاه اسماعیل پس از این فتوحات به عمل آورد، پاکسازی شرق ایران از وجود ازبکان در سال ۹۱۶ ه. ق. بود. او پس از قتل شیبک خان ازبک به هرات رفت و این شهر را تصرف کرد. اگرچه گفته شده است که شاه اسماعیل پس از قلع و قمع ازبکان، برخی از هنرمندان کارگاه های هرات، از جمله استاد بهزاد را با خود به تبریز برده است، اما این احتمال چندان قابل اعتبار نیست، چرا که در آن ایام هنوز تبریز ثبات لازم برای گسترش کارگاه های دربار صفوی را نداشته است، مگر این که در هنگامهء غارت تبریز در سال ۹۲۰ ه. ق. توسط سپاهیان عثمانی و در بحبوحهء جنگ چالدران، همان طور که مصطفی عالی در مناقب هنروران گفته است، شاه اسماعیل به سبب علاقه به بهزاد، او را در غاری پنهان کرده باشد، و پس از خاتمه جنگ و یا دو سال پس از آن، هنگامی که طهماسب میرزای دو ساله به عنوان حاکم هرات در آنجا مستقر شد، هنرمندان و از جمله بهزاد مجدداً به همراه او به هرات بازگشته و در آنجا مانده باشند، تا سال ۹۲۸ ه. ق. که طهماسب میرزا به عنوان ولیعهد به تبریز مهاجرت کرد، در معیت او مجدداً از هرات به تبریز آمده باشند، چرا که فرمان کلانتری بهزاد بر امور کارگاه و کتابخانهء سلطنتی نیز مربوط به همان سال است.

در هر حال حضور بهزاد و برخی دیگر از هنرمندان هرات که با او به تبریز آمدند، تاثیر و نقشی مهم در شکل گیری مکتب نقاشی تبریز در نیمهء اول سدهء دهم داشته است. به علاوه، منسوب کردن استاد مجربی هم چون بهزاد به عنوان کلانتر کتابخانه، هم شخصیت برجسته او و هم اهمیت دادن شاه اسماعیل به رونق کارگاه های سلطنتی تبریز را نمایان می سازد، هم چنان که در دوران شاه طهماسب، دستاوردهای ارجمند این کارگاه و استادان آن به هنر ایران عرضه شد.

مکتب نقاشی تبریز که هنرمندان برجستهء آن میراث هنر ترکمان و تیموری را پشت سر گذارده بودند، به زودی آثاری بزرگ و شکوهمند را به وجود آورد. هنری که در



in the development of the Tabriz School of Painting in the first half of the 10th century AH. Behzâd's appointment to the direction of the royal library bespeaks the esteem in which Shâh Esmâ'il held the master, as well as his desire for the royal workshops of Tabriz to flourish, and indeed, superb works were created there under Shâh Tahmâsb.

The Tabriz School of Painting, whose illustrious artists were able to step beyond their heritage of Turkmen and Timurid art, soon gave birth to works of incomparable magnificence. In step with political changes occurring in the country, the art that took shape in this school first affected painting in Qazvin and Mashhad, and then reached Herat, Isfahân, Shiraz and elsewhere. The influence of Safavid art even crossed Iranian frontiers and, just as Iranian art had penetrated Bokhârâ in Timurid times, made its way into Turkey and India, whose painters went on emulating the work of Iranian artists for several centuries.

More than in any other period of Iranian art, paintings produced in the School of Tabriz in this era are grandiose and dazzling. They represent the peak of the mystical art of Iranian artists and depict scenes which can only be the products of a spiritual view of the world. It is as though the artists of the School of Tabriz have found the eyes of their hearts opened to truths concerning the real world which cannot be seen by those lacking spiritual vision. Their idyllic landscapes filled with lively flowery bushes, tall cypresses and blossom-covered trees create metaphoric images of paradise. Their works combine forceful character design, accomplished colouring and masterful composition with a meticulous decoration involving precise architectural elements and superb geometric and vegetal patterns. Their indigo-blue skies strewn with surreal clouds, the colorful birds flying among their foliages, and the angels appearing on earth every now and then, adding a spiritual and poetic touch to their works – all seem to indicate that the artists of the School of Tabriz have come to perceive the spiritual and the physical worlds as inseparable.

These characteristics are visible in the most outstanding works of the School of Tabriz, in the copies of Ferdowsi's Shâhnâmeh and *Nezâmi's Khamseh* prepared for Shâh Tahmâsb, as well as in the *Divân* -e Hâfez created for Sâm-Mirzâ.

The Safavid Tabriz School of Painting is inextricably linked with several illustrious artists, notably the incomparable Master Nezâm-od-Din Soltân-Mohammad, who raised painting to "heights yet unseen by the universe, which has witnessed a thousand things,"7 and who had mastered the Qezelbâsh manner better than all others when Behzâd came to 'Irâq from

این مکتب شکل گرفت تاثیرات خود را در وهلهء اول همراه با تحولات حاکمیت به قزوین و مشهد انتقال داد، سپس به هرات، اصفهان، شیراز و سایر نواحی رسوخ کرد. تاثیرات مکتب صفوی، مرزهای ایران را نیز پشت سر گذارد و هم چنان که هنر ایران در اواخر دوران تیموری به بخارا نفوذ کرد، به ترکیه و هند رخنه کرد و هنر نقاشی این سرزمین ها را تا چند سده تحت تاثیر کار هنرمندان ایرانی قرارداد. نقاشی های مکتب تبریز در این زمان، بیش از آثار هر دورهء دیگر در هنر ایران، شکوهمند و خیره کننده اند. این آثار اوج هنر عارفانه نگارگران ایرانی در پرداخت و ترسیم صحنه هایی را که جز با ادراک معنوی هنرمندان از جهان حاصل نمی شود، به نمایش می گذارد. گویی چشمِ دل هنرمندان مکتب تبریز به روی حقایقی از جهان واقع گشوده شده است که در نظر انسان های بی بهره از نگاه معنوی به عالم، پوشیده است: طراحیِ به قوت پیکرها در حالت های مختلف با پوشش های رنگین، ترکیب بندی های استادانه، تزیین صحنه های معماری با نقوش هندسی و گیاهی بسیار دقیق با استفاده از خطوط ظریف و رنگ های چشم نواز، منظره پردازی خیال انگیز که تصورات مثالی بهشت برین را با گل ها و بوته های رنگین و سروهای طناز در کنار درختان پرشکوفه تجسم بخشیده است، آسمان لاجوردی با ابرهای رویایی و مرغانی با پرهای رنگین که روی شاخسارها در پروازند و فرشتگانی که هر لحظه از آسمان به زمین می آیند تا فضایی روحانی و شاعرانه را تصویر کنند. چنین می نماید که جهان غیب و جهان ظاهر به طرزی یکپارچه در نظر هنرمندان مکتب تبریز و آثار ارجمند آنها نمایان شده است. این ویژگی ها در برجسته ترین آثار مکتب تبریز که برای نسخه های شاهنامه فردوسی و خمسه نظامی، که هر دو برای شاه طهماسب تهیه شدند و دیوان حافظ که برای سام میرزا ساخته شد، دیده می شو ند.

نام مکتب تبریز صفوی با نام هنرمندان برجسته ای درآمیخته است که برترین آنها "استاد نظام الدین سلطان محمد است که تصویر را به جایی رساند که با وجود هزار دیده، فلک مثلش ندیده"(۷) و در وقتی که بهزاد از هرات به عراق آمد، استاد سلطان- محمد روش قزلباش را بهتر از دیگران ساخته بود."(۸) آقامیرک، نقاشی از دارالسلطنهء اصفهان؛ میرمصور، که اصل او از بدخشان بود و اسمش منصور؛ شیخ- زاده، دوست محمد، دوست دیوانه، و پس از اینها؛ میرزا علی فرزند سلطان محمد، میرسیدعلی فرزند میرمصور، مظفرعلی، خواجه عبدالصمد، خواجه عبدالعزیز، شیخ محمد، قدیمی، عبدالوهاب ... و برخی دیگر.

از میان نسخه هایی که در کارگاه سلطنتی تبریز مصور شدند، افضل از همه، شاهنامهء فردوسی است که برای شاه طهماسب ساخته شد و خوشبختانه تعداد ۱۱۸ صفحهء مصور آن که از گرانقدرترین آثار نقاشی ایرانی هستند پس از انقلاب اسلامی به ایران بازگردانده شد، و ارایه ۳۱ مجلس آن در این نمایشگاه، توجه هرچه بیش تری را به میراث هنر نگارگری ایران معطوف می کند. سرگذشت این شاهنامه، نمونه ای است از حرمانی که بر بسیاری از میراث گرانبهای هنر ایرانی، اعم از نسخه های خطی و غیره در طی سده های اخیر گذشته است. این سرگذشت ها، مصایبی هستند که بر زیباترین و لطیف ترین آثار وجودی انسان ها رفته است و دل هر صاحبدلی را به درد می آورد.

پس از سال های دراز کشمکش، جنگ و خونریزی های مکرر میان صفویان و عثمانی ها، سرانجام در سال ۹۶۹ ه.ق. عهدنامهء آماسیه میان شاه طهماسب و شاه سلیمان عثمانی به جنگ و ناملایمات و مخاصمات میان دو کشور پایان داد(۹). پس از فوت شاه سلیمان در سال ۹۷۴ ه.ق.، شاه طهماسب برای تداوم و استحکام آن عهدنامه با سلطان سلیم دوم، هیئتی مرکب از صاحب منصبان و بازرگانان را با جواهرات و پیشکش های با ارزش، از جمله یک نسخهء خطی قرآن کریم و شاهنامهء فردوسی، که برای خود شاه کار شده بود به دربار او فرستاد. این نسخه در حالی که یادداشت های کتابدار سلطان سلیمان سوم، عنوان هریک از نگاره های آن را مشخص نموده بود، تا اواخر سده هیجدهم م. در کتابخانهء دربار عثمانی موجود بوده است(۱۰) و پس از آن تا مدت ها از آن اطلاعی در دست نبود، تا آن که سرانجام در سال ۱۹۰۳ م.، در نمایشگاه هنر اسلامی پاریس ظاهر شد در حالی که توسط بارون ادموند دو روچیلد (Baron Edmond de Rothschild) به نمایشگاه امانت سپرده شده بود. این نسخه سپس در سال ۱۹۵۹ م. توسط آرتور هوتون (Houghton Arthur) خریداری شد. پس از چندی آقای هوتون ۷۸ صفحهء مصور آن را برای رهایی از بدهی مالیاتی به موزه متروپولیتن نیویورک می دهد (۱۹۷۰). از آن پس تعدادی دیگر از صفحات مصور آن- در مجموع ۶۲ صفحه- در حراجی های مختلف به مجموعه داران فروخته شد تا آن که در سال ۱۳۷۳ ه.ش.، باقیماندهء صفحات آن، مشتمل بر ۱۱۸ نگاره و جلد سوخت طلایی و باقی صفحات متن، به وطن بازگردانده شد.(۱۱) یکی از نگاره های مجموعهء ارائه شده در نمایشگاه

Herat;[8] Âqâ-Mirak, a painter from the court at Isfahân; Mir-Mossavver, who came from Badakhshân and whose name was Mansoor; Sheikhzâdeh, also known as Doost-Mohammad, or Doost-e Divâneh; followed by Soltân-Mohammad's son, Mirzâ-'Ali; Mir-Mossavver's son, Mir-Seyyed-'Ali; Mozaffar-'Ali; Khâjeh 'Abd-os-Samad; Khâjeh 'Abd-ol-'Aziz, Sheikh Mohammad; Qadimi; 'Abd-ol-Vahhâb .

The most magnificent manuscript illustrated in the royal workshops of Tabriz was the copy of Ferdowsi's *Shâhnâmeh* prepared for Shâh Tahmâsb. Fortunately, 188 illustrated pages of this book, whose paintings rank among the most precious achievements of Iranian art, were returned to Iran after the Islamic revolution, and the inclusion of 31 of its scenes in the current exhibition further emphasises the wealth of Iranian painting. The fate of this *Shâhnâmeh* is a sad example of the misfortune that has befallen much of this country's valuable artistic heritage in recent centuries.

After long years of incessant skirmishes and bloody battles between Safavid Iran and the Ottoman Empire, the Treaty of Amasia, signed in 969 AH between Shâh Tahmâsb and Shâh Solaymân, put an end to the hostilities.[9] After Shâh Solaymân's death in 974 AH, in an attempt to consolidate the terms of this treaty with Sultan Salim II, Shâh Tahmâsb dispatched a mission of high-ranking officials and traders to his court, sending him jewels and other valuable presents, including a Holy Koran and a copy of Ferdowsi's *Shâhnâmeh* prepared especially for the king himself. This *Shâhnâmeh*, whose illustration titles were listed among the notes of Sultan Salim's librarian, was part of the collection of the Ottoman Court Library until late in the 18th century [10],when its whereabouts became unknown. It reappeared in 1903, on loan from Baron Edmond de Rothschild to the Exhibition of Islamic Art, Paris. In 1959, it was bought by Arthur Houghton, who, with tax exemptions in mind, donated 78 of its illustrated pages to the Metropolitan Museum in 1970. Since then, other illustrated pages of this manuscript (62 in total) have been sold in different auctions, and the remaining 118 illustrated pages and the gilded and burnished cover have been brought back to Iran.[11] One of the paintings on display, *Bahrâm Chubin Slaying Sâveh Shâh*, belongs to the Rezâ 'Abbâsi Museum and was acquired in 1977.

Another important manuscript, whose illustrations are probably the work of artists active in Tabriz in the early second half of the 10th century AH, is a copy of Nezâmi's *Khamseh* preserved at the Library of Shahid Motahhari Theological School (No. 0400). The paintings of this book, which cover its pages entirely, reveal the influence of the early 10th century art of the Turkmen courts of Tabriz. This *Khamseh* was written by Morshed ebn-e Khâjeh Mirak Shirâzi in 956 AH and contains 20 superb paintings and 4 unsigned illuminated frontispieces.

With their dense compositions and rich palette, the paintings of this manuscript extend beyond the top margins of the pages, so that an important part of the compositions, which depicts different scenes of the narrative, occur above them. These paintings appear within tall rectangular frames and are similar in their details and atmosphere to the paintings of an early 10th century (901-911 AH) *Khamseh* preserved at the Cairo Museum. Apparently, the preparation of the illustrations of this old *Khamseh* was begun before the Safavids' accession to power in Tabriz and continued into the early years of Shâh Esmâ'il's reign.

The transfer of the capital from Tabriz to Qazvin, along with Shâh Esmâ'il's second thoughts regarding his support of painting workshops in the early years of the second half of the 10th century AH, caused the artistic production of these workshops to decline. At the same time, the migration of some artists from the royal workshops of Tabriz resulted in the dissemination across the country of the artistic heritage and

با عنوان "بهرام چوبین ساوه شاه را می کشد" متعلق به گنجینهء موزهء رضا عباسی است که‌در سال ۱۳۵۶ برای این موزه خریداری شده‌است .
نسخهء با اهمیت دیگری که می توان به آن اشاره کرد و نقاشی های آن احتمالاً آثار قلم هنرمندان تبریزی در اوایل نیمهء دوم سده دهم است ، خمسهء نظامی به شمارهء (۰۴۰۰) است که در کتابخانهء مدرسهء عالی شهید مطهری نگهداری می شود. مجالس نقاشی این کتاب که تمام صفحه را فراگرفته اند ، تأثیراتی از نقاشی اوایل سدهء دهم ه. ق. دربارهای ترکمان تبریز را نشان می دهد. این نسخه به خط مرشد ابن خواجه میرک شیرازی به سال ۹۵۶ ه. ق. کتابت شده و دارای ۲۰ نگارهء عالی و چهار سرلوح مذهب بدون امضاء است.

نقاشی های این نسخه با ترکیب های فشرده و پرکار و رنگ آمیزی غنی ، در قسمت بالا ، فراتر از خط افقی کادرِ پیش بینی شده ادامه یافته است ، به طوری که بخش مهمی از ترکیب ها که فرازی دیگر از روایت و مضمون داستان را نشان می دهد ، در بالای تصویر اجرا شده است. ترکیب این نقاشی ها در کادرِ مستطیل عمودی بلند و شیوهء پرداخت جزییات و فضاسازی های آنها شبیه به نگاره های خمسه ای متعلق به موزهء قاهره ، مربوط به اوایل سدهء دهم ه. ق. است (۹۱۱ - ۹۰۱ه. ق.). ظاهراً ساخت نگاره های این خمسهء قدیمی پیش از به قدرت رسیدن صفویان در تبریز شروع شده و تا سال های اولیهء به قدرت رسیدن شاه اسماعیل ادامه یافته است.

انتقال پایتخت از تبریز به قزوین و به موازات آن ، تغییر رویهء شاه طهماسب در ادامهء حمایتش از کارگاه های مصورسازی در اوایل نیمهء دوم سدهء دهم ه. ق. موجب کاهش تولیدات هنری این کارگاه ها شد. در همان حال پراکنده شدن و مهاجرت برخی از هنرمندان کارگاه های سلطنتی سبب شد تا میراث هنر و تجارب گرانبهای هنرمندان مکتب تبریز به مراکز دیگر انتقال یابد.

در اینجا لازم است به نقاشی های دو نسخهء ارایه شده در نمایشگاه که احتمالاً در تبریز و یا تحت تأثیر شیوهء نگارگران مکتب تبریز شکل گرفته اند اشاره شود. یکی از این نسخه ها کتاب پنج گنج عبدالرحمن جامی است که در سال ۹۲۸ ه. ق. به قلم علی الحسینی هروی کتابت شده و به شماره ۷۰۹ در کتابخانه موزه کاخ گلستان نگهداری می شود. ده نگارهء زیبای این نسخه بدون امضاء ، اما منتسب به نقاشان مکتب تبریز و شاگردان استاد بهزاد است. نقاشی های این نسخه نشانه ها و تأثیراتی قوی از مکتب بهزاد و شاگردان او را در خود دارند. این موضوع را می توان از انتساب هایی که بعداً صورت گرفته و روی هریک از نگاره ها نام نقاش اضافه شده است نیز به خوبی دریافت. با توجه به تاریخ نسخه (۹۲۸ ه. ق.) ممکن است نگاره های این کتاب هنگام عزیمت بهزاد به تبریز و انتساب او به کلانتری کتابخانه و کارگاه سلطنتی تبریز به سرپرستی او و توسط شاگردانش ساخته شده باشند. نگاره هایی از این نسخه که در نمایشگاه ارایه شده است منتسب به مقصود ، مظفرعلی ، قاسم علی چهره گشا و سلطان محمد شاهی است.

نسخهء دیگر ، خمسهء نظامی به تاریخ ۹۳۳ ه. ق. متعلق به موزه ملی ایران به شماره ۴۳۶۳ است. محل ساخته شدن تصاویر این خمسه اگرچه مشخص نیست ولی نگاره های زیبای آن تأثیرات مکتب تبریز در نیمهء اول سدهء دهم ه. ق. را به خوبی نشان می دهند. در عین حال بخش بندی ساده و هندسی این نگاره ها با کادرهای مرتب ، ترسیم زمین با پوشش گیاهی کم پشت و تنُک ، ویژگی های مکاتب نگارگری شیراز و هرات را در خود دارند.

در این میان باید به انتساب ابراهیم میرزا (۹۸۴-۹۴۶ه. ق.) به حکمرانی مشهد اشاره کرد که در آنجا با راه اندازی کتابخانه و کارگاه سلطنتی کتاب سازی ، تعدادی از هنرمندان مکتب تبریز و کتابخانهء عمویش شاه طهماسب را به دربار خود فراخواند. برجسته ترین محصول کارگاه دربار ابراهیم میرزاء نسخهء مصور هفت اورنگ جامی است که به حمایت این شاهزاده و برای او ساخته شد و جای آن در این نمایشگاه خالی است. این نسخه هم اکنون جزو مجموعهء گالری فریر است و نگاره های آن از زیباترین آثار نگارگری ایران در نیمهء دوم سدهء دهم ه. ق. به شمار می آیند. هنرمندانی چون میرزا علی ، مظفرعلی و شیخ محمد در نقاشی مجالس این نسخه هنرنمایی کرده اند. ضمن این که نگاره های آن تحولات و دگرگونی تجارب هنرمندان دربار صفوی را در فاصلهء میان ساخته شدن شاهنامه و خمسه طهماسبی در نیمهء اول سده دهم تا آثار نیمهء دوم همین سده در مشهد ، به خوبی نشان می دهد.

invaluable experience of the School of Tabriz.

Two manuscripts included in the exhibition, whose illustrations were probably painted in Tabriz or under the influence of the School of Tabriz, need to be mentioned here. One is a copy of 'Abdor-Rahmân Jâmi's *Panj Ganj*, written in 928 AH by 'Ali al-Hosseini al-Heravi and preserved at the Golestân Palace-Museum Library (No. 709). The ten exquisite paintings of this manuscript are unsigned, but attributed to Master Behzâd's pupils in the School of Tabriz. Indeed, they display all the characteristics of the school of Behzâd and his disciples. This is attested to by later attributions, which include the painters' names. In view of its creation date (928 AH), the illustrations of this manuscript may have been painted by Behzâd and his pupils during the master's stay in Tabriz at the head of the royal library and workshops. The paintings of this manuscript selected for the present exhibition are attributed to Maqsood, Mozaffar-'Ali, Qâssem-'Ali Chehregoshâ and Soltân-Mohammad Shâhi.

Another copy of Nezâmi's *Khamseh*, dated 933 AH, is in possession of the National Museum of Iran (No. 4363). Although their origins are unknown, the splendid illustrations of this manuscript bear the unmistakable influence of the School of Tabriz in the first half of the 10th century AH. At the same time, the simple, geometric divisions of these paintings into orderly frames and the sparse vegetation of their backgrounds are evocative of the characteristics of the schools of Shiraz and Herat. In this context, mention should be made of Ebrâhim-Mirzâ's (946-984 AH) appointment to the governorship of Mashhad, where he established a royal library, gathering several artists from the School of Tabriz and the library of his uncle, Shâh Tahmâsb, in its workshops. The most excellent product of Ebrâhim-Mirzâ's court workshops, unfortunately absent from the exhibition, was an illustrated copy of Jâmi's *Haft Owrang* prepared for and under the patronage of this prince. Today, this manuscript is part of the Freer Gallery of Art's collections and its illustrations rank among the most beautiful Iranian paintings from the second half of the 10th century AH. Such great artists as Mirzâ-'Ali, Mozaffar-'Ali, and Sheikh Mohammad have contributed to its illustrations, which clearly show the evolution of Safavid court painting from the creation of Shâh Tahmâsb's *Shâhnâmeh* and *Khamseh* in the first half of the 10th century AH to the books produced in Mashhad in its second half.

The Qazvin School of Painting in the second half of the 10th century AH

After Shâh Tahmâsb's death, Esmâ'il-Mirzâ ascended to the throne as Shâh Esmâ'il II. His reign, however, lasted no more than 16 months, coming to an end on Ramadan 13th, 985 AH with his death by opium poisoning. His accession to the throne came after a twenty-year-long detention, which probably explains his embittered, cruel character. Indeed, during his brief reign, he had many members of the royal family, including three of his brothers and his cousin Ebrâhim-Mirzâ, the governor of Mashhad and patron of Jâmi's *Haft Owrang,* assassinated.

Notwithstanding his ill temper and the atrocities he committed, Shâh Esmâ'il II summoned several painters from Mashhad, Tabriz and Shiraz to Qazvin, entrusting them with the mission of reviving the royal library and its auxiliary workshops, and even commissioning a copy of the *Shâhnâmeh*. Thus, during Shâh Esmâ'il's tumultuous reign in Qazvin (984 AH), calligraphic and artistic work began on a Shâhnâmeh, which appears to have never come to fruition, even though fifty paintings were completed. Shâh Esmâ'il II's *Shâhnâmeh,* as it is known, was as ill fated as many other masterpieces of Iranian painting. After being exhibited in the early 20th century in Paris by the art collector and dealer, Demotte, it was torn into separate



مکتب نقاشی قزوین در نیمهء دوم سدهء دهم ه. ق.

پس از فوت شاه طهماسب، اسماعیل میرزا که به شاه اسماعیل دوم شهرت یافت به حکومت رسید، اما حکومت او بیش از ۱۶ ماه دوام نیافت و در اثر استعمال معجون افیون دار آغشته به زهر، مسموم شد (۱۳ رمضان ۹۸۵ه. ق.) او در شرایطی به سلطنت رسید که نزدیک به بیست سال از عمرش را در زندان سپری کرده بود و احتمالاً همین عامل، خلق و خوی او را به روحیه ای ناهنجار و سبعانه مبدل ساخته بود به طوری که در مدت کوتاه حکومت خود، تعداد زیادی از اعضای خانوادهء سلطنتی، از جمله سه برادرش و پسرعمویش، ابراهیم میرزا، حاکم مشهد و سفارش دهندهء هفت اورنگ جامی را به قتل رساند.

شاه اسماعیل دوم، علی رغم بدخویی ها و فجایعی که به بار آورد، برخی از نگارگران تبریز، مشهد و شیراز را برای احیاء کتابخانه سلطنتی و کارگاه مصورسازی به قزوین فراخواند و ساخت نسخه ای از شاهنامه را به آنها سفارش داد. بدین ترتیب در دوران پرتلاطم حکومت شاه اسماعیل دوم در قزوین (۹۸۴ه. ق.)، تدوین و مصورسازی نسخه ای از شاهنامه شروع شد که با وجود تهیه ۵۰ نگاره برای آن، به نظر می رسد هیچگاه به پایان نرسید. این نسخه که به شاهنامه شاه اسماعیل دوم معروف است، سرنوشتی همچون بسیاری دیگر از شاهکارهای نگارگری ایران داشت. پس از به نمایش گذاشته شدن آن در اوایل سده بیستم در پاریس، توسط مجموعه دار و دلال نسخه های خطی پاریس- دموت- شیرازهء آن از هم گسیخته و اوراق آن به طور جداگانه به فروش رسید. تعدادی از نگاره های ارزش‌مند این شاهنامه که متعلق به موزه رضا عباسی است در این نمایشگاه ارایه شده و کیفیت هنر نگارگران آن را به ما نشان می دهد. در میان تصویرگران این شاهنامه رقم این هنرمندان به چشم می‌خورد: سیاوش گرجستانی، صادق بیگ افشار، علی اصغر کاشانی، میرزین-العابدین و مراد.

نگاره های این شاهنامه اگرچه از نظر زیبایی و کیفیت ساخت با نگاره های شاهنامه طهماسبی قابل قیاس نیستند، و از نظر اجرا و پرداخت بسیار ساده تر به نظر می‌رسند، اما به کلی بی ارتباط با آنها هم نیستند، بلکه تحول و ادامهء شیوه اساتید دربار شاه طهماسب و برادرزاده اش ابراهیم میرزا، را در هفت اورنگ نشان می دهند. پس از مدت کوتاه سلطنت شاه اسماعیل دوم و دوران حکومت برادر نابینایش محمد خدابنده، به دلیل وجود نابسامانی های داخلی و تهدیدات عثمانی ها و ازبک ها در غرب و شرق کشور، کارگاه های مصورسازی مجدداً از رونق افتادند و بازار نقاشی و ساخت نسخه های مصور به کسادی گرایید. نابینایی محمد خدابنده نیز احتمالاً

pages, which were sold to different buyers. A few precious pages of this *Shâhnâmeh*, which belong to the Rezâ Abbâsi Museum, are included in the current exhibition. They are signed Siâvash Gorjestâni, Sâdeq-Beik Afshâr, 'Ali-Asghar Kâshâni, Mir-Zein-ol-'Âbedin, and Morâd.

Although not comparable in terms of beauty and quality to those of Shâh Tahmâsb's *Shâhnâmeh*, and appearing much more simply executed and finished, the illustrations of this Shâhnâmeh are not altogether unrelated to them. They serve to show the evolution and the continuation of the style of the masters active at Shâh Tahmâsb's court and his nephew, Ebrâhim-Mirzâ, in the *Haft Owrang*.

After the brief reign of Shâh Esmâ'il II and that of his blind brother, Mohammad Khodâbandeh, internal turmoil and persistent Ottoman and Uzbek menace on the country's western and eastern borders caused illustration workshops to again decline, and illustration painting came to a standstill. Mohammad Khodâbandeh's blindness probably explains his indifferent attitude towards painting. It also probably explains the renewed migration of artists previously summoned to work at Shâh Esmâ'il's royal library in Qazvin. At the same time, the artists' shift to taking inexpensive commissions, in the absence of royal patronage, gave birth to a distinct, simpler style of design and drawing involving more popular subjects, as can be seen in the works of Mohammadi, Sheikh Mohammad and Sâdeqi. This manner later formed the basis of the experimentation of the artists of the School of Isfahân.

At the end of Mohammad Khodâbandeh's reign, 'Abbâs-Mirza (the future Shâh 'Abbâs the Great), then aged 17 and governor of Herat, came to Qazvin and seized the throne. Shâh 'Abbâs reigned some 42 years, until 1038 AH. A keen admirer of painting, architecture and urban planning, he immediately appointed Sâdeq-Beig Afshâr (an accomplished poet and a skilled painter who had learned his art under Mozaffar-'Ali and served at the courts of Shâh Tahmâsb and Shâh Esmâ'il) director of the royal library.

Two very important manuscripts containing exquisite illustrations painted in the royal workshops of Qazvin during the reign of Shâh 'Abbâs I are on display in the exhibition. While remaining faithful to the style of the School of Tabriz, these illustrations display the evolution of Iranian painting in the closing years of the 10th and the early years of the 11th century. One of these manuscripts, the *Qavâm Shâhnâmeh*, written in 1000 AH by Qavâm-od-Din Mohammad Shirâzi and preserved at the Rezâ 'Abbâsi Museum, contains 38 paintings, eight of which are on display. The other is a copy of the *Shâhnâme-ye Qâssemi*, which describes Shâh Tahmâsb's military feats as compiled by Mirzâ Qâssem Gonâbâdi. Of its eleven illustrations, painted in 1000 AH in the manner of Shâh Tahmâsb's and Shâh Esmâ'il's *Shâhnâmehs*, three are exhibited here.

Another important manuscript on display, of which several illustrations are reproduced here, is the *Ahsan-ol-Kebâr*. Probably created in Qazvin, it is a compilation of narratives concerning the lives of the Holy Prophet and the Holy Imams. Featuring simple geometric compositions, accurate tonal gradation and a rich palette, the superb paintings of this manuscript depict scenes of the Shi'ite creed.

The schools of painting of Isfahân

In the early 11th century AH, the capital was transferred from Qazvin to Isfahân. Artists active in Qazvin and other important cities began migrating towards Isfahân, which became the country's centre of artistic activities. Painting workshops flourished and, in addition to book illustration, wall-painting became popular in the decoration of palaces and mansions. Under Shâh 'Abbâs, increased commercial and political relations

دلیل عدم توجه او به امور نگارگران بود. همین موضوع شاید دلیل موجهی برای رکود، پراکنده شدن و مهاجرت مجدد هنرمندانی بود که قبلاً برای کار در کتابخانه سلطنتی شاه اسماعیل دوم به قزوین فراخوانده شده بودند. در عین حال روی آوردن هنرمندان به اجرای آثار و انجام سفارش های کم هزینه به دلیل نبود حامیان با اعتبار سلطنتی، باعث ایجاد جنبه ها و روش خاصی از طراحی و نقاشی ساده تر و با موضوعات عام تر در آثار محمدی، شیخ محمد و صادقی گردید. همین روش در سال های بعد پایه و اساس تجربیات هنرمندان مکتب اصفهان شد.

در پایان حکومت محمد خدابنده، عباس میرزای هفده ساله که حکمرانی هرات را داشت، و بعدها به شاه عباس کبیر شهرت یافت، به قزوین آمد و قدرت را به دست گرفت. شاه عباس حدود چهل و دو سال، تا سال ۱۰۳۸ ه. ق. حکومت کرد. او همچنان برای سایر فنون از جمله معماری و شهرسازی، و هنر نقاشی نیز اهمیتی فوق العاده قایل بود و از همان ابتدا صادق بیگ افشار را که شاعر و نقاشی مجرب بود، و نقاشی را نزد مظفرعلی آموخته و قبلاً در دربار شاه طهماسب و شاه اسماعیل دوم نیز هنرآفرینی کرده بود، به مدیریت کتابخانه سلطنتی گمارد.

دو نسخهء بسیار مهم که در قزوین تهیه شده و دارای نگاره های بسیار زیبایی از نقاشان کارگاه شاه عباس اول هستند در نمایشگاه ارایه شده اند. نگاره های این دو نسخه، ضمن وفاداری به اسلوب نقاشان مکتب تبریز، ادامه تحولات نقاشی ایرانی در سال های آخر سده دهم ه. ق. و اوایل سده یازدهم را نشان می دهند. یکی از این دو نسخه شاهنامه قوام متعلق به موزه رضا عباسی است که به خط قوام الدین محمد شیرازی در سال ۱۰۰۰ هـ. ق. کتابت شده و از مجموع ۳۸ نگاره آن، هشت نقاشی در نمایشگاه ارایه شده است. دیگری نسخه ای از شاهنامه قاسمی تألیف میرزا قاسم گنابادی و در وصف کشورگشایی های شاه طهماسب است. از مجموع ۱۱ نگاره این نسخه که در سال ۱۰۰۰ه. ق. و به پیروی از سبک و سیاق نگاره های شاهنامه طهماسبی و شاهنامه شاه اسماعیل دوم ساخته شده اند، سه نگاره آن در نمایشگاه به‌چشم می خورد.

نسخهء مهم دیگری که در نمایشگاه ارایه و تصاویری از آن در اینجا آورده شده، کتاب احسن الکبار است. این نسخه که احتمالاً در قزوین ساخته شده، روایات و داستان های مربوط به زندگی حضرت رسول (ص) و ائمه اطهار را توصیف می کند. نگاره های بسیار زیبای این نسخه با ترکیب های هندسی و ساده، رنگ بندی دقیق و رنگ آمیزی غنی، مجالسی از موضوعات مذهب شیعه را تجسم بخشیده‌اند.

مکتب نقاشی اصفهان

در اوایل سدهء یازدهم، پایتخت از قزوین به اصفهان انتقال یافت و هنرمندان قزوین و سایر شهرهای مهم به اصفهان روی آوردند و این شهر مرکز فعالیت های هنری شد. کارگاه های نقاشی رونق یافت و علاوه بر نقاشی کتاب، دیوارنگاری برای تزیین عمارات و کاخ ها انجام گرفت. در روزگار شاه عباس براثر گسترش ارتباط تجاری و سیاسی با کشورهای اروپایی و هندوستان و انتقال ارامنه جلفا به اصفهان، پاره ای از ویژگی های نقاشی غرب نیز به هنر ایران راه یافت. در برخی از دیوار نگاره های کاخ های سلطنتی اواخر دوران شاه عباس و هم چنین در نگاره های این زمان، تأثیر و نفوذ شیوه های نقاشی اروپایی کاملاً هویداست. از حضور نقاشان اروپایی که در خدمت دربار اصفهان بوده اند نیز گزارش هایی وجود دارد و نام چند نقاش هلندی نیز ذکر شده است، از جمله لوکاس وان هسولد، و ژان هلندی و نقاشی به نام ژول که یونانی الاصل و بزرگ شده ایتالیا بوده و بنا به گزارش فیگوئرا، سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس، در حدود سال ۱۰۲۷ ه.ق. برای یکی از کاخ های شاه نقاشی کرده است. در زمان شاه عباس دوم نیز نقاشانی برای دربار اصفهان کارکرده اند. از جمله دو نقاش به نام های فیلیپ آنجل و لوکار، که از طرف کمپانی هند شرقی، برای آموزش طراحی به شاه عباس دوم اعزام شده بودند. (۱۲)

به طورکلی در سدهء یازدهم، علاوه بر کتاب آرایی که به دلیل هزینه های سنگین آن منحصراً توسط دربار حمایت می شد، نقاشی به صورت دیوار نگاره و رقعه های مصور نیز گسترش یافت و علاوه بر دربار، سفارش هایی نیز از جانب تجار و متمولین به هنرمندان نقاش ارجاع می شد. همین موضوع باعث رونق رقعه سازی با هزینه های مختصر گردید، به طوری که نقاشان در رقعه های مصور از رنگ کم تری استفاده می کردند و یا کار را با طراحی به پایان می بردند. آنها عموماً پسزمینه را با چند شاخ و برگ و یا ترسیم خطی مقداری ابر و بدون رنگ آمیزی تزیین می کردند. موضوع در این رقعه ها عبارت از ترسیم پیکر شاهزادگان، نجبا و یا زن و مردی جوان به صورت منفرد و ایستاده یا نشسته بود. این جریان از یک سو باعث رونق چهره سازی و از سوی دیگر توجه بیشتر به طراحی از اندام انسان ها و در نتیجه رعایت دقیق تر تناسبات و شبیه سازی گردید.

with European countries and India, along with the transfer of the Armenians of Jolfâ to Isfahân, enabled some features of Western painting to find their way into Iranian art. Some wall paintings executed in royal palaces near the end of Shâh 'Abbâs' reign, as well as paintings executed in the same period, clearly show the influence of European painting styles. Records also exist of European painters working at the court in Isfahân, including several Dutch painters, such as Lucas van Hesveld and Jean le Hollandais, as well as a painter by the name of Jules, who was born in Greece and grew up in Italy. According to Figueroa, the Spanish Ambassador to the court of Shâh 'Abbâs, Jules executed wall paintings in one of Shâh 'Abbâs' palaces in 1027 AH. A number of foreign artists, including Philippe Angel and Lokar, sent by the East Indian Company to teach drawing to the Shâh, also worked at the court in Isfahân under Shâh 'Abbâs II.[12]

Generally speaking, during the 11th century AH, the costly arts of the book were supported exclusively by the court. Wall-paintings and single-page works of art were also in demand, commissioned by rich merchants and dignitaries as well as by the court. This popularity encouraged the production of inexpensive single-page paintings, which artists created using less paint or in the form of succinct sketches. A few leafy branches or colourless cloud outlines adorned the backgrounds of these paintings, whose subjects consisted of portraits of princes, noblemen or young men or couples depicted standing or sitting. This trend caused portrait painting to prosper and greater attention to be paid to the anatomy and proportions of the human body.

The most renowned figure among the multitude of painters active in this period was Rezâ 'Abbâsi. Yet, despite extensive scholarly studies carried out in this regard, his personality remains more or less obscure. One reason for this uncertainty is that several artists by the same name, or with the same signature, have existed at different times. Moreover, Qâzi Ahmad's description, in his *Golestân-e Honar,* of a painter named Âqâ-Rezâ, who was so infatuated with wrestling that he abandoned painting and was banned from the court, further added to this ambiguity. This painter was the son of the talented portraitist Mowlânâ 'Ali-Asghar Kâshâni, who had been admitted to the court of Shâh 'Abbâs I when only a youth and later been given the title Rezâ Mossavvar-e Khâsseh. In any case, the illustrious Rezâ 'Abbâsi signed his works "Raqam-e Kamineh Rezâ 'Abbâsi," as can be seen on his paintings after 1020 AH.

Rezâ 'Abbâsi's style tends towards reproducing nature and recording the natural motions and postures of his characters in a simple, fluid manner. His sketching relies on smooth sinuous lines of the brush or the reed pen, and his pen strokes emulate the curvatures of the *shekasteh nasta'liq* script. Rezâ 'Abbâsi's style was emulated by his pupils into the early 12th century AH. Following his working methods and sketching style, his numerous disciples developed his art into a purified style which became predominant in the Isfahân School of Painting. Hence, the School of Isfahân has always been also known as the School of Rezâ 'Abbâsi. Mohammad-Qâssem, Mohammad-Yussef, Mohammad-'Ali Tabrizi, Afzal al-Hosseini and Mo'in Mossavver were among Rezâ 'Abbâsi's followers. Mo'in Mossavver, one of master's pupils who remained most faithful to his style, has left behind a portrait of Rezâ 'Abbâsi, on which he has recorded his date of death as 1044 AH.

Besides innumerable single-page paintings, several manuscripts illustrated by Rezâ 'Abbâsi, including a copy of the *Divân* -e Hâfez with paintings bearing the master's signature (National Museum of Iran, Islamic Section), have reached us. Its text is signed by the calligrapher Shâh-Qâssem. This manuscript was written and painted from 1026 AH to 1028 AH and three of its five illustrated pages, signed "Raqam-e Kamineh Rezâ



از میان نقاشان بسیاری که در این دوران هنرآفرینی کرده اند، شهرت و رقم رضا عباسی بیش از همه شناخته شده است، اگرچه شخصیت او با وجود تحقیقات مفصلی که هنرشناسان انجام داده اند کمابیش در پرده ای از ابهام باقی مانده است. یکی از دلایل این ابهام وجود هنرمندان هم نام او و یا امضاءهای متفاوت او در دوره های مختلف است. ضمن این که مطالب قاضی احمد در گلستان هنر پیرامون نقاشی به نام آقا رضا که به ورزش کشتی علاقه ای مفرط داشته و همین موضوع سرانجام باعث کناره گیری او از نقاشی و طرد شدنش از دربار گردیده است نیز به ابهام دامن زده است. این نقاش فرزند مولانا علی اصغر کاشانی بوده که در چهره سازی مهارت داشته و در جوانی به دربار شاه عباس اول راه یافته و از او لقب "رضا مصور خاصه" دریافت کرده است. در هر حال هنرمند معروف رضا عباسی، با امضاء "رقم کمینه رضا عباسی" آثارش را رقم زده است و عموماً این امضا پس از سال ۱۰۲۰ ه. ق. در پای آثار او دیده می شود.

شیوه کار رضا عباسی با تمایل به بازنمایی طبیعت و ضبط حرکات و حالات طبیعی پیکرها بسیار ساده و روان است. در طراحی، از خطوط پرتحرک و سیال که به کمک قلم مو و نی قلم به وجود آمده اند بهره برده و قلم گیری هایش از همان پیچ و تابی برخوردار است که در خوشنویسی شکسته نستعلیق دیده می شود. شیوه کار رضا عباسی توسط شاگردانش تا اواخر سده یازده ه. ق. و حتی پس از آن ادامه یافت. شاگردان متعدد او روش کار و طراحی های او را به صورت پالوده تری ادامه دادند و این شیوه، روش مسلط نقاشی و طراحی در مکتب اصفهان شد. به همین دلیل همواره مکتب نقاشی اصفهان به نام مکتب رضا عباسی نیز شهرت یافته است. از میان شاگردان رضا عباسی می توان به محمد قاسم، محمد یوسف، محمدعلی تبریزی، افضل الحسینی و معین مصور اشاره کرد. نقاش اخیر، معین مصور را می‌توان از وفادارترین هنرمندان به شیوه استاد نام برد و پرتره ای نیز به قلم او از رضا عباسی باقی مانده است که در آن سال فوت استاد را ۱۰۴۴ ه. ق. ذکر کرده است. از آثار رضا عباسی علاوه بر رقعه های متعدد، نسخه های مصوری نیز، از جمله نقاشی های رقم دار یک نسخه از دیوان حافظ، متعلق به بخش دوران اسلامی موزه ملی ایران‌به جا مانده‌است. خوشنویسی این نسخه رقم شاه قاسم را دارد و بین سال‌های ۱۰۲۶ تا ۱۰۲۸ کتابت و نقاشی شده است و از پنج صفحهٔ مصور آن که "رقم کمینه رضا عباسی" را دارد، سه نقاشی آن در این کتاب عرضه شده‌است. علاوه براین تعدادی از آثار رقم دار رضا عباسی و شاگردان او در مرقع گلشن متعلق به موزه کاخ گلستان نیز در نمایشگاه ارایه شده است.

از میان نسخه های مصور و رقعه هایی که تحولات نقاشی مکتب اصفهان را نشان می دهند، می توان به نقاشی های سه نسخه بسیار مهم دیگر نیز اشاره کرد. یکی از آنها نقاشی های کتاب عالم آرای شاه اسماعیلی به شماره (۶۰۰)، متعلق به موزه

'Abbâsi," are being shown in the current exhibition. Several other works of Rezâ 'Abbâsi and his followers are also on display in the *Moraqqa'-e Golshan* that belongs to the Golestân Palace Museum.

Among the manuscript illustrations and single-page paintings that best demonstrate the evolution of the School of Isfahân, the paintings of three other very important manuscripts stand out. One is the *'Âlam-ârâ-ye Shâh Esmâ'ili* (Rezâ 'Abbâsi Museum, No. 600), which recounts the life and wars of Shâh Esmâ'il I. Of the nineteen paintings in this manuscript that are attributed to Mo'in Mossavver, three are presented in the exhibition. The imposing appearance of their characters and the succinct rendering of their architectural elements and landscapes have given the paintings of this book greater visual motion. The lines of text appearing above and below them display a simpler layout scheme as compared to their 11th century AH counterparts.

Another manuscript in this category is the Rezâ 'Abbâsi Museum's *Abu-Moslem Nâmeh*, which brings together paintings from the School of Isfahân under Shâh 'Abbâs II. Six illustrated pages of the *Shâhnâme-ye Rashidâ* are also included in the exhibition. Written by 'Abdor-Rashid Deilami in the first half of the 11th century AH and preserved at the Golestân Palace Museum (No. 2239), this manuscript contains 93 unsigned paintings, which are excellent examples of the purified and vivid style of the School of Isfahân.

The fate of Iranian painting

The outset of the 12th century AH saw political and social turmoil resulting from the inept rule of the corrupt and weak monarchs who came to power after Shâh 'Abbâs II. In the absence of traditional royal patronage, crude, unsophisticated works began replacing the beautiful and refined masterpieces of the past. Shâh 'Abbâs II's successor, Shâh Solaymân, who ruled from 1077 AH to 1105 AH, was a vile and violent drunkard. He was succeeded by his son, Shâh Soltân Hossein, who reigned until 1135 AH. The reign of this weak monarch, who became weary of running the country's affairs, led to utter chaos. Rebellion spread among warlords, and Safavid rule eventually came to an end under the assaults of Afghan hordes. Thereafter, until the early Qâjâr period, even though some painters active from late Safavid to mid Zand days were still alive and busy training pupils who were to found the Zand School of Painting, no notable works were created that have survived. The only important manuscript whose illustrations bear historic and artistic value, embodying the transition from late Safavid to early Qâjâr art, is Mirzâ Mehdi Astarâbâdi's *Târikh-e Jahângoshâ-ye Nâderi*, dated 1175 AH, which contains 23 superb paintings. Unfortunately, this manuscript is not part of the exhibition.

Besides a few inconsequential books, the most important illustrated manuscript created in Qâjâr times is the Golestân Palace Museum Library's *The Thousand and One Nights*, by 'Abd-ol-Latif Tasuji. This book consists of six illustrated volumes and its paintings were made between 1269 AH and 1276 AH by Sani'-ol-Molk and his pupils in Tehran.

The illustrations of this book display the Qâjâr style, evolved from late Safavid and Zand arts. Despite the influence of Western art, which has affected the evolution of Iranian painting ever since the Safavid period, the Qâjâr paintings in this manuscript exhibit due respect for the particularities and traditions of Iranian painting in their depictions of historic events.

The Indian Gurkâni Court school of painting

The influence of Iranian painting upon the arts of neighboring countries, including Gurkâni India, has already been mentioned.

رضا عباسی است که شرح زندگی و جنگ های شاه اسماعیل اول است. از نوزده نقاشی این نسخه که منسوب به معین مصور است، سه نقاشی آن در نمایشگاه ارایه شده است. نقاشی های این کتاب با شیوه سترگ نمایی پیکرها و پرداخت بسیار اندک به جزییات معماری و مناظر، از نظر بصری، تحرکی بیش تر را در تصویر به وجود آورده است و سطرهایی از متن که در پایین و بالای نقاشی ها آمده، شیوهٔ سهل الوصول تری را در کتاب آرایی سده دوازدهم نسبت به سدهٔ یازدهم نشان می دهد.

نسخهٔ دیگر، کتاب ابومسلم نامه متعلق به موزه رضا عباسی است که نقاشی هایی از مکتب اصفهان مربوط به دورهٔ شاه عباس دوم را نشان می دهد. شش صفحهٔ نقاشی شده ازشاهنامه رشیدا نیز در این کتاب ارایه شده است. این نسخه توسط عبدالرشید دیلمی در نیمه نخست سدهٔ یازدهم ه. ق. کتابت شده و دارای ۹۳ نگاره بدون امضا است و به شماره ۲۲۳۹ در موزه کاخ گلستان تهران نگهداری می شود. نگاره های این نسخه نمونه های بسیار زیبایی از شیوهٔ پالوده و جاندار مکتب نقاشی اصفهان را به نمایش می گذارد.

سرانجام نقاشی ایرانی

از آغاز سدهٔ دوازدهم ه. ق. با وجود نابسامانی های سیاسی و اجتماعی ناشی از حکومت های ناصالح و ضعیفی که پس از شاه عباس دوم برسرکار آمدند و نبود حمایت های سنتی از هنرمندان نقاش، به تدریج ظرافت و زیبایی در آثار نقاشی جای خود را به ناپختگی و زوال سپرد. جانشین شاه عباس دوم، شاه سلیمان که از سال ۱۰۷۷ تا ۱۱۰۵ه. ق. سلطنت کرد، مردی به غایت خشن، لاابالی و باده گسار بود. پس از او فرزندش شاه سلطان حسین به جایش نشست و تا سال ۱۱۳۵ ه. ق. سلطنت کرد. در روزگار شاه اخیر که رسیدگی به کار مملکت را از حوصلهٔ خود خارج می دانست، شیرازه امور از هم گسیخت. شورش ها و تجاوز اُمرا آغاز شد و سرانجام با حملات افاغنه، روزگار دولت صفوی پایان گرفت. از آن هنگام تا اوایل دوران قاجار، علی رغم این که برخی از نقاشان اواخر دوره صفوی تا اواسط دوران زندیه در قید حیات بودند و سپس با تربیت شاگردانی مکتب نقاشی زندیه را پایه گذاری کردند، آثاری درخور توجه به وجود نیامد. تنها نسخه مهمی که نقاشی های آن از کیفیت تاریخی و هنری برخوردار هستند و رابط میان تحولات نگارگری ایرانی در اواخر دوران صفویه تا دوران قاجار به شمار می آیند، کتاب تاریخ جهانگشای نادری، به قلم میرزا مهدی استرآبادی و به تاریخ ۱۱۷۵ه. ق. است که دارای ۲۳ نگاره با کیفیت عالی است و متأسفانه در این نمایشگاه ارایه نشده‌اند. گذشته از چند نسخهٔ انگشت شمار و کم اهمیت دوران قاجار، مهم ترین نسخه دارای نقاشی، کتاب هزار و یک شب عبداللطیف طسوجی، متعلق به کتابخانه موزه کاخ گلستان تهران است. این کتاب مشتمل بر شش مجلد مصور است و نقاشی های آن از سال ۱۲۶۹ تا ۱۲۷۶ه. ق. توسط صنیع الملک و شاگردانش در تهران انجام شده است. نگاره های این کتاب شیوهٔ نقاشی دوران قاجار را که بر پایه تحولات نقاشی اواخر دوران صفوی و دوران زند شکل گرفته است به نمایش می گذارد. با وجود تأثیرات هنر مغرب زمین که باعث تحولات نقاشی ایرانی در دوران صفوی و پس از آن شد، شیوهٔ نقاشیِ قاجاریِ نگاره های کتاب هزار و یک شب، ویژگی ها و سنت های نقاشی ایرانی را پاس داشته و بر همان اساس شکل گرفته و تحولات تاریخی نقاشی ایرانی را باز می نماید.

مکتب نقاشی دربار گورکانیان هند

قبلاً درخصوص نفوذ و تأثیر نقاشی ایرانی در سرزمین های مجاور از جمله هنر دوران گورکانی اشاره شد. علی الظاهر وقتی که همایون، دومین پادشاه گورکانی هند (۹۶۳-۹۳۷ ه. ق.) به ایران آمد (۹۵۱ ه. ق.)، از شاه طهماسب تقاضا کرد که میرمصور را در عوض هزار تومان پیشکش با او به هند بفرستد. با شنیدن این حکایت پسرش میرسیدعلی نیز همراه پدر به هند شتافت. (۱۳) پس از این دو، عبدالصمد شیرین قلم نیز به هند رفت و در آنجا کار تهیه نسخه ای از حمزه نامه را آغاز کرد. در واقع از نیمه دوم سدهٔ دهم ه. ق. نقاشان ایرانی بسیاری به دربار گورکانیان هند مهاجرت کردند و با حضور آنها مکتب نقاشی مغولی هند شکل گرفت. تیموریان هند به ویژه همایون و پس از او اکبر و جهانگیر به هنر بسیار علاقمند بوده و توجهی خاص به نقاشان ایرانی دربار خود داشتند. این مسئله باعث شد تا در نیمه اول سدهٔ یازدهم ه. ق. نیز هنرمندان دیگری به هند سفر کنند، از جمله آقارضا هروی که از جهانگیر لقب "جهانگیری" گرفت و تصاویر حواشی برخی از صفحات مرقع گلشن که در نمایشگاه عرضه شده اثر قلم اوست؛ فرزند آقارضا جهانگیری، ابوالحسن نیز از جهانگیر لقب "نادرالزمان" دریافت کرد. همچنین فرخ بیگ، غلام، هاشم و منصور که لقب "نادرالعصر" از جهانگیر گرفتند، و محمد-

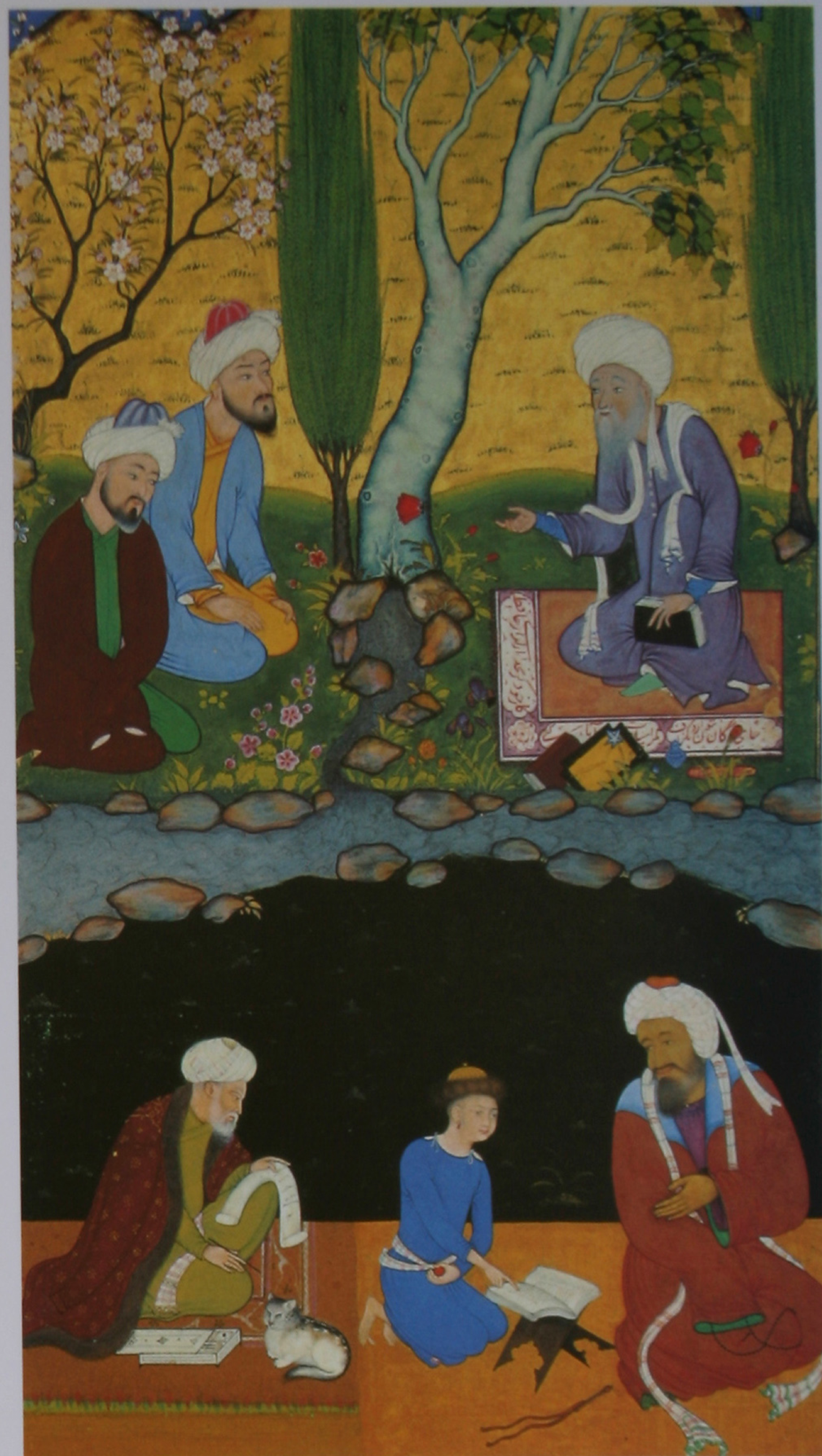
Apparently, when Homâyun (937-963 AH), the second Indian Gurkâni monarch, visited Iran (951 AH), he asked Shâh Tahmâsb to send Mir-Mossavver to his court in exchange for a gift of 1000 Tomâns. Upon hearing the news, the artist's son, Mir-Seyyed-'Ali, joined his father on the journey to India.[13] After them, 'Abd-os-Samad Shirin-qalam also went to India, where he began preparing a copy of the *Hamze Nâmeh*. In fact, many Iranian painters had migrated to the Indian court by the second half of the 10th century AH and it was because of their presence that the Indian Mongol School of Painting came into being. The Timurids of India, especially Homâyun, and after him Akbar and Jahângir, were keen admirers of the arts and held the Iranian painters residing at their courts in great esteem. This prompted more artists to join them in the first half of the 11th century AH. These included Âqâ Rezâ Heravi, who was given the title "Jahângiri" by Jahângir and is responsible for the margin paintings of some pages of the *Moraqqa'-e Golshan* included in the exhibition; his son, Ab-ol-Hassan, who was awarded the title of "Nâder-oz-Zamân;" Farrokh-Beig; Qolâm; Hâshem; Mansoor, given the title "Nâder-ol-'Asr" by Jahângir; and Mohammad-Shafi' 'Abbâsi. Their activity at the Indian court, alongside their Indian colleagues, brought immense prosperity to its library workshops.

While retaining the characteristics of indigenous Indian art, the painting style of the Indian Mongol court became intertwined with those of European painting under Homâyun's son, Akbar Shâh. The outcome of this fusion was a school that lasted some three centuries in India. Realistic portraiture and the decorative, naturalistic representation of floral elements became popular during Jahângir's reign and remained so until the 19th century.

The present exhibition offers a glimpse of the sphere of influence of Iranian art and culture and of the Persian language from the 10th to the 13th century AH, by displaying two very important, illustrated manuscripts and two albums containing works of Iranian artists and their Indian counterparts from this period. One of these manuscripts is the *Jâme'-ot-Tavârikh-e Rashidi,* dated 1004 AH. Its illustrations were mainly painted by local artists active at Jahângir's court (La'l, Meskin, Bassâvan and Nânhâi, in collaboration with Iranian painters, and are typical of the composite style of painting in vogue after Akbar Shâh. The other is as a copy of *Târikh-e Akbar Shâh*, completed in the first half of the 13th century AH, which, in view of the names appearing below its illustrations, probably includes paintings from the 11th and 12th centuries AH. In comparison to the Târikh-e *Akbar Shâh's* illustrations, those of the *Jâme'-ot-Tavârikh* appear more mature and more elaborate in design and execution. Both these manuscripts belong to the Golestân Palace Museum Library.

The two albums mentioned above also belong to the Golestân-Palace Museum Library. They bring together a precious collection of Iranian and Indian paintings. One is the *Moraqqa'-e Hendi,* which dates back to the first half of the 11th century AH. Several of its pages, attributed to Gordehen, Sahifeh Bânoo, Masoor and Mohammad-Yusef, are included in the exhibition. A handsome "bird and flower" decoration appears in the margins of some of these pages.

The other album is the world-renowned *Moraqqa'-e Golshan,* a unique collection of painting, calligraphy and illumination masterpieces by Iranian and Indian artists from the 9th to the 11th century AH. Jahângir, a famous connoisseur and supporter of the arts and artists, who occasionally expressed opinions on the qualities of various artists, had the unique heritage of his father and grandfather (Homâyun and Akbar) brought together into several albums. One of these albums was the *Moraqqa'-e Golshan*, measuring 40 x 24.5 cm. It contains signed works by Kamâl-od-Din Behzâd; 'Abd-os-Samad Shirâzi; Farrokh-Beig; Nanhai; Roqayyeh-Bânoo; and Rezâ 'Abbasi.



شفیع عباسی، ازدیگر نگارگران ایرانی هستند که مجذوب دربار گورکانیان هند شدند و در کنار هنرمندان و شاگردان هندی تبار خود، کارگاه های مصورسازی پادشاهان هند را رونق بخشیدند.

شیوهٔ نقاشی دربار مغولان هندی در دوران اکبر شاه، فرزند همایون، ضمن تاثیرپذیری از ویژگی های نقاشی بومی هند با هنر نقاشی اروپایی درآمیخت. از این آمیزش، مکتبی پدیدآمد که تا حدود سه قرن در هند ماندگاربود. در دوران جهانگیر، چهره پردازی شبیه سازانه و ترسیم گل ها و گیاهان به صورت طبیعت گرایانه و تزیینی رونق گرفت و تا سده نوزدهم میلادی ادامه یافت.

این نمایشگاه با ارایه دو نسخهٔ مصور بسیار مهم و نیز دو مرقع شامل آثار نقاشان ایرانی و آثار نقاشان هندی تبار، بخشی از گسترهٔ تأثیرگذاری هنر و فرهنگ ایرانی و زبان فارسی را از سدهٔ دهم تا سیزدهم ه. ق. به نمایش می گذارد. یکی از نسخه‌ها کتاب جامع التواریخ رشیدی به تاریخ ۱۰۰۴ ه. ق. است که نگاره های آن عمدتاً توسط نقاشان هندی تبار دربار جهانگیر: لعل، مسکین، بساون و نانهای و با همکاری نقاشان ایرانی نقاشی شده و شیوهٔ تلفیقی پس از دوران اکبر را به نمایش می گذارد. دیگری نسخه ای از تاریخ اکبرشاه است که در نیمه اول سدهٔ سیزدهم ه. ق. به اتمام رسیده و با توجه به اسامی نقاشان و طراحانی که در پای نگاره های آن نوشته شده، احتمالاً برخی از طرح های آن مربوط به سدهٔ یازدهم و دوازدهم ه. ق. است. از مقایسه نگاره های آنها می توان نتیجه گرفت که نقاشی‌های کتاب جامع التواریخ از ترکیب، طراحی و اجرای پخته تر و پرکارتری نسبت به نقاشی های تاریخ اکبرشاه برخوردار هستند. هر دو نسخه به کتابخانه موزه کاخ گلستان تعلق دارند. دو مرقعی که همچون نسخه های بالا متعلق به کتابخانه موزه کاخ گلستان هستند، مجموعه نفیسی از آثار هنرمندان ایرانی و هندی را در خود جای داده اند. یکی از آنها مرقع هندی مربوط به نیمهٔ اول سدهٔ یازدهم ه. ق. است و برخی از نقاشی های آن که در اینجا ارایه شده است، منسوب به گوردهن،

صحیفه بانو، منصور و محمد یوسف است. حواشی تعدادی از صفحات این مرقع با نقاشی‌های گل و مرغ بسیار زیبایی تزیین شده است.

مرقع دیگر، مرقع گلشن است که از شهرتی جهانی برخوردار بوده و مجموعه ای بی نظیر از آثار نقاشی، خوشنویسی، تذهیب، ترصیع و تشعیر مربوط به هنرمندان ایرانی و هندی تبار سدهٔ نهم تا یازدهم ه. ق. است. جهانگیر که در هنرشناسی و علاقه مندی اش به هنر و هنرمندان شهره است، و گاه به عنوان یک هنرشناس خبره درباره هنرمندان نگارگر و کمّ و کیف آثار آنها اظهار نظر کرده است، آثار بی نظیری را که از پدر و پدربزرگش همایون و اکبر به میراث برده بود جمع‌آوری و تجلید کرد. یکی از این مجموعه ها همان مرقع گلشن است که در ابعاد ۲۴/۵ × ۴۰ سانتی متر ساخته شده است. علاوه بر آثار رقم دار کمال الدین بهزاد، عبدالصمد شیرازی، فرخ بیک، نانهای، رقیه بانو و رضا عباسی، نقاشان و صورتگران دیگری از جمله آقا رضا جهانگیری، دولت و بشنداس نیز به سفارش جهانگیر، آثار بدیع، ارزش‌مند و هنرمندانه ای در حواشی صفحات آن به وجود آوردند. برخی از چهره نگاری های حواشی صفحات، صورت شخصیت ها و هنرمندان معروفی همچون اکبرشاه، جهانگیر، عبدالرحمن جامی، ابوالحسن (نادرالزمان)، منوهر، بشنداس، گوردهن ودولت نقاش صورت پرداز است. در این چهره نگاری ها، نفوذ شیوهٔ اروپایی در پرداخت چهره ها و ترسیم حالات پیکره ها به طرزی واقع نما و طبیعت گرا دیده می شود، در حالی که توضیحات کنار هریک از تصاویر، نام و نشان صاحب چهره و نقاش آن را مشخص می کند.

برخی از نگاره های این مرقع که در نمایشگاه ارایه شده اند عبارتند از:
صحنه "نزاع شتران" اثر بهزاد که در سن هفتاد سالگی به تاریخ ۹۳۰ ه. ق. کشیده است و مثنی برداری همین اثر توسط نانهای و به امر جهانگیر مورخ ۱۰۱۷ ه. ق. تهیه گردیده است.
-حکایت "کاروانیان خفته و مرد شوریده" با رقم "بنده شکسته رقم عبدالصمد شیرین قلم".
-مجلس "شکارگاه با حضور سلطان حسین بایقرا در زیر چتر آفتابی"، منسوب به بهزاد،
-"ساقی به صورت نیمه ایستاده بر زانو" با "رقم کمینه رضا عباسی" به تاریخ ۱۰۲۹ ه. ق.
-"سلطان حسین بایقرا در تفرجگاه"، هر دو نیمه سمت چپ و راست، با رقم بهزاد.
-"اسب و مهتر" منسوب به عبدالصمد شیرین قلم.
-"جوانی با شاخه ای گل در دست"، راقمهٔ فرخ بیگ در سن هفتاد سالگی.
-مجلس "همایون و اکبر" به قلم عبدالصمد،
-"مجنون در بیابان" با تاریخ ۹۵۸ ه. ق. با رقم انتساب به عبدالصمد.
-یک مجلس طراحی با عنوان "سنگ ها را بسته اند و سگ‌ها را رها کرده اند"، با رقم بهزاد،
-مجلس "ضیافت درباری" با امضاء "عمل رضای مرید پادشاه سلیم".
از تواریخ موجود در مرقع پیداست که کار تهیه و ساخت آن چند سال به طول انجامیده است. در انتهای متنی که با امضاء "العبد محمد حسین زرین قلم جهانگیر شاهی" در سبب و چگونگی ساخت مرقع و اختتام آن تحریر شده، ماده تاریخ آن "رشک گلزار ارم" (۱۰۱۹ ه. ق.) را در شعری بدین گونه آورده است:

این مرقع که به توفیق اله — صورت آرای شد از لوح و قلم
رشک گلزار ارم تاریخش — چهره پرداز خرد کرد رقم (۱۴)

باید امیدوار بود در زمانی دیگر، آثار بیش تری از شاهکارهای نگارگری ایران که در واقع بخشی از زیبایی های جامعه و تفکر معنوی ایران اسلامی است به نمایش گذاشته شود و نمایشگاه بتواند علاوه بر آثار ارایه شده در این مجموعه، زبده ترین آثار هنر ایرانی را که در موزه ها و مجموعه های خارج از کشور پراکنده اند دربرگیرد. در این صورت پژوهشگران هنر ایرانی خواهند توانست زوایای مبهمی را که در بررسی سیر تحولات نگارگری ایران وجود دارد و نکات تاریک پیرامون تحولات هنر و آثار نگارگران فروتن ایرانی، که نام خود را نیز در پای آثار ذکر نکرده اند، روشن سازند. در صورت وقوع چنین رویدادی، بخشی از معانی عمیق هنر ایرانی و بسیاری از رازهای ناگفته زندگی و هنر نگارگران ایران که در اوراق ناگشودهٔ نسخه های مصور پنهان مانده است، بر آفتاب خواهد افتاد.

Valuable paintings by Âqâ-Rezâ Jahângiri, Dowlat and Beshandas, all created by order of Jahângir, adorn its margins. Included are portraits of famous personalities and artists, such as Akbar Shâh; Jahângir; 'Abd or-Rahmân Jâmi; Ab-ol-Hassan (Nâder-oz-Zamân); Manuhar; Beshandas; Gordehen; and Dowlat himself. The influence of European art is conspicuous in the naturalistic rendering of these portraits as well as in the realistic postures of their subjects. Explanations concerning the individual represented and the name of the artist responsible for the portrait accompany each of these paintings.

Some of the paintings of this album on display in the exhibition are:

·*Camels in Fight*, painted by Behzâd in 930 AH, at the age of 70, and a copy of the same work by Nanhai, created by order of Jahângir, which bears the date 1017 AH;
·*The Sleeping Travelers and the Man in Distress*, signed "Bande-ye shekasteh-raqam 'Abd-os-Samad-e Shirin-qalam;"
·*Hunting Scene in Presence of Soltân Hossein Bâyqorâ Seated under a Canopy*, attributed to Behzâd;
·*Cup-bearer Standing on her Knees*, signed "Kamineh Rezâ 'Abbâsi" and dated 1029 AH;
·*Soltân Hossein Bâyqorâ in a Garden*, right and left halves both attributed to Behzâd;
·*Horse and Keeper*, attributed to 'Abd-os-Samad Shirin-qalam;
·*Youth Holding a Flowery Branch*, painted by Farrokh-Beig at the age of 70;
·*Homâyun and Akbar Seated*, by 'Abd-os-Samad;
·*Majnun in the Wilderness*, dated 958 AH and bearing a signature attributed to'Abd-os-Samad;
·A drawing titled They've Locked up the Stones and Let the Dogs Loose, bearing Behzâd's signature
·Courtly Feast, signed "'Amal-e Rezâ-ye Morid-e Pâdeshâh-e Salim.

As the dates within the album indicate, it took many years to complete. A text signed "Al-'Abd Mohammad-Hossein-e Zarrin-qalam-e Jahângirshâhi," written concerning the preparation and completion of the *Moraqqa'-e Golshan*, concludes with the following poem:
"*Een moraqqa' ke be towfigh-e elah,*
"*Surat-ârây shod az lowh o qalam,*
"Rashk-e golzâr-e Eram" târikhash,
"*Chehre-pardâz-e kherad kard raqam.*[14]
In which the words in quotation marks yield the date 1019 AH in the *abjad* code.

* * *

It is to be hoped that, sometime soon, more masterpieces of Iranian painting, which are part of the beauties of the society and the spiritual outlook of Islamic Iran, can be brought together in similar exhibitions that include the magnificent achievements of Iranian art preserved in museums and collections across the world. Such opportunities will enable Iranian researchers to elucidate obscure points concerning the evolution of Iranian painting through the works of humble artists who have often left their works unsigned. If this were to happen, many untold mysteries of the lives and art of Iranian painters, which remain hidden among the pages of illustrated manuscripts, could come to light.

Notes:

1- Such as the foreword of to the *Abu-Mansooori's Shâhnâmeh created in 346 AH for Abu-Mansoor* Mohammad ebn-e 'Abdor-Razzâq, the governor of Toos, which speaks of an illustrated manuscript of the *Kalileh va Demneh* in rhyme by Roodaki, Ab-ol-Fazl Beihaqi's description, in his *Târikh-e Mas'oodi*, of the wall paintings in Amir Mas'ood's palace in Herat, and Râvandi's passage, in his *Râhat-os-Sodoor*, on the creation of an anthology of Khâl-e Do'âgu-ye Zein-od-Idin's poems, in which portraits of poets by Jamâl-od-Din, the painter from Isfahân, were followed by the poet's verses . See Ahmad Soheili's preface, in Qazi Ahmad Qomi's *Golestân-e Honar*, Manoochehri Library, 1970, pp. 24-33.

2-This *Shâhnâmeh* belonged to the collection of Mr. Demotte, a manuscript dealer. Unfortunately, after his death,his beneficiaries tore the pages out of the manuscript and sold them individually as 'pages from the Demotte *Shâhnâmeh*.' A page from this copy of the *Shâhnâmeh*,depicting the hanging of Mâni, is preserved at the Rezâ 'Abbâsi Museum.

3-Mohammad Govâshâni's foreword, 951 AH, in *Ketâb-ârâ'i dar Tamaddon-e Eslâmi*, Najib Mâyel Heravi, Islamic Research Foundation of the Holy Shrine of Imâm Rezâ (pbuh), 1993, p. 296.

4-'Abd-ol-Hayy Habibi, *Honar-e 'Ahd-e Teimoori va Motefarre'ât-e ân*, Tehran, Iranian Culture Foundation Publications, 1976, p. 451, quoted from *Negârgari-e Irân* (2nd Conference on Iranian-Islamic Painting), Society of Visual Arts 1997; "Arzesh-hâ-ye Jâvidân-e Shâhnâme-ye Bâysonqori", Mehdi Hosseini, p. 57.

5-Sir Thomas Arnold, Lawrence Binion, J. Wilkinson and Basil Gray date this manuscript between 813 AH. and 823 AH.

See *Seir va Sovar-e Naqqâshi-e Irân*, translated by Dr. Ya'qub Âzhand, p. 69, *Seir-e Târikh-e Naqqâshi-e Irân*, translated by Mohammad Irânmanesh, pp. 160-161, & Ivan Stchoukine, *Les Peintures des Manuscrits Timurides*, p. 54.

6- Ghiâs-od-Din Khândmir, Behzâd's contemporary historian and author of the *Habib-os-Siar*, has reproduced this edict in a collection of official documents titled *Nâme-ye Nâmi*, penned by Khândmir himself. It appears, quoted in full from Qazvini's *Bist Maqâleh*, in Mrs. Qamar Âryân's book *Kamâl-od-Din Behzâd*.

7-Mohammad Govâshâni's foreword, 951 AH, in *Ketâb-ârâ'i dar Tamaddon-e Eslâmi*, Najib Mâyel Heravi. Also, Doost-Mohammad attributes the *Shâhnâme-ye Shâh Tahmâsbi*'s scene titled *Morassa'-e Palang-pooshân*, or *Court of Kiyuumars*, to this artist.

8-*Golestân-e Honar*, Qâzi Ahmad Qomi, emended by Ahmad Soheili Khonsâri, p. 137.

9-Other dates have also been recorded concerning the ratification of this treaty, the preliminaries of which had apparently been concluded as early as 961 AH, when, after skirmishes in which the Qezelbâsh came out victorious, Shâh Tahmâsb refrained from slaying Sanân-Beig, a captured Ottoman general, sending him back, in Shâhqoli-Beig's company, to Sultan Solayman, with the message that enmity causes the destruction of countries whereas peace brings welfare to the people. See *Târikh-e Tahavvolât-e Siâssi, Ejtemâ'i, Eqtessâdi va Farhangi-e Irân dar Dowrân-e Safaviyeh*, by Dr. 'Abd-ol-Hossein Navâ'i & Dr. 'Abbâs-Qoli Ghaffâri Fard, Samt Publications, Tehran 2002.

10-Concerning the makeup of Shâh Tahmâsb's mission, Ab-ol-'Alâ Sudâvar refers, in his *Honar-e Darbâr-hâ-ye Irân*, to *The Houghton Shahnameh*, Dickson & Welch, p. 270, and to Eskandar-Beig Torkamân's book, vol. 1, p. 558, and as regards the twenty years the completion of this Shâhnâmeh is assumed to have taken, he gives reference to Budâgh Qazvini's report in *Javâher-ol-Akhbâr*,p.331

11-For further information concerning the *Shâhnâme-ye Shâh Tahmâsbi*'s restitution, see two reports by Karim Emâmi in *Kelk*, issues 53 & 58-59.

12-*Les Peintures des Manuscrits de Shah Abbas 1er*, Ivan Stchoukine,1964, pp. 46-47. Also see "Naqqâshân-e Orupâ'i dar Irân: Dowre-ye Safavi," Dr. Ya'qub Âzhand, in Honar-hâ-ye Zibâ, no. 19, Autumn 2004..

13-Qâzi Ahmad-e Qomi, *Golestân-e Honar*, emended by Ahmad Soheili Khonsâri, Manoochehri Library, p. 139.

14-In an article she wrote after seeing the *Moraqqa'-e Golshan* at the 1931 exhibition of Iranian Art in London, Mrs. Yeda Goddard mentions two dates included in the paintings executed in its margins. One is 1008 AH, which appears alongside Âqâ-Rezâ Mossavver's signature in the top margin of page 105, and the other is 1018 AH, visible alongside a portrait bearing Dowlat's signature on page 148. These dates indicate that the compilation of this album was begun before Jahângir's accession to the throne, because Jahângir came to power in 1014 AH, and in view of the creation date of a work by Rezâ 'Abbasi, which bears the date "Rajab al-Morajjab 1029 AH" and the signature "Raqam-e Kamineh Rezâ 'Abbâsi," its compilation probably continued until after 1029 AH. Assuming that the last sentence of Mohammad-Hossein Zarrin-Qalam Jahângirshâhi's words "... It was completed at a most ominous time, adorning the library of creation and bringing light to the eyes of possessors of vision ...," yields the completion date of the album as 1019 AH in *Abjad* code, the likelihood exists that other pages dated after 1019 AH were later added to it, probably during Jahângir's life time, died in 1037 AH. Concerning the portraits adorning the margins of the *Moraqqa'-e Golshan*, see "Hâshie-hâ-ye Moraqqa'-e Golshan," Yeda Godard, in *Âthâr-e Irân*, vol. 3, translated by Ab-ol-Hassan Sarvqad Moqaddam, Islamic Research Foundation of the Holy Shrine of Imâm Rezâ (pbuh), 1983, pp. .

پی نوشت ها:

۱-از جمله در مقدمهء شاهنامه ابومنصوری که در سال ۳۴۶ ه. ق. برای ابومنصور محمدبن عبدالرزاق، حکمران طوس گردآمده، داستان نظم "کلیله و دمنه" ای که رودکی سروده و مصور بوده، و نیز نوشته ابوالفضل بیهقی در تاریخ مسعودی درخصوص نقاشی های دیواری قصر امیر مسعود در هرات، و همچنین نوشته راوندی در راحه الصدور در سبب تالیف مجموعه اشعاری از خال دعاگوی زین الدین که جمال الدین نقاش اصفهانی در آن صورت هر شاعری را ترسیم و به دنبال آن اشعار آن شاعر آورده می شد. نک به مقدمه احمد سهیلی خوانساری در کتاب گلستان هنر قاضی احمد قمی؛ کتابخانه منوچهری، ۱۳۵۹ صص ۲۴ تا ۳۳.

۲- این شاهنامه در مجموعه آقای دموت- دلال و فروشنده نسخه های خطی- قرارداشت. متاسفانه شیرازه این نسخه پس از فوت ایشان توسط ورثهء او از هم دریده شد و اوراق و برگ هایش به نام برگ هایی از شاهنامه دموت به فروش رسید. یک برگ از این شاهنامه در مجموعه موزه رضا عباسی نگهداری می شود که در آن مجلس به دارکشیدن مانی تصویر شده است.

۳- دیباچه دوست محمد گواشانی؛ ۹۵۱ه. ق.، به نقل از کتاب، آرایی در تمدن اسلامی، نجیب مایل هروی، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲، ص ۲۶۹

۴- عبدالحی حبیبی، هنر عهد تیموری و متفرعات آن، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۵، ص ۴۵۱، به نقل از نگارگری ایرانی (دومین کنفرانس نگارگری ایرانی- اسلامی)، انجمن هنرهای تجسمی، ۱۳۷۶ . مقالهء ارزش های جاویدان شاهنامه بایسنقری [مهدی حسینی]، ص ۵۷.

۵- سرتوماس آرنولد، لورنس بینیون، ویلکینسون و بازیل گری این نسخه را مربوط به سال های حدود ۸۱۳ تا ۸۲۳ ه. ق. می دانند. نک. به سیر و صور نقاشی ایران، ترجمه دکتر یعقوب آژند، ص ۶۹ و سیر تاریخ نقاشی ایران، ترجمه محمد ایرانمنش، صص ۱۶۰-۱۶۱-و Ivan Stchoukine, Les peinture des Manuscrits Timurides,P54

۶-این فرمان را غیاث الدین خواندمیر تاریخ نویس هم عصر بهزاد و مولف حبیب السیر در مجموعه ای از وسایل و اسناد رسمی به نام "نامهء نامی" آورده و به قلم خود خواندمیر نیز نگاشته شده است. خانم قمر آریان عین فرمان را به نقل از بیست مقاله قزوینی در کتاب خود "کمال الدین بهزاد"، انتشارات وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۶۷، آورده است.

۷- دیباچه دوست محمد گواشانی، به نقل از کتاب آرایی در تمدن اسلامی، نجیب مایل هروی، علاوه بر این دوست محمد از جمله آثار او را که برای شاهنامه شاه طهماسبی ساخته "موضع پلنگ پوشان" می‌داند که همان نقاشی "بارگاه کیومرث" است.

۸- گلستان هنر، قاضی احمد قمی، به تصحیح احمد سهیلی خوانساری، ص ۱۳۷

۹- درخصوص زمان انعقاد این عهدنامه، تاریخ های دیگری نیز ذکر شده است و ظاهراً مقدمات آن از سال ۹۶۱ ه . ق. فراهم شده بود و در همین سال پس از زدو خوردهایی که قزلباش ها در آن پیروز شدند و سنان بیک سردار عثمانی اسیر شد، شاه طهماسب او را نکشت و همراه شاهقلی بیگ به نزد سلطان سلیمان عثمانی فرستاد و پیغام داد که خصومت موجب ویرانی مملکت است و صلح باعث رفاهیت رعایا. نک به"تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران صفویه "تالیف دکتر عبدالحسین نوایی و دکتر عباسقلی غفاری فرد، انتشارات سمت، تهران ۱۳۸۱.

۱۰- ابوالعلاء سودآور در کتاب خود "هنر دربارهای ایران"، برای هیئت نمایندگی شاه طهماسب ارجاع به کتاب اسکندربیک ترکمان، ج ۱ ص ۵۵۸ می دهد. و نیز برای زمان بیست ساله تهیه شاهنامه به گزارش بوداغ قزوینی در جواهر الاخبار ص ۳۳۱، اشاره می کند.

۱۱- جهت اطلاع بیشتر پیرامون مسایل بازگشت شاهنامه شاه طهماسبی به وطن نک به دو گزارش آقای کریم امامی در ماهنامهء "کلک" ۵۳ و "کلک" ۵۹-۵۸ .همچنین رجوع شود به: The Houghton Shahnameh,Dickson and welch.p.270

۱۲- .Ivan stchoukine,Les Peintures des Manuscrits de shah Abbas1er,1964,pp.46-47

و نیز نک به مقاله نقاشان اروپایی در ایران: دورهء صفوی، نوشته آقای دکتر یعقوب آژند در نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۹ ،پاییز ۱۳۸۳.

۱۳- قاضی احمد قمی؛ گلستان هنر، با تصحیح احمد سهیلی خوانساری، کتابخانه منوچهری، ص۱۳۹

۱۴- خانم یدا گدار در مقاله ای که پس از دیدن این مرقع در نمایشگاه هنر ایرانی ۱۹۳۱ لندن، درباره آن و چهره پردازی های حواشی صفحات توسط آقارضا جهانگیری، دولت و بشنداس نگاشته است، دو تاریخ را که در نقاشی های حواشی صفحات آمده نقل می کند. یکی سال ۱۰۰۸ه. ق. که در یکی از تصاویر حاشیهء فوقانی ص ۱۰۵ مرقع همراه با رقم آقارضا مصور آمده و یکی نیز سال ۱۰۱۸ه. ق. که در حاشیه ص ۱۴۸ مرقع در ضمن تصویری با رقم دولت آمده است. از این تاریخ ها مشخص می‌شود که ساخت مرقع قبل از جلوس جهانگیر بر تخت سلطنت شروع شده است چرا که جهانگیر در سال ۱۰۱۴ه. ق. به سلطنت رسید. و با توجه به تاریخ اثری از رضا عباسی که تاریخ رجب المرجب ۱۰۲۹ هـ. ق. و "رقم کمینه رضا عباسی" را دارد، ساخت مرقع احتمالاً تا پس از سال ۱۰۲۹ه. ق. ادامه داشته است و اگر براساس آنچه محمدحسین زرین قلم جهانگیر شاهی نگاشته: "... ابداً به ساعت سعد و زمان مسعود صورت اختتام و شیرازهء انتظام یافته و زینت افزای کتابخانهء آفرینش و روشنی بخش دیدهء اصحاب بینش گردید..." و ماده تاریخی که در پایان همین جمله آورده سال اتمام مرقع را ۱۰۱۹ ه. ق. بگیریم، این احتمال وجود دارد که پس از این تاریخ صفحات و آثار دیگری که تاریخ بعداز ۱۰۱۹ه. ق. را دارند، بعداً به آن الحاق گردیده اند و احتمالاً در همان زمان حیات جهانگیر؛ چراکه سال فوت او ۱۰۳۷ ه. ق. است. درخصوص چهره نگاری های حواشی مرقع گلشن نک به مقاله حاشیه های مرقع گلشن، یدا گدار در آثار ایران، جلد سوم، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۲، صص ۱۸۵ تا ۲۰۷.

منابع و مآخذ:

-ایهام پوپ، آ. (زیر نظر)؛ سیر و صور نقاشی ایران، ترجمه دکتر یعقوب آژند، مولی ۱۳۷۸.

- بینیون، ویلکینسون. ج، گری. ب.؛ سیر تاریخ نقاشی ایران، ترجمه محمد ایرانمنش، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷.

- بیانی، ش؛ مغولان و حکومت ایلخانی در ایران، سمت، تهران ۱۳۷۹.

-پاکباز. ر؛ نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، نارستان، تهران ۱۳۷۹.

- حسینی راد؛ ع.م. (به اهتمام)؛ یادنامه کمال الدین بهزاد، فرهنگستان هنر، ۱۳۸۲.

-سودآور، ا.؛ هنر دربارهای ایران، ترجمه ناهید محمد شمیرانی، کارنگ ۱۳۸۰.

-شروسمپسون، م.؛ شعر و نقاشی ایرانی، حمایت از هنر در ایران، ترجمه عبدالعلی براتی و فرزاد کیانی، نسیم دانش ۱۳۸۲.

- شرویدر، ا. و دیگران؛ دوازده رخ (یادنگاری دوازده نقاش نادره کار ایرانی)، ترجمه دکتر یعقوب آژند، مولی، ۱۳۷۷.

- قاضی احمد قمی.؛ گلستان هنر، به تصحیح و اهتمام احمد سهیلی خوانساری، کتابخانه منوچهری، تهران ۱۳۵۹.

-کریم زاده تبریزی.م.؛ احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر نگارگر هند و عثمانی، جلد اول، لندن، ۱۳۷۰.

-کن بای، ش. ر.؛ نقاشی ایرانی، ترجمه مهدی حسینی، دانشگاه هنر، تهران ۱۳۷۸.

- مایل هروی، ن.؛ کتاب آرایی در تمدن اسلامی، آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۷۲.

- مقدم اشرفی. م.؛ همگامی نقاشی با ادبیات ایران، ترجمه روئین پاکباز، تهران، نگاه ۱۳۶۷.

-مصاحب، غلامحسین، دایره المعارف فارسی، شرکت سهامی کتابهای جیبی، تهران ۱۳۸۱.

-دیماوند، س.م.؛ راهنمای صنایع اسلامی، ترجمه عبدالله فریار، علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۶۵.

references

-Bahari, E; *Bihzad, Master of Persian Painting*, London, 1996.

-Canby, Sh. R.; *Persian Painting*, London, 1993.

-Canby, Sh. R.; *Prince, Poetes et paladins*, Musee d'Art et d'Historie, Geneve 1999.

-Ettinghausen, R.; *La Peinture Arabe*, Skira, Geneve, 1977.

-Gray, B.Ê; *La Peinture Persanne*, Skira, Geneve, 1977.

-Grabar, O.Ê; *Mostly Miniatures*, Princeton University Press + Princeton and Oxford, 2000.

-Ispiroglu, M.S.; *chefs-d'oeuvre du Topkapi Peintures et Miniatures*, Office du Livre, suisse, 1980.

-Kevorkian, A.M.- Sicre, J.P.Ê; *Les Jardins du Desir*, Phebus, Paris 1983.

-Loukonine, v.- Ivanov, A.Ê; *L'Art Persan*, Parkstone Aurora, England 1995.

-Stchoukine, I.; *Les Peintures des Manuscrits Teimurids*, Paris 1954.

-Stchoukine, I. *La Peinture Iranienne Sous les Derniers Abbasides et les Il-Khans*, Imprimerie Sainte Catherine, Bruges 1936.

-Stchoukine, I; *Les Peintures des Manuscrits Safavis de 1502 a' 1587*, Librairie Orientaliste Paul Geuthner, Paris 1959.

Stchoukine, I; *Les Peintures des Manuscrits de Shah Abbas 1er - a' la Fin des Safavis*, Librairie Orientaliste Paul Geuthner, Paris 1964

-Welch, S.C; *Royal Persian Manuscripts*, London, 1976

نسخه های مصور
Illustrated Manuscripts



نسخه های مصور
Illustrated Manuscripts





شاهنامه فردوسی(بایسنقری)

کتابخانه موزه کاخ گلستان، نسخه شمارهء ۷۱۶

شاهنامه بایسنقری در میان شاهنامه های مصور و آراستهء موجود در کتابخانه و موزه های جهان، یکی از نامورترین و شناخته ترین آنها است. چند ویژگی این کتاب را از نسخه های مشهوری چون "شاهنامه دموت" و "شاهنامه شاه طهماسبی" که قبل و بعداز آن پدید آمده اند، برتری می بخشد. نخستین و برترین امتیاز این نسخه آن است که برخلاف دو نسخهء یادشده، قربانی آزمندی به دست آورندگان آنها نشده است تا شیرازهء آن را از هم بگسلند و برگ های آن را در گوشه و کنار جهان بپراکنند. بنابراین، اگر از چند افتادگی در متن آن درگذریم، "شاهنامه بایسنقری" نسخه ای کامل و دست نخورده در میان شاهنامه های مشهور به شمار می آید. این نسخه از دیدگاه نفاست و زیبایی و آراستگی نیز در نوع خود کم مانند است. نگارگری، تذهیب، تجلید و دیگر آرایه های کتاب با استادی تمام انجام گرفته و اگر از ضعف در خط نسخ، آن هم به سبب همزمانی کتابت آن با آغاز تکامل قلم نستعلیق درگذریم، این شاهنامه همهء امتیازات لازم یک نسخه خطی را درخود دارد. سومین امتیاز، وجود مقدمه ای است که برای نخستین بار بر این شاهنامه افزوده اند. ظاهراً به دستور بایسنقر میرزا که باید او را هنر دوست ترین شاهزادهء تیموری به شمار آورد، دستنویس های متعددی از شاهنامه گردآوری شد و مقدمه ای مفصل، با تلفیق مقدمه های پیشین این شاهنامه و نسخه‌های دیگر هم زمان آن، نوشته شد.

شاهنامه فردوسی (بایسنقری) به قطع رحلی، ۲۶×۳۸ سانتی متر، شامل ۷۰۰ صفحه، هر صفحه ۳۱ سطر، هر سطر ۳ بیت و به قلم نستعلیق جعفر تبریزی (بایسنقری) است. مطابق اطلاعات خاتمه الکتاب، جعفر تبریزی، این نسخه درسال ۸۳۳ ه‍ ـ ق. تکمیل و تذهیب شده است. این شاهنامه با یک شمسهء مذهب عالی، حاوی کتیبه ای به قلم رقاع بر زمینهء زرین، شامل نام و القاب بایسنقر میرزا، آغاز می شود. صفحه های دوم و سوم نسخه شامل تصویر شکارگاه است و بر دو صفحهء مذهب به نقش دو ترنج، نام و القاب آن شاهزاده دیده می شود.

جلد این نسخه چرمی ضربی طلاپوش با دو حاشیه روغنی در بیرون و سوخت معرق طلایی بر زمینهء لاجوردی دراندرون است.

برطبق گزارش های روزانه، جعفر تبریزی با عنوان عرضه داشت که اکنون در مرقعی در موزه توپقاپی در استانبول موجود است، نقاشان و خطاطان و تذهیب کاران بسیاری در پدیدآوردن این نسخه نفیس مشارکت داشته اند، از جمله امیرخلیل، مولانا علی، مولانا شمس الدین و مولانا قوام الدین و خواجه غیاث الدین.

این شاهنامه شکوهمند مشتمل بر ۲۲ نگاره است که از حیث ترکیب بندی و آرایش اجزاء، اوج مکتب نگارگری تیموری در قرن نهم ه‍ ـ ق است و الهام بخش نقاشان بسیاری در دورهء تیموریان و پس از آن بوده است.

Baysonqori Shahnameh

Golestan Palace Library,No. 716

This version of Shahnameh is one of the most famous illustrated Shahnamehs kept and showcased at libraries and museums throughout the world. Several features make it quite distinct from other renowned versions such as “Demotte Shahnameh” and “Shah Tahmasbi Shahnameh” which were produced before and after Baysonqori Shahnameh respectively. One of the special points about it is that, unlike the other two versions, it has never fallen prey to the profit-making tendencies of its owners and has been saved from being torn apart and scattered throughout the world.

Format: Folio, 38 x 26 cms, 700 pages

Script: Nasta’liq, authographed by Jafar Baysonqori, completed and illuminated in 833 AH

Illustrations: Starts with an exquisitely illuminated frontispiece drawn against a golden background, 2nd and 3rd pages depict hunting scenes, 22 paintings.

Many painters, calligraphers and illuminators participated in the production of this valuable book including Amir Khalil, Mowlana Ali, Mowlana Shams-od-Din, Mowlana Ghavam-od-Dina and Khajeh Ghiyas-od-Din

Cover: Golden leather with two unctuous bonds, the inside cover comprises gold-inlaid ceramics set against an azure background

41 **Jamshid ruled for seven hundred years**
Unknown artist
Baysonqori Shahnameh,1429
Golestan Palace

۴۱ پادشاهی جمشید هفتصد سال بود
هنرمند نامعلوم
شاهنامه بایسنقری، ۸۳۳ ه . ق
کاخ گلستان

42,43 **Hunting grounds**
Unknown artist
Baysonqori Shahnameh,1429
Golestan Palace

۴۲،۴۳ شکارگاه
هنرمند نامعلوم
شاهنامه بایسنقری، ۸۳۳ ه . ق
کاخ گلستان

44 **Faramarz mourns death of his father and his uncle, Zavareh**
Unknown artist
Baysonqori Shahnameh,1429
Golestan Palace

۴۴ سوگواری فرامرز بر تابوت پدرش رستم و عمویش زواره
هنرمند نامعلوم
شاهنامه بایسنقری، ۸۳۳ ه . ق
کاخ گلستان

45 **Lohrasb ascends to throne**
Unknown artist
Baysonqori Shahnameh,1429
Golestan Palace

۴۵ برتخت نشستن لهراسب
هنرمند نامعلوم
شاهنامه بایسنقری، ۸۳۳ ه . ق
کاخ گلستان

46 **Rostam responds to Esfandiyar**
Unknown artist
Baysonqori Shahnameh,1429
Golestan Palace

۴۶ پاسخ دادن اسفندیار به رستم
هنرمند نامعلوم
شاهنامه بایسنقری، ۸۳۳ ه . ق
کاخ گلستان

47 **Keykhosrow battles Afrasiyab**
Unknown artist
Baysonqori Shahnameh,1429
Golestan Palace

۴۷ رزم کیخسرو و افراسیاب
هنرمند نامعلوم
شاهنامه بایسنقری
۸۳۳ ه . ق
کاخ گلستان

48 **Rostam battles the Chinese Emperor**
Unknown artist
Baysonqori Shahnameh,1429
Golestan Palace

۴۸ نبرد رستم با خاقان چین
هنرمند نامعلوم
شاهنامه بایسنقری
۸۳۳ ه . ق
کاخ گلستان

52 **Zahhak is captured in mount Damavand**
Unknown artist
Baysonqori Shahnameh,1429
Golestan Palace

۵۲ دربند شدن ضحاک در کوه دماوند
هنرمند نامعلوم
شاهنامه بایسنقری، ۸۳۳ ه . ق
کاخ گلستان

53 **Rostam battles the white ghoul**
Unknown artist
Baysonqori Shahnameh,1429
Golestan Palace

۵۳ نبرد رستم با دیو سفید
هنرمند نامعلوم
شاهنامه بایسنقری، ۸۳۳ ه . ق
کاخ گلستان

54 **The first Khan (step) of Esfandiyar and killing of the wolves**
Unknown artist
Baysonqori Shahnameh,1429
Golestan Palace

۵۴ خوان اول اسفندیار و کشتن گرگها
هنرمند نامعلوم
شاهنامه بایسنقری، ۸۳۳ ه . ق
کاخ گلستان

55 **The murdering of Siavush**
Unknown artist
Baysonqori Shahnameh,1429
Golestan Palace

۵۵ قتل سیاوش
هنرمند نامعلوم
شاهنامه بایسنقری، ۸۳۳ ه . ق
کاخ گلستان

58 **Return of Monzar and capture of Bahram Goor**
Unknown artist
Baysonqori Shahnameh,1429
Golestan Palace

۵۸ باز آمدن منذر و گرفتن بهرام گور
هنرمند نامعلوم
شاهنامه بایسنقری، ۸۳۳ ه . ق
کاخ گلستان

59 **Kavous Ascends to Throne**
Unknown artist
Baysonqori Shahnameh,1429
Golestan Palace

۵۹ برتخت نشستن کیکاووس
هنرمند نامعلوم
شاهنامه بایسنقری، ۸۳۳ ه . ق
کاخ گلستان

61 **Esfandiyar kills Arjasb**
Unknown artist
Baysonqori Shahnameh,1429
Golestan Palace

۶۱ کشته شدن ارجاسب در روئین دژ بدست اسفندیار
هنرمند نامعلوم
شاهنامه بایسنقری، ۸۳۳ ه . ق
کاخ گلستان

63 **Ferdowsi and Qazneh poets**
Unknown artist
Baysonqori Shahnameh,1429
Golestan Palace

۶۳ فردوسی و شعرای غزنه
هنرمند نامعلوم
شاهنامه بایسنقری، ۸۳۳ ه . ق
کاخ گلستان

64 **Golnaz, the maid, and Ganjvar-e Ardavan meet Ardeshir**
Unknown artist
Baysonqori Shahnameh,1429
Golestan Palace

۶۴ دیدار گلناز کنیز و گنجور اردوان با اردشیر
هنرمند نامعلوم
شاهنامه بایسنقری، ۸۳۳ ه . ق
کاخ گلستان

65 **Monzar learns chess game in the presence of Anoushiravan**
Unknown artist
Baysonqori Shahnameh,1429
Golestan Palace

۶۵ منذر، شطرنج را در حضور انو شیروان می آموزد
هنرمند نامعلوم
شاهنامه بایسنقری، ۸۳۳ ه . ق
کاخ گلستان

66 **Tadhib**
Unknown artist
Baysonqori Shahnameh,1429
Golestan Palace

۶۶ تذهیب
هنرمند نامعلوم
شاهنامه بایسنقری، ۸۳۳ ه . ق
کاخ گلستان

67 **Tadhib**
Unknown artist
Baysonqori Shahnameh,1429
Golestan Palace

۶۷ تذهیب
هنرمند نامعلوم
شاهنامه بایسنقری، ۸۳۳ ه . ق
کاخ گلستان



ز پوینده گان هر که بد نیک رو	خورش ساختشان سبزه و کاه و جو
رمنده ددان را همه بنگرید	سیه گوش و یوز از میان برگزید
بچاره بیاوردش از دشت و کوه	ببند آمدند آنک بد زان گروه

ز مرغان همان آنکه بد نیک ساز	چو شاهین و چرغ شکاری باز
بچاره ز تردنگ مردم کشید	نهفته همی سود دندی گزید
بیاورد و آموختنشان گرفت	جهانی بدو مانده اندر شگفت

بفرمودشان تا نوازند گرم	نخواندشان جز به آوای نرم
چو این کرده شد ماکیان و خروس	کجا بر خروشد گه زخم کوس
بیاورد و یکسر بهم دم سپرد	به آوازشان آنچ از دل ببرد

چنین گفت کین را نیایش کنید	جهان آفرین را ستایش کنید
که او دادمان بر ددان دستگاه	ستایش مر او را که بنمود راه
مر او را یکی پاک دستور بود	که رایش ز کردار بد دور بود

گزیده بهر جای شهرب نام	نزد جز به نیکی بهر جای گام
همه روز بسته ز خوردن دو لب	به پیش جهاندار بر پای شب
چو جان و دل بر یکی بود دوست	نماز شب و روزه آیین اوست

بپایید بد اختر شاه را	در بند بد جای بدخواه را
همه راه نیکی نمودی به شاه	همه راستی خواستی پایگاه
چنان شاه پالوده گشت از بدی	که تابید ازو فره ایزدی

برفت اهرمن را به افسون ببست	برو بر چو بر بارگی برنشست
زبان تا زمانش ز بس ساختی	همه گرد گیتیش برتاختی
چو دیوان بدیدند کردار او	کشیدند گردن ز گفتار او

شدند انجمن دیو بسیار مر	که پردخت مانند ازو تاج و فر
چو طهمورث آگه شد از کارشان	برآشفت و بشکست بازارشان
بر جهاندار بستش میان	بگردن برآورد گرز گران

همه نره دیوان و افسونگران	برفتند جادو سپاهی گران
دمنده سیه دیوشان پیش رو	همی بآسمان برکشیدند غو
جهاندار طهمورث بافرین	بیامد کمر بسته بر روز کین

یکایک بیاراست با دیو جنگ	نبد جنگشان را فراوان درنگ
هوا تیره فام و زمین تیره گشت	دد و دام را چشمها خیره گشت
ز یک سو دم آتش و دود دیو	دگر سو دلیران کیهان خدیو

از ایشان دو بهره به افسون ببست	دگرشان بگرز گران کرد پست
کشیدندشان بسته و خسته خوار	بجان خواستند آن زمان زینهار
که ما را مکش تا یکی نو هنر	بیاموزی از ما کت آید ببر

کی نامور دادشان زینهار	بدان تا نهانی کنند آشکار
چو آزادشان شد سر از بند او	بجستند ناچار پیوند او
نبشتن بخسرو بیاموختند	دلش را بدانش برافروختند

نبشتن یکی نه که نزدیک سی	چه رومی چه تازی و چه پارسی
چه سغدی و چینی و چه پهلوی	نگاریدن آن کجا بشنوی
جهاندار سی سال ازین بیشتر	چگونه پدید آوریدی هنر

برفت و سرآمد ازو روزگار	همه رنج او ماند ازو یادگار
جهانا مپرور چو خواهی درود	چو می بدروی پروریدن چه سود
برآری یکی را به چرخ بلند	سپاریش ناگه بخاک نژند

چو گیتی برآمد بران دیو بند	جهانرا همه بند او سودمند
بسوک اندرون شد دل هر کسی	نیامد برین روزگاران بسی

پادشاهی جمشید هفتصد سال بود

گرانمایه جمشید فرزند او	کمربست و یکدل پر از پند او
برآمد بر آن تخت فرخ پدر	برسم کیان بر سرش تاج زر










پس آنگاه لهراب با دین و داد
نشست از بر تخت با تاج زر
کلاه کیانی بسر بر نهاد
برفتند گردان زرین کمر
جو آگاه گردید از کار شاه
نشستند بر گه که برمایه بود




۳۳۵









۴۰

بسی پندشان داد و کرد آفرین   همی یاد کرد از جهان آفرین
همی گفت کین جایگاه منست   بفال اختر نو شما را ز دست
که یزدان پاک از میان گروه   برانگیخت ما را ز البرز کوه
بدان تا جهان از بد اژدها   بفر من آید شما را رها
چو بخشایش آورد نیکی دهش   بپاکی بباید سپردن رهش
منم کدخدای جهان سربسر   نشاید نشستن بیک جای بر
وگرنی من ایدر همی بودمی   بسی با شما سال پیمودمی
مهان پیش او خاک دادند بوس   ز درگاه برخاست آوای کوس
همه شهر دیده بدرگاه بر   خروشان بران روز کوتاه بر
که تا اژدها را برون آورید   ببند کمندی چنان چون سزید
دمادم برون رفت لشکر ز شهر   ازان شهر نایافته شاه بهر
ببردند ضحاک را بسته خوار   بپشت هیونی برافکنده زار
همی راند ازآنجای تا شیرخوان   جهان را چو این بشنوی پیر خوان
بسا روزگارا که بر کوه و دشت   گذشتست بسیار و خواهد گذشت
بران گونه ضحاک را بسته سخت   سوی شیرخوان برد بیدار بخت
همی راند او را بکوه اندرون   همی خواست کارد سرش را نگون
بیامد هم آنگه خجسته سروش   بخوبی یکی راز گفتش بگوش
که این بسته را تا دماوند کوه   ببر همچنین تازیان بی گروه
مبر جز کسی را که نگزیردت   بهنگام سختی ببر گیردت
بیاورد ضحاک را چون نوند   بکوه دماوند کردش ببند
چو بندی بران بند بفزود نیز   نماند از بد بخت او مانده چیز
بکوه اندرون جای تنگش گزید   نگه کرد غاری بنش ناپدید
بیاورد مسمارهای گران   بجایی که مغزش نبود اندران
فرو بست دستش بدان کوه باز   بدان تا بماند بسختی دراز

بماند او بران گونه آویخته   وزو خون دل بر زمین ریخته
ازو نام ضحاک چون خاک شد   جهان از بد او همه پاک شد
گسسته شد از خویش و پیوند او   بمانده بکوه اندرون بند او
بیا تا جهان را ببد نسپریم   بکوشش همه دست نیکی بریم
نماند همی نیک و بد پایدار   همان به که نیکی بود یادگار
همان گنج دینار و کاخ بلند   نخواهد بدن مر ترا سودمند
سخن ماند از تو همی یادگار   سخن را چنین خوار مایه مدار
فریدون فرخ فرشته نبود   ز مشک و ز عنبر سرشته نبود
بداد و دهش یافت آن نیکوی   تو داد و دهش کن فریدون توی
فریدون ز کاری که کرد ایزدی   نخستین جهان را بشست از بدی
یکی پیشتر بند ضحاک بود   که بیدادگر بود و ناپاک بود
دیگر که گیتی ز نابخردان   بپالود و بستد ز دست بدان
سه دیگر که کین پدر باز خواست   جهان ویژه بر خویشتن کرد راست
جهانا چه بدمهر و بدگوهری   که خود پرورانی و خود شکری
نگه کن کجا آفریدون گرد   که از دست ضحاک شاهی ببرد





بدیدند گرگان بر و یال او
میان یلی چنگ و گوپال او
زهامون سوی او نهادند روی
دو پیل سرافراز و دو جنگجوی
کمان را بزه کرد مرد دلیر
بغرید برسان غرنده شیر
بر آهرمنان تیرباران گرفت
تنندی بکین سواران گرفت
زپیکان پولاد گشتند سست
نیامد یکی پیش او تن درست
نگه کرد روشن دل اسفندیار
بدید آنکه دد سست گشت و خوار
یکی تیغ زهرابگون برکشید
غازاکران گرد و سر درکشید
سراسر بشمشیرشان کرد چاک
گل آمیخت از خون ایشان ز خاک



پیاده همی برد مویش کشان
چو آمد بدان جایگاه نشان
که آن روز افکنده بودند تیر
سیاوخش و گرسیوز تیزرو
بیفکند پیل ژیان را بخاک
نه شرم آمدش زان سپهبد نه باک
یکی طشت بنهاد زرین گروی
بپیچید چون گوسپندانش روی
جدا کرد از آن سرو سیمین سرش
همی رفت در طشت خون از برش





جهان سربسر زیر فرمان تست / بهر کشوری باژ و پیمان تست
نگه کن بجایی که دانش بود / ز داننده کشور رامش بود
ز پرمایگان دایه برگزین / که باشد ز کشور برو آفرین
ز دیگر دانش شاه جهرم نهان / ز فرمان او شاد گردد جهان
چو بشنید از آن موبدان نزد گرد / ز کشور فرستادگان کرد گرد
هما که فرستاده هر دم بروم / بهند و بچین و به آباد بوم
همان با مداری سوی تازیان / بشد تا ببیندش سود و زیان
بهر سو همی رفت خواننده / که بهرام را پرورانده
بجوید خردمند دانش پژوه / سخندان و مردانش یادگر
پیامد ز هر کشوری موبدی / جهان دیده و نیک دل بخردی
چو نگه بدین بارگاه آمدند / پژوهنده نزدیک شاه آمدند
بپرسید هرگونه شاه از کشان / بهر بر زمین جایگه ساختشان
برفتند نعمان و منذر بشب / بسی با سواران دار از عرب
بزرگان چو در پارس گرد آمدند / بر تاجور یزدگرد آمدند
همی گفت هر کس که ما بنده ایم / بفرمان خسرو شتابنده ایم
که یابد چنین روزگار از جهان / که پایند فرزند شاه جهان
هنرگر دو دانش آموزدش / دل از تیرگیها برافروزدش
ز رومی و هندی و از پارسی / بگویند از مردم هندسی
هم از فیلسوفان بسیار دان / سخن گوی و از مردم کاردان
همه سر بسر خاک پای توایم / بدانش همه رهنمای توایم
نگر تا پسندت که آید همی / دگر سودمندت که آید همی
چنین گفت منذر که ما بنده ایم / خود اندر جهان شاه را بنده
هنرهای شاه داند همه / که او چون شبانست و ما چون رمه
سواریم و گردیم و اسب افگنیم / کسی را که دانا بود بشکنیم
شمار شمر نیز ما را کس است / که در هندسه دانش او بس است
پر از مهر شاهست مارا روان / بدین کار داریم شاها توان
همه پیش فرزند تو بنده ایم / بزرگی او را ستاینده ایم
چو بشنید از او این سخن یزدگرد / روان و خرد را برآورد گرد
نگه کرد آغاز فرجام را / بدو داد پرمایه بهرام را
بفرمود تا خلعتش ساختند / سرش را بگردون برافراختند
ز دار آب شاه یمن خواستند / تنش را بخلعت بیاراستند











١٣













کلیله و دمنه
کتابخانه موزه کاخ گلستان، نسخه شماره ۲۱۹۸

کلیله و دمنه، یکی از مشهورترین کتب جهان و یکی از شاهکارهای بی همتای ادب پارسی است. مأخذ اصلی کلیله و دمنه، کتابی به زبان سنسکریت به نام "پنجاتنترا" به معنی پنج فصل است. سه باب "گربه و موش"، "پادشاه و فنزه" و "شیر و شغال" از کتاب "مهابارانا- حماسه ملی هندیان- ترجمه یا اقتباس شده است. ابن مقفع این کتاب را از زبان پهلوی به عربی ترجمه کرد و نصرالله منشی این کتاب را در زمان بهرام شاه غزنوی به نثر فارسی برگرداند.
این نسخه در قطع وزیری و به خط نستعلیق و با رقم احتمالی میرعلی هروی کتابت شده است. صفحات مصور آن شامل ۳۵ نگارهء بدون امضا است.
نوع کاغذ آن ترمهء رنگ شده و جلد آن مقوایی تیماج قرمز بغدادی با نقش ترنج، طلاکوب شده است.
نگاره های این نسخه نفیس که از شاهکارهای نگارگری دوران تیموری است از نظر طراحی در نهایت ظرافت و نفاست رنگ و ساختار است.
حالات حیوانات و گفت وگوی آنها با یک دیگر، که گویی انسان هایی در هیئت حیوانات هستند، به همراه ساختار زیبای طبیعت، مجموعه ای شاخص از نگاره های شیوه نقاشان مکتب هرات را به وجود آورده است.
شباهت نقاشی های این نسخه به نسخه مشابهی مربوط به کارگاه بایسنقر به تاریخ ۸۳۳ ه . ق. که در توپقاپو سرای استانبول نگهداری می‌شود، این احتمال را به وجود آورده که در همان دوران و احتمالاً با همکاری برخی از نقاشان کارگاه شاهرخ ساخته شده باشند.

Kalila va Dimna
Golestan Palace Library,No. 2198

Kalila & Dimna is one of the most world renowned books and a unique masterpiece of the Persian literature. Thirty five paintings of this valuable book, considered as the masterpieces of the Persian Painting produced during the Timurid era, are marked by their highly refined design, coloring and structure. The expressions of the animals and their dialogue, appearing to be human beings in the disguise of beasts, along with the exquisitely painted landscapes have formed a beautiful collection.
Illustrations: 35 unsigned illustrations, painted on tainted paper
Cover: Cardboard inlaid with Baghdadi red thin leather embellished with golden medallion motifs



Story of the Bird and the Hunter
Unknown artist
Kalila va Dimna,Probably 1429
Golestan Palace

داستان‌شکارچی وپرندگان
هنرمند نامعلوم
کلیله و دمنه ،احتمالاً ۸۳۳ ه.ق
کاخ گلستان



Story from Kalila va Dimna
Unknown artist
Kalila va Dimna,Probably 1429
Golestan Palace

حکایت شغال و ماده شیر
هنرمند نامعلوم
کلیله و دمنه ،احتمالاً ۸۳۳ ه.ق
کاخ گلستان



Crows Set Fire to the Owls's Cave
Unknown artist
Kalila va Dimna,Probably 1429
Golestan Palace

آتش زدن غار جغدان توسط زاغان
هنرمند نامعلوم
کلیله و دمنه ،احتمالاً ۸۳۳ ه.ق
کاخ گلستان



Jackal Sympathizes with Lion whose Cubs have been Killed by a Lancer
Unknown artist
Kalila va Dimna,Probably 1429
Golestan Palace

حمله شیر به خر به حیلت روباه (باب میمون و لاک پشت)
هنرمند نامعلوم
کلیله و دمنه ،احتمالاً ۸۳۳ ه.ق
کاخ گلستان



Borzouyeh Takes Kalila va Dimna to Anoushiravan
Unknown artist
Kalila va Dimna ,Probably 1429
Golestan Palace

برزویه کتاب کلیله و دمنه را نزد انوشیروان می برد
هنرمند نامعلوم
کلیله و دمنه ،احتمالاً ۸۳۳ ه.ق
کاخ گلستان



ذات تو بقای ما متعلق است در کار ما چه صواب می بینی ماهی خوار جواب داد که با صیاد مقاومت صورت نبندد و من
دران اشارتی نتوانم کرد لیکن دران نزدیکی آبگیری میدانم که آب بصفا پرده در تر از گریه عاشق است و غماز تر از صبح
صادق دانه ریگ در قعر او بتوان دید و بیضه های ماهی از فراز آن بتوان شمرد کما قیل شعر

[illegible]

اگر بدان موضع تحویل توانید کرد در امن و راحت و خصب و فراغت افتید گفتند نیکو رایست لیکن بی معونت و مظاهرت تو
ممکن نگردد گفت دریغ ندارم اما مدت براند و ساعت بساعت صیادان بیایند و فرصت فایت شود بسیار تضرع نمودند
و منتها تحمل کردند تا بدان قرار دادند که هر روز چند ماهی بردی و در بالایی که دران حوالی بود بخوردی و دیگران در تحویل تعجیل و
مسارعت می نمودند و با یکدیگر پیش دستی و مسابقت می کردند خود بچشم عبرت در سهو و غفلت ایشان می نگریست و بزبان عظت
با ایشان می گفت هر که بلابه دشمن فریفته شود و بر لئیم طبع و بدگوهر اعتماد روا دارد سزای او اینست چون روزها برین بگذشت خرچنگ
خواست که هم تحویل کند ماهی خوار او را بر پشت گرفت و روی بران بالا نهاد که خوابگاه ماهیان بود خرچنگ از دور استخوان ماهیان
بسیار دید دانست که حال چیست اندیشید که خردمند چون دشمن را در مقام خطر بدید و قصد او در جان شیرین خود مشاهده کرد اگر کوشش

Pelican Cheats on the Fish for Food
Unknown artist
Kalila va Dimna,Probably 1429
Golestan Palace

ماهی خوار به ماهیان حقه می زند
هنرمند نامعلوم
کلیله و دمنه احتمالاً ۸۳۳ ه.ق
کاخ گلستان



Story from Kalila va Dimna
Unknown artist
Kalila va Dimna,Probably 1429
Golestan Palace

شبیخون زاغان بر جغدها (باب بوم و زاغ)
هنرمند نامعلوم
کلیله و دمنه ،احتمالاً ۸۳۳ ه.ق
کاخ گلستان

زاغ به توصیه شغال جواهر را بر سر مار می اندازد
هنرمند نامعلوم
کلیله و دمنه ،احتمالاً ۸۳۳ ه.ق
کاخ گلستان

Story from Kalila va Dimna
Unknown artist
Kalila va Dimna,Probably 1429
Golestan Palace

شیر دختر امیر را می کشد
هنرمند نامعلوم
کلیله و دمنه ،احتمالاً ۸۳۳ ه.ق
کاخ گلستان

The Lion Kills the King's daughter
Unknown artist
Kalila va Dimna,Probably 1429
Golestan Palace



خاوران نامه [ابن حسام]
کتابخانه موزه کاخ گلستان

خاوران نامه یکی از آثار ارزشمند تصویری تاریخ نگارگری ایران است. متن این اثر توسط ابن حسام خوسفی بیرجندی به شیوه شاهنامه فردوسی، در قرن نهم ه . ق سروده شده است. ابن حسام این کتاب را در مقام و منزلت امیرالمومنین علی علیه السلام سروده و گرچه مضامین آن اغلب از اساطیر و حتی خرافات است، اما وی معتقد است که تمامی این مضامین مبین مقام و منزلت حضرت علی(ع) است. ابن حسام می گوید، موضوع این منظومه حماسی را از کتابی به زبان عربی گرفته است:

چو برسال سی، هشتصد بیفزودمی	شد این نامهٔ تازیان پارسی
مر این نامه را خاوران نامه نام	نهادم بدان گه که کردم تمام

برخی از مضامین خاوران نامه از اساطیر ایران باستان اخذ شده است، از جمله جنگ امیرالمومنین با اژدها که با جنگ رستم واژدها مشابهت دارد. نگارگر این مجموعه به احتمال زیاد "فرهاد شیرازی" است. فرهاد، نقاش گمنام و شیرین قلم اواخر قرن نهم، گویا از اهالی شیراز بوده که در شیوه ای خاص هنر آفرینی کرده است. به استناد برخی تصاویر تاریخ دار این نسخه در سال های ۸۸۱ و ۸۸۲ و ۸۹۲ هـ.ق.، می توان گفت که این نسخهٔ ارزنده در حوالی سال ۸۹۲ ه . ق پایان یافته و حدود ۱۰ سال نیز صرف کتابت و آفریدن نقوش آن شده است.

هرچند در انتساب محل تصویر سازی این کتاب اختلافاتی وجود دارد، اما به نظر می رسد مصورسازی این کتاب در شیراز انجام شده باشد. ویژگی های مکتب شیراز و سنت استادانی چون جنید که بیشترین نقش را در طراحی اندام های انسانی و بیان حالات آنها و همچنین در رنگ آمیزی غنی و متنوع داشته اند سابقه ای است که مکتب شیراز را در مجموعه اتفاقات هنری ایران خصوصاً در عصر تیموری شاخص می کند.

شیرازه این کتاب متأسفانه از هم گسسته شده و اوراق آن از یک دیگر جدا شده اند. پیش از متلاشی شدن این نسخه، صفحات آن ۶۸۵ ورق بوده که ۶۴۵ ورق آن با کاغذ ختایی به قطع ۲۷/۵×۳۸/۵ سانتی متر، در اواخر قرن نهم هـ. ق. صحافی گردیده است. از ۱۵۵ قطعه مصور این نسخه، هم اکنون ۱۱۵ قطعه باقی مانده است. اوراق خاوران نامه مرمت شده و صفحه اول آن دارای شمسه‌ای مذهبی است که در متن طلایی وسط آن، به قلم ثلث با سفیداب، عبارت "کتاب خاوران" قید شده که نمونه عالی از سبک ترکمانان فارس است و تمامی ویژگی های آن را در خود جای داده است. ویژگی های سبک ترکمانان عبارتند از رنگ های غنی و مهیج، طراحی سنجیده که کل عناصر موجود در نقاشی را به صورت اجزایی از یک طرح کما بیش تزیینی درآورده است. پیکره های با ابهت اما لاغر اندام، سرهای بزرگ و حالات و چهره های پرهیجان و پس زمینه ای از گیاهان و نباتات انبوه و پرپشت با سایه های متنوعی از زرد و سبز.

شیوهٔ مجلس آرایی و کشیدن درختان سرو و گیاهان نواحی گرمسیری و ترسیم حیوانات دریایی، از قبیل نهنگ ها و ماهی های گوناگون و مناظر کشتی ها و کناره ها، این حدس را تایید می کند که نقاش به ساحل دریا و امکانات آن دسترسی داشته و در شهر شیراز که تا حدودی به آن نواحی نزدیک تر بوده، نقاشی می کرده، و شیوهٔ شیرازی و ترکمان را در تصاویر خود اجرا می کرده است .

Khavaran Nameh [Ibn-e Hesam]
Golestan Palace Library

This is one of the most valuable illustrated books recorded in the history of Persian Painting. Its text has been versified by Ibn-e Hesam Khousfi in line with the style of Ferdowsi's Shahnameh and dates back to the 8th century AH.

The painter of its illustrations is Farhad Shirazi, who has probably depicted the entire set of the paintings included in the book. The anonymous highly skilled painter of the late 9th century, Farhad, supposedly from Shiraz, has depicted the paintings of the book in his own original style. Based on the signature of the artist dating back to 881-882-892 AH, it can be said that the noteworthy book has been completed in 892 AH and 10 years had been spent on painting the relevant illustrations.

Unfortunately, its binding has been broken and the sheets have been torn apart. Before such a breakage, it comprised 685 pages, out of which 645 sheets were recorded on Khataie paper with a format of 38.5 x 27.5 cms and the paintings date back to the late 9th century AH.

Illustrations: 155 paintings, of which only 115 are now available. The frontispiece is an illumination, while the epigraphs appearing on the 2nd and 3rd pages are illuminations along with golden charts.

Khavaran Nameh, which is an exquisite sample of the style exercised by Fars -Turkmens, manifests the complete features of the relevant style to the optimum.



Gabriel Enters the Battleground
Farhad Shirazi
Khavaran Nameh, 1476-86
Golestan Palace

درآمدن جبرئیل به میدانگاه نبرد
فرهاد شیرازی
خاوران نامه، ۸۹۲-۸۸۲ ه.ق
کاخ گلستان



Imam Ali Combats the Dragon
Farhad Shirazi
Khavaran Nameh, 1476-86
Golestan Palace

حضرت امیر (ع) در نبرد با اژدها
فرهاد شیرازی
خاوران نامه، ۸۹۲-۸۸۲ ه.ق
کاخ گلستان

برآورد گرز و خم آورد پشت
یکی بانگ برزد بحیدر درشت
که ای خورده برجان خود زینهار
چرا آمدی اندرین چاهسار
همانا که از خود بسیر آمدی
که در چاه دیوان دلیر آمدی
کجا رفت خواهی ازین ژرف چاه
کزین پس خورشید بینی نه ماه
بپاسخ علی گفت کای بدنژاد
همانا که نام منت نیست یاد
منم حیدر و شیر پروردگار
بسی کشته ام چون تو در چاهسار
برآورد آن گرز دیو نژند
بدان تا رساند بحیدر گزند
چو دید آن دلاور بر و برز او
یکی تیغ زد بر سر گرز او
سر گرز بشکافت اژ بکر
وزو شعلهٔ آتش آمد بدر
زبانه برآمد ز تاریک چاه
بدیدند گردن کشان سپاه



ابو المحجن و مالک نامدار
همان میر سیاف زنهار خوار
بتن بر همه جامه کردند چاک
دلیران بسر برفشاندند خاک
برآمد ز لشکر بزاری خروش
ز اندیشهٔ حیدر نبیز هوش
ولیکن چو آتش بحیدر رسید
بخواند آیت ستر و بر خود دمید
ازان آتش او را نیامد زیان
بغرید برسان شیر ژیان
بسوی گریبان آن پر جنگ
بیازید و همچون دمنده پلنگ
خروشی برآمد همانگه ز پیر
بزاری در آمد بکردار زبیر
دگربار از چه برآمد غریو
بن چاه پر شد ز آواز دیو
ز دیوان جنگی دران چاهسار
نتابید رخ شیر پروردگار
علی را چو دیدند بشناختند
بن چاه یکسر بپرداختند

The Battle of Imam Ali with Legendary Creatures
Farhad Shirazi
Khavaran Nameh, 1476-86
Golestan Palace

نبرد حضرت امیر (ع) با موجودات افسانه ای
فرهاد شیرازی
خاوران نامه، ۸۹۲-۸۸۲ ه.ق
کاخ گلستان



Doldol battles the lion
Farhad Shirazi
Khavaran Nameh, 1476-86
Golestan Palace

دلدل شیر را از پای در می آورد
فرهاد شیرازی
خاوران نامه، ۸۹۲-۸۸۲ ه.ق
کاخ گلستان





Imam Ali in Search of Doldol
Farhad Shirazi
Khavaran Nameh, 1462-1472
Golestan Palace

حضرت امیر(ع) در جست و جوی دلدل
فرهاد شیرازی
خاوران نامه، ۸۸۲-۸۹۲ ه.ق
کاخ گلستان



ظفرنامه تیموری [شرف الدین علی یزدی]
کتابخانه موزه کاخ گلستان، نسخه شماره ۷۰۸

این کتاب تاریخی تألیف شرف الدین علی یزدی از مورخان و ادیبان نیمه دوم سدهء هشتم و نیمه اول سدهء نهم ه.ق. است که تألیف آن به دستور ابراهیم سلطان در شیراز آغاز و مدت چهار سال به طول انجامید و به سال ۸۲۸ ه.ق. پایان گرفت. این کتاب تاریخ زندگی تیمور از آغاز تا زمان مرگ اوست که پیشتر توسط نظام شاهی و به نام "ظفرنامه"، با انشایی روان و براساس یادداشت های روزانهء وقایع نگاران عصر تیمور، به زبان ایغوری تدوین شده بود.
شرف الدین با افزودن آگاهی های تازه، به ویژه اطلاعات مربوط به وقایع سال های پس از ۸۰۶ ه.ق. کتاب خود را با نثری شیوا و همراه با اشعاری که بیشتر سرودهء خود اوست، تألیف کرد.
این نسخه از ظفرنامهء تیموری به قطع رحلی کوچک (۲۳×۳۷ سانتی متر)، شامل ۷۵۰ صفحه و در هر صفحه ۱۹ سطر، (به قلم نستعلیق و کتابت عالی) به خط سلطان محمد نور، بر کاغذ دولت آبادی، به سال ۹۳۵ ه.ق. کتابت شده است. چهار صفحهء پیش از آغاز متن با تشعیر زرین و نقش سیمرغ، و دو صفحه آغاز کتاب با دو سر لوح مذهب مرصع، کار میر عضد مذهب تزیین شده است.
این نسخه با ۲۴ نگاره بزم و رزم و صحنه هایی از مراسم درباری آراسته شده است.
نگاره های این کتاب از نظر طراحی، حالت های انسانی و ترکیب بندی و ساختار صخره ها ویژگی های کارهای کمال الدین بهزاد را داراست، اما ممکن است همهء بخش های این نگاره ها متعلق به کمال الدین بهزاد نباشد، آن چه بیش از هرچیز تعلق این آثار را به کمال الدین بهزاد نشان می دهد، طراحی حالت های پیکره هاست که نشان دهنده اوج حالات روحی انسان ها در حالات مختلف است. این ویژگی خصوصاً در ترسیم جنگجویان در میدان جنگ بیشتر مشاهده می شود.

Timurid Zafar Nameh [Sharaf od-Din Ali Yazdi]
Golestan Palace Library
No. 708

This is a historical book compiled by the renowned historian, man of pen and scholar of the 2nd half of 8th and 1st half of 9th centuries AH, Sharaf od-Din Ali Yazdi.
The writing process started in the city of Shiraz by the order of Ibrahim Sultan and was completed in four years (828 AH).
Format: Nasta'liq, written on Dowlatabadi paper, by Sultan Mohammad Nour, dated 935 AH
Illustrations: 4 paintings preceding the text, verses in gold and images of phoenix, a two-page preface and 2 inlaid illuminated epigraphs by Mir Azod, the famous illuminator, have embellished the book which comprises 24 painted festive and heroic scenes from the court formalities attributed to Kamal od-Din Behzad.



Timur Welcomes Amirzadeh Jahangir's Wife
Attributed to Kamal od-din Behzad
Timurid Zafar Nameh(No.708),1528
Golestan Palace

استقبال تیمور از همسر امیرزاده جهانگیر
منسوب به کمال الدین بهزاد
ظفرنامه تیموری(ش۷۰۸)، ۹۳۵ه.ق
کاخ گلستان



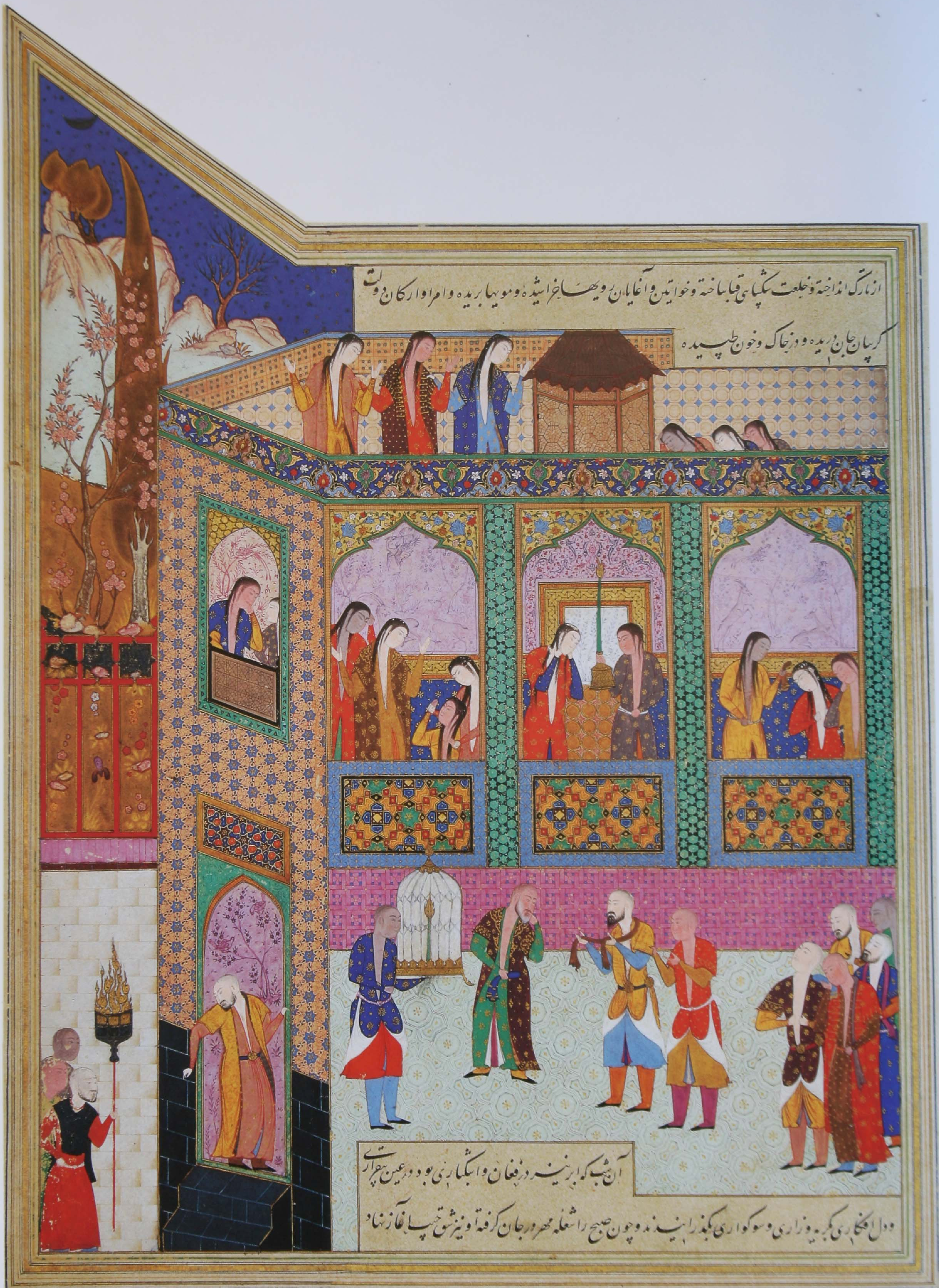
European Ilchid Bring Ottoman Sultan Morad's Son to Timur
Attributed to Kamal od-din Behzad
Timurid Zafar Nameh(No.708),1528
Golestan Palace

ایلچیان اروپایی پسر سلطان مراد عثمانی را به نزد تیمور آورده اند
منسوب به کمال الدین بهزاد
ظفرنامه تیموری(ش۷۰۸)، ۹۳۵ ه.ق
کاخ گلستان



Capture of Qotb od-din Qormi and Bringing him to Jame' Mosque in Shiraz
Attributed to Kamal od-din Behzad
Timurid Zafar Nameh(No.708),1528
Golestan Palace

دربند کردن قطب الدین قرمی و آوردن او
به مسجد جامع شیراز
منسوب به کمال الدین بهزاد
ظفرنامه تیموری (ش ۷۰۸)، ۹۳۵ ه.ق
کاخ گلستان



Timur's Funeral
Attributed to Kamal od-din Behzad
Timurid Zafar Nameh(No.708),1528
Golestan Palace

مراسم سوگواری مرگ تیمور
منسوب به کمال الدین بهزاد
ظفرنامه تیموری(ش ۷۰۸)، ۹۳۵ ه.ق
کاخ گلستان





Battleground of Timur and Egyptian king
Attributed to Kamal od-din Behzad
Timurid Zafar Nameh(No.708),1528
Golestan Palace

میدان نبرد تیمور و سلطان مصر
منسوب به کمال الدین بهزاد
ظفرنامه تیموری(ش۷۰۸)، ۹۳۵ه.ق
کاخ گلستان



Mohammad Sultan Presents Gifts to Timur
Attributed to Kamal od-din Behzad
Timurid Zafar Nameh(No.708),1528
Golestan Palace

تقدیم پیشکش توسط محمد سلطان به تیمور
منسوب به کمال الدین بهزاد
ظفرنامه تیموری(ش۷۰۸)، ۹۳۵ه.ق
کاخ گلستان



Festivities for the Return of Timur to Samarkand
Attributed to Kamal od-din Behzad
Timurid Zafar Nameh(No.708),1528
Golestan Palace

مجلس سرور به مناسبت مراجعت تیمور به سمرقند
منسوب به کمال الدین بهزاد

ظفرنامه تیموری(ش۷۰۸)، ۹۳۵ ه.ق
کاخ گلستان



۱۲۳
حکم تسخیر حصار رسید بهادران نامدار و جنگ‌گزاران باشوکت و اقتدار سپرها
گرفته و دویدند و بیم در لحظه رخنها در حصار کرده اندرون رفتند و بقتل و غارت ا
شتافتند حصار و جدار و سپاه کین نماند بجز نامی از بنغوین نماند و از آنجا

ظفرنامه تیموری [شرف الدین علی یزدی]
کتابخانه موزه کاخ گلستان، نسخه شماره ۲۱۷۸

نسخه مصور دیگری از ظفرنامه تیموری که قطع آن نیم ورقی، ۳۰×۲۰ سانتی متر و شامل ۲۷۹ صفحه است. خط آن نستعلیق و کاتب آن نیز نامعلوم است. کاغذ آن شکری فرنگی و متن زرافشان با حاشیه شکری مجدول کمندار مصور است.
صفحات مصور آن شامل ۱۰ نگاره، بدون امضا است و جلد آن تیماج قرمز، حاشیه زنجیره ضربی طلایی است.
نگاره های این نسخه به نفاست و ارزش هنری نگاره های نسخه مشابه، منسوب به کمال الدین بهزاد نیست.

Timurid Zafar Nameh [Sharaf od-Din Ali Yazdi]
Golestan Palace Library No. 2178

Zafar Nameh is an illustrated book about Tamerlane's battles and conquests.
Format: Folio, 20 x 30 cms, 279 pages
Script: Nasta'liq, written on cream-colored gold-sprayed paper with cream-colored checker margin
Illustrations: 10 unsigned paintings
Cover: Red leather with golden band margin
Though the paintings included in Zafar Nameh are not as valuable as those of a similar version attributed to Kamal od-Din Behzad, they are considered to be among the prominent artworks of Timurid era.

فتح قلعه به دست سپاه تیمور
هنرمند نامعلوم
ظفرنامه تیموری (نسخه ش ۲۱۷۸)
نیمه اول سده دهم ه.ق.
کاخ گلستان

Capture of the Castle by Timurid Army
Unknown artist
Timurid Zafar Nameh,(No.2178)
First half of 16th century
Golestan Palace



تذهیب
هنرمند نامعلوم
ظفرنامه تیموری
(نسخه ش ۲۱۷۸)
نیمه اول سده دهم ه.ق.
کاخ گلستان

Tadhib
Unknown artist
Timurid Zafar Nameh
(No.2178)
First half of 16th century
Golestan Palace



Construction of Samarkand Mosque
Unknown artist
Timurid Zafar Nameh,(No.2178)
First half of 16th century
Golestan Palace

ساخت مسجد سمرقند
هنرمند نامعلوم
ظفرنامه تیموری (نسخه ش ۲۱۷۸)
نیمه اول سده دهم ه.ق.
کاخ گلستان





In Qarabaq Quarters
Unknown artist
Timurid Zafar Nameh, (No.2178)
First half of 16th century
Golestan Palace

در قشلاق قراباغ
هنرمند نامعلوم
ظفرنامه تیموری (نسخه ش ۲۱۷۸)
نیمه اول سده دهم ه.ق.
کاخ گلستان





مرگ تیمور
هنرمند نامعلوم
ظفرنامه تیموری (نسخه ش ۲۱۷۸)
نیمه اول سده دهم ه.ق.

Death of Timur
Unknown artist
Timurid Zafar Nameh,(No.2178)
First half of 16th century
Golestan Palace


آینه اش برد و برابر نهاد
وز پس آینه زبان بر گشاد
کرد در گلشن تعلیم باز
گشت چو مرغان دگر نغمه ساز

روضة الانوار [خواجوی کرمانی]
کتابخانه موزه کاخ گلستان، نسخه شماره ۹۲۷

این کتاب اثر خواجوی کرمانی شاعر و عارف مشهور ایرانی در قرن هشتم ه.ق. است.
اشعار خواجو دلزدگی او را از زندگی در زادگاهش کرمان و شوق وی را به سفر در آفاق و انفس نشان می دهد.
آثار او از لحاظ رسایی و تازگی درخور تأمل است. از جملهء این آثار قصاید و غزلیات و شش دفتر مثنوی، همای و همایون، روضة الانوار، کمال نامه، گهرنامه، گل ونوروز و سام نامه است.
این نسخه در اندازه ۱۷×۲۷ سانتی متر و شامل ۱۷۸ صفحه است. خط آن نستعلیق با رقم علی الکاتب السلطانی است که به سال ۹۲۷ه.ق. کتابت شده است. کاغذ متن، خانبالغ نخودی زرافشان و حاشیه آن، دولت آبادی و دارای تشعیر است. صفحات مصور آن دارای پنج نگاره بدون امضاء است. جلد آن مقوای روغنی، بوم مشکی، بنفش و مذهب به سه دسته گل الوان با پیچک های زرین، حاشیه آلبالویی رنگ بنفش با گل های مینایی الوان، اثر آقا باقر است.

Rozat ol-Anvar [Khaju-ye Kermani]
Golestan Palace Library
No.1520

The book has been written by the 8th century (AH) renowned Iranian poet and Gnostic, Mahmoud Ibn-e Mahmoud Morshed Kermani. He used the pen name of “Khaju”, which is the diminutive of Khajeh, to sign his poems.
Following are some of his works which are known for fluency and modernity: Divan including lyrics and elegies and other poetic styles, six volumes of Masnavi comprising “Homay and Homayoun”, “Rozat ol-Anvar”, “Kamal Nameh”, “Gohar Nameh”, “Gol o Nowroz” and “Sam Nameh”.
Format: Quarto, 27 x 17 cms, 178 pages, written gold-sprayed, Bukharaie paper
Script: Nasta’liq, written by Mir Ali Heravi in Heart, dated 927 AH
Illustrations: 5 unsigned paintings based on Herat style, 2 inlaid illuminated epigraphs
Cover: Unctuous cardboard with “Gol o Botteh” motifs by Agha Baqer

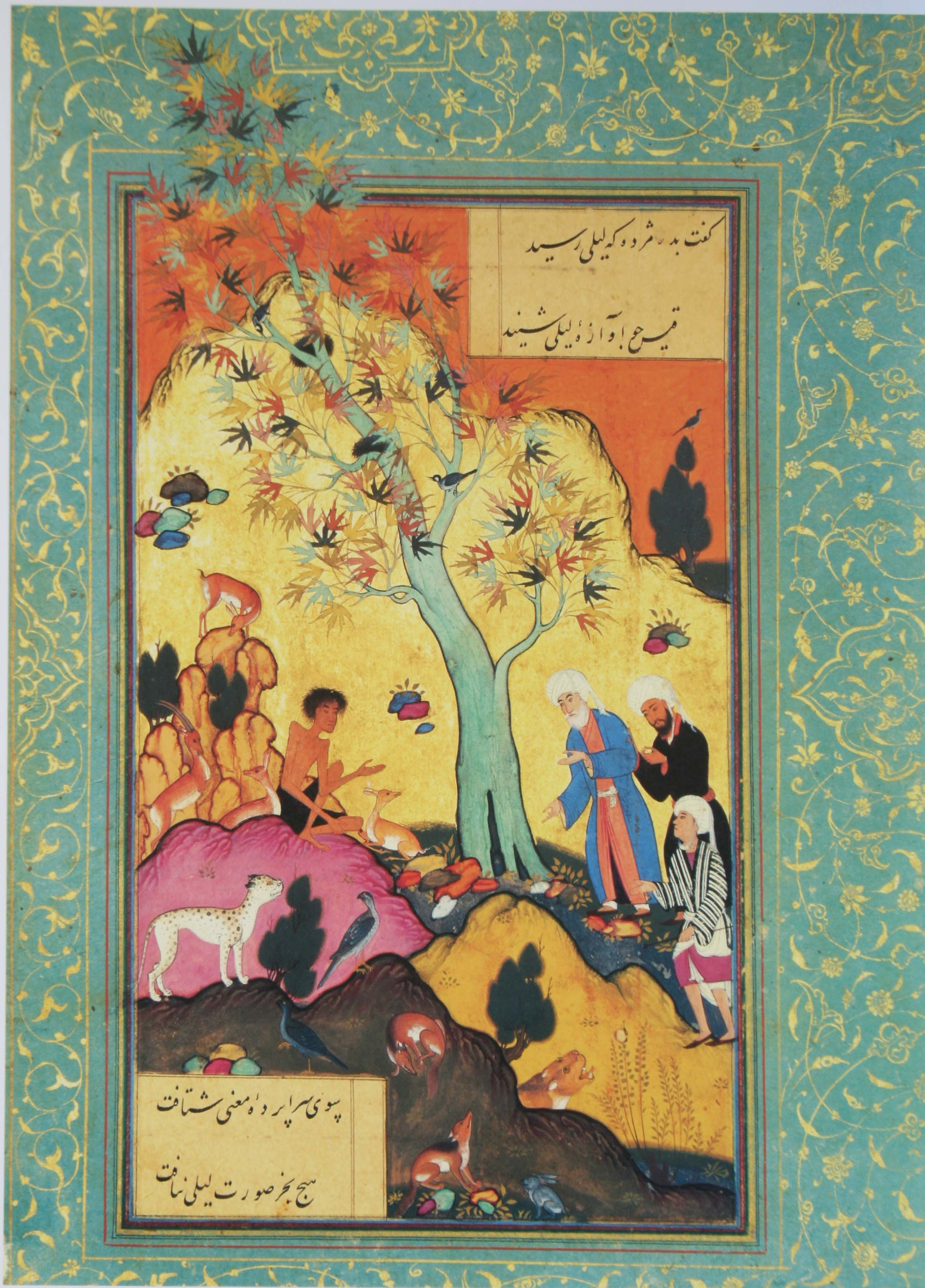
آینه‌اش برد و برابر نهاد
هنرمند نامعلوم
روضه الانوار ،۹۲۷ه.ق
کاخ گلستان

Poetry from Rozat ol-Anvar
Unknown artist
Rozat ol-Anvar,1520
Golestan Palace



Story of the Old Woman and Sultan Malik Shah
Unknown artist
Rozat ol-Anvar [Khaju-ye Kermani],1520
Golestan Palace

حکایت پیرزن دادخواه به سلطان ملک شاه
هنرمند نامعلوم
روضه الانوار ، ۹۲۷ ه.ق
کاخ گلستان



Story of Majnun
Unknown artist
Roza ol-Anvar ,1520
Golestan Palace

حکایت مجنون
هنرمند نامعلوم
روضه‌الانوار ۹۲۷ه.ق
کاخ گلستان

دین مده و ملکت سلطان مگیر — ترک گهر گیر و ره کان مگیر

دیو بود در طلب ملک جم — خاتم اگر هست ز دیو است چه غم

[illegible]

آیدم آن سالک تارک بیاد — کز طرف شام بکرمان فتاد

رایت تجرید برافراخته — در ره توحید فرس تاخته

قرص سفید قمرش نان شام — سفره اش این اطلس فیروزه فام

پیرهن و خرقه ازو یافته — وز دل او چشمه جان یافته

از گذرش فقر سرافراز بود — وز نظرش چشم ورع باز بود

داور آن دور بدو بگروید — زانکه مسافر بکمالش ندید

در ره او کوس ارادت بزد — بر در او تخت عبادت بزد

زاویهٔ خاص بنامش بساخت — در حرم خاص مقامش بساخت

Tash'eer
Unknown artist
Rozat ol-Anvar
1520
Golestan Palace

تشعیر
هنرمند نامعلوم
روضه الانوار ۹۲۷ ه.ق
کاخ گلستان

دیده شه چرخ جواهر فروش
روی تو در آینه بنهفت جوش

مهچه خرگاه جمال تو مهر
حلقه درگاه جلالت سپهر

راحت روح القدس از بوی تو
آب خضر خاک سر کوی تو

مشک تو از نافه عبد مناف
عرش بگرد حرمت در طواف

حلقه بگوش فلک چنبری
روی تو آینه اسکندری

تافته گشت این طبق نقره پوش
بس که برآورده درون تو جوش

یوسف مصر انا املح تویی
مهدی مهد انا افصح تویی

عالم جان حضرت اعلای تست
صدر دنا منزل ادنای تست

باز گشا نرگس مازاغ را
آب ببر خوش نظر باغ را

منطق خواجو شود نغمه ساز
نوبت نعت تو زند در حجاز

هر نفس از حضرت جان آفرین
بر تو و اصحاب تو باد آفرین

Tash'eer
Unknown artist
Rozat ol-Anvar
1520
Golestan Palac…

تشعیر
هنرمند نامعلوم
…وار ۹۲۷ ه.ق
کاخ گلستان



پنج گنج [عبدالرحمان جامی]
نسخه شماره ۷۰۹

پنج گنج، اثر نورالدین عبدالرحمان جامی، از شعرای متصوف در قرن نهم ه.ق. است. شناخت عرفانی و دانش گسترده‌ء وی در مثنوی های او بیش تر مشاهده می شود.
جامی گرچه در سبک شعری، پیرو امیر خسرو دهلوی است، اما در پنج گنج بیشتر متأثر از سروده های نظامی است. این نسخه از "پنج گنج" که در کتابخانه‌ء کاخ گلستان نگهداری می شود یکی از زیباترین نسخه های کتابخانه است.
نگارگرانی که نگاره های این نسخه به آنها منصوب است از مشهورترین نگارگران عصرتیموری و صفوی هستند که خوشبختانه نام آنها بر صفحه‌ء نگاره‌ها ثبت شده است: "سلطان محمد شاهی، حیدرعلی، قاسم علی، مظفرعلی، مقصود"
این نگاره ها نماینده‌ء کمال هنر این نگارگران هستند که خوشبختانه اغلب آنان سالم مانده اند. یکی از امتیازهای این نسخه تشعیرهای متنوع و زیبای آن است که با طراحی عالی تخیلات هنرمندان تشعیرساز بر دو حاشیه صفحات مصور و نوشتار به رنگ طلا ترسیم شده اند.
پنج گنج به قطع وزیری بزرگ، ۲۳/۳×۳۴/۲ سانتی متر، دارای ۴۰۶ صفحه، هرصفحه ۲۰ سطر، هر سطر دو بیت به قلم نستعلیق با رقم "علی الحسینی الهروی" به تاریخ ۹۲۸ ه.ق بر کاغذ بخارایی کتابت شده است. حاشیه ها حلکاری به نقوش گل و بوته و جانوران، سه صفحه‌ء بدرقه در آغاز و انجام، تشعیر طلایی و چهار سر لوح مذهب مرصع عالی دارد.

Panj Ganj [Abdol-Rahman Jami]
Golestan Palace Library,No. 709

Panj Ganj (Khamseh) was written by the 9th century AH Sufi poet, Nour od-Din Abdor-Rahman Jami.
Though Jami adopted Amir Khosrow Dehlavi's poetical style, but in writing Panj Ganj he was mostly inspired by Nezami's poems. This version of Panj Ganj, which is kept at Golestan Palace Library, is one of the most charming books of the library.
Its illustrations have been depicted by the most celebrated painters of Safavid era, including Sultan Mohammad Shahi, Heidar Qoli, Qasem Ali, Mozaffar Ali and Maqsoud. Fortunately the paintings bear the signatures of the painters.
Format: Large quarto, 34.2 x 23.3 cms, 406 pages
Script: Nastaliq, signed by Ali ol-Hosseini ol-Heravi, dated 928 AH, written on
Bokharaie paper
Illustrations: Out of 10 paintings, 2 precede the text and the remaining 8 are placed before
every Masnavi in dual pages facing each other, the margins are embellished
with flowers, vignettes and beasts, poems written in gold, 4 inlaid
illuminated epigraphs.





109 **Excursion in the nature**
Sultan Mohammad Shahi
Panj Ganj,1521
Golestan Palace

۱۰۹ مجلس در طبیعت
سلطان محمد شاهی
پنج گنج، ۹۲۸ ه.ق
کاخ گلستان

110 **Excursion in the nature (right Page)**
Maqsoud
Panj Ganj,1521
Golestan Palace

۱۱۰ مجلس درطبیعت (صفحه راست)
مقصود
پنج گنج، ۹۲۸ ه.ق
کاخ گلستان

111 **Excursion in the nature (left Page)**
Maqsoud
Panj Ganj,1521
Golestan Palace

۱۱۱ مجلس درطبیعت (صفحه چپ)
مقصود
پنج گنج، ۹۲۸ ه.ق
کاخ گلستان

112 **Yusof Enters Zoleikha's Banquet**
Ghassem Ali
Panj Ganj,1521
Golestan Palace

۱۱۲ ورود یوسف به مجلس مهمانی زلیخا
قاسم علی
پنج گنج، ۹۲۸ ه.ق
کاخ گلستان

113 **Yusof& Zoleikha (left Page)**
Ghassem Ali
Panj Ganj,1521
Golestan Palace

۱۱۳ مجلس میهمانی زلیخا(صفحه چپ)
قاسم علی
پنج گنج، ۹۲۸ ه.ق
کاخ گلستان

114 **Layli & Majnun (right Page)**
Mozaffar Ali
Panj Ganj,1521
Golestan Palace

۱۱۴ لیلی و مجنون (صفحه راست)
مظفرعلی
پنج گنج، ۹۲۸ ه.ق
کاخ گلستان

115 **Layli & Majnun (left page)**
Mozaffar Ali
Panj Ganj,1521
Golestan Palace

۱۱۵ لیلی و مجنون (صفحه چپ)
مظفرعلی
پنج گنج، ۹۲۸ ه.ق
کاخ گلستان

116 **Dancing of the mystic (right Page)**
Heidar Ali
Panj Ganj,1521
Golestan Palace

۱۱۶ سماع دروایش (صفحه راست)
حیدرعلی
پنج گنج، ۹۲۸ ه.ق
کاخ گلستان

117 **Dancing of the mystic (left Page)**
Heidar Ali
Panj Ganj,1521
Golestan Palace

۱۱۷ سماع دروایش (صفحه چپ)
حیدر علی
پنج گنج، ۹۲۸ ه.ق
کاخ گلستان

118 **Frontispiece**
Unknown artist
Panj Ganj,1521
Golestan Palace

۱۱۸ سر آغاز کتاب
هنرمند نامعلوم
پنج گنج، ۹۲۸ ه.ق
کاخ گلستان

119 **Frontispiece of Sobhat ol-Abrar**
Unknown artist
Panj Ganj,1521
Golestan Palace

۱۱۹ سرلوح کتاب سبحةالابرار
هنرمند نامعلوم
پنج گنج، ۹۲۸ ه.ق
کاخ گلستان




عمل مقصود شاگرد بهزاد




ز در درآ شبستان ما منور کن
هوای مجلس روحانیان معطر کن


درگاه تو قبله‌گاه حاجات است
محراب زمین و آسمان است









هذه خمسة كتب ... الكتب المطولة ... [illegible]

قبلهٔ همت خدای شناس هست بر نعمت خدای سپاس

خاصه بر نعمتی که در بقاست در جهان تا جهان بجاست بجاست

چیست آن گنجهای بیشماران نظم و نثر مدیح گفتاران

نیست شغلی پس از سپاس خدای بهتر از نعت خواجهٔ دو سرای

آنکه در پردهٔ نشیمن راز سخن از روی پایهٔ اعجاز

صلی الله علیه و آله و اتباعه و حمله علومه و احواله اما بعد این درج

مشحونست نمودار پنج گنج که نی سفینه ایست از گنجهای اسرار گوهر سنج

اول تحفة الاحرار که چون انگشت ابهام از ان پنجه بحلقه افتاده

دوم سبحة الابرار که شکر گشاده معارف شکرستان نگار زبان و جز

کلمه و از شکنجهای وحدت اشارت نمایست و بهیات استعانت

در مقام ادای توحید ستهای سیوم یوسف و زلیخا که چون انگشت وسطی از

جوامع المعارف المتضمن لغوامض اسرار الحكم ... [illegible]

المنة لله که بخون گرفتم چندان چو غنچه عاقبت بشکفتم از گلشن کس چو غنچه بویی نگرفتم کز گوهر راز سفته واری نسفتم

سبحان الله این چه گوهرهاست که در نیسان احسان از رشحات سحاب فضل در صدف صدق گرد آمده و بدستیاری غواص

فکرت از قعر بحر حکمت بساحل نطق افتاده و ناطقه هر یک را بمثقب تأمل سفته و با امثال تعمق نظر در رشته انتظام برکشیده مناسبت و ملا

ملایمت با یکدیگر بهمت التیام و صورت انتظام داده الحق پیرایه آمده است که اگر سبحان مجامع قدس دست بدستش گردانند

رواست و اگر مقتدیان مجالس انس بانگشتش فراهم نمایند بآن سزاست استغفر الله چه میگویم صدف پاره چند بی مقدار است بر هم ریخته

و خزف ریزه چند بی اعتبار با یکدیگر آمیخته لعب کودکان را لایق و طبع دیوانگان را موافق بالغ نظران از آن کناری و زنده کاملان خرد را

از آن اعتباری چون محالات مستان همه بیهوده و چون خیالات بنگ پرستان بغرض آلوده با این همه امید

امیدوارم که پردگیان نشیمن معنی را پیرایه جمال گردد و جلوه نمایان انجمن دعوی را سرمایه کمال شعر

جامی که قوی شکسته حالست
وز دست زمانه پایمالست

چون فال ز نام خامه زد مند
گر دو آورد بیت چند

باشد ز نظر خجسته فالی
گفتند بجان شکسته حالی

یارب ز سپهر سبحان افلاک
صادق نفسان عالم پاک

کین نسخه که جمله تاب و پیچ است
هر چند که در حساب هیچ است

با اهل صفاش روبرو دار
وز دست معاندان نگهدار

ده شاخ اصل از شجره شجره توحید
و نو شکوفه فصل از شجره بشاخ تمجید

ابتدی بسم الله الرحمن
الرحیم المتوالی الاحسان

می کنم از نم این آب حیات
زندگی بخش دل اهل نجات

تر زبان خامه مشک افشان را
تا معطر کند این عنوان را

نافه آهوی تاتار است این
نفحه طبله عطار است این

خوش نفس غنچه باغ مدحت
تازه از پیش منش شاخ کرامت

بر رخ عقل ز غیب گشاده
لوحه ز نامه لاریب نهاده

نقش هرو



دیوان امیر حسن دهلوی
کتابخانه موزه کاخ گلستان، نسخه شماره ۲۲۰۰

این نسخه ارزشمند اثر امیر حسن دهلوی، یکی از شعرای پارسی گوی هندوستان در قرن هفتم و هشتم ه. ق. است.
غزل های دهلوی حاوی مضامین دقیق بسیاری است. الفاظ او، ساده و روان و شیوه شعری اش به پیروی از سعدی است.
اگرچه قصاید متعددی به استقبال از سخنگویان پیش از خود دارد ولی اهمیت و شهرتش در غزلسرایی است. وی همعصر امیر خسرو دهلوی شاعر شهیر ایرانی است که هر دو در ترویج ادبیات و فرهنگ اسلامی ایران در شبه قاره هند بسیار سهیم بودند.
این نسخه در قطع وزیری، ۲۰×۱۱/۵ سانتی متر، شامل ۶۲۲ صفحه است. خط آن نستعلیق و به رقم "شجاع فارسی" بر کاغذ بخارایی در سال ۹۳۹ ه. ق. کتابت شده است.
صفحات مصور آن شامل ۶ نگارهء بدون امضا است.
جلد آن مقوای روغنی و بوم تریاکی مذهب به گل و برگ ختایی است.

Divan-e Amir Hassan Dehlavi
Golestan Palace Library,No. 2200

This valuable book has been written by an Indian Persian-speaking poet of the 7th-8th centuries AH, Amir Hassan Dehlavi.
He was a contemporary to the well-known Iranian poet, Amir Khosrow Dehlavi. Both poets played a crucial role in promoting the literature and Islamic culture of Iran in the Indian Subcontinent.
Format: Quarto, 11.5 x 20 cms, 622 pages
Script: Nasta'liq, signed by Shoja' Farsi, written on Bokharaie paper, dated 939 AH
Illustrations: 6 unsigned paintings
Cover: Unctuous cardboard and brown illuminated canvas adorned with floral vignettes

مثنوی جمشید و خورشید
کتابخانه موزه کاخ گلستان، نسخه شماره ۲۱۸۸

این نسخه مشتمل بر مثنوی جمشید و خورشید (سلمان ساوجی) ومهر ومشتری (محمد عصار) و دیوان غزلیات شاهی است . در انتهای غزلیات نوشته شده " آخر نا تمام است " .
قطع این نسخه ، وزیری ،۱۷× ۲۵ سانتی متر و شامل ۳۷۲ صفحه است . خط آن نستعلیق و کاتب آن نامعلوم و تاریخ کتابت آن ۹۵۴ه. ق است. کاغذ متن ، نخودی با حواشی چهره ای وقرمز است .
صفحات مصور این نسخه شامل سه نگاره و دو سر لوح مرصع و یک شمسه در ابتدایی کتاب بدون امضاء است. جلد آن ابره ء تیماج قرمز با نقش ترنج و چهار لچکی زمینه لاجورد و حاشیه ی زمینه ، طلای منگنه به شیوه سوخت است . در پیشانی صفحه اول ، سر لوحی با کتیبه ء مذهب و مرصع دارد.

Masnavi-ye Jamshid va Khorshid
Golestan Palace Library, vol. 2188

This book consists of *Masnavi-ye Jamshid va Khorshid* (Salman Savoji), *Mehr-o-Moshtari* (Mohammad Assar), and collection of sonnets by Shahi. The book ends with “The End is Unfinished”.
It is in royal octavo, 25 x 17 cms, in size and in 372 pages. The calligraphic style of the book is Nasta'liq inscribed anonymously. The paper is in buff with red margin.
Its illustrated pages include three Persian paintings, two anonymous ornate frontispieces and a roundel in the beginning of the book. The cover is red thin leather with medallion and four-pendent pattern in azure background and gold-pressed margin. There is a frontispiece with illuminated and ornate inscription at the top of the first page.

دل خون شد آن خلاصهٔ جان را خبر کنید — زین آب دیده سر و روان را خبر کنید

صبح از برم بجست چو آهو ز صیدگاه — آن شهسوار سخت کمان را خبر کنید



تنگ آمدست جان من از دست عشق او — آن تنگ چشم تنگ دهان را خبر کنید

جانست یار و این دل من خاک پای او — چون دل ز یاد در آمد جان را خبر کنید

Khamse-ye Amir Hassan Dehlavi
Unknown artist
Golestan Palace Library

دل خون شد آن خلاصه جان را خبر کنید
هنرمند نامعلوم
دیوان امیرحسن دهلوی
۹۳۹-ه.ق
کاخ گلستان



Jamshid va Khorshid
Unknown artist
From Masnavi-ye Jamshid va Khorshid ,16th century
Golestan Palace

جمشید و خورشید
هنرمند نامعلوم
مثنوی جمشید و خورشید
۹۵۲ - ه.ق
کاخ گلستان



منتخبات بوستان
کتابخانه موزه کاخ گلستان، نسخه شماره ۲۱۶۷

نسخه ای مصور از سعدی شیرازی، شاعر قرن هفتم ه. ق است.
این کتاب شامل دیباچه بوستان، در آداب نصیحت، در عدل و رعیت پروری، در فضیلت قناعت، در مروت و احسان، در پوشیدن چشم از عیوب، در توکل و رضای حق و در شکر بر عافیت است.
این نسخه به قطع ۱۰×۱۶ سانتی متر شامل ۲۰ صفحه است. خط آن نستعلیق و توسط شاه محمود کتابت شده و صفحات مصور آن شامل سه نگاره بدون امضا است.

Selections from Boustan
Golestan Palace Library
No. 2167

The book is an illustrated version of Boustan from the 7th century AH poet, Sa'di Shirazi.
It comprises the preface to Boustan on manners of giving advices, establishing justice, fostering the inferiors, overlooking faults, trust in the Almighty God and yielding to His will, being thankful for one's health as well as virtues of contentment, equity and benevolence.
Format: 16 x 10 cms.



Excursion in the nature
Unknown artist
Selections from Boustan, 16th century
Golestan Palace

تفرج در طبیعت
هنرمند نامعلوم
منتخبات بوستان سدهٔ دهم ه.ق
کاخ گلستان



Excursion in the nature
Unknown artist
Selections from Boustan, 16th century
Golestan Palace

تفرج در طبیعت
هنرمند نامعلوم
منتخبات بوستان سده‌ی دهم ه.ق
کاخ گلستان



کلیات سعدی
کتابخانه موزه کاخ گلستان، نسخه شماره ۲۱۷۴

کلیات سعدی‌شامل گلستان و بوستان، اثر مصلح الدین سعدی شیرازی، شاعر قرن هفتم ه. ق است. این نسخه به قطع وزیری، و ۱۵×۲۴ سانتی متر است که با خط نستعلیق و با رقم عبدالله بن شیخ مرشد کاتب شیرازی بر کاغذ دولت آبادی مجدول، کتابت شده است. صفحات مصور این نسخه شامل ۱۳ نگاره‌ء بدون امضا است و جلد آن مقوای سوخت تحریر، کار هنرمندان هندی است.

Sa'di's General Principles (Kolliat-e Sadi)
Golestan Palace Library,No. 2174

The "General Principles" was written by the 7th century poet from Shiraz, Sa'di.
Format: Nasta'liq written on checker Dowlatabadi paper, authographed by Abdollah Ibn-e Sheikh Morshed Kateb Shirazi
Illustrations: 13 unsigned paintings
Cover: Inlaid cardboard, made by Indian artists.



برگی از بوستان سعدی (۲۱۷۴)
هنرمند نامعلوم
سده دهم ه.ق
کاخ گلستان

A Page from Sa'di's Boustan
(No.2174)
Unknown artist
,16th century
Golestan Palace



Conversation of Devil and Barsissa
Unknown artist
Sa'di's Boustan(No.2174)
16th century
Golestan Palace

سخن گفتن ابلیس با برصیصا
هنرمند نامعلوم
برگی از بوستان سعدی(۲۱۷۴)
سده دهم ه.ق
کاخ گلستان


مرا گریه آمد ز تیمار جفت
بران گریه قهقه بخندید و گفت
مخور غم برای من ای پرخرد
مرانکس آرد که کشتی برد

بوستان سعدی
کتابخانه موزه کاخ گلستان، نسخه شماره ۲۱۸۹

این نسخه به قطع نیم ورقی، ۱۹×۲۹/۵ سانتی متر و شامل ۳۵۸ صفحه است. خط آن نستعلیق و کاتب آن نامعلوم است. نوع کاغذ آن دولت آبادی شکری زرافشان است و حاشیه، قطعه الوان مذّهِب منقش مجدول سرلوح دار است. صفحات مصور آن شامل شش نگارهء بدون امضا است.
جلد آن مقوای روغنی، با نقاشی گل سرخی، و زمینهء آن مرغش است.

Sa'di's Boustan
Golestan Palace Library,No 2189

Boustan is one of the best books written by the great Iranian 7thcentury (AH) poet, Sa'di.
Format: Folio, 29.5 x 19 cms, 358 pages
Script: Nasta'liq, written on cream-colored, gold-sprayed, Dowlatabadi paper with margins adorned by variegated, checkered and illuminated epigraphs
Illustrations: 6 unsigned paintings
Cover: Unctuous cardboard with red rose motifs

در معنی ثابت قدمی مردان
هنرمند نامعلوم
بوستان سعدی(۲۱۸۹)،
سده‌ء دهم ه.ق
کاخ گلستان

A Page from Sa'di's Boustan (No.2189)
Unknown artist
,16th century
Golestan Palace



داستان حضرت ابراهیم (ع)
هنرمند نامعلوم
بوستان سعدی (۲۱۸۹)
سده دهم ه.ق
کاخ گلستان

The Story of Prophet Ibrahim
Unknown artist
Sa'di's Boustan(2189),16th century
Golestan Palace



نشستن صاحب دل بر
پشت پلنگ
هنرمند نامعلوم
ستان سعدی(۲۱۸۹)
سده دهم ه.ق
کاخ گلستان

Story of the mystic
riding on puma
Unknown artist
Sa'di's Bustan(2189
16 century
Golestan Palace



بوستان‌سعدی
کتابخانه موزه کاخ گلستان، نسخه شماره ۲۱۹۷

نسخه دیگری از بوستان شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی، شاعر قرن هفتم ه.ق. است. این نسخه در قطع وزیری کوچک، ۱۳/۵×۲۳/۵ سانتی متر، و شامل ۲۱۴ صفحه است. خط آن نستعلیق و توسط میرحسنی در سال ۹۶۱ ه.ق. کتابت شده است.
کاغذ متن، دولت آبادی و کاغذ حاشیه آن آبی زرافشان مجدول سرلوح دار است. صفحات مصور این نسخه دارای چهار نگاره بدون امضا است و جلد آن ساغری مشکی با نقش ترنج و نیم ترنج و گوشه دار است.

Sa'di's Boustan
Golestan Palace Library,No 2197

Boustan has been written by the outstanding Iranian 7th century (AH) poet, Sheikh Mosleh od-Din Sa'di.
Format: Small quarto, 23.5 x 13.5 cms
Script: Nasta'liq, written by Mir Hassani, dated 961 AH
Paper: Dowlatabadi, with blue gold-sprayed checker epigraphed margin
Illustrations: 4 unsigned paintings
Cover: Black leather embellished with medallion, semi-medallion and angular motifs

بتی دیدم از عاج در سومنات
هنرمند نامعلوم
بوستان‌سعدی
۹۶۱ ه.ق
کاخ گلستان

From Boustan (No.2197)
Unknown artist
Sa'di's Boustan,1553
Golestan Palace



A line from Sa'di's Boustan
Unknown artist
Sa'di's Boustan,1553
Golestan Palace

برون آمد از طاق و دستار خویش
هنرمند نامعلوم
بوستان سعدی، ۹۶۱ ه.ق
کاخ گلستان

۱۳۸
138



A line from Sa'di's Boustan
Unknown artist
Sa'di's Boustan, 1553
Golestan Palace

شهنشه زشادی چو گل بر شکفت
هنرمند نامعلوم
بوستان سعدی، ۹۶۱ ه.ق
کاخ گلستان



گفتار اندر شناخت پادشاه دوست و دشمن را
شنیدم که دارای فرخ تبار
ز لشکر جدا ماند روز شکار
دوان آمدش گله بانی به پیش
بدل گفت دارای فرخنده کیش
مگر دشمنست این که آمد به جنگ
ز دورش بدوزم به تیر خدنگ

بوستان سعدی
کتابخانه موزه کاخ گلستان، نسخه شماره ۲۱۶۴

"بوستان" یکی از آثار منظوم و مشهور شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی، یکی از ستارگان درخشان ادب پارسی است که آن را از شاهکارهای بلامنازع شعر فارسی شمرده اند. این اثر که در نسخه های کهن به "کلیّات" و "سعدی نامه" مشهور بوده، بعدها "بوستان" نامیده شد. تاریخ اتمام بوستان سال ۶۵۵ه. ق. است.
این نسخه از بوستان سعدی به قطع وزیری، ۱۷×۲۵ سانتی متر، دارای ۳۶۴ صفحه، هر صفحه ۱۲ سطر، به قلم نستعلیق بر کاغذ بخارایی زرافشان غبار (برخی صفحات نونویس) با رقم میرعلی السلطانی، به سال ۹۷۰ ه. ق. کتابت شده است.
در این نسخه، پنج نگاره با خصوصیات مکتب هرات وجود دارد که داستان هایی از بوستان را به تصویر کشیده است. برپایه رقم موجود بر واپسین نگاره (قلم محمود مذهب ۹۷۰ ه. ق) همه باید ساختهء همین استاد باشد. این نسخه بدون جلد است.
صفحات متن این نسخه، با لچک های مزین به گل و بوته تزیین شده و نگاره های آن به شیوه متداول برخی از هنرمندان اواخر عصر تیموری خصوصاً شیخ زاده است که ساختار ترکیب های آن مبتنی بر نظام معماری است. گرچه چهره سازی این مجموعه به شیوه بهزاد نزدیک شده ولی حالات و حرکات آن نسبت به آثار شیخ زاده طبیعی تر شده است.

Sa'di's Boustan
Golestan Palace Library,No. 2164

Boustan is one of the most renowned books in verse written by the prominent Iranian 7th century poet, Sa'di Shirazi.
Format: Quarto, 364 pages
Script:Nasta'liq, written on Bokharaie gold-sprayed dusty paper, athographed by Mir Ali as-Soltani, dated 970 AH
Illustrations:5 paintings in Herat style, the last one is adorned by Mahmoud Mozahheb's authograph in Abjad letters (Arabic alphabet having numerical values)

دارا و گله دار
هنرمند نامعلوم
بوستان سعدی (۲۱۶۴)
۹۷۰ ه. ق
کاخ گلستان

The rich and the shepherd
Unknown artist
Sa'di's Boustan 2164
1562
Golestan Palace



شکیبایی کردن به امید درمان
هنرمند نامعلوم
بوستان سعدی ۲۱۶۴
۹۷۰ ق.
کاخ گلستان

Patience in the hope of cure
Unknown artist
Sa'di's Boustan 2164
1562,
Golestan Palace

دانا و قاضی
متکبر
مند نامعلوم
ی ۲۱۶۴
۹۷۰ ه.ق
اخ گلستان

The wise
the arrog
Unknown
Sa'di's Bo
,1562
Golestan



گلستان سعدی
کتابخانه موزه کاخ گلستان، نسخه شماره ۲۱۶۱

گلستان سعدی، اثر مصلح الدین سعدی شیرازی، شاعر قرن هفتم ه. ق. است. سعدی نه تنها در نظم بلکه در نثر نیز مقامی والا دارد. گلستان اثر منثور وی، در نثر فارسی بی مانند است. شیوه نثر سعدی همچون شعرش با روانی سحرآمیزی همراه است. گلستان، افزون بر مقدمه، هشت باب دارد که در آنها قصه پردازی، داستان سرایی، پند، خطاب و سرزنش ستمگران و ریاکاران و زرپرستان، چنان با جد و هزل در آمیخته که خواننده، همه را به یکباره به گوش جان درمی یابد.
ویژگی دیگر گلستان، آمیختگی شعر و نثر است، اما این آمیختگی، برخلاف بسیاری از آثار دیگر نویسندگان ایرانی، نه چنان است که شعر و نثر را بتوان از یک دیگر جدا نمود؛ بلکه شعر سعدی در گلستان مکمل نثر او بوده و جداساختن آنها ازیک دیگر، پیوستگی صورت و معنای کلام او را در هم می ریزد.
این نسخه از گلستان با قطع نیم ورقی، شامل ۱۰۳ صفحه است که چهار صفحه مصور آن بدون رقم است. خط آن نستعلیق و کاتب آن نیز نامعلوم است.
کاغذ متن این نسخه خانبالغ زرافشان، کاغذ حاشیه، الوان زرافشان و جلد آن مقوای روغنی با نقاشی گل‌سرخی‌است.

Sa'di's Golestan
Golestan Palace Library , No.2161

Golestan has been written by the outstanding Iranian 7th century (AH) poet, Sheikh Mosleh od-Din Sa'di.In addition to the preface, it includes eight chapters, each of which present stories and advices addressing and blaming the arrogant powers, hypocrites and mammonists in a humorous style quite appealing to the reader.
Format: Folio, 103 pages
Script: Nasta'liq, the calligrapher is unknown
Paper: Gold-sprayed Khanbaleq, with variegated, gold-sprayed margin
Illustrations: 4 unsigned paintings
Cover: Unctuous cardboard embellished with red roses



Dancing of Abed's Camel
Unknown artist
Sa'di's Golestan(2161),16th century
Golestan Palace

به رقص آمدن شتر عابد
هنرمند نامعلوم
گلستان سعدی(۲۱۶۱)،سده دهم ه.ق
کاخ گلستان



Crowd Attack the Young Man
Unknown artist
Sa'di's Golestan(2161)
,16th century
Golestan Palace

هجوم جماعت بر مرد جوان
هنرمند نامعلوم
گلستان سعدی(۲۱۶۱)
سده دهم ه.ق
کاخ گلستان



بوستان سعدی
موزه رضا عباسی ، نسخه شماره ک.ص. ۵۸۲

بوستان ، اثر مصلح الدین سعدی شیرازی ، شاعر قرن هفتم ه. ق. است. اندازهء این نسخه ۱۸×۲۸ سانتی متر و با خط نستعلیق تحریر شده و کاتب آن نامعلوم است. این نسخه در قرن ۱۱ ه. ق. تهیه گردیده است و ۱۲ نگاره بدون امضا دارد که به شیوه مکتب اصفهان نقاشی شده‌اند.

Sa'di's Boustan
Reza Abbasi Museum, K.S.582

stan was written by the famous Iranian 7th century (AH) poet, Sheikh Mosleh od-Din Sa'di Shirazi.
mat: 28 x 18 cms
ipt: Nasta'liq, this version was produced in the 11th century AH
lustrations: 12 unsigned paintings drawn on variegated paper

برگی از بوستان سعدی (ک.ص. ۵۸۲)
هنرمند نامعلوم
سده ۱۱ ه.ق
موزه رضا عباسی

Untitled
Unknown artist
Sa'di's Bustan(K.S.582)
17 century
Reza Abbasi Museum



Untitled
Unknown artist
Sa'di's Boustan(k.s.582)
17th century,
Reza Abbasi Museum

برگی از بوستان سعدی(ک.ص. ۵۸۲)
هنرمند نامعلوم
سده ۱۱ ه.ق
موزه رضا عباسی



Untitled
Unknown artist
Sa'di's Boustan (k.s.582)
17th century
Reza Abbasi Museum

برگی از بوستان سعدی (ک.س. ۵۸۲)
هنرمند نامعلوم
سده ۱۱ ه.ق
موزه رضا عباسی



خمسه نظامی
موزه ملی ایران، بخش دوران اسلامی، نسخه شماره ۴۳۶۳

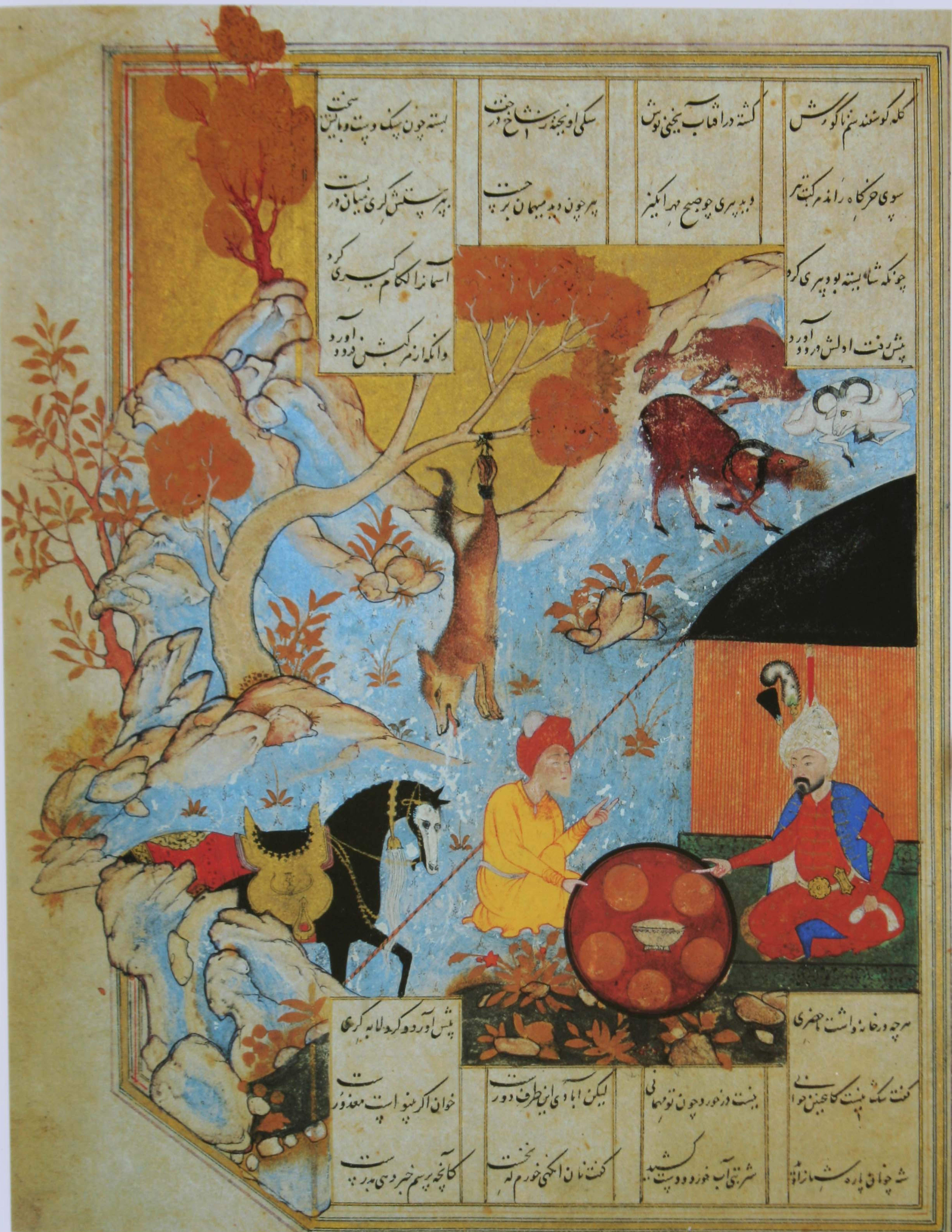
نسخه مصوری از خمسه نظامی، شاعر قرن ششم ه.ق.، در اندازه ۱۹×۳۰ سانتی متر و شامل ۹۷۴ صفحه است. خط آن نستعلیق و با رقم شیخ محمد فخرالدین احمد کاتب سلطانی است که در قرن ۱۰ ه.ق. کتابت شده است.
صفحات مصور آن شامل ۲۱ نگاره‌ء بدون امضاء و جلد آن از سوخت طلاکوب است.

Nezami's Khamseh
National Museum of Iran,No. 4363

The outstanding 6th century (AH) Iranian poet, Hakim Nezami Ganjavi, is the author of the book.
Format: 30 x 19 cms, 974 pages
Script: Nasta'liq, autographed by Sheikh Mohammad Fakhreddin Ahmad Kateb Soltani, dated 10th century AH
Illustrations: 21 unsigned paintings
Cover: Gold inlaid leather

فرهاد کوه کن
هنرمند نامعلوم
خمسه نظامی(۴۳۶۳)
سده دهم ه.ق
موزه ملی ایران

Farhad, the Mountain Digger
Unknown artist
Nezami's Khamseh(4363),16th century
Iranian National Museum



Untitled
Unknown artist
Nezami's Khamseh(4363),16th century
Iranian National Museum

برگی از خمسه نظامی(۴۳۶۳)
هنرمند نامعلوم
سده دهم ه.ق
موزه ملی ایران



Untitled
Nezami's Khamseh(4363),16th century
Iranian National Museum

برگی از خمسه نظامی (۴۳۶۳)
هنرمند نامعلوم
سده دهم ه.ق
موزه ملی ایران



مرگ اسکندر
هنرمند نامعلوم
خمسه نظامی(۴۳۶۳)
سده دهم ه.ق
موزه ملی ایران

The Death of Eskandar
Nezami's Khamseh (4363)
16th century
Iranian National Museum







سه نظامی(۲۳۴۳)
هنرمند نامعلوم
سده دهم ه.ق
موزه ملی ایران

Untitled
Nezami's Khamse
16th century
Iranian National M



خمسه نظامی
کتابخانه موزه کاخ گلستان، نسخه شماره ۱۹۱۴

نسخهء مصور دیگری از خمسه نظامی که در قطع نیم ورقی و شامل ۷۰۶ صفحه است. خط آن نستعلیق و کاتب آن نامعلوم است. کاغذ آن سمرقندی مجدول و صفحات مصور آن شامل نه نگارهء بدون امضاء است. این نسخه در سال ۹۵۴ ه.ق. تهیه گردیده و جلد آن تیماج مشکی روغنی مذهب است.

Nezami's Khamseh
Golestan Palace Library, No. 1914

The book has been written by the outstanding 6th century (AH) Iranian poet, Hakim Nezami Ganjavi.
Format: Folio, 706 pages
Script: Nasta'liq, written on checker Samarqandi paper, the calligrapher is unknown
Illustrations: 9 unsigned paintings
Cover: Unctuous illuminated black thin leather

160 **A Line from Nezami's Khamseh**
Unknown artist
Nezami's Khamseh,1534
Golestan Palace

۱۶۰ **انکار شاگردان در شان هرمس**
هنرمند نامعلوم
خمسه نظامی، ۹۵۴ ه.ق
کاخ گلستان

161 **Shirin Bathes**
Unknown artist
Nezami's Khamseh,1534
Golestan Palace

۱۶۱ **آب تنی شیرین**
هنرمند نامعلوم
خمسه نظامی، ۹۵۴ ه.ق
کاخ گلستان



سرافکنده چون آب در پای خویش
ازین پرده شان رخت پرداختند
چو انجم بر آن انجمن برگذشت
ازان بیشه سرو با بوی مشک
یکی سرو تر ماند و هفتاد خشک
بخلوت چو بنشست با هر کسی
گروهی چو از حق گرفتند گوش

که من خواهم شدن فردا به نخجیر / دو هفته پیش و کم زین کاخ دلگیر

فرود آرید کان مهمان عزیز است / شما را بیند و خورشید آن کنیز است

در آن صحرا که او خواهد بتازید / بهشتی روی را قصری بسازید

چو گفت این قصه بیرون رفت چون باد / سلیمان وار با جمعی پریزاد

ز بیم شاه می‌شد دل پر از درد / دو منزل را یکی منزل همی کرد

غلامان را بفرمود ایستادند / ستوران را علفها برنهادند

طوافی زد در آن فیروزه گلشن / میان گلشن آبی دید روشن

گر آید نار پستانی در این باغ / چو طاوسی نشسته بر پر زاغ

وگر شبرنگ اندازم سوی خضرا / چه خنگ آهنگ دارد سوی صحرا

بدان صورت که دل دادش گواهی / خبر میداد از الهام الهی

زمین گن کوه خود را گرم کرده / سوی ارمن زمین را نرم کرده

قضا را اسپ شاه از راه شد سست / بدان منزل که آن مه موی می‌شست

تن تنها ز نزدیک غلامان / سوی آن مرغزار آمد خرامان



چو طاوسی عقابی بار بسته / تذروی بر لب کوثر نشسته



خمسه نظامی

کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری، نسخه شماره ۰۴۰۰

قطع این نسخه۵ /۳۲×۲۰ سانتی متر و شامل ۴۱۳ صفحه است. خط آن نستعلیق و توسط مرشدبن خواجه میرک شیرازی به سال ۹۵۶ ه.ق کتابت شده است.

صفحات مصور آن شامل ۳۰ نگاره و چهار سرلوح مذهب بدون امضا است. علاوه براین صفحات، میان سطرهای صفحات مقابل نگاره ها و سرلوح ها به طرزی زیبا تذهیب و متن آنها طلاکاری شده است. دو سرلوح افتتاح کتاب از زیباترین نمونه های نسخ خطی است. ابداعات این سرلوح ها در طراحی حاشیه با سرهای انسان و دیو کنایه از مضامین حکمی کتاب است. پرندگانی با رنگ خاکستری و حرکات موزون بر زمینه طلایی بر گرد ترنج میانی آغاز کتاب قرارگرفته اند. در میانه ترنج سرلوح اول که به رنگ لاجوردی است این اشعار دیده می شود:

گنجینه گشای گنجه، آن موید راد — کاندر ازل، سخنوران را استاد

دریای معانی از گهر کرد تهی — روزی که بنای پنج گنجینه نهاد

و بر ترنج سر لوح دوم با زمینه لاجوردی نیز این اشعار مشاهده می شود:

خمسه که به فخرش بود زیب تمام — از خسرو شیرینش فزوده است نظام

لیلی مجنون و هفت پیکر زعقب — تاریخ سکندرش دهد ختم کلام

نگاره های زیبای این نسخه که تمام صفحات را پوشانده و از نوادر عصر خود محسوب می شود، دارای ویژگی هایی است که این نسخه را در میان آثار مشابه شاخص می کند. ترکیب های فشرده، نمادگرایی عالی، رنگ آمیزی بدیع و صحنه آرایی خاصی که چند مضمون را در یک نگاره جمع کرده تا مضمون اصلی گویاتر شود، همه و همه از ممیزات این نسخه عالی است.

جلد آن روغنی مشکی ضربی طلاکوب مقوایی و عطف آن، تیماج مشکی، داخل جلد، روغنی حنایی و سوخت زرکوب معرق است.

Nezami's Khamseh

Library of Shahid Motahari School of Higher Education, manuscript 0400

The size of this book is 20 x 32.5 cms. and includes 413 pages. The calligraphic style is Nasta'liq inscribed by Morshed-Ibne-Khajeh Mirak Shirazi in 1536. Its illustrated pages include 30 Persian paintings and four unsigned illuminated frontispieces. In addition, opposite pages of the Persian paintings and frontispieces have been beautifully illuminated and the texts gilded. The two introductory frontispieces are among the most beautiful calligraphic works. The margins of frontispieces are designed by heads of humans and ghouls, an allusion to judicious themes of the book. Grey birds with rhythmic movements are placed on the golden background around the middle citron of the opening page.

Beautiful Persian paintings, which are seen throughout the book and were considered unique in their time, possess features that distinguish the book from similar books. Dense compositions, exceptional symbolism, original colour, and special setting that bring together a number of themes in a Persian painting to make the major theme more expressive, are all distinctive features of this brilliant book.

The cover of the book is gilded cardboard and its binding is black goat leather. The inside cover is fawn gilded mosaic.

164 **Tadhib**
Unknown artist
Nezami's Khamseh
1536
Shahid Motahari School of Higher Education

۱۶۴ تذهیب
هنرمند نامعلوم
برگی از خمسه نظامی
۹۵۶ه.ق
مدرسه عالی شهید مطهری

165 **Mejnun over dead body of leyli**
Unknown artist
Nezami's Khamseh
1536
Shahid Motahari School of Higher Education

۱۶۵ مجنون بر سر جنازه لیلی
هنرمند نامعلوم
برگی از خمسه نظامی
۹۵۶ه.ق
مدرسه عالی شهید مطهری

167 **Farhad Carries shirin's horse on his back**
Unknown artist
Nezami's Khamseh
1536
Shahid Motahari School of Higher Education

۱۶۷ فرهاد اسب شیرین را بر دوش می گیرد
هنرمند نامعلوم
برگی از خمسه نظامی
۹۵۶ه.ق
مدرسه عالی شهید مطهری

169 **Ascension of Prophet Mohammad**
Unknown artist
Nezami's Khamseh
1536
Shahid Motahari School of Higher Education

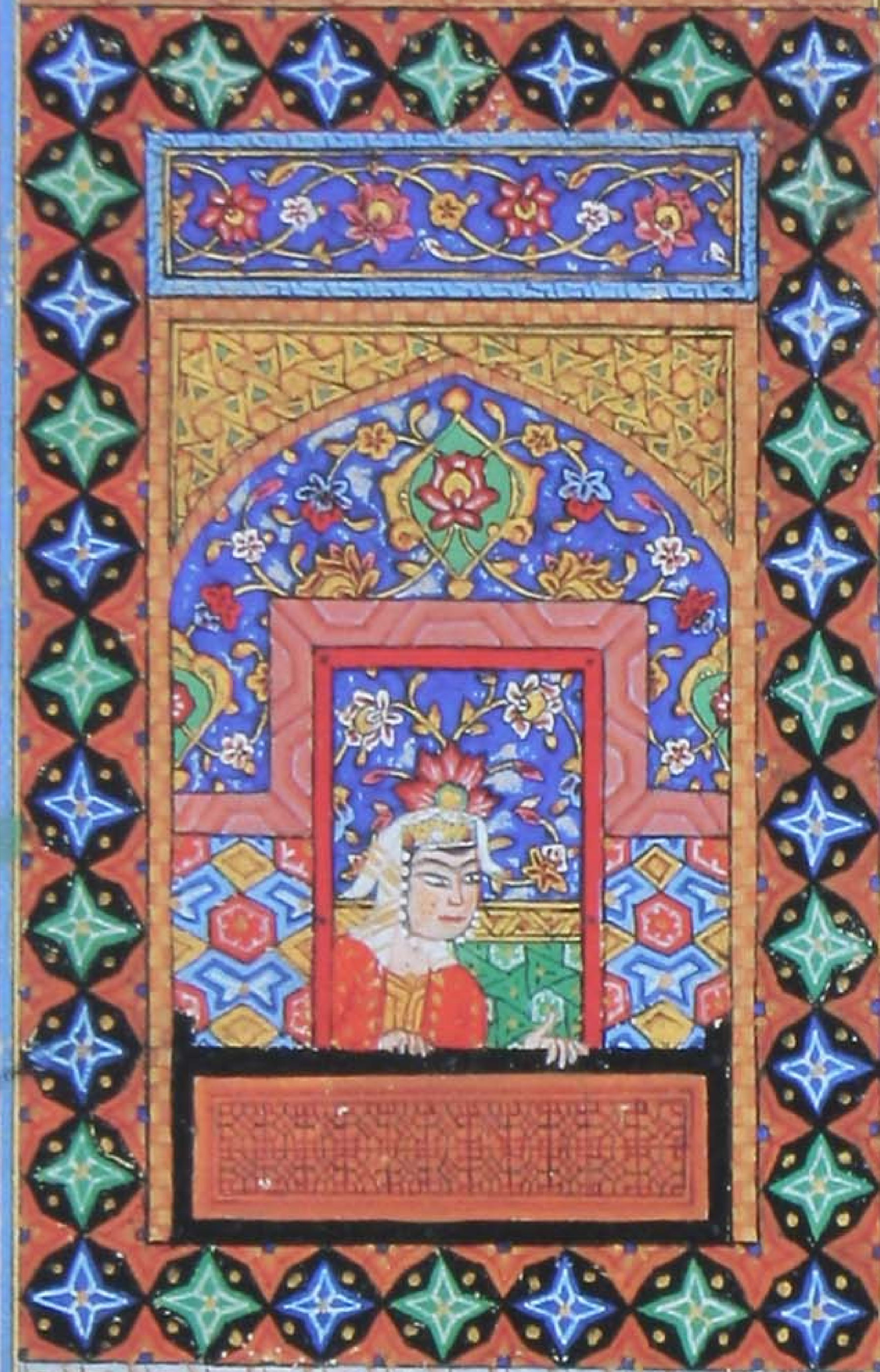
۱۶۹ معراج حضرت محمد(ص)
هنرمند نامعلوم
برگی از خمسه نظامی
۹۵۶ه.ق
مدرسه عالی شهید مطهری



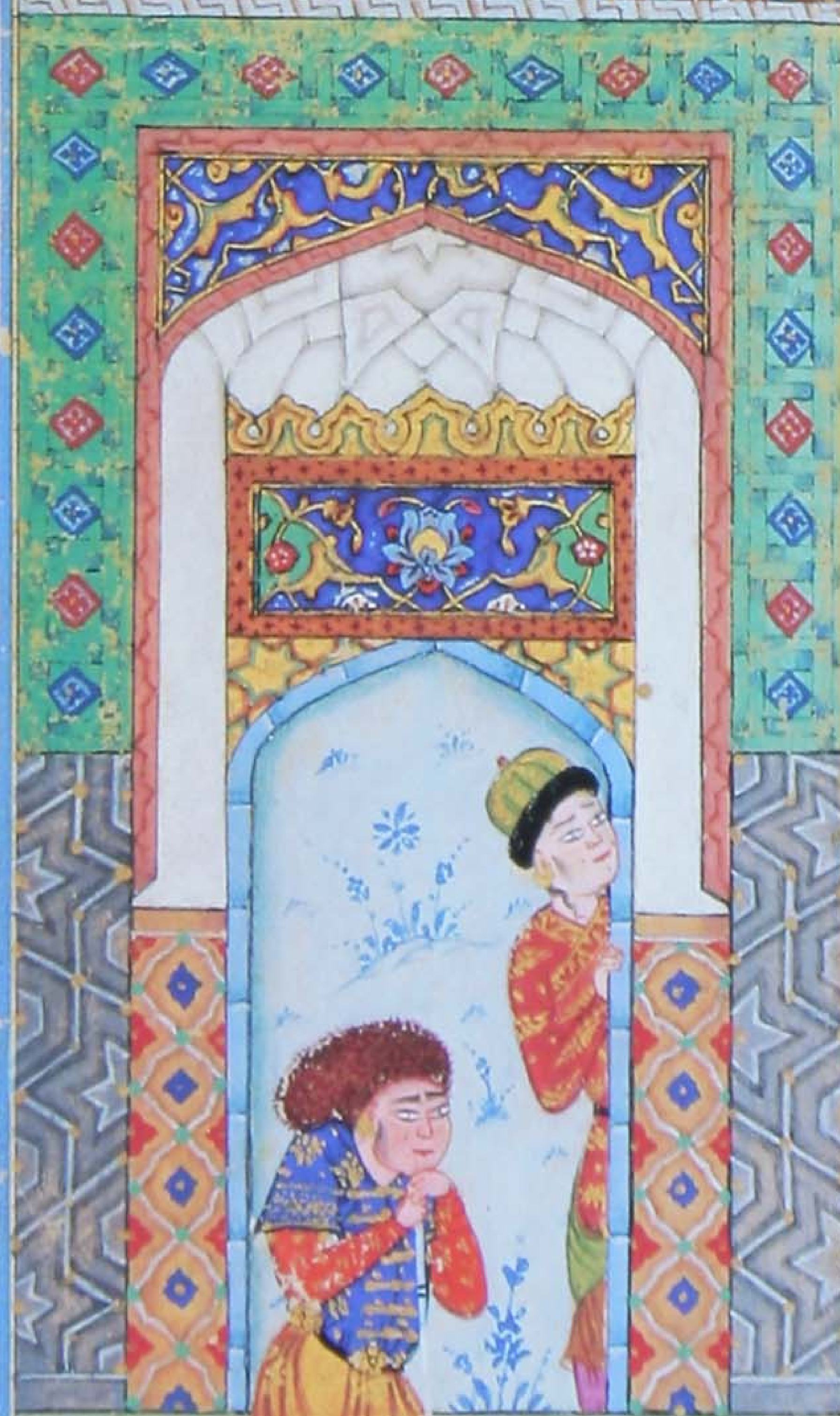


















چون محمد برقص های براق — در نوشتی صحیفهٔ اوراق
می برید از منازل فلکی — شاه راهی بشهپر ملکی

راه در دوران جهان برداشت — دوری از دور آسمان برداشت
زهره را از فروغ مهتابی — بر سر رقعه گرد سیمابی

[illegible] — ماه زرین [illegible] در بر
مشتری را ز فرق [illegible] — در [illegible] گرد صندل سای

سبز پوشید چون خلیفهٔ شام — سرخ پوشی گذاشت بر بهرام
جرم کیوان چو [illegible] — در سواد عبیر شد نقشش



ز منزل بمنزل به پیمود
بهر جا که زد بارگه
گر راه بر روی دریاش بود
طرق تو مساحت جهانش بود
میان دو کشتی رسن بسته بود
بهم باز پیوسته بود

اسکندرنامه [نظامی گنجوی]
کتابخانه موزه کاخ گلستان، نسخه شماره ۲۲۲۳

اسکندرنامه که در نسخه ها، در دو جزء شرف نامه و اقبال نامه تنظیم شده یکی از شاهکارهای ادبی و عرفانی شاعر بزرگ ایرانی، نظامی، در قرن ششم ه.ق. است.
اسکندر مقدونی، پسر فیلیپ، حکمران یونان، به قول نظامی در جست و جوی گنج و فاسدالاخلاق بود. جنایاتی که پس از پیروزی برقوای ایران انجام داد به حدی بود که می توانست ایرانیان و به طور کلی آحاد مشرق زمین را برای همیشه کینه توز مغرب زمین گرداند، اما وی با دسیسهء مشاوران، اقدام به تهیه اسکندرنامه ای جعلی نمود. این کتاب در حقیقت تمامی صفات "ذوالقرنین"، حکیم و جوانمرد مومن شرقی را به اسکندر مقدونی نسبت می داد. نظامی در شرف نامه، تحلیلی عرفانی از حوادث تاریخی به دست می دهد و به بیان علل و بروز جنگ‌ها و ظهور حکومت ها و ستمگری خودکامگان و سرنوشت غم انگیز ستم دیدگان و سرانجام شوم ستمگران می پردازد. وی با درایتی حکیمانه پرده از ماهیت اسکندر برمی دارد و می گوید که جنگ اسکندر، جنگ دین نبود، جنگ برای گنج بود. مضامین متعالی این اثر گرانبها همواره مورد توجه هنرمندان نگارگر و حامیان آنها بوده است و بارها مصور شده و آثار جاویدانی از آن باقی مانده است. هنرمندان نگارگر با استفاده از "رندی" هنرمندانه، تصویر پادشاهان و امیران را در هیئت اسکندر نشان می دادند و به این صورت توجه و حمایت آنها را نسبت به این اثر ارزش‌مند که افشاء کننده ظلم حاکمان است، جلب می نمودند.
این نسخه در قطع وزیری، ۱۵/۶×۲۶/۴ سانتی متر و شامل ۴۷۵ صفحه است. خط آن با قلم نستعلیق خوش قدیمی بر کاغذ دولت آبادی مجدول سرلوح دار با متن زرافشان کتابت شده و کاتب آن نامعلوم است.
صفحات مصور آن شامل شش نگاره بدون امضا است. جلد آن ابرهء تیماج قرمز است.

Eskandar Nameh
Golestan Palace Library,No. 2223

Eskandar Nameh, comprising two sections called Sharaf Nameh and Eqbal Nameh, is another literary and Gnostic masterpiece of the prominent Iranian 6th century AH poet, Hakim Nezami Ganjavi.
Format: Quarto, 26.4 x 15.6 cms, 475 pages
Script: Nasta'liq, written on checkered gold-sprayed Dowlatabadi paper with epigraph,
the calligrapher is unknown.
Illustrations: 6 paintings, the painter is unknown
Cover: Red thin leather

گذر اسکندر از دریای چین
هنرمند نامعلوم
اسکندر نامه(۲۲۲۳)
کاخ گلستان

Eskandar crosses the sea of China
Unknown artist
Eskandar Nameh (2223)
Golestan Palace


هو الله تعالی قال النبی طالب العلم بین الجهال کالحی بین المیت وقال الرضا علیه السلام

خمسه نظامی
کتابخانه موزه کاخ گلستان، نسخه شماره ۲۱۸۵

این نسخه، اثر ارزشمند حکیم نظامی گنجوی از سخنوران مشهور و استادان بزرگ شعر فارسی در قرن ششم ه.ق. است.
نظامی هرچند نخستین شاعر و داستان سرای ایران نیست اما همچون فردوسی، از برجسته ترین آنها به شمار می آید. به خاطر توانایی شگفت انگیزش در انتخاب واژگان و ترکیبات و تعبیرات تازه و نو، میان شعرای ایران جایگاهی ویژه دارد.
از نظامی به جز دیوان اشعار، اثر مشهور پنج گنج یا خمسه، شامل مثنوی های مخزن الاسرار، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، بهرام نامه و اسکندر نامه برجا مانده است.
خمسه نظامی همانند شاهنامه فردوسی در شمار آن گروه کتاب های ادبی ایران است که نگارگران به مصور ساختن داستان های جذاب و دلنشین آن پرداخته اند. این نسخه مصور به قطع نیم ورقی کوچک، ۲۷/۵×۱۷/۵ سانتی متر، شامل ۵۰۳ صفحه، به خط نستعلیق و به رقم شادی محمدبن لطف الله بر کاغذ دولت آبادی مجدول در سال ۹۹۳ ه.ق. کتابت شده است.
این نسخه شامل شش نگارهء بدون امضا و پنج سرلوح است و در سال ۱۳۲۸ ه.ق. جلد سوخت بدان افزوده شده است.

Nezami's Khamseh
Golestan Palace Library,No. 2185

Khamseh has been written by the prominent 6th century (AH) Iranian poet and man of pen, Hakim Nezami Ganjavi.
The illustrations of the book have been painted by a great number of painters based on highly appealing stories.
Format: Small folio, 17.5 x 27.5 cms 503 pages
Script: Nasta'liq, written on checker Dowlatabadi paper by Shadi Mohammad Ibn-e Lotfollah. dated 993 AH
Illustrations: 6 unsigned paintings, 5 epigraphs
Cover: Inlaid leather was added to the book cover in 1328 AH

مجلس بزم
هنرمند نامعلوم
خمسه نظامی، ۹۹۳ ه.ق
کاخ گلستان

The banquet
Unknown artist
Nezami's Khamseh,1585
Golestan Palace



از خیل پیکان او شو ای دل
خود را بنما میان مردم

دیوان امیرشاهی سبزواری
کتابخانه موزه کاخ گلستان، نسخه شماره ۲۱۶۳

امیرشاهی از خاندان امرای سربداری سبزوار بود. آغاز جوانی را در هرات به آموختن دانش و هنر گذراند. وی در علاقه به مذهب تشیع و سعی در ترویج مناقب ائمه معصومین(ع) و برپاداری مراسم این مذهب و نیز در ترویج علم و ادب مشهور بود. سپس به دربار شاهزادهء مشهور تیموری، بایسنقر میرزا پیوست. امیر را مردی آراسته به هنرهای گوناگون چون شعر، نقاشی، موسیقی، خوش نویسی دانسته اند. توانایی او در شاعری و لطافت سروده های وی مورد ستایش معاصران و نویسندگان و شاعران پس از وی قرارگرفته است. اگرچه گفته می‌شود که او در طول عمر خود بیش از دوازده هزار بیت شعر سروده، اما دیوان باقی‌مانده از او شامل یکهزار بیت بیشتر نیست. جمعی برآنند که دیوان وی دست چینی است از بهترین آثار برگزیدهء خود او و بقیهء آثارش را به آب شسته است. او در اشعارش به "شاهی" تخلص می نمود. افرادی هم چون قاضی نورالله گفته اند که تخلص وی به شاهی به علت ارادت او به "شاه ولایت" علی بن ابیطالب بوده است. امیرشاهی موسیقیدان نیز بود و نوشته اند عود را نیکو می نواخت و در نگارگری و تذهیب نیز استاد بود.
چند نسخه از "دیوان" او در کتابخانهء کاخ گلستان موجود است. نسخهء حاضر به قطع وزیری، ۱۶×۲۵ سانتی متر، دارای ۱۰۰ صفحه متن بر کاغذ شکری بخارایی و حاشیهء حنایی است و هر صفحه ۱۲ سطر دارد. این نسخه به دست شاه محمود نیشابوری به سال ۹۵۱ ه.ق. به قلم نستعلیق در تبریز نوشته شده و هفت نگاره بدون امضا شامل مجلس های شکار و بزم و جز آن دارد.

Divan-e Amir Shahi Sabzevari
Golestan Palace Library, No. 2163

Amir Shahi was a warrior from Sabzevar known to exercise various branches of art including poetry, Persian Painting, illumination, music and calligraphy. According to many sources including Qazi Nour-o-Llah Shoushtari, his pen name -- Shahi --was selected on account of his high esteem for “Shah-e Velayat” Ali Ibn-e Abitaleb (PBUH).
Format: Quarto, 25 x 16 cms, 100 pages
Script: Nasta’liq, written on cream-colored Bokharaie paper with russet margin, by Shah Mahmoud Neishabouri, dated 951 AH
Illustrations: 7 unsigned paintings including hunting and festive

176 **Poetry from Amir Shahi Sabzevari's collection**
Unknown artist
Amir Shahi Sabzevari's collection,1544
Golestan Palace

177 **Poetry from Amir Shahi's collection**
Unknown artist
Amir Shahi Sabzevari's collection,1544
Golestan Palace

۱۷۶ عید است و خلقی هر طرف دامن‌کشان با یارخود
هنرمند نامعلوم
دیوان امیر شاهی سبزواری، ۹۵۱ ه.ق
کاخ گلستان

۱۷۷ باده گلرنگ است و ساقی یار و نوروزی چنین
هنرمند نامعلوم
دیوان امیر شاهی سبزواری، ۹۵۱ ه.ق
کاخ گلستان

از دست شده عنان مردم
هنرمند نامعلوم
دیوان امیر شاهی سبزواری
۹۵۱ه.ق
کاخ گلستان

Poetry from Amir Shahi's Collection
Unknown artist
Amir Shahi Sabzevari's collection,1544
Golestan Palace

آشفته رفت گفته شاهی درین غزل | آری بگذر زلف تو آشفته حال بود

وله طیب الله مرقده

عیدست و خلق هر طرف دامن کشان با یار خود | مسکین من بی صبر و دل حیران شده در کار خود




باده گلرنگست و ساقی یار و نوروزی چنین
دیده روشن کن به روی مجلس افروزی چنین
همچو نای مطربم با ناله و دردی چنان
همچو شمع مجلسم در گریه و سوزی چنین



حبیب السیر (جلد اول)
خواندمیر
کتابخانه موزه کاخ گلستان، نسخه شماره ۲۲۳۷

حبیب السیر، تألیف ارزشمند خواندمیر، در ذکر احوال انبیاء(ع) و بیان حالات حکما نوشته شده است. جزء سوم از جلد اول، در بیان شمه ای از سخن حضرت نبی اکرم(ص) و جزء چهارم، در ذکر وقایع زمان ابوبکر، عمر، عثمان و ایام خلافت حضرت امیرالمومنین علی(ع) است و پایان کتاب با این شعر ختم شده است:
چون به دعا رسم بود اختتام شد سخن من به دعایت تمام
این نسخه در قطع رحلی طویل، ۲۷×۴۴ سانتی متر است. خط آن نستعلیق و کاتب آن نامعلوم است.
کاغذ آن، دولت آبادی شکری و صفحات مصور آن شامل ۱۵ نگاره و سه سرلوح بدون امضا است. جلد آن تیماج سبز، سجاف قرمز، حاشیه کرمک مطلای کوبیده و درون جلد آن پارچهء زرین گلدار است.

Habib os-Siar (vol. 1)
Khand Mir
Library of Golestan Palace, manuscript 2237

Habib os-Siar, a precious book by Khand Mir, is in praise of holy prophets and expresses moods of rulers. The third chapter of the first volume is a selection of words by Prophet Mohammad (PBUH) and the fourth chapter, recounts events of the time of Abu Bakr, Omar, Osman, and Imam Ali. The book ends with a line of poetry:
As with prayers we end everything
I finish my words with prayers
The size of this book is 44 x 27 cms. and is written in Nasta'liq, but the writer is unknown.
The paper of the book is Dowlatabadi Shokri and its illustrated pages include 15 Persian paintings and 3 unsigned frontispieces. Its cover is made of green goat leather, and the book includes a red hem, gilded margins, and the inside cover is made of patterned golden fabric.



معراج حضرت نبی(ع)
هنرمند نامعلوم
حبیب السیر، جلد اول، ص ۲۸۸
اوایل سده ۱۰ ه.ق
کاخ گلستان

Ascension of Prophet Mohammad (PBUH)
Unknown artist
Habib os-Siar, (vol. 1), page 288
16th century,
Golestan Palace







ن در خیبر توسط حضرت امیر(ع)
هنرمند نامعلوم
حبیب السیر، (جلد اول)
اوایل سده ۱۱ ه.ق.
کاخ گلستان

Imam Ali digs in Kheybar
Unknown artist
Habib os-Siar (vol.1)
16th century
Golestan Palace





تشعیر - سرلوح
هنرمند نامعلوم
حبیب السیر، جلد اول، ص ۲۶۳
اوایل سده ۱۱ ه.ق.
کاخ گلستان

Tash'eer
Unknown artist
Habib os-Siar (vol. 1)
16th century
Golestan Palace



صفحه تشعیر
هنرمند نامعلوم
حبیب السیر، (جلد اول)
اوایل سده ۱۱ ه.ق.
کاخ گلستان

Tash'eer
Unknown artist
Habib os-Siar (vol. 1)
16th century
Golestan Palace



زنده کردن مردگان به وسیله حضرت عیسی(ع)
هنرمند نامعلوم
حبیب السیر، جلد اول، ص ۲۰۶
اوایل سده ۱۱ ه.ق.
کاخ گلستان

Resuscitation of the Dead by the Jesus Christ
Unknown artist
Habib os-Siar,(vol. 1) page 26
16th century
Golestan Palace



شنگاه بر حضرت آدم(ع)
هنرمند نامعلوم
السیر، جلد اول، ص ۲۸
اوایل سده ۱۱ ه.ق.
کاخ گلستان

Angles pray Adam
Unknown artist
Habib os-Siar, (vol 1)
page 28
16. century
Golestan Palace



اعجاز حضرت موسی(ع)
هنرمند نامعلوم
حبیب السیر، جلد اول، ص ۲۴
اوایل سده ۱۱ ه.ق.
کاخ گلستان

Miracle of Moses
Unknown artist
Habib os-Siar, (vol.1), page 124
16th century
Golestan Palace



حضرت نوح(ع) در حال نظارت بر ساختن کشتی
هنرمند نامعلوم
حبیب السیر، جلد اول، ص ۴۴
اوایل سده ۱۱ ه.ق.
کاخ گلستان

Prophet Noah supervising construction of the Ark
Unknown artist
Habib os-Siar,(vol.1),page 44
16th century
Golestan Palace



حبیب السیر (جلد دوم)

خواندمیر

کتابخانه موزه کاخ گلستان، نسخه شماره ۲۲۳۸

حبیب السیر، تألیف مورخ عصر تیموری، خواندمیر است. جزء دوم این نسخه در ذکر وقایع بدفرجام بنی امیه و جزء سوم، در ذکر حالات بعضی از طبقات سلاطین است که معاصر عباسیان بوده اند.

این نسخه مصور در قطع رحلی، ۲۷×۴۴ سانتی متر و شامل ۷۹۷ صفحه است. خط آن نستعلیق و کاتب آن نامعلوم است. کاغذ متن و حاشیه، دولت آبادی شکری مجدول سرلوح دار و صفحات مصور آن، شامل پنج نگاره بدون امضا است. روی جلد این نسخه، ساغری مشکی با نقش ترنج و نیم ترنج، بازوبندی ساغری سبز منگنه ضربی و درون جلد آن تیماج قرمز است.

Habib os-Siar, 2nd Volume

Golestan Palace Libaray,No. 2238

Habib os-Siyar has been compiled by the historian of Timurid era, Khandmir. The 2nd section of the book gives coverage to the disasters faced by Bani Omayyeh, while the 3rd part deals with some members of royal families contemporary to Abbasids.



جزو چهارم در ذکر حالات بعضی از طبقات سلاطین که معاصر عباسیان در جهان بنیاد فرمانروائی نهاده اند

بسم الله الرحمن الرحیم

بعد از تمهید قواعد محامد پادشاهی که آیت قل اللهم مالک الملک تؤتی الملک من تشاء نشان بقا و
ثبات مملکت اوست جل سلطانه و عم احسانه و پس از تاکید مبانی تسلیمات دین پناهی که کلمه
کریمه انا فتحنا لک فتحا مبینا طراز کتابه رایات ظفرآیات او علیه صلوات الله و غفرانه نموده میشود اول کسی
که در زمان خلفای بنی عباس اساس استقلال طرح انداخته خلیفه را از خطبه ساقط ساخت ابو الطیب
طاهر بن حسین بن مصعب خزاعی که ذو الیمینین لقب داشت و از طاهریان پنج کس قریب پنجاه و چهار
سال در خراسان لوای عدالت و احسان برافراشتند و اسامی ایشان را درین دو بیت نظم نموده اند **شعر**
در خراسان آل مصعب شاه طاهر و طلحه بود و عبدالله باز طاهر دگر محمد دان کو یعقوب داد تخت و کلاه

گفتار در بیان سلطنت طاهریان در ممالک خراسان

متصدیان تحقیق اخبار خلف و متکفلان
بیان آثار سلف صحایف اوراق را بدین ارقام مشرف ساخته اند که چون مامون بن هرون بعد از
قتل محمد امین در بغداد علم ... داشت طاهر بن حسین را که فتح دار السلام بسعی او تیسیر پذیرفته بود
روزی چند منظور نظر عنایت ساخت اما بالآخره نسبت بدو بد مزاج گشت و دران اوقات طاهر
در روزی که مامون بشرب خمر اشتغال داشت بمجلس خلیفه در آمد و حسین شرابدار باشارت خلیفه
کاسه چند بطاهر داده دران اثنا سیلاب اشک از چشم مامون روان شد طاهر گفت یا امیر المومنین



سر لوح
هنرمند نامعلوم
حبیب السیر (جلد ۲)
کاخ گلستان

Frontispiece of the fourth section
Unknown artist
Habib os-Siar (vol. 2)
Golestan Palace



در بیان المستعصم بالله ابو احمد عبدالله
بن المستنصر بالله
هنرمند نامعلوم
حبیب السیر (جلد ۲)
کاخ گلستان

A page from Habib os-Siar
Unknown artist
Habib os-Siar (vol. 2)
Golestan Palace



تشعیر
هنرمند نامعلوم
حبیب السیر (جلد ۲)
کاخ گلستان

Tash'eer
Unknown artist
Habib os-Siar (vol. 2)
Golestan Palace



جعفر یحیی
هنرمند نامعلوم
حبیب‌السیر (جلد ۲)
کاخ گلستان

The Story of Jafar Yahya
Unknown artist
Habib os-Siar (vol.2)
Golestan Palace



تشعیر
هنرمند نامعلوم
حبیب‌السیر (جلد ۲)
کاخ گلستان

Tash'eer
Unknown artist
Habib os-Siar (vol. 2)
Golestan Palace



بیان محبت، شجاعت،
علم و سخاوت حضرت
علی (ع)
هنرمند نامعلوم
حبیب السیر (جلد ۲)
کاخ گلستان

In praise of affec
braveness, knowl
and generosity of
Ali
Unknown artist
Habib os-Siar (vol. 2
Golestan Palace





سر لوح
هنرمند نامعلوم
حبیب السیر (جلد ۲)
کاخ گلستان

Frontispiece
Unknown artist
Habib os-Siar (vol. 2)
Golestan Palace



تشعیر
هنرمند نامعلوم
حبیب السیر (جلد ۲)
کاخ گلستان

Tash'eer
Unknown artist
Habib os-Siar (vol. 2)
Golestan Palace


اسد اسد چه طرفه نامست این
ورد دل حرز جان نامست این
پنج حرف بس شگرف این اسم
پیش گنج نهان ذات طلسم
از ید اسد چو پنجه آمد این پنج
زان گرانمایه گنج گوهر سنج

سلسلة الذهب [عبدالرحمان جامی]
کتابخانه موزه کاخ گلستان- نسخه شماره ۶۷۱

سلسلة الذهب ، اثر عبدالرحمان جامی شاعر ، ادیب ، دانشمند و عارف نامدار سده نهم ه.ق. ایران است. برخی جامی را واپسین شاعر بزرگ ایران بشمار می آورند. او نخست در نظامیهء هرات و سپس در سمرقند، که بزرگ ترین مرکز علمی روزگار او بود، نزد استادانی که شهرهء دوران بودند دانش آموخت. استعداد و توانایی جامی در آموختن شگفت انگیز بود. جامی در سمرقند دانش های زمان خود را آموخت و در علم ، اگر نه بر استادان خود برتری ، با آن ها برابری یافت و به هرات بازگشت. در این شهر به خدمت سعدالدین کاشغری ، از مشایخ بزرگ طریقت نقشبندیه رسید و از آن پس به سالکان این طریقه پیوست.

از جامی آثار بسیاری به نظم و نثر برجا مانده که برخی از آنها عبارت اند از: "هفت اورنگ" ، که به پیروی از "خمسه نظامی" سروده شده و عبارت است از مثنوی های: سلسلة الذهب ، سلامان و ابسال ، تحفة الاحرار ، سبحة الابرار ، یوسف و زلیخا ، لیلی و مجنون و خردنامهء اسکندری.

این نسخه از سلسلة الذهب به قطع وزیری،۵ /۱۵ × ۲۴ سانتی متر ، دارای ۴۹۸ صفحه متن و هر صفحه دارای ۱۴ سطر و به قلم نستعلیق به خط باباشاه اصفهانی ، به تاریخ ۹۷۷ ه.ق. کتابت شده است. این نسخه را با سرلوح های مذهب مرصع ، و حاشیهء صفحه ها و بین سطرها را با گل و بوتهء رنگین و زرین آراسته اند. در آغاز نسخه دو نگاره شامل دو مجلس بزم و در داخل نسخه نیز دوازده نگاره به تناسب داستان های متن ، چون داستان موسی(ع)، برهء رمیده و طواف کعبه به وسیله حضرت علی بن حسین(ع) و جز آن به تصویر کشیده شده است. نگاره‌ها بدون رقم هستند و جلد نسخه از بیرون ، مقوای روغنی با طرح قرقاول های در حال پرواز با قلم گیری زرین و از درون ، سوخت معرق بر زمینهء رنگین است.

Selselat oz-Zhahhab [Abdol- Rahman Jami]
Golestan Palace Library,No. 671

Format: Quarto, 24.5 x 15.5
Papet: Samarqandi, gold-sprayed versed illuminated margin on variegated paper
Script: Nastaliq, Ketabat-e Haqi-ye Momataz
Scribe Baba Shah Isfahani, completed in 977 AH
Number of pieces: 498
Cover: Unctuous cardboard inlaid with orange-violet canvas, embellished with golden Gol o Bouteh (flowers and foliage) and black pheasants

سرلوح
هنرمند نامعلوم
سلسلة الذهب جامی، ۹۷۷ ه.ق
کاخ گلستان

Frontispiece
Unknown artist
Jami's Selselat-ol-Zahab 1569
Golestan Palace



امتحان غلام توسط شاه
هنرمند نامعلوم
سلسلة الذهب، جامی
۹۷۷ ه.ق
کاخ گلستان

The king tests the servant
Unknown artist
Jami's Selselat-oz-Zahab 1569
Golestan Palace



ر شأن خرس و شناگر
هنرمند نامعلوم
سلسلة الذهب، جامی
۹۷۷ ه.ق
کاخ گلستان

Worthy of the bea
and the swimmer
Unknown artist
Jami's Selselat-oz
1569
Golestan Palace



آزاد کردن آهو از صید صیاد توسط مجنون
هنرمند نامعلوم
سلسلة الذهب، جامی
۹۷۷ ه.ق
کاخ گلستان

Mejnūn sets the deer free from trap
Unknown artist
Jami's Selselat-oz-Zahab1569
Golestan Palace

زان شود کار دولتش بی رواج | تا کند دست حادثش تاراج

رحم کردن نوشروان بر پیرزن

کرد نوشیروان شه عادل | نیمروزی ببام خود منزل
دید بر پشت بام همسایه | پیرزالی فقیر و بی مایه
قامتی کوز و کوزه در دست | چون وی از روزگار دیده شکست
نه ورا پایه نشسته بجای | نه تهی کایستد بدان پای
خواست تا حیله برانگیزد | آب ازانجا بروی خود ریزد
کوزه زان حیلها که می انگیخت | میفتاد آب بر زمین میریخت
چشم نوشیروان چو آن را دید | از مژه اشک مرحمت بارید
گفت با خود که وای بر ما باد | خشم خلق و خدای بر ما باد
که بپهلوی ما فقیری را | عمر بگذشته کنده پیری را
نبود کوزه بدست درست | که بآن روی خود تواند شست
خواست تا آفتابه زر خویش | بر او فرستد از بر خویش
باز گفتا مباد گرداند | که من آن دیده‌ام خجل ماند

تشعیر
هنرمند نامعلوم
سلسلة الذهب جامی
۹۷۷ ه.ق.
کاخ گلستان

Tash'eer
Unknown artist
Jami's Selselat-o Zahab 1569
Golestan Palace

تشعیر
هنرمند نامعلوم
سلسلة
الذهب جامی
۹۷۷ هـ.ق
کاخ گلستان

Tash'eer
Unknown artist
Jami's Selselat-oz-Zahab
1569
Golestan Palace

دل به پیوند او توی کردی — ذکر محمود غزنوی کردی

که بشاهی شعار او چونست — حال او چیست کار او چونست

روزگارش بظلم میگذرد — یا ره عدل و داد می سپرد

دوستان در ولای او چونند — دشمنان از بلای او چونند

هیچ عیبی نماندی و هنری — که نجستی ازو و ازان خبری

غرضش انکه هرچه بد باشد — پیش اهل قبول رد باشد

برکند نقش ان ز سینه خویش — بسترد حرفش از سفینه خویش

هرچه باشد نکو دران کوشد — گرش بخشند بمفت و نفروشد

رسم نقصان ازان براندازد — تا تواند مضاعفش سازد

یکشبی ره فتادش از طرفی — دید ز اهل صفا نشسته صفی

نور کشف از جبینشان لایح — بوی عشق از نسیمشان فایح

همه در صورت و صفت همرنگ — همه در علم و معرفت همسنگ

ترس ترسان سلام کرد و نشست — کرد همت بلند و گردن پست

گوش میداشت تا چه میگویند — راه رد و قبول میپویند

تشعیر
هنرمند نامعلوم
سلسلة الذهب جامی
۹۷۷ ه.ق
کاخ گلستان

Tash'eer
Unknown artist
Jami's Selselat-oz-Zahab
1569
Golestan Palace

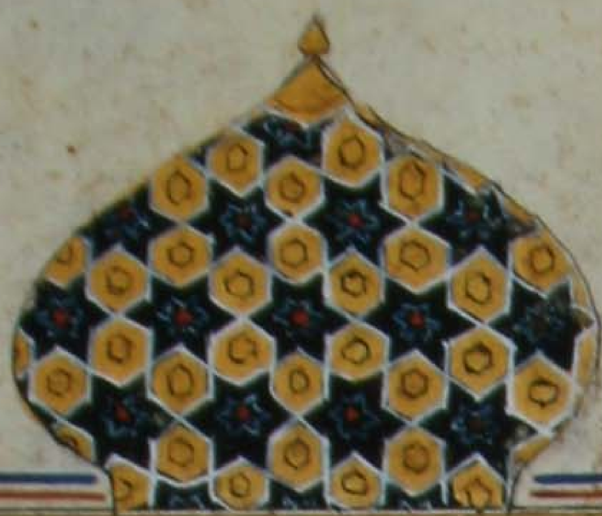


شش مثنوی [امیرعلیشیر نوایی]
کتابخانه موزه کاخ گلستان، نسخه شماره ۲۱۹۱

شش مثنوی به زبان ترکی از آثار امیرعلیشیر نوایی، وزیر دانشمند عصر تیموری است. این کتاب مشتمل بر مثنوی های بهرام نامه، حیره الابرار، شیرین و فرهاد، لیلی و مجنون، اسکندرنامه و بیان الطیر است.
قطع این نسخه نیم ورقی و تعداد صفحات آن ۸۰۹ صفحه و هر صفحه ۱۹ سطر است. خط آن نستعلیق بر کاغذ دولت آبادی مجدول و توسط عبدالوهاب حجازی در سال ۹۸۷ ه.ق. کتابت شده است.
صفحات مصور این نسخه ۱۸ نگاره و پنج سرلوح بدون امضاء دارد که بسیار زیبا و متناسب با مضامین مثنوی ترسیم شده اند. در سرآغاز هریک از مثنوی ها، سرلوح های مذهب مزدوج بسیار عالی است.
جلد آن تیماج آبی (کار صحاف باشی) دارای یک ترنج، چهار لچک ترنج و جدول و کمند ضربی است.
مثنوی ششم (بیان الطیر) در این نسخه، الحاقی است و رسم الخط و جنس کاغذ آن، به کلی با بقیهء دیوان مغایر است و فاقد سرلوح و نگاره است.

Shesh Masnavi [Amir Alishir Nava'ie]
Golestan Palace Library,No. 2191

The book has been written by the educated minister of the Timurid era, Amir Alishir Nava'ie, in Turkish language. It is comprised of several Masnavies titled "Bahram Nameh", "Heirat al-Abrar", "Shirin o Farhad", "Leili o Majnoun", "Iskandar Nameh" and "Bayan al-Teir".
Format: Folio, 809 pages
Script: Nastaliq, written on checker Dowlatabadi paper by Abdol Vahab Hejazi, dated 987 AH
Illustrations: 18 unsigned paintings, 5 epigraphs, every Masnavi starts with a couple of exquisitely illuminated epigraphs
Cover: Blue thin leather (made by the bookbinder)decorated withone medallion, 4sets of ecoincon-medallion.
The 6th Masnavi dubbed "Bayan al-Teir" is an addendum. Its calligraphies and paper are in sharp contrast to the rest of the book and includes neither a painting nor an epigraph.





Bahram under the Gonbad-e Kabood (SKY)
Unknown artist
Shesh Masnavi,1576
Golestan Palace

بهرام در گنبد کبود
هنرمند نامعلوم
شش مثنوی، ۹۸۷ ه.ق
کاخ گلستان



Shirin & Farhad
Unknown artist
Shesh Masnavi, 1579
Golestan Palace

شیرین و فرهاد
هنرمند نامعلوم
شش مثنوی، ۹۸۷ ه.ق
کاخ گلستان



احسن الکبار
ابن عربشاه
کتابخانه موزه کاخ گلستان، نسخه شماره ۲۲۵۸

کتاب، "احسن الکبار فی معرفة الائمة الاطهار"، تالیف ابن عربشاه محمدبن ابی زیدالعلوی ورامینی از علمای شیعه به سال ۸۲۷ ه.ق. است. این اثر را می توان نخستین تألیف به زبان فارسی، پیرامون زندگانی امامان شیعه به شمار آورد. امتیاز این تألیف، زبان ساده و روان آن است به گونه ای که همگان می توانند از خواندن آن بهره مند شوند. این کتاب در سدهٔ ۱۰ هجری، به روزگار شاه طهماسب اول صفوی و به دستور او به دست فخرالدین علی ابن حسن زواری تلخیص شده و با افزودن مطالبی بر آن به نام "لوامع الانوار الی معرفة الائمة اطهار" نامیده شده است.

قطع این نسخه رحلی، ۳۷/۵×۲۶ سانتی متر، شامل ۳۷۸ صفحه، هر صفحه ۲۴ سطر، به قلم نستعلیق، بر کاغذ دولت آبادی، به تاریخ جمادی الثانی ۹۸۸ ه.ق. کتابت شده است. دو صفحهٔ نخست کتاب، دارای دو سرلوح مذهب مرصع عالی و بین سطور آن، طلااندازی همراه با گل و برگ است. این نسخه با ۱۷ مجلس نقاشی بدون رقم، از رویدادهای مهم زندگانی و معجزات پیامبر اکرم(ص) و کرامات ائمه اطهار(ع)، چون واقعهٔ خفتن حضرت علی(ع) در بستر پیامبر(ص)، غدیرخم و جنگ جمل آراسته شده است.

روی جلد آن، روغنی عالی، با نقش گرفت و گیر سیمرغ و اژدها، شیر و غزال و خرگوش بر بوم طلایی است. اندرون جلد، نقش دفاع سیمرغ از آشیانه اش در برابر حمله اژدها بر بوم مشکی است. ترسیم تشعیرگونه برون و درون جلد این کتاب نفیس که از طراحی زیبای حرکات حیوانات و هماهنگی عناصر گل و بوته ها و درختان برخوردار است از نمونه های بسیار عالی تجلید روغنی است.

نگاره های این نسخه، گرچه از نظر هنری در حد آثار طراز اول نگارگری نیست اما از آن جهت که با رنگ های شفاف و روشن، فضایی دلنشین و پاک را تداعی می نماید و از سوی دیگر به لحاظ مضمون آن، در ردیف آثار معدود و قابل اعتنا محسوب می شود.

Ahsan ol-Kebar [Iben-e Arabshah]
Golestan Palace Library,No. 2258

Ahsan ol-Kebar Fi Ma'refat ol-A'emmat ol-Athar was complied by Ibn-e Arabshah Mohammad Ibn-e Abi Zeid al-Alavi Varamini. It is considered as the first book compiled about the lives of Shiite Imams in Persian language. It was summarized by Fakhr al-Din Ali Ibn-e Hassan Zavari in 10th century by the order of Shah Tahmasb I from Safavid dynasty.
Format: Folio, 26.37 cms, 378 pages
Script: Nastaliq, written on Dowlatabadi paper in Jamadi al-Sani of 988 AH
Illustrations: 2 inlaid illuminated epigraphs, 17 unsigned paintings
Cover: Unctuous, decorated with fight between phoenix and dragon as well as figures of lion, rabbit and gazelle, the inside cover displays the scene where the phoenix safeguards its nest against the dragon's attack painted on a black background

۲۱۴ غدیر خم
هنرمند نامعلوم
احسن الکبار، ۹۸۸ ه.ق
کاخ گلستان

214 **Eid-e Qadir-e Khom**
Unknown artist
Ahsan-ol-Kobar,1580
Golestan Palace

۲۱۵ آرمیدن امیرالمومنین علی(ع) در بستر رسول اکرم(ص)
هنرمند نامعلوم
احسن الکبار، ۹۸۸ ه.ق
کاخ گلستان

215 **Imam Ali Lying in Prophet Mohammad's Bed**
Unknown artist
Ahsan-ol-Kobar,1580
Golestan Palace

۲۱۶ تشعیر
هنرمند نامعلوم
احسن الکبار، ۹۸۸ ه.ق
کاخ گلستان

216 **Tasheer**
Unknown artist
Ahsan-ol-Kobar,1580
Golestan Palace

۲۱۷ خواستگاری امیرالمومنین(ع) از حضرت فاطمه(س)
هنرمند نامعلوم
احسن الکبار، ۹۸۸ ه.ق
کاخ گلستان

217 **Imam Ali's Request from Prophet Mohammad to Marry Fatemeh**
Unknown artist
Ahsan-ol-Kobar,1580
Golestan Palace

۲۱۸ تشعیر
هنرمند نامعلوم
احسن الکبار، ۹۸۸ ه.ق
۹۸۸ ه.ق کاخ گلستان

218 **Tasheer**
Unknown artist
Ahsan-ol-Kobar,1580
Golestan Palace

۲۲۰ مسخّر نمودن اجنّه توسط امیرالمومنین علی(ع)
هنرمند نامعلوم
احسن الکبار، ۹۸۸ ه.ق
کاخ گلستان

220 **Imam Ali Conquers Jinn**
Unknown artist
Ahsan-ol-Kobar,1580
Golestan Palace

۲۲۱ تشعیر
هنرمند نامعلوم
احسن الکبار، ۹۸۸ ه.ق
کاخ گلستان

221 **Tasheer**
Unknown artist
Ahsan-ol-Kobar,1580
Golestan Palace

منیکویم اللهم وال من والاه وعاد من عاداه وانصر من نصره واخذل من خذله والعن من انکره واغضب
علی من جحد حقه ای بار خدای تو فرستادی که امامت ازان امیرالمومنین علی علیه السلام است و ولی تو در خلق
بیان کردم و نصب کردم من او را بدانچه کامل کردی بدان تو دین ایشان و نعمت تمام کردی



بر ایشان و راضی شدی از ایشان بدین اسلام و فرمودی کما قال جل جلاله ومن یبتغ غیر الاسلام دینا
فلن یقبل منه و هو فی الآخرة من الخاسرین خدایا ترا گواه میگیرم که من رساندم آنچه تو مرا فرمودی
ای قوم خدای تعالی دین شما با امامت امیرالمومنین سلام الله علیه تمام کرد که اقتدا بدو بکنند و آنکه
قایم مقام او باشد از فرزندان من از صلب وی تا قیامت و روز عرض نزد خدای تعالی آنان قومی باشند





و آله کردم جمله صحابه حاضر بودند رسول صلی الله علیه و آله و سلم مرا گفت خطبه فاطمه علیهما السلام برخوان



خطبه برخواندم و رسول صلی الله علیه و آله صحابه را گواه گرفت در تصدیق چنین یافتم که چون
امیر المؤمنین علی علیه السلام خطبه فاطمه علیها السلام برخواند جبرئیل ابو بکر بردند گفت الله و اکبر چه قومی اند
که حق مرا با امیر المؤمنین علی علیه السلام داده اند و ایشان این تمنای فاسد می کنند دیگر باره عمر طلب فاطمه
علیهما السلام کرده بود وی گفت سبحان از آن خدایی که پدر مرا برسالت بفرستاد این قوم چه
شوخ چشم اند یعنی چه لایق مند ایشان که چندین سال در حق تعالی شرک آورده اند مرا در من نباشند بار سیوم بانه
چون علی صلی الله علیه و آله و سلم طلب فاطمه علیها السلام کرد اعلام فاطمه علیها السلام کردند گفت الحمد لله الذی











سلامان و اَبسال [عبدالرحمان جامی]
کتابخانه موزه کاخ گلستان، نسخه شماره ۶۸۶

داستان سلامان و ابسال سروده‌ء عبدالرحمان جامی، ریشه‌ء یونانی دارد و به دست حُنین ابن اسحاق (۲۶۰ - ۱۹۴ ه.ق) به عربی برگردانیده شده است. حنین در جندی شاپور و بغداد دانش آموخت و از سوی مأمون به نقل و ترجمه‌ء کتاب های یونانی گماشته شد.
"سلامان و ابسال" از آن گونه داستان های تمثیلی است که بزرگانی چون شیخ الرئیس ابوعلی سینا و امام فخررازی و خواجه نصیر طوسی به آن پرداخته اند. این داستان که به گونه های مختلف روایت شده حکایت پادشاهی است که به کمک وزیر دانشمندش بر کشورهای روم و یونان و مصر فرمان می راند. این پادشاه که از آمیزش با زنان پرهیز می کرد، آرزومند داشتن پسری بود تا جانشین او شود. وزیر دانا به کمک دانش خود از نطفه‌ء پادشاه کودکی پدیدآورد و به دایه ای جوان و زیبا سپرد تا او را شیر دهد، پسر که سلامان نام گرفته بود، پس از رشد، دل به دایه‌ء خود ابسال سپرد و از پدر کناره گرفت. پند پدر و راهنمایی وزیر دانشمند در سلامان کارگر نیفتاد و به همراه ابسال از راه دریا از سرزمین پدری گریخت. آن دو مدتی با سختی ها و بلایای بسیار به زندگی ادامه دادند و چون پس از مدتی درمانده شدند خود را به دریا افکندند. فرشته‌ء نگهبان آب، به دستور شاه، سلامان را نجات داد و ابسال در دریا غرق شد. پس از مدتی سلامان، با تدبیر وزیر، عشق ابسال را از یاد برد و جانشین پدر شد.
این نسخه به قطع وزیری، ۱۸/۵×۲۵/۵ سانتی متر، بر کاغذ سمرقندی شکری زرافشان به قلم نستعلیق، توسط محمد امین کاتب در سال ۱۰۰۱ه. ق. کتابت شده است. این نسخه ۹۷ صفحه‌ء ۱۳ سطری با حاشیه های تزیین شده دارد. افزون براین، نگاره‌ء یک شکارگاه بدون امضا، به شیوه صفوی در نسخه موجود است. جلد نسخه مقوایی روغنی با نقش مجلس بزمی در صحرا از بیرون و اندرون آن ضربی طلاکوب است.
سلامان و ابسال یکی از داستان های زیبای هفت اورنگ جامی است. گرچه مضامین هفت اورنگ بارها مصور شده اما این مضمون به جز مواردی نادر مشاهده نشده است. تصویر دیگری از سلامان و ابسال در جزیره‌ء خوشبختی در هفت اورنگ جامی به سفارش ابراهیم میرزا ساخته شد که بسیار قابل تأمل است. نسخه حاضر به صورت مستقل تحریر و مصور شده و دارای یک نگاره است. به نظر می رسد مضمون فلسفی و تحلیل های متفاوت عارفان و فلاسفه از آن، سبب شده تا هنرمندان با احتیاط بیشتر نسبت به تصویرکردن این داستان اقدام کنند.

Salaman o Absal [Abdol Rahman Jami]
Golestan Palace Library,No. 686

The story of Salaman o Absal has been composed by Abdol-Rahman Jami, it is rooted in the Greek culture and has been translated into Arabic (196-260 AH) by Honayn Ibn-e Es'haq.
Format: Nastaliq, written on gold-sprayed cream-colored Samarqandi paper by Mohammad Amin Katedb, dated 1001 AH.
Format: folio 25/5X18/5 cm 97 page (13-line) Sheets with decorated margins, including an unsigned painting of hunting scene in Safavid
Cover:Unctuous cardboard with a motif of festive occasion in the field, renovated gold-inlaid inside cover



هنرنمایی سلامان در چوگان
هنرمند نامعلوم
سلامان و ابسال
۱۰۰۱ه.ق
کاخ گلستان

Salaman shows off in the game of golf
Unknown artist
Salaman o Absal
1592
Golestan Palace

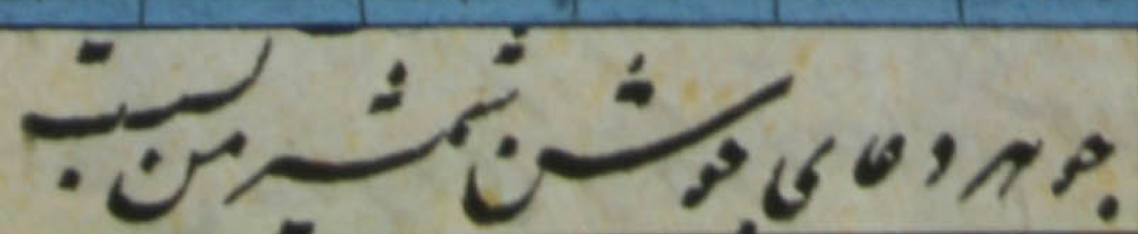
از گزند قحط آزاد از محن		چون شنا بسم خرم و شاد از سخن

چیست شغل شاکر منعم شناس		در خم این گنبد عالی اساس
بر کرمهای جهان دار کریم		در مقام شاکری بودن مقیم
وان وجود بادشاه عادل است		آن کرم خاصه که حکمش شامل است
خلق را ظل اله آمد پناه		شاه عادل نیست جز ظل اله
پیش دانا مثل او در سایه است		هر چه ذات شخص از آن سایه است
هان و هان تا ننگری در سایه خوار		نیست زین رو سایه عین سایه‌ور
در صفات ذات او پیرایه است		سایه عکس ذات صاحب سایه است
باشد از آن سایه پیدا در جهات		هر چه در ذاتش نهان نیست از صفات
می‌شود فر الهی آشکار		از شکوه خسروان کامکار
رو نظر کن در شه عالم پناه	شهریاری	در بر این دعوی ترا باید گواه

تشعیر
هنرمند نامعلوم
سلامان و ابسال
۱۰۰۱ ه.ق
کاخ گلستان

Tash'eer
Unknown artist
Salaman o Absal
1592
Golestan Palace

بهر که می نگرم زیر تیغ دلگیر است | که میهمان نسیم از حیات خود سیر است



محتاج نیستم به سپرداری کسی | جوهر دعای جوشن شمشیر من بست

دیوان صائب
کتابخانه موزه کاخ گلستان، نسخه شماره ۲۱۹۳

این دیوان اثر میرزا محمدعلی، پسر میرزا عبدالرحیم تبریزی اصفهانی، معروف به "صائبا" از استادان بزرگ شعر فارسی در عهد صفوی است. خاندان او تبریزی و از اعقاب شمس الدین محمد شیرین مغربی تبریزی، شاعر مشهور سدهء هشتم و آغاز سدهء نهم بود. وی در اصفهان رشد نمود و به همین سبب او را در تذکره ها گاه تبریزی و گاه اصفهانی گفته اند.
صائب، بنا بر شیوهء زمان، دانش های ادبی و عقلی و نقلی را نزد استادان آن شهر فراگرفت و خط را نیز از عم خود، شمس الدین تبریزی معروف به "شیرین قلم" آموخت.
مذهب صائب، بی تردید شیعی امامی اثنی عشری و مردی دیندار و مواظب فرایض و واجبات و معتقد به اصول و مبادی بوده است و قصایدی در مدح ائمه اطهار و ابیاتی که حاکی از دینداری و مواظبت او در اعمال شرعی است، در دیوان او به چشم می خورد.
این نسخه در قطع وزیری باریک، ۱۴/۴ × ۲۵/۶ سانتی متر است. خط آن به شیوهء تحریری و بر کاغذ دولت آبادی مجدول سرلوح دار کتابت شده و کاتب آن معلوم نیست. صفحات مصور آن شامل شش نگارهء بدون امضاء است.
جلد آن ابرهء تیماج تریاکی مستعمل و دارای دو ترنج معرق است.

Divan e- Sa'eb
Golestan Palace Library (vol. 2193)

The collection is by Mirza Mohammad Ali, the son of Mirza Abdolrahim Tabrizi Isfahani, known as "Sa'eba", one of the greatest masters of the Persian poetry in Safavid period. He is of Tabrizi ancestry and a descendent of Shams-e-Din Mohammad Shirin Maghrebi Tabrizi, renowned poet of 14th century. He was brought up in Isfahan and that is why he is referred to both as *Tabrizi* and *Isfahani*.
Sa'eb learned literary and philosophic sciences from masters of Isfahan and calligraphy from his uncle, Shams-e-Din Tabrizi, known as "Shirin Qalam".
A religious man, Sa'eb was a Shiite Muslim scrupulously practicing his religion and a great believer in principles. He has lyrics in praise of holy Imams and his poetry suggests a strong belief in his religion.
The book is in royal octavo, 25.6 x 14.4 centimeters in size. The calligraphic style is *Tahriri* on *Dowlatabadi* paper with an inscribed frontispiece. The writer is anonymous and the illustrated pages include six unsigned Persian paintings. The cover is made of used brown thin leather with two mosaic medallions.

به هر که می نگرم زیر چرخ دلگیر است
هنرمند نامعلوم
دیوان صائب
کاخ گلستان

Poetry from Divan e-Sa'eb
Unknown artist
Golestan Palace


داشت آن شاه به بالین دو حکیم
هر دو دانا و خردمند و سلیم
لبشان با دم عیسی همدم
گفتشان راحت هر رنج و الم

سبحة الابرار [عبدالرحمن جامی]
کتابخانه موزه کاخ گلستان، نسخه شماره ۲۱۷۶

این کتاب دیوان عبدالرحمن جامی، شاعر قرن نهم ه. ق. است که احتمالاً در سال ۸۷۷ هجری سروده شده است. موضوع این دیوان، مطالب اخلاقی و مقاصد عالیه دین مقدس اسلام است و دارای چهل عقد است از جمله: در کشف حقیقت دل، در شرح سخن و سخنوری، در گفتار موزون، در مقام توبه، در کشف راز پرهیزگاری، در بیان شکر و سپاس، در قرب حق، در شرم و حیا و در جوانمردی و فتوت. این نسخه در قطع رقعی، ۱۲/۵×۱۹ سانتی متر و شامل ۲۳۰ صفحه است. متن آن به خط نستعلیق و به رقم شاه محمد بر کاغذ خانبالغ نوشته شده و صفحات مصور آن مشتمل بر سه نگارهء بدون امضا و جلد آن مقوای تیماج قرمز است.

Sobhat ol-Abrar [Abdol Rahman Jami]
Golestan Palace Library,No. 2176

The book is an illustrated version of Divan-e Sobhat ol-Abrar, originally compiled by the 9th century AH poet, Abdol-Rahman Jami.
The main theme of the book is about ethical issues and the elevated objectives set by the Islam. It consists of 40 sections dealing with the following issues: discovery of the reality of the inner self, discourse and eloquence, rhythmic speech, repentance, unveiling the mystery of piety, gratitude, affinity to the Lord, modesty, equity and fairness, etc.
Format: 19 x 12.5 cms, 230 pages
ScriptÊ: Nastaliq, written on Khanbaleq paper, beating the authograph of Shah Mohammad
Illustrations: 3 unsigned paintings
Cover: Red thin cover

حکایت پادشاه مریض
هنرمند نامعلوم
سبحه الابرار
کاخ گلستان

A Line from Sobhat-ol- Abrar
Unknown artist
Golestan Palace



شاهنامه فردوسی (شاه طهماسبی)

موزه هنرهای معاصر تهران

شاهنامه، اثر حکیم ابوالقاسم فردوسی، شاعر قرن چهارو پنج هجری قمری، از مشهورترین میراث گرانبهای ادب فارسی است. این کتاب مجموعه‌ای از حکمت و پندهای گرانمایه در قالب مضامین اساطیری و داستانهای افسانه ای ایران است که به شیوه ای بدیع و حماسی سروده شده است. این اثر ارزشمند که روح جوانمردی و غیرت ملی و دینی ایرانیان را مورد ستایش قرارمی دهد، همواره مورد توجه دربارهای گذشته ایران و هنرمندان نگارگر بوده است. این کتاب بیش از هر اثر دیگر ادبی ایران مصور شده و به همین دلیل بیشترین و مهمترین نگاره های ایرانی همواره مربوط به روایات و داستانهای شاهنامه فردوسی بوده است.

در میان نسخه های متعددی که در طول دوران نگارگری ایرانی از شاهنامه فردوسی مصور شده اند، هیچ یک از نظر تعداد مجالس و زیبایی و شکوهمندی تصاویر به عظمت نگاره های این نسخه که در زمان شاه اسماعیل اول ساخت آن آغاز شد، نمی رسد. این شاهنامه که توسط برجسته ترین نگارگران سدهء دهم قمری در کارگاه سلطنتی تبریز ساخته شد، دارای ۲۵۸ نگاره است. تاریخ اتمام آن حدود سال ۹۴۴ ه.ق است و تهیه آن حدود ۲۰ سال طول کشیده است. شاهنامه شاه طهماسبی، از نفیس ترین، زیباترین و پر ارزش ترین نسخه های مصور ایرانی است و هنرمندانی همچون سلطان محمد، عبدالعزیز، آقامیرک، عبدالوهاب، شیخ زاده، میرمصور، قاسم علی، دوست محمد، میرزا علی، مظفرعلی و میرسیدعلی نگاره های متعددی در آن بیادگار گذاشته اند که هریک می تواند بهترین کارهای این هنرمندان به شمار آید.

این شاهنامه که پس از فوت شاه اسماعیل (۹۳۰ ه. ق)، در کارگاههای مورد حمایت شاه طهماسب و با عنایت او به اتمام رسید، توسط خود وی در نیمه دوم سدهء دهم قمری با مجموعه ای دیگر از هدایای نفیس به سلطان سلیم دوم پادشاه عثمانی اهداء شد. مدتها از این شاهنامه اطلاعی در دست نبود تا این که سرانجام در سال ۱۹۰۳ در نمایشگاه هنر اسلامی پاریس ظاهر شد، در حالی که توسط بارون ادموند روچیلد (Baron Edmond de Rothschild) به نمایشگاه امانت سپرده شده بود. سپس این نسخه در سال ۱۹۵۹ توسط "آرتور هوتون" (Arthur Houghton) خریداری شد و ۷۸ صفحه نقاشی آن از کتاب جدا و به موزه متروپولیتن نیویورک اهدا گردید. از آن پس تعدادی دیگر از صفحات آن - در مجموع ۶۲ صفحه مصور- در حراجی های مختلف به مجموعه داران فروخته شد. تا آن که پس از انقلاب اسلامی، در تیرماه سال ۱۳۷۳ باقیمانده صفحات این شاهنامه مشتمل بر ۱۱۸ نگاره و جلد سوخت طلایی و باقی صفحات متن در اندازهء ۳۲×۴۷/۵ سانتی متر به وطن بازگردانده شد و در گنجینه موزهء هنرهای معاصر تهران قرارگرفت.

سی و یک صفحهء مصور از این شاهنامه که نمایانگر شکوه و عظمت مکتب نقاشی تبریز در سده دهم قمری- دوران صفوی است، در این نمایشگاه عرضه شده که یکی از آنها با عنوان "بهرام چوبین ساوه شاه را می کشد" به گنجینه موزه رضا عباسی تعلق دارد.

Ferdowsi's Shahnameh (Shah Tahmasbi)

Tehran Museum of Contemporary Arts,(TMCA)

None of the numerous versions of Ferdowsi's Shahnameh depicted in the course of Iran's history of Persian Painting are comparable to the one produced under the reign of Shah Ismail I in the number of illustrations as well as their elegance and refinement. This version of Shahnameh, whose paintings were drawn by the most renowned painters of the 10th century AH at the royal workshops in Tabriz, includes 258 illustrations and was completed in 944 AH, namely in 20 years. Shah Tahmasbi Shahnameh is one of the most valuable and exquisite illustrated versions of the book. Its paintings have been drawn by celebrated artists such as Sultan Mohammad , Abdol-Aziz, Aqa Mirak, Abdol-Vahab Sheikhzadeh, Mir Mosavvar, Qasem Ali, Doust Mohammad, Mirza Ali, Mozaffar Ali and Mir Seyed Ali and they can be considered as their best masterpieces.

In the post-revolutionary era, the remaining pages of this version of Shahnameh comprising 118 paintings and the related gold inlaid cover as well as the manuscripts with a format of 47.5 x 32 cms were retrieved in early summer of 1994 and are now kept at TMCA.

Thirty one illustrated pages of the book manifesting the glory of the 10th century AH Tabriz School of Art in the Safavid era have been showcased in this exhibition, one of which dubbed “Bahram Choubin Kills Saveh Shah” belongs to Reza Abbasi Museum.

پیدایش مار بر دوش ضحاک
منسوب به سلطان محمد
برگی از شاهنامه شاه طهماسبی (۷ - ۲۶)، موزه هنرهای معاصر تهران

ابلیس که به صورت آشپز بر ضحاک وارد شده بود و غذایش مطبوع طبع ضحاک بود از ضحاک تقاضا می کند به او اجازه دهد تا بر کتف هایش بوسه زند. ضحاک هم که به او اطمینان داشت اجازه داد.
ابلیس هر دو شانهء او را بوسه زد و از نظر همه ناپدید شد. ناگهان دو مار از کتف ضحاک ظاهر شد.

چو بوسید شد در زمین ناپدید	کس اندر جهان این شگفتی ندید
دو مار سیه از دو کتفش برست	غمی گشت و از هر سویی چاره جست

ضحاک از وجود دو مار برروی شانه هایش بسیار نگران شد و آن دو مار را از شانه هایش برید، اما آن دو مار دوباره رشد کردند. چاره جویی پزشکان نیز اثری نکرد، تا اینکه ابلیس به صورت طبیبی نمایان شد و به ضحاک گفت مارها از بین نمی روند مگر این که غذای آنها را از مغز جوان ها تهیه کنند. از آن زمان هر روز سر دو جوان را می بریدند تا برای مارها غذا تهیه کنند.

The Snakes of King Zahhak
Attributed to Soltan Mohammad
Shah Tahmasb's Shahnameh(26-V.)
First half of 16th century
Tehran Museum of Contemporary Art

خورش کرد و گفت کای پادشا / همیشه بزی شاد و فرمانروا
مرا دل سراسر پر از مهر تست / همه توشه جانم از چهر تست

یکی حاجتستم به پیروز شاه / وگرچه مرا نیست این پایگاه
که فرمان دهد تا که کتف او / ببوسم بمالم برو چشم و روی

چو ضحاک بشنید گفتار اوی / نهانی ندانست بازار اوی
بدو گفت دادم من این کام تو / بلندی بگیرد ازین نام تو

بفرمود تا دیو چون جفت اوی / همی بوسه داد از بر کتف اوی
چو بوسید شد در زمین ناپدید / کس اندر جهان این شگفتی ندید

دو مار سیه از دو کتفش برست / غمی گشت و از هر سوی چاره جست



سرانجام ببرید هر دو ز کتف / سزد گر بمانی بدین در شگفت
چو شاخ درخت آن دو مار سیاه / برآمد دگر باره از کتف شاه

کاوه طومار ضحاک را پاره می کند

منسوب به‌قدیمی

برگی از شاهنامه شاه طهماسبی (V.-۳۱)، موزه هنرهای معاصر تهران

ضحاک که از بیم انتقام فریدون بشدت در هراس بود، بزرگان و سران حکومت خود را جمع کرد و از آنها خواست طوماری را که در آن، ضحاک به نیکی و عدل یاد شده تهیه کنند.

برآن محضر اژدها ناگزیر گواهی نوشتند برنا و پیر

در آن لحظه ناگهان صدای دادخواهی کاوه بلند می شود. ملازمان کاوه را پیش شاه می آورند و وی با شهامت و جسارت تمام اعتراض خود را نسبت به جنایات ضحاک اعلام می کند.

یکی بی زیان مرد آهنگرم ز شاه آتش آید همی بر سرم

تو شاهی و گر اژدها پیکری بباید بدین داستان داوری

کاوه اعلام می کند که شاه، تمامی فرزندانش را به قتل رسانده و مغز آنها را خوراک مارهای دوشش کرده و هم اکنون آخرین پسر وی را نیز می‌خواهد به قتل برساند. ضحاک پس از شنیدن سخنان کاوه دستور آزادی پسرش را صادر می کند و از او می خواهد تا طومار عدالت جویی ضحاک را امضا کند. کاوه پس از خواندن طومار سران حکومت، ضحاک را مخاطب قرارداده، به آنان نهیب می زند و می گوید: "شما راه شیطان و دوزخ را با امضای این طومار در پیش گرفته اید و من حاضر به امضای آن نیستم." پس طومار را پاره کرده و از بارگاه ضحاک خارج می شود.

Kaveh Tears Zahhak's Scroll
Attributed to Qadimi
Shah Tahmasb's Shahnameh(31-V.)
First half of 16th century
Tehran Museum of Contemporary Art


یکی محضر اکنون بباید نوشت که جز تخم نیکی سپهبد نکشت
نگوید سخن جز همه راستی نخواهد بداد اندرون کاستی
ز بیم سپهبد همه راستان بدان کار گشتند همداستان
در آن محضر اژدها ناگزیر گواهی نبشتند برنا و پیر
هم آنگه یکایک ز درگاه شاه برآمد خروشیدن دادخواه
ستم دیده را پیش او خواندند بر نامدارانش بنشاندند
بدو گفت مهتر بروی دژم که برگوی تا از که دیدی ستم
خروشید و زد دست بر سر ز شاه که شاها منم کاوهٔ دادخواه
یکی بی زبان مرد آهنگرم ز شاه آتش آید همی بر سرم
تو شاهی و گر اژدها پیکری بباید بدین داستان داوری
اگر هفت کشور بشاهی تراست چرا رنج و سختی همه بهر ماست
شماریت با من بباید گرفت بدان تا جهان ماند اندر شگفت
مگر کز شمار تو آید پدید که نوبت ز گیتی بمن چون رسید
که مارانت را مغز فرزند من همی داد باید ز هر انجمن

پسران فریدون و دختران سرو در بارگاه شاه یمن

منسوب به قاسم علی

برگی از شاهنامه شاه طهماسبی (۷.- ۴۱) ، موزه هنرهای معاصر تهران

فریدون سه فرزند خود را به یمن می فرستد تا دختران "سرو"- پادشاه یمن- را به همسری برگزینند. سرو فرزندان فریدون را مورد آزمایش قرارمی دهد و شرطی برای ازدواج آنها می گذارد. وی دختر بزر گتر خود را در کنار پسر کوچک و دختر کوچک تر را در کنار پسر بزرگ و دختر میانی را در کنار پسر میانی فریدون می نشاند و از آنان می خواهد که بگویند کدام یک بزرگ تر ، کوچک تر و میانی هستند.

فرزندان فریدون با آگاهی از اندیشه سرو که قبلاً توسط پدر به آنها آموخته شده بود از آزمایش سربلند بیرون می آیند.

بگفتند زآنگونه کاموختند سبک چشم نیرنگ بر دوختند

پادشاه یمن ، شگفت زده می شود و چاره ای جز پذیرش ازدواج دخترانش با فرزندان فریدون نمی بینند.

Fereydoun's Sons & Sarv's Daughters in Yemeni King's Banquet
Attributed to Qassem Ali
Shah Tahmasb's Shahnameh (41-V.)
First half of 16th century
Tehran Museum of Contemporary Art





بدندان آن سه دختر چو تابنده ماه
نشایست کردن مر ایشان نگاه
نشستند هر سه بدان هم نشان
که کفش فریدون گه دلکشان
ازین سه گرانمایه پرسید شاه
گزین سه ستاره کدامست که
میانه کدامست و کهتر کدام
بباید بدین گونه تان برد نام
بکشید ازان گونه کاموختند
سبک چشم نیرنگ بر دوختند
بدانست شاه گرانمایه زود
گز آمیختن رنگ ناید بسود
چنین گفت کاری همین است زه
مهین را به داد و کهتر بکه



بدانگه که پیوسته شد کارشان
بهم در شکستند بازارشان
سه افسرور از پیش سه نامور
رخانشان ز رنگ از شرم پر





آمدن سفیر فریدون نزد سلم و تور
منسوب به عبدالعزیز
برگی از شاهنامه شاه طهماسبی (.V- ۵۲) ، موزه هنرهای معاصر تهران

سلم و تور پس از دیدن سپاهیان منوچهر ، سخت در هراس افتادند و چارهء کار را در پوزش خواستن از او دانستند. از این رو مردی با هوش را به درگاه فریدون فرستادند. سفیر ، پس از حضور نزد فریدون به وی گفت که سام و تور از گناه بزرگی که کرده اند سخت پشیمان اند و برای جبران بدی های خود از شاه می خواهند منوچهر را نزد ایشان فرستد تا از او پذیرایی و دلجویی کنند. اما فریدون پس از شنیدن پیام دو فرزندش ، خطاب به فرستاده می گوید به آن دو ناپاک بی شرم پلید بگو: "اکنون که ایرج را کشته اند به نابودی منوچهر کمر بسته اند؟" و ادامه داد: "من با آنها پیکار نخواهم کرد زیرا آنها فرزندان من هستند ، اما از ایرج فرزندی برومند برجای مانده است که با شما پیکار خواهد کرد و هم اکنون منوچهر با لشکری بزرگ و کینه خواه به خونخواهی پدر می آید.

درختی که از کین ایرج برست — به خون ، برگ و بارش بخواهیم شست
که هرکس که تخم جفا را بکشت — نه خوش روز بیند نه خرم بهشت
مکافات این بد بهر دو سرای — بیابید از دادگر یک خدای

The Envoy Returns To Salm and Tur
Attributed to Abd-ol-Aziz
Shah Tahmasb's Shahnameh (52-V.)
First half of 16th century
Tehran Museum of Contemporary Art

که هر کس که تخم جفا را بکشت | نه خوش روز بیند نه خرم بهشت
هر آنکس که دارد روانش خرد | گناه آن سگالد که پوزش برد
مکافات این بد بهر دو جهان | بیابید و این هم نماند نهان
گر آمرزش آید ز یزدان پاک | شما را ز خون برادر چه باک
ز روشن جهاندارتان نیست شرم | سپه‌دل زبان پر ز گفتار گرم



تور قباد را عصبانی می کند

منسوب به قدیمی

برگی از شاهنامه شاه طهماسبی(.V- ۵۴)، موزه هنرهای معاصر تهران

منوچهر پسر ایرج، به کین خواهی پدر که به دست سلم و تور کشته شده است به جنگ تور می رود. قباد، طلایه دار سپاه منوچهر از یک سو و تور از سوی دیگر جلو می آیند، سپس تور قباد را مخاطب قرارمی دهد و با لحنی توهین آمیز منوچهر را یاد می کند و از او می خواهد پیامش را به منوچهر برساند:

بدو گفت نزد منوچهر شو — بگویش که ای بی پدر شاه نو

اگر دختر آمد زایرج نژاد — ترا تیغ و کوپال و جوشن که داد

قباد عصبانی به تور می گوید که پیامت را می برم اما بدان که کار شما سراسر هول و هراس است و چیزی نمانده که از گفتار خود پشیمان شوی و اگر دد و دام روز و شب بر شما بگریند عجب نباشد. قباد پیام را به منوچهر می رساند. منوچهر خنده ای می کند و می گوید: تنها یک ابله چنین سخن می گوید، زیرا گواه بر فرزندی من، پدر بزرگم فریدون است و در رزمگاه نیز به او ثابت خواهم کرد.

Tur Taunts Qobad

Attributed to Qadimi

Shah Tahmasb's Shahnameh(54-V.)

First half of 16th century

Tehran Museum of Contemporary Art

طلایه بپیش اندرون بد چو باد
کمین ور چو گرد تلیمان نژاد
یکی لشکر آراسته چون عروس
بشیران جنگی و آوای کوس

بسلم و بتور آگهی تاختند
که کین آوران جنگ برساختند
زنیزه بهامون کشیدند صف
زخون جگر بر لب آورده کف



فریدون سر تور را دریافت می کند
منسوب به عبدالعزیز
برگی از شاهنامه شاه طهماسبی (.V- ۵۶)، موزه هنرهای معاصر تهران

منوچهر به خونخواهی پدرش ایرج که به دست برادرانش تور و سلم کشته شده بود به جنگ با تور برخاست، او را کشت و سرش را از تن جدا کرد و نزد فریدون فرستاد. فرستادهء منوچهر، چگونگی کشته شدن تور را همراه با ارائه سر او به فریدون بیان نمود. فریدون ضمن تحسین منوچهر، با چشمانی اشکبار سر تور را نظاره می کند و می گوید:

که فرزند هرچند پیچد زدین — بسو زد به مرگش پدر هم چنین
گنه بس گران بود و پوزش نبرد — و دیگر که کین خواه نو بود و گرد

Fereydoun receives the Head of Tur
Attributed to Abd-ol-Aziz
Shah Tahmasb's Shahnameh(56-V.)
First half of 16th century
Tehran Museum of Contemporary Art

فرستادم اینک بنزد نیا | بسازم کنون پیلم را کیمیا | جهان چون پس ایرج شهریار | بتابوت زر اندر افگند زار
بروبر نبخشود و شرمش نداشت | جهان آفرینم بروبر گماشت | بریدم سرش هیجان کان او | جو ویران کنم بوم و برجان او



تولد زال

منسوب به میرمصور

برگی از شاهنامه شاه طهماسبی (.V - ۶۱)، موزه هنرهای معاصر تهران

همسر سام، یکی از پهلوانان ایران زمین، فرزندی به دنیا آورد که مویی سفید و صورتی چون خورشید داشت. مادر سخت غمگین شد. بزرگان نیز با دیدن زال ناراحت شدند اما کسی جرأت نداشت که خبر تولد نوزاد را به سام بدهد.

بعداز یک هفته، بزرگان با تهنیت و تمجید و تعریف از فرزند، نشان هایی از او را بازگو کردند و همهء این نشان ها را لطف خداوند دانستند، اما سام از این خبر برآشفت و با خدای خود به راز و نیاز پرداخت.

سوی آسمان سربرآورد راست	وز آن کرده خویش زنهار خواست
اگر من گناهی گران کرده ام	و گر دین اهریمن آورده ام
به پوزش مگر کردگار جهان	به من بر ببخشاید اندر نهان

آن گاه دستور داد تا کودک شیرخوارش را بر بالاترین قله کوه ببرند و رها کنند تا خوراک ددان و پرندگان شود.

در آن روز، سیمرغی که برای بدست آوردن غذا برای فرزندانش برفراز آن کوه به پرواز درآمده بود، کودک عریان و گریان را دید، او را به چنگ گرفت و به کوه البرز برد تا طعمهء جوجه هایش کند. لطف خداوند همراه شد و مهر کودک بر جان سیمرغ و بچه ها افتاد. از آن پس زال همدم و هم خوراک آنها شد و با آنها رشد کرد و جوانی برومند گردید.

The Birth of Zall

Attributed to Mir Mosavvar

Shah Tahmasb's Shahnameh(61-v.)

First half of 16th century

Tehran Museum of Contemporary Art

نگاری بد اندر شبستان اوی / ز گلبرگ رخ داشت وز مشک موی

از آن ماه هش امید فرزند بود / که خورشید چهر و برومند بود

ز سام نریمان همی بار داشت / ز بار گران تنش آزار داشت

ز مادر جدا شد در آن چند روز / نگاری چو خورشید گیتی فروز

بچهره چنین بود بر سان شید / ولیکن همه موی بودش سپید

پسر چون ز مادر برین گونه زاد / نکردند یک هفته بر سام یاد

شبستان آن نامور پهلوان / همه پیش آن خرد کودک نوان



کسی سام یل را نیارست گفت / که فرزند پیر آمد از خوب جفت

یکی دایه بودش بکردار شیر / بر پهلوان اندر آمد دلیر

سام زال را ترک می کند
منسوب به قدیمی
شاهنامه شاه طهماسبی (.V- ۶۶)، موزه هنرهای معاصر تهران

سام که عازم جنگ بود، پس از آن که زال را از کوه البرز پایین آورد، او را به تخت شاهی نشاند. سپس از سوی منوچهر خلعت ها و سیم و زر فراوان به او هدیه کرد و فرمانروایی کابل و زابل و هند و چین را به وی سپرد و به او گفت که عازم لشکرکشی است و باید زال را ترک کند. سام هنگام رفتن به جنگ به بزرگان خود سفارش کرد تا از زال مراقبت کنند و به وی هنرها و پندهای نیکو و سخن های بلند بیاموزند. به زال نیز گفت که هنر و دانش بیاموزد و آنرا بکار گیرد و بخشش داشته باشد.

ترا خانمان باید آباد تر — دل دوستداران به تو شادتر
کلید در گنج ها پیش توست — دلم شاد و غمگین به کم بیش توست

Sam Takes leave of Zall
Attributed to Qadimi
Shah Tahmasb's Shahnameh (66-v.)
First half of 16th century
Tehran Museum of Contemporary Art

پسر داد یزدان ببیند اختم — زبی دانشی ایرج بشناختم
مرا خوار بد مرغ را ارجمند — بپرورد تا شد چو سرو بلند
شمارا سپردم بآموختن — روانش از خرد بار افروختن
گرامیش دارید و پندش دهید — همه رای و راه بلندش دهید

گرانمایه سیمرغ برداشتش — همان آفریننده نگذاشتش
چو هنگام بخشایش آمد فراز — جهاندار یزدان بمن داد باز
بدانید کین یادکار منست — نزد شما زینهار منست



که من بر رفت خواهم بفرمان شاه — سوی دشمنان با سران سپاه
سوی زال کرد انگهی سام روی — که داد و دهش گیر و فرمان بجوی

تدبیر کنیزکان رودابه برای دیدار با زال

منسوب به میرمصور

شاهنامه شاه طهماسبی(.V - ۷۰)، موزه هنرهای معاصر تهران

پنج تن از کنیزان رودابه که از عشق وی به زال آگاه بودند خود را به کناررود خانه -محل استقرار زال و سپاهیانش- می رسانند و در سوی دیگر رودخانه مشغول چیدن گل می شوند تا نظر زال را به خود جلب نمایند. زال نیز برای دیدار با ایشان با تیر، پرنده ای را شکار می کند به گونه ای که در آن سوی رودخانه فرود آید، آنگاه غلام ترک و زیبا روی خود را با قایق به آن سوی رودخانه می فرستد تا از حال آنها با خبر شود.

پرستنده با ریدک ماه روی سخن گفت از آن پهلو نامجوی

که این شیر بازو گو پیلتن چه مردست و شاه کدام انجمن

که بگشاد از آن گونه تیر از کمان چه سنجد به پیش اندرش بدگمان

کنیزکان از غلام سئوال کردند که این پهلوان کیست که با چنین مهارتی پرنده را شکار کرد؟ و غلام نیز با توصیف فراوان زال را معرفی می کند. آنها نیز به وی می گویند که رودابه، دختر مهراب شاه عاشق اوست. غلام بازمی گردد و عشق رودابه را با توصیف ویژگیهای او که از کنیزکان شنیده بود برای زال بازگو می کند و زال نیز به دیدار او مشتاق می شود.

Roudabeh's Maids Meet Zal's Page at the River
Attributed to Mir Mosavvar
Shah Tahmasb's Shahnameh (70-V.)
First half of 16th century
Tehran Museum of Contemporary Art

پرستنده با کودک ماه روی | بخندید و گفتش که چونین مگوی
که ماهیست مهراب را در سرای | که یکسر ز شاه تو برتر بپای

ببالای سروست و همرنگ عاج | یکی ایزدی بر سر از مشک تاج
دو نرگس دژم و دو ابرو بخم | ستون دو بینی چو تیغ دژم

دهانش به تنگی دل مستمند | سر زلف چون حلقهٔ پای بند
دو جادو و پرش خواب و پر آب روی | پر از لاله رخسار و پر مشک موی

نفس را مگر بر لبش راه نیست | چنو در جهان نیز یک ماه نیست



برین چاره تا آن لب لعل فام | کند آشنا با لب پور سام
به پیوستگی چون جهان رای کرد | دل هر کسی مهر را جای کرد





آگاهی یافتن سیندخت از حال رودابه

منسوب به عبدالعزیز

برگی از شاهنامه شاه طهماسبی(۷ - ۷۶)، موزه هنرهای معاصر تهران

سیندخت، مادر رودابه که از عشق او به زال بی خبر است، روزی از آمدن زنی که فرستادهء زال و رودابه است با خبر می شود. آن زن اتفاقاً جامه و سربندی ارزشمند را که هدیه ای از سوی زال برای رودابه است به دست می گیرد تا نزد رودابه رود. سیندخت به او شک می کند و با خشم و ناراحتی وی را مورد بازخواست قرارمی دهد. سپس از رودابه ماجرا را می پرسد.

که این زن زپیش که آید همی — به پیشت زبهر چه آید همی

رودابه گریان، ماجرای عشقش به زال را برای مادر بازگو می کند، که چنان دلباختهء زال شده که نمی تواند بدون او زندگی کند سیندخت نیز از زال تمجید می کند و او را جوانی هنرمند و پاک نژاد می داند و تنها عیب او را سفیدی موی او می داند.

فروماند سیندخت از این گفتگوی — پسند آمدش زال را جفت اوی

چنین داد پاسخ که این خرد نیست — چو دستان زپرمایگان گرد نیست

بزرگ است و پور جهان پهلوان — همش نام وهم رای و روشن روان

آنگاه سیندخت فرستاده زال را مورد محبت خود قرارداده و از او می خواهد که مهر بر دهان زده و این راز را آشکار نکند.

Roudabeh Confesses to Sindukht

Attributed to Abd-ol-Aziz

Shah Tahmasb's Shahnameh(76-V.)

First half of 16th century

Tehran Museum of Contemporary Art

مرا مام فرخ نژادی زنی — نرفتی ز من نیک باد سخن

سپهدار دستان بکابل نماند — همی مهر او بیم بر آتش نشاند

باز گفتن رودابه با مادر حال زال را

نخواهم بدین شادی روی او — جهانم نیرزد یک موی او — بدان گوهر ادید و با من نشست — به پیمان گرفتیم دستش بدست

جز از دیده بی چیز دیگر برفت — میان من و او چو آتش نهفت — فرستاده شد نزد سام بزرگ — فرستاد پاسخ بزال سترگ

زمانی به پیچید و دستور بود — سخنهای بایسته گفت و شنود — فرستاده را داد بسیار چیز — شنیدم همه پاسخ سام نیز



بدست همین زن که گیسش موی — زدی بر زمین و کشیدی بروی

فرستاده آن نامه بود — همان پاسخ نامه این خامه بود

جنگ رستم با ارژنگ دیو

منسوب به عبدالوهاب

برگی از شاهنامه شاه طهماسبی (۱۲۲-V.)، موزه هنرهای معاصر تهران

رستم برای رهایی کیکاوس از زندان، توسط "اولاد" - یکی از پهلوانان آن مرز و بوم- که راه را به او نشان داده بود، به سوی محل زندان کیکاوس روان شد. در میانه راه کوه هایی بود که در آن دوازده هزار دیو، دیو سفید را نگهبانی می کردند. رستم تا به لشکرگاه دیوان نزدیک شد، نعره ای رعد آسا برآورد که دشت و کوه به لرزه افتادند. ارژنگ دیو با شنیدن آن صدا، از خیمه بیرون آمد. رستم با دیدن او به وی حمله کرد و سر از تنش جدا کرد و آن را میان سپاهیانش انداخت.

سر و گوش بگرفت به یالش دلیر   سر از تن بکندش به کردار شیر

پر از خون سر دیو کنده زتن   بینداخت ز آن سو که بد انجمن

سایر دیوها از این عمل بسیار سراسیمه شدند و گریختند. رستم به دنبال آنان رفت و عده ای از آنان را کشت و سپس برگشت و "اولاد" را که به درخت بسته شده بود، رها نمود و هر دو به طرف شهری که کیکاوس در آن زندانی بود رفتند.

Rostam's Next Course: He Slays Arzhang

Attributed to Abd-ol-Vahab

Shah Tahmasb's Shahnameh (122-V.)

First half of 16th century

Tehran Museum of Contemporary Art

چو خورشید برزد سر از تیره کوه — جهان زو بیفزود فر و شکوه

بزین اندر افگند گرز نیا — همی رفت یکدل پر از کیمیا

یکی معفر خسروی بر سرش — خوی آلوده ببر بیان در برش

بارژنگ سالار بنهاد روی — چو آمد بر لشکر جنگجوی

یکی نعره زد در میان گروه — که گفتی بدرّید دریا و کوه

برون جست از خیمه ارژنگ دیو — چو آمد بگوشش ملبنان غریو

چو رستم ورا دید انگیخت اسب — بیامد بر او چو آذرگشسب

سر و گوش بگرفت و یالش دلیر — سر از تن بکندش بکردار شیر



سهراب، رستم را به زمین می کوبد

منسوب به قدیمی

شاهنامه شاه طهماسبی (.V- ۱۵۳)،موزه هنرهای معاصر تهران

سهراب به قصد شکست کیکاوس از سمنگان خارج شد تا پدر خود را بیابد و او را به تخت بنشاند.
از طرف دیگر افراسیاب که از نسبت سهراب و رستم آگاهی پیدا می کند، به هومان فرمانده سپاه خود سفارش می کند کاری کند که سهراب و رستم با هم مبارزه کنند به این امید که اگر سهراب به دست رستم کشته شود لشکر کیکاوس پیروز خواهد شد و اگر رستم، سهراب را نابود کند بعداز شناختن پسرش از غم کشته شدن فرزندش ازبین خواهد رفت.
سرانجام در روز نبرد دو لشکر ایران و توران در مقابل هم صف آرایی کردند. سهراب بدون اینکه از وجود پدر خویش در سپاه کیکاوس خبر داشته باشد به جنگ سپاهیان ایران زمین پرداخت و با ضربه های شمشیر ده تن از سپاهیان از جمله هَجیر را بر زمین انداخت و رعب و وحشتی در دل سپاه کیکاوس انداخت. سهراب سپس از هَجیر که او را اسیر خود کرده بود خواست تا رستم را به او نشان دهد. هَجیر که زور و بازوی سهراب را دید ترسید که رستم را از پای درآورد، به او گفت که او در جنگ شرکت نکرده است.
کیکاوس که شاهد مبارزه سهراب بود دانست که کسی جز رستم توان مقابله با او را ندارد، از اینرو دستور داد تا برای مبارزه با سهراب به میدان نبرد برود. رستم و سهراب در مرحلهء اول مبارزه بدون نتیجه، برای استراحت به اردوگاه های خود بازگشتند.در روز دوم پس‌ازنبردی‌جانکاه

سهراب، رستم را روی دستهای خویش بلند نموده و برزمین می کوبد و روی سینهء رستم می نشیند و خنجر را بیرون می کشد تا سر از تنش جداکند، اما رستم که پهلوان با تجربه ای است حیله ای می کند و از بی تجربگی سهراب استفاده کرده به او می گوید: که ای دلاور قهرمان، رسم پهلوانی این است که اگر دلاوری پشت پهلوان بزرگی را بار اول به خاک برساند او را نمی کشد ولی بار دیگر، اگر او را به زمین زد می‌تواند او را بکشد.
سهراب که قلب مهربانی داشت و بسیار جوانمرد بود، حرفهای رستم را باور می کند و رستم را نمی کشد. سپس هر دو به اردوگاه رفته تا در فرصتی دیگر دوباره به جنگ بپردازند.

Sohrab Gains the Upper Hand : The Second Day
Attributed to Qadimi
Shah Tahmasb's Shahnameh(153-V.)
First half of 16th century
Tehran Museum of Contemporary Art



بزد دست سهراب چون پیل مست / چو شیر دمنده ز جا در بجست

کمربند رستم گرفت و کشید / ز بس زور گفتی زمین بر درید

یکی بانگ زد پر از خشم و کین / که گفتی بدرید یکسر زمین

چو زد رستم شیردل بر زمین / بیامد پس آنگاه پر خشم و کین

نشست از بر سینهٔ پیلتن / پر از خاک چنگال و روی و دهن

بکردار شیری که بر گور نر / زند چنگ و گور اندر آید بسر

یکی خنجر آبگون برکشید / همی خواست از تن سرش را برید

نگه کرد رستم بآواز گفت / که این راز باید گشاد از نهفت

چنین گفت رستم بمرد جوان / که نیکو نگه کن تو ای مهربان

بسهراب گفت ای یل شیرگیر / کمند افکن و گرز و شمشیر گیر

گذشتن سیاوش از آتش
منسوب به عبدالوهاب
شاهنامه شاه طهماسبی (.R- ۱۶۶)، موزه هنرهای معاصر تهران

روزی که سیاوش و پدرش کیکاوس در بارگاه شاهی نشسته بودند، سودابه، همسر دیگر کیکاوس، سیاوش را می بیند و دلباخته وی می شود.
از این رو مخفیانه پیغامی برایش می فرستد:

که اندر شبستان شاه جهان — نباشد شگفت ار شوی ناگهان

سودابه که عشق سیاوش را در دل دارد سعی می کند با حیله ای سیاوش را فراخواند و از وی می خواهد که به همسری او درآید، ولی سیاوش از این عمل زشت سرپیچی می کند. از این رو سودابه به سیاوش تهمت می زند، تا جایی که کیکاوس نیز به سیاوش بدگمان می شود.
کیکاوس با چند نفر از بزرگان مشورت می کند و قرارمی گذارند که سیاوش را با آتش گداخته بیازمایند. آتش گسترده ای فراهم کردند و از سیاوش خواستند تا از آتش بگذرد و اگر سالم بیرون آمد نشان بی گناهی او باشد.
سیاوش با اسب سیاه خود بر آتش می زند و رو سفید از آتش بیرون می آید.

زآتش برون آمد آزاد مرد — لبان پر زخنده و رخ همچو ورد
چو او را بدیدند برخاست غو — که آمد برون ز آتش آن شاه نو
چو بخشایش پاک یزدان بود — دم آتش و باد یکسان بود

سودابه محکوم و مورد عتاب کیکاوس قرارمی گیرد. کیکاوس تصمیم می گیرد سودابه را تنبیه کند، اما از سوی سیاوش بخشیده می شود تا عبرتی برایش باشد.

The Fire Trial Of Siyavush
Attributed to Abd-ol-Vahab
Shah Tahmasb's Shahnameh(166-R.)
First half of 16th century
Tehran Museum of Contemporary Art

بنیروی یزدان نیکی دهش / ازین کوه آتش نیابم تپش

سیاوش سیه را بتندی بتاخت / بشد تنگ دل پیش آتش بساخت

خروشی برآمد ز دشت و ز شهر / غم آمد جهان را از آن کار بهر

ازان روی دیگر برون رفت شاه / که موی نشد بر تن او تباه



چو از دست سودابه آوا شنید / برآمد بایوان و آتش بدید

همی خواست کو را بد آید بروی / همی گشت خوبان پر از گفت و گوی

رستم و سیاوش بلخ را تصرف می کنند

منسوب به قدیمی

برگی از شاهنامه شاه طهماسبی (۱۶۸-.V)،موزه هنرهای معاصر تهران

کیکاوس ناراحت از شنیدن خبر حملهء افراسیاب به ایران بزرگان را گرد می آورد و به آنها می گوید که افراسیاب برخلاف عهدش با ما جنگ می کند، و من خود باید به جنگش بروم و او را از پای درآورم. موبدی می گوید که بهتر است یکی از سرداران سپاه به میدان فرستاده شود. در این هنگام سیاوش که با خود فکر می کند اگر فرماندهی جنگ با افراسیاب را بپذیرد، هم از شر جادوگری سودابه رهایی می یابد و هم پس از شکست سپاه دشمن بلند آوازه خواهد شد نبرد با افراسیاب را می پذیرد.

بشد با کمر پیش کاوس شاه　　　بدو گفت من دارم این پایگاه

که با شاه توران بجویم نبرد　　　سر سرکشان اندر آرم به گرد

آنگاه کیکاوس، سیاوش و رستم را با دوازده هزار سپاه به سوی زابلستان روانه می کند. رستم و سیاوش با سپاهیان خود به سوی زابل، کابل و هند و طالقان و مرو رود و سپس به سوی بلخ حرکت می کنند. پس از سه جنگ سهمگین، آن شهر را می گشایند و سیاوش در پی این پیروزی‌ها، در نامه ای برای کیکاوس او را از تصرف بلخ آگاه می کند. بارمان و سپهرم، سران سپاه افراسیاب از میدان جنگ می گریزند و سپاهیان پیروزمند در کنار جیحون خیمه برمی افرازند تا به دستور کیکاوس، دشمن را در آن طرف رود جیحون دنبال کنند. کیکاوس آنان را می‌ستاید:

از آن پس که پیروز گشتی به جنگ　　　به کار اندرون کرد باید درنگ

مکن هیچ بر جنگ جستن شتاب　　　به جنگ تو آید خود، افراسیاب

Siyavush and Rostam Capture Balkh

Attributed to Qadimi

Shah Tahmasb's Shahnameh (168-V.)

First half of 16th century

Tehran Museum of Contemporary Art

تو لشکر بیارای و چندان مپای | که از باد کشتی بجنبد ز جای
وزین سو سیاوش جایی نماند | سوی بلخ چون باد لشکر براند
نگه کرد گرسیوز چاره جوی | بجز جنگ جستن ندید ایچ روی
دو جنگ گران کرده شد در دو روز | بیامد سوم روز لشکر فروز

برانگیخت برسان آتش هیون | گرسیوز آن سخن یافته بد رهنمون
چو تنگ اندر آمد ز ایران سپاه | نشایست کردن به پاسخ نگاه
چو ایران سپاه اندر آمد بتنگ | بدروازهٔ بلخ برخاست جنگ



پیاده فرستاد بر هر دری | ببلخ اندر آمد گران لشکری
گرسیوز آن سپهبد بدان روی آب | نشد با سپه نزد افراسیاب

سیاوش هدایایی را از نماینده افراسیاب دریافت می کند

منسوب به قدیمی

برگی از شاهنامه شاه طهماسبی (۱۷۱ -V.)، موزه هنرهای معاصر تهران

خواب افراسیاب چنین تعبیر شد که اگر با ایرانیان وارد جنگ شود سیاوش فرمانده سپاه ایران کسي ازسپاهیان او را زنده نمی‌گذارد. از اینرو افراسیاب غمگین شده وخواب خود را برای گرسیوزبازگوکرد وگفت: " جز آشتي جستن با سیاوش چاره ای نداریم وباید برای شاه ایران هدایای شایاني بفرستم تا آن بلای بزرگ را ازخود دورکنیم". آنگاه وی به بزرگان وسران سپاهش روکرد وگفت: "من نیروی زیادی ازسپاهیان ودلیران دشمن را در میدان جنگ کشته ام وشهرهای زیادی را ویران کرده ام، اکنون ازجنگ وستیزبیزارم".

مرا سیرشد دل زجنگ وبدی — همی جست خواهم ره ایزدی
کنون دانش وداد بازآوریم — بجای غم و رنج ناز آوریم
برآساید ازما زمانه چنان — نباید که مرگ آید ازناگهان

گرسیوزهدایای افراسیاب را به سیاوش تقدیم رد وپیام آشتی او را با وی بازگوکرد. سیاوش نیزهدایای افراسیاب را پذیرفت و پس از مشورت با رستم از جنگ منصرف شد.

Siyavush Receives Gift from Peace Envoy
Attributed to Qadimi
Shah Tahmasb's Shahnameh (171-V.)
First half of 16th century
Tehran Museum of Contemporary Art

فرستاده آمد بدرگاه شاه | که گرسیوز آمد ز درگه براه
سیاوش کو پیلتن را بخواند | وزین داستان چند با او براند

چو گرسیوز آمد نزدیک شاه | بفرمود تا برگشادند راه
زدرگاه شه پرده برداشتند | گرایش کردند و بگذاشتند

زدروازه شهر تا بارگاه | درم بود و اسب و غلام و سپاه
کس اندازه نشناخت آن را که چند | ز دینار و از تخت و تاج بلند

غلامان همه با کلاه و کمر | پرستنده با یاره و طوق زر



پسند آمدش سخت و بگشاد روی | نگه کرد و بشنید پیغام اوی
تهمتن بدو گفت کیهشاد | بباشیم تا پاسخ آریم یاد





کیخسرو همراه گیو و فرنگیس از جیحون می گذرند
منسوب به قدیمی
برگی از شاهنامه شاه طهماسبی(.V- ۲۱۶)،موزه هنرهای معاصر تهران

در پی شکست های سپاه افراسیاب از سپاه گیو، افراسیاب تصمیم می گیرد فرنگیس و کیخسرو را از سر راه بردارد و تاج و تخت کیخسروی را از آن خود کند، از این رو به تعقیب آنها می پردازد. کیخسرو با فرنگیس و گیو قصد گذر از رودخانه پر آب و خروشان جیحون می کنند تا به ایران برسند.
در کنار رودخانه، یک کشتی لنگر انداخته است. آنها می خواهند با کشتی از رودخانه بگذرند، اما کشتیبان از آنها زره و اسب و لوازم قیمتی طلب می کند. آنان که وقت را تنگ می بینند ناچار با اسب های خود به آب می زنند و سالم از رود می گذرند.
زمانی که افراسیاب به جیحون می رسد از آنان خبری نمی یابد، ناراحت و متعجب می شود و از کشتیبان نشان آنها را می گیرد؛

چنین داد پاسخ که ای شهریار	پدر باژبان بود و من باژدار
نه دیدم نه هرگز شنیدم چنین	که کردی کس‌ازآب جیحون زمین
بهاران و این آب با موج تیز	چو اندر شوی نیست راه گریز
چنان بر گذشتند هر سه سوار	که گفتی هوا داشت شان در کنار

افراسیاب تصمیم می گیرد که آنان را دنبال کند ولی یکی از سران سپاهش او را منع می کند. افراسیاب می پذیرد و از تعقیب آنها دست بر می‌دارد.

Kay Khosrow, Crosses The Jayhon with Giv and Farangis
Attributed to Gadimi
Shah Tahmasb's Shahnameh(216-V.)
First half of 16th century
Tehran Museum of Contemporary Art

بآب افکند مایسان هان خورند
و گر زیر نعل اندرون بسپرند
بدو گفت کیخسرو اینست و بس
پناهم بیزدان فریاد رس





فرود آمد از بارهٔ راه جوی
بنالید و بر خاک بنهاد روی

همی گفت پشت و پناهم توی
نماینده مرد داد راهم توی

درستی و بستی مرا فر تست
روان و خرد سایهٔ فر تست
بآب اندرون دلفراهم توی
بجنگ همان غم زدایم توی

بآب اندر افکند خسرو سیاه
چو کشتی همی راند تا باژگاه
پس او فرنگیس و گیو دلیر
نترسید ز جیحون و آن آب گیر

بدانسو گذشتند هر سه درست
جهانجوی چون سرو بن برنشست
از آن داستان بر نیایش گرفت
جهان آفرین را ستایش گرفت

جوان رودبانان آن شگفتی بدید
بدین ژرف دریا چنین بگذرد
بگفتا بس است اینک آمد پدید
خردمندش از مردمان نشمرد
بهاران و جیحون و آب روان
پشیمان شد از خام گفتار خویش
سپه جوشن و رو اسب و برگستوان
تبه دید زان کار بازار خویش

فرود با ایرانیان مواجه می شود
منسوب به قدیمی
برگی از شاهنامه شاه طهماسبی (.V- ۲۲۹)، موزه هنرهای معاصر تهران

فرود پسر سیاوش و برادر کیخسرو که از نزدیک شدن سپاه توس آگاه شد، نگران گشت و هر کس را که پیرامونش بود به جایی دور فرستاد و خود نیز به نزد مادرش "جریره" رفت و از تدبیر و رأی او کمک خواست. مادر به او گفت که برادرش کیخسرو در پی انتقام جویی از پدرش است، تو نیز باید این چنین کنی و با سپاهی که از ایران زمین آمده همداستان شوی و به جنگ با تورانیان بروی.
فرود که هیچ کدام از سرداران سپاه ایران را نمی شناخت با "تخوار"، یکی از پهلوانان ایران همراه شد. تخوار و فرود بر سر کوهی بلند رفتند تا سپاهیان را از آنجا نظاره کنند، چون لشکریان ایران پیش آمدند، تخوار همهء پهلوانان لشکر، چون توس، فریبرز، گستهم و ... را با اشاره به فرود نشان داد.

چو یک یک بگفت از نشان گوان	به پیش فرود آن شه خسروان
مهان و کهان را همه بنگرید	دلش شادمان گشت و رخ بشکفید
چنین گفت شاه جهان با تخوار	که کین پدر باز خواهیم خوار

بهرام، یکی دیگر از سپاهیان ایرانی پیش آمد، فرود به او گفت: مادرم به من سفارش کرده که چون سپاه ایران نزدیک شد، آنان را پذیرایی کنم و با لشکریانم، سپاهیان ایران را همراهی کنم و با پهلوانان به کین خواهی خون پدر بروم.

Foroud Confronts the Iranians
Attributed to Qadimi
Shah Tahmasb's Shahnameh (229-V.)
First half of 16th century
Tehran Museum of Contemporary Art



سوار و پیاده بزرین کمر
همه تیغ دار و همه نیزه ور
زبانگ تبیره میان دو کوه
همی کر پس اندر هوا شد ستوه
سپردار و شمشیر زن سی هزار
همی رفت کرد در کارزار
بماند خیره تخوار و فرود
ازان لشکر گشن و شادی بود
چنین گفت کاکنون درفش مهان
بگوی و مدار ایچ گونه نهان
چنین گفت کان پیل پیکر درفش
سواران و آن تیغهای بنفش
پس پشت طوس سپهبد بود
که در جنگ برخاش او بد بود
درفشی پس پشت او دیگرست
چو خورشید تابان بدو پیکرست
برادر پدر رستت با فرو کام
سپهبد فریبرز کاوس نام
پسش ماه پیکر درفش بزرگ
دلیران بسیار و گرد سترگ
ورا نام گستهم گژدهم خوان
که لرزان کند پیل را استخوان
پسش گور پیکر درفش دراز
بگرد اندرش لشکری رزم ساز
بزیر اندرش زنگه شاوران
دلیری ز گردان و گنداوران
درفشی پس اوست پیکر چو ماه
تنش لعل و جعدش چو مشک سیاه

فرود اسب گیسو را با تیر می‌زند
منسوب به عبدالعزیز
برگی از شاهنامه شاه طهماسبی (۲۳۲ -V.)، موزه هنرهای معاصر تهران

فرود به همراه تخوار در بالای کوه ، سپاه ایران را نظاره می کردند . تخوار یکایک پهلوانان را به فرود معرفی کرد . توس فرمانده سپاه ایران نیز که به قصد کشتن فرود آمده بود ، پهلوانان را برای جنگ با فرود به پای کوه فرستاد . فرود نیز پهلوانان و اسب آنها را با تیر می زد و به زمین می‌انداخت تا اینکه نوبت به گیو رسید . گیوکه از پای درآمدن اسب توس را دیده بود بسیار خشمگین شد و عازم جنگ با فرود گردید .

فرود سیاوش چو او را بدید — یکی باد سرد از جگر برکشید
چنین گفت کین لشکر رزم ساز — ندانند راه نشیب از فراز
همه یک ز دیگر دلاورترند — چو خورشید تابان به دو پیکرند

فرود از تخوار پرسید ، این سوار سرافرازکیست‌که بر فراز کوه مي آید . تخوار جواب داد : نام او گیو است و همان کسی است که نیای تو را حمایت‌کرد و لشکر تورانیان را در هم شکست و با اسب از جیحون گذشت و برادرت‌کیخسرو را به ایران برد و بر تخت پادشاهی نشاند ، اگر می خواهی با او جنگ کنی اسبش را نشانه بگیر و از افکندنش بپرهیز . فرود کمان به زه کرد و تیر بر سینه اسب گیو زد . اسب به زمین غلتید و گیو پیاده به لشکرگاه بازگشت .

Foroud Shots Giv's Horse
Attributed to Abd-ol-Aziz
Shah Tahmasb's Shahnameh (232-V.)
First half of 16th century
Tehran Museum of Contemporary Art


فرود از پس آن سخنها شنید
کمان را بزه کرد و اندر کشید
خدنگی بر اسب سپهبد بزد
چنان کز کمان سواران سزد
زدن فرود اسپ طوس را
نگون شد سر بارگی جان بداد
دل طوس پرکین و سر پر زباد
بلشکرگه آمد بگردن سپر
پیاده پر از درد و اسپه سپر
کواژه همی زد پس او فرود
که این نامور پهلوان را چه بود
که ایدون نتابید با یک سوار
چگونه جهد در صف کارزار
پرستندگان نعره برداشتند
همی نعره از ابر بگذاشتند
که پیش جوانی یکی مرد پیر
از آواز غلتان شد از بیم تیر
سپهبد فرود آمد از کوه سر
برفتند گردان پراندوه بر
سر سرفرازان روشن روان





کیخسرو دستور به فراخوان توس می دهد
منسوب به عبدالوهاب
شاهنامه شاه طهماسبی (.R- ۲۴۲)،موزه هنرهای معاصر تهران

کیخسرو چون از شکست سپاه ایران و کشته شدن فرود و جریره، مادر فرود در جنگ به دست توس آگاه شد، برآشفت و او را نفرین کرد.

دریغ آن گرامی فرود جوان	سر نامداران و پشت گوان
زکار پدر زار و گریان بدم	پر از درد یک چند گریان بدم
کنون بر برادر به باید گریست	ندانم مرا دشمن و دوست کیست

آنگاه به فریبرز دستور داد تا بی درنگ او را به حضور کیخسرو بیاورند. پس از حضور توس، کیخسرو زبان به ناسزا گشود و گفت: تو را کلاه کیانی دادم تا به جنگ دشمن روی، اما تو فرود را کشتی، به این جهت تو در خور سروری و گردن فرازی نیستی، بلکه سزایت بند و زندان است. اگر از نژاد منوچهر نبودی و اگر حرمت ریش سفیدت نبود سر از تنت جدا می کردم. سپس منوچهر، دستور داد تا او را به زندان افکندند.

Kay Khosrow Orders Tus Recalled
Attributed to Abd-ol-Vahab
Shah Tahmasb's Shahnameh(242-R.)
First half of 16th century
Tehran Museum of Contemporary Art

خرد داد و جان و تن زورمند / بزرگی و دیهیم و تخت بلند
همو کرد پیروز و هم او شکست / به نیک و به بد روز شد کام دست
یکی را دگر شوربختی دهد / نیاز و غم و درد و سختی دهد
جهان و مکان و زمین آفرید / پی مور و کوه گران آفرید
یکی را همایی ز بند او / یکی را بود بند و او زند او
ز خورشید رخشنده تا تیره خاک / همی داد بینیم ز یزدان پاک
بشد طوس با کاویانی درفش / ز لشکر چهل مرد زرینه کفش
بتوران فرستاد مشتی سپاه / برادر شد از کین نخستین تباه
به ایران چنان مهتر مباد / وز آن گونه سالار لشکر مباد
دریغ آن برادر فرود جوان / سر نامداران و پشت گوان
دریغ آن فرود سیاوش دریغ / که شد راه تابش همی زیر میغ
ز کار پدر زار و گریان بدم / برادر بکشتند بریان بدم







کنون چون برادر بباید گریست / ندانم مرا دشمن و دوست کیست



بهرام چوبین ساوه شاه را می کشد
منسوب به با شدن قرا
برگی از شاهنامه شاه طهماسبی (.V-۶۷۱)،موزه رضا عباسی

نیرومندترین دشمن در عصر پادشاهی هرمز، ساوه شاه از ترکان جنگاور هرات بود. او با نیت حمله به سوی ایران حرکت کرد. بهرام چوبینه که یکی از دلاوران و جنگجویان ایران بود به منظور مشورت با هرمز، فراخوانده شد. بهرام چوبینه صلاح کار را در جنگ دانست و تصمیم گرفت همراه سپاه ایران به جنگ با ساوه شاه برود.
هرمز بسیار خوشحال شد و فرماندهی سپاه را به او داد و گفت: گرچه تو پهلوان دلیری هستی اما دشمن نیز، از جنگاوران نیرومند است و سپاهی بزرگ با تجهیزات کامل جنگی به میدان آورده است. آنگاه پرچم بنفش با نقش اژدها را که در جنگهای ایرانیان، پیشاپیش سپاه رستم بود به وی داد. بهرام نیز دبیری هوشیار طلب کرد تا گزارش صحنه نبرد را ثبت کرده و به اطلاع شاه برساند.
پس از رویارویی دو سپاه، جنگ درگرفت و سپاه ایران، نظام دشمن را در هم ریخت. بهرام نیز در جنگی تن به تن با ساوه شاه، تیری به پشت او زد و او را سرنگون کرد و سر از تنش جدا نمود.

چنین است کردار گردان سپهر — نه کین است پیدا مر او را نه مهر
نگر تا ننازی به تخت بلند — چو ایمن شوی سخت ترس از گزند
پسر گفت کین ایزدی کار بود — که بهرام را بخت بیدار بود

پس از این پیروزی، بهرام ایزد پاک را نیایش کرد و خبر پیروزی را به شاه رساند. هرمز نیز به پاس فداکاری وی، فرمانروایی بخشی از کشور را به او سپرد.

Bahram Choubin Slays Saveh- Shah in Battle
Attributed to Bashdan Ghara
Shah Tahmasb's Shahnameh (671-V.)
First half of 16th century
Reza Abbasi Museum



بپر سپاه و آمد بخاک اندرون — بزیر اندرون جای شد جوی خون

شد آن نامور شاه و چندان سپاه — همان تخت زرین و زرین کلاه

چو بهرام جنگی بپیچید اندروی — کشیدش بران خاک تفته بروی

چو ترکان رسیدند نزدیک شاه — فکنده تنی بود بی سر براه

بگفتند کین ایزدی کار بود — که بهرام را بخت بیدار بود

چنین است کردار گردان سپهر — نه کین است پیدا ازو و نه مهر

نگر تا نتازی به بخت بلند — چو ایمن شدی ور باشی از گزند

برید آن سر شاهوار از تنش — بیامد یکی خویش پیرامنش

همه برگرفتند یکسر خروش — زمین پرخروش آسمان پرزجوش

ز ترکان یکی راه بد بر سپاه — فراوان بمرد اندران بنگاه

رهام دست جادوگر را قطع می کند

منسوب به قاسم علی

برگی از شاهنامه شاه طهماسبی (۲۵۴-۷.)، موزه هنرهای معاصر تهران

"بازور"، یکی از تورانیان، جادوگری فتنه ساز و پرآشوب است. پیران از او می خواهد که بر سر کوهی نزدیک میدان جنگ برود و با افسون و جادو، باد و سرما و برفی بلاانگیز ایجاد کند تا سپاهیان ایران همگی از سرما هلاک شوند. با زور چنین می کند. ناگهان هوا تیره و تار می شود. سپاه ایران از این سرمای نا به هنگام درمانده می شوند به حدی که دست های آنان از شدت سرما سیاه می شود. در این حال سپاه توران به آنها حمله ور می شوند و آنقدر از سپاه ایرانیان می کشند که در دشت ها دریای خون به راه می افتد.

سران سپاه که وضع را چنین می بینند، با دعا و نیایش از خداوند طلب کمک می کنند:

که ای برتر از دانش و هوش و رای	نه بر جای و در جای و در زیر جای
همه بنده‌ه پرگناه تو ایم	به بیچارگی داد خواه توایم
تو باشی به بیچارگی دستگیر	زما یک بیک دورکن زمهریر
از این سخت سرما تو فریاد رس	نداریم جز تو کسی را به کس

آن گاه مردی آگاه به قله کوه اشاره می کند. "رهام"، پهلوان ایرانی که جادوگر را در آنجا می بیند به سرعت از کوه بالا می رود و پس از یافتن او، دستش را با شمشیر از تنش جدا می کند. در این هنگام هوای تیره و تار از میان می رود و آفتاب بر صحنه نبرد می تابد.

Rahham Stops the Hand of the Weather-Shaman
Attributed to Ghassem Ali
Shah Tahmasb's Shahnameh(254-V.)
First half of 16th century
Tehran Museum of Contemporary Art

که ای برتر از دانش و هوش و رای
نه بر جای و در جای و در جمله جای
همه بندهٔ پرگناه توییم
بیچاره‌ای که دادخواه توییم

تو باشی بیچاره کی دستگیر
تواناتر از آتش و زمهریر
ازین سخت سرما تو فریادرس
نداریم جز تو کسی را بکس

اندر زدن بهرام دست جادو را

بیامد یکی مرد دانش پژوه
بر بهرام بنمود بانگشت کوه

کجا جای با زور پتیاره بود
بافسون و تنبل بران کوه بود

بجنبید بهرام ازان رزمگاه
برون تاخت اسب از میان سپاه
زره دامنش را بزد بر کمر
پیاده برآمد بران کوه پر

چو جادو بدیدش بیامد بجنگ
عمودی ز پولاد چینی بچنگ
چو بهرام نزدیک جادو رسید
سبک تیغ را از میان برکشید

بیفکند دستش بشمشیر تیز
یکی باد برخاست چون رستخیز
ز روی هوا ابر تیره ببرد
فرود آمد از کوه بهرام گرد



یکی دست بازور جادو بدست
بهامون شد و بارگی برنشست

خاقان و کاموس، ایرانیان را می بینند

منسوب به عبدالعزیز

برگی از شاهنامه شاه طهماسبی (R.- ۲۶۳)، موزه هنرهای معاصر

چون خورشید از پس افق سر می زند، خاقان چین به پیران می گوید که سپاه خستهء راهند و باید یک روز استراحت کنند، پس بهتر است فردا حمله را آغاز کنند. سپس خاقان عزم می کند که سپاه ایرانیان را از دور تماشا کند. با گروهی از سپاهیان به کوه هماون نزدیک می شوند. توس چون آمدن خاقان را می بیند، سپاهیان خود را در جلو صف آرایی می کند و پرچم بر می افرازد. کاموس و شنگل و بیورد و دیگر همراهان خاقان، چون از دور آرایش و آمادگی سپاه ایران را می بینند و خروش آنها را می شنوند، آنها را بسیار تحسین می کنند پیران نیز با آنها هم آواز می شود.

ندیدم سواران و گردنکشان — به گردی و مردانگی زین نشان

سپند آمدش گفت اینت سپاه — سواران گردنکش و رزم خواه

سپهوار پیران دگرگونه گفت — هنرهای مردان نشاید نهفت

The Khaqan and Kamous Observe the Iranians

Attributed to Abd-ol-Aziz

Shah Tahmasb's Shahnameh (263-R.)

First half of 16th century

Tehran Museum of Contemporary Art

زبرجد نشانده بزین اندرون ‏ ز دیبای زربفت پیروزه گون

بزرین رکیب و جناغ پلنگ ‏ بزرین درای و جرسهای زنگ

ز افسر سر پیلبانان بکار ‏ همه پاک با طوق و با گوشوار



هوا شد ز بس پیلی نی درفش ‏ چو بازار چین سرخ و زرد و بنفش

سپاهی برفت اندران دشت رزم ‏ همی آرزو بود از ایشان بزم

زمین شد بکردار چشم خروس ‏ ز بس رنگ و آرایش و بانگ کوس

برفتند شاهان لشکر ز جای ‏ هوا پر شد از ناله کره نای

سنانها درفشان و جوشان سپاه ‏ شده روی کشور ز لشکر سیاه

چو از دور طوس سپهبد بدید ‏ سپاه انچ بودش رده برکشید

ببستند گردان ایران میان

بیاورد گیو اختر کاویان

رستم با شکیبایی درباره‌ء سرنوشت و مرگ سخن می گوید
منسوب به عبدالعزیز
برگی از شاهنامه شاه طهماسبی (.V-۲۶۶)، موزه هنرهای معاصر تهران

چون پاسی از شب گذشت، خبر رسید که سپاهی از سوی ایران پیش می آید و درفش رستم از دور نمایان است. گودرز به پیشباز رستم رفت، چون نزدیک او رسید هر دو از اسب پیاده شدند و یکدیگر را در آغوش گرفتند. گودرز به رستم گفت که عزیزانش را از دست داده و در عزای آنها نشسته است. رستم با شکیبایی گفت که آنها باید دلشاد باشند، چون روزگار سراسر افسوس و رنج است. یکی را بی نام و دیگری را نامدار از این جهان می برد. روزی زندگی او نیز به پایان می رسد. همه باید روزی از این دنیا برویم و چاره ای جز آن نداریم، من نیز از مرگ رهایی نمی یابم.

بدو گفت رستم که دل شاد دار	زگیتی تن مهتر آزاد دار
که گیتی سراسر فسوس است و رنج	سرآید همی چون نمایدت گنج
یکی را به مرگ و یکی را به جنگ	یکی را به نام و یکی را به ننگ
همی رفت باید از این چاره نیست	مرا نیز از مرگ پتیاره نیست

Rostam Expounds Stoically Upon Fate and Death
Attributed to Abd-ol-Aziz
Shah Tahmasb's Shahnameh(266-V.)
First half of 16th century
Tehran Museum of Contemporary Art

ز پیلان جنگی نداند گریز / سرش پر ز کینست و دل پر ستیز
ازین گونه تا پیش دریای شهد / درفش و سپاه است و پیلان و مهد
همه دشت خرگاه و پرده سرای / جو دیبای چینست کرده بپای
سپاس از خداوند پیروزگر / که آوردمان رنج و سختی بسر
ازان کشتگان یکزمان پهلوان / غمی گشت و گریان و تیره روان

ز منشور خود بر زمین جای نیست / جنو تیز یک لشکر آرای نیست
ز ترک و ز جوشن خود انداز نیست / بدین دشت خود مرد را کار نیست
اگر سوی ما پهلوان سپاه / نکردی گذر کار گشتی تباه
تن ما بتو زنده شد پهلوان / بنودانچ پس را امید امان
وزان پس چنین گفت کز چرخ ماه / فرود آی تا قعر خاک سیاه



نه بینی بجز گرم و تیمار و رنج / برانیست رسم سرای سپنج
چنین است کردار گردان سپهر / گهی زهر و کین است و که نوش و مهر

جنگ رستم با کاموس

منسوب به عبدالوهاب

برگی از شاهنامه شاه طهماسبی (.R- ۲۷۱)، موزه هنرهای معاصر تهران

هنگامی که تورانیان و ایرانیان در مقابل یکدیگر صف آرایی کردند نخست "کاموس" با گرز خود به میدان جنگ آمد، خروشید و درصدد مبارزه با "الوای" که رزم آموخته رستم بود برآمد. الوای به قصد کشتن کاموس، شمشیر کشید، اما کاموس با تیر، الوای را بر زمین زد و باعث مرگش شد.

رستم که این منظره را می بیند بسیار متاثر می شود، کمند و گرز خویش را برمی دارد و به میدان می آید و مانند فیل مست می غرد.

کاموس که توانمندی رستم را می بیند، او را از جنگ برحذر می دارد و رستم در پاسخ می گوید:

چنین پاسخ آورد رستم که شیر — چو نخجیر بیند بغرد دلیر

نخستین تو بستی بدین کین کمر — تو کشتی از ایران یکی نامور

کاموس کمند خویش گرفته و شمشیرش را به سوی رستم روانه می سازد، تیغ کاموس به گردن رخش می رسد و یال او را می برد. رستم کمندش را حلقه کرده و کاموس را به بند می گیرد. کاموس می کوشد با نیروی خود، کمند را از تنش جدا کند، اما عاجز می ماند.

رستم، کاموس را به بند می کشد و دستان او را از پشت می بندد و کشان به سوی لشکرگاه می برد و می گوید: این "مرد دلیر که به ایران آمده بود تا این سرزمین را که جایگاه شیران و دلیران است فتح کند، هم اکنون لباس رزمش، کفن او و خاک، تاج سرش شده است. آنگاه کاموس را جلو سپاه ایران بر خاک می افکند و آنان وی را هلاک می کنند.

The Combat Rostam and Kamous
Attributed to Abd-ol-Vahab
Shah Tahmasb's Shahnameh(271-R.)
First half of 16th century
Tehran Museum of Contemporary Art



بینداخت تیغ برنداورش
همی خواست از تن گسستن سرش
سر تیغ بر گردن رخش خورد
ببرید برگستوان نبرد
نیامد تن اسب را زان گزند
کو بیلتن حلقه کرد آن کمند
بینداخت و افکندش اندر میان
برانگیخت از جای پیل ژیان
بران اندر آورد و گردش دوال
عقابی شد آن رخش با پر و بال
سوار از دلیری بیفشارد ران
گران شد رکیب و سبک شد عنان
همی خواست کان خام چرم پلنگ
بدرد نماند میانش تنگ
شد از هوش کاموس و بگسست خام
گو پیلتن رخش را کرد رام
عنان را بپیچید و او را ز زین
نگون اندر آورد و زد بر زمین
در آمد ببستش بخم کمند
بدو گفت اکنون شدی بی گزند
ز تو تنبل و جادوی دور گشت
روانت بر دیو مزدور گشت





نبرد چنگش با رستم
منسوب به عبدالعزیز
برگی از شاهنامه شاه طهماسبی (۲۷۲-V.)، موزه هنرهای معاصر تهران

در یکی از نبردهای رستم با تورانیان، شجاع ترین فرمانده سپاه خاقان چین، یعنی کاموس که متحد افراسیاب بود به دست رستم کشته می شود. در پی کشته شدن کاموس، خاقان چین که از دلاوری های رستم بی خبر است، درصدد برمی آید که از رستم انتقام بگیرد. چنگش، پهلوان دیگر خاقان که سواری تنومند و قوی است، از خاقان می خواهد که انتقام از ایرانیان را به وی بسپارد تا برای کین خواهی کاموس به جنگ با رستم برآید. سپس چنگش بر اسب نشسته و چون به نزدیک ایرانیان می رسد رجز می خواند:

چنین گفت کاین جای جنگ من است	سر نامداران به چنگ من است
کمند افکن آن گرد کاموس گیر	که گاهی کمند افکند گاه تیر
کنون گربیاید به آوردگاه	تهی ماند از قد او جایگاه

رستم با شنیدن رجز خوانی این پهلوان، بر رخش نشسته و به میدان جنگ می رود. چنگش چون به رستم می نگرد از نیرومندی او می هراسد و عقب نشینی می کند، اما رستم، با رخش به دنبال او می راند و چون به او می رسد، دم اسبش را گرفته و او را بر زمین می اندازد. چنگش امان می خواهد ولی رستم او را نمی بخشد و سر از تنش جدا می سازد.

The Combat of Changash and Rostam
Attributed to Abd-ol-Aziz
Shah Tahmasb's Shahnameh(272-V.)
First half of 16th century
Tehran Museum of Contemporary Art

همانگاه رستم رسید اندر اوی | همه دشت از ایشان پر از گفت و گوی | دم اسب ناپاک خنگش گرفت | دو لشکر بدو مانده اندر شگفت

زمانی همی داشت تا شد غمین | زتنگی بزد خویشتن بر زمین | بیفتاد از و ترک و زنهار خواست | تهمتن ورا کرد با خاک راست

همانگه گردش سر از تن جدا | ز کام و ز اندیشه شد بی‌نوا | همه نامداران ایران زمین | گرفتند بر پهلوان آفرین

وز آن روی خاقان غمی گشت سخت | برآشفت با گردش روز و بخت | همی گشت رستم میان دو صف | یکی خشت رخشان گرفته بکف

بهومان چنین گفت خاقان چین | که بشکست بازار ما زان زمین | مگر نام این نامور پهلوان | شوی باز جویی چنان چون توان



بدو گفت هومان که سپندانیم | بجنگ اندرون پیل دندان نیم

بگیتی چو کاموس جنگی نبود | چنو رزمجوی و در[illegible]

کشته شدن کهار کشانی به دست رستم

منسوب به آقامیرک

برگی از شاهنامه شاه طهماسبی (R.- ۲۸۱)،موزه هنرهای معاصر تهران

افراسیاب، پادشاه سرزمین توران که همواره در پی کسب تاج و تخت کیخسرو، پادشاه ایران است، با دیدن ناتوانی سپاه خود، با خاقان چین و پادشاه هند که دشمن ایرانیان اند، متحد می شود. سران سپاه چین و تورانیان یکایک به دست رستم از پای درمی آیند.
در جریان این نبردها شنگل، شاه هندیان و ساوه از جنگاوران آنها به دست رستم کشته می شوند.
کهارکشانی از سپاه توران می خواهد که انتقام چینیان و تورانیان را در نبرد با رستم بگیرد.

به دل گفت کای کار دیده کهار — که کاوس با وی نبد پایدار
گریزی به هنگام با سر بجای — به از پهلوانی سر زیر پای

اما رستم به او مجال نمی دهد و او را دنبال می کند و نیزه به کمربندش می زند و او را همچون برگی که از درخت جداکنند برزمین می اندازد.
سپاهیان رستم براین پیروزی، غریو شادی سر می دهند و رستم از آنان می خواهد که به میدان بیایند تا به یاری آنان سپاه دشمن را شکست دهد و تخت عاج پادشاه چین را برای شهریار ایران بفرستد. ایرانیان به سپاه خاقان چین حمله می برند و خاقان را به اسارت درمی آورند.

The Combat of Kahar Kashani and Rostam
Attributed to Aqa Mirak
Shah Tahmasb's Shahnameh(281-R)
First half of 16th century
Tehran Museum of Contemporary Art

درفش کیانی نگونسار کرد		وز و جان لشکر پرآزار کرد
نبد نیز کس پیش او پایدار		همی خار مغز سر آورد بار
وزانجایگه شد سوی میسره		غمی گشت لشکر همه یکسره
کهار کشانی بدانجایگاه		کوی شیردل با درفش سیاه



براشفت چون تیز رستم بدید		خروشی چو شیر ژیان برکشید
بدو گفت من کهترم کان حسین		ز پیکر بخواهم برین دشت کین
نبردوی از مهتران با منست		دل شیر و گرز گران با منست
برانگیخت اسب از میان سپاه		بیامد بر پیلتن کینه خواه
نبرد نهنگ چون تهم رستم بدید		روانش تو گفتی ز تن بر دمید
بدل گفت پیکار با زنده پیل		چو غوطه است خوردن به دریای نیل
تو گفتی برآید دگر گفت نی		دو کهارکان با خرد جفت نی
گریز بهنگام با سر بجای		به از رزم جستن بنام و برای
گریزان بیامد سوی قلبگاه		برو بر نظاره ز هر سو سپاه
درفش تهمتن میان گروه		بسان درخت از بر تیره کوه
همی تاخت رستم بس او چو گرد		زمین لعل گشت و هوا لاجورد

یکی نیزه زد بر کمربند او
بدرید خفتان و پیوند او

رستم قلعه بیداد را خراب می کند

منسوب به عبدالعزیز

برگی از شاهنامه شاه طهماسبی (۲۸۶-V.)،موزه هنرهای معاصر تهران

رستم و سپاهیانش شتابان پیش رفتند تا به شهر سُغد رسیدند. دو هفته در آن جا به شادی و شکار گذراندند و روزی چند بیاسودند. سپس به پیش رفتند تا به شهری آباد به نام "بیداد" رسیدند که قلعه ای استوار داشت.

در "بیداد" مردی به نام "کافور" فرمانروایی می کرد که خوراکش گوشت زنان زیبا رو بود. رستم، دو پهلوان خود، بیژن و هژیر را همراه گستهم و سه هزار مرد جنگی برای گشودن دژ فرستاد. کافور لباس رزم پوشید و به سپاه ایران حمله برد.

زگردان ایران بسی کشته شد — سر رزم جویان زغم گشته شد

چو گستهم لشکر بر آن گونه دید — جهان در کف دیو واژونه دید

بفرمود تا تیر باران کنند — پریشان کمین سواران کنند

سپس گستهم، بیژن را نزد رستم فرستاد تا به یاری آنها بشتابد. چون رستم به میدان جنگ رسید با نیزه چنان بر سر کافور زد که مغز سرش بیرون ریخت. پس از کشته شدن کافور به دست رستم، مدافعان دژ چندان پایداری کردند تا بیشترشان کشته شدند و چون سپاه ایران قلعه بیداد را فتح کردند، شروع به خراب کردن قلعه کردند و به تاراج زر و سیم آنجا پرداختند و هرچه بود به ایران زمین بردند.

Rostam Reduces the Fortress of Bidad to Ruins

Attributed to Abd-ol-Aziz

Shah Tahmasb's Shahnameh(286-V.)

First half of 16th century

Tehran Museum of Contemporary Art

یکی رزم بود دشمن برآرزوی | سپاه اندر آورد بر چار سوی | پیکروی گودرز و یکروی طوس | پس پشت با پیل با بوق و کوس
یکروی بر لشکر زابلی | زره دار با خنجر کابلی | جوان دید رستم کمان برگرفت | همه دز بدو ماند اندر شگفت
هر آنکس که از باره سر بر زدی | زمانه سرش را همی در زدی | ابا مغز پیکان همی راز گفت | بید ساز کاری همی گشت جفت
پی باره زان پس بکندن گرفت | ز دیوار مردم فکندن گرفت | ستونها نهادند زیر اندرش | بیالوده نفط سیاه از برش
چو نیمی ز دیوار دز کنده شد | بچوب اندر آتش پراکنده شد | فرود آمد آن بارهٔ تور گرد | ز هر سو سپاه اندر آمد بگرد






خلد الله تعالى ملكه وسلطانه
يا مفتح الابواب

کشته شدن شیده به دست کیخسرو

منسوب به قاسم علی

شاهنامه شاه طهماسبی (۷.- ۳۶۰) ،موزه هنرهای معاصر تهران

کیخسرو به خونخواهی پدرش سیاوش که به دست افراسیاب کشته شده بود به جنگ با افراسیاب برخاست و سپاهی از پهلوانان تشکیل داد و گفت:

منم داغ دل پور آن بیگناه — سیاوش که شد کشته بر دست شاه

بدین دشت ازین سان به کین آمدم — نه از بهر گاه و نگین آمدم

افراسیاب می خواست او را به صلح وادار کند و هرچه بخواهد به او هدیه کند، اما کیخسرو نپذیرفت، زیرا وی در پی انتقام پدر بود.

شیده، پسر افراسیاب وقتی دید که پدر این چنین می گوید برآشفت و از افراسیاب اجازه خواست تا به جنگ با کیخسرو برود.

نهادند پیمان که از هر دو روی — به یاری نیاید کسی کینه جوی

کیخسرو و شیده با شمشیر و کمان به جنگ با یکدیگر پرداختند. شیده که خود را درمانده دید، حیله ای اندیشید و به کیخسرو گفت که مرد آنست که بدون شمشیر و نیزه بجنگد.

کیخسرو با این که می دانست حرف های او جز فریب نیست درخواستش را قبول کرد و به کشتی گرفتن با او پرداخت و کمر او را شکست و او را بر زمین انداخت و با شمشیر خود، سر از تنش جدا کرد.

Kay Khosrow Slays Shideh
Attributed to Ghassem Ali
Shah Tahmasb's Shahnameh(360-V.)
First half of 16th century
Tehran Museum of Contemporary Art

کشته شدن شیده بدست کیخسرو

پیاده چو از دور دیدش شنگ
بکشتی چو پیلان برآویختند
چو شیده بدید آن بر و زور شاه
بچاره همی خواست کاید رها
بزور جهان آفرین کردگار
گرفتش بچپ گردن و راست پشت
همه مهره پشت او همچو نی
یکی تیغ تیز از میان برکشید

که چون پیر شد تن بدرد بها
بر دست کیخسرو نامدار

چو آگاه شد خسرو از رای او
بکردار شیری که بر گور نر

فرود آمد از اسپ جنگی نهنگ
همی خاک با خوی برآمیختند
همان ایزدی فر و آن دستگاه
وزان سست گردید بالای او
زند دست و گور اندر آید بسر
برآورد و زد بر زمینش درشت
شد از درد ریزان و بشکست پی
سراسر جگرگاه او بردرید



بر و گرد جوشن همه چاک چاک
همی ریخت بر تارک از درد خاک

جنگ اسکندر با فور هندی

منسوب به‌عبدالوهاب

برگی از شاهنامه شاه طهماسبی (R.-۴۹۶)، موزه هنرهای معاصر

اسکندر در یکی از لشکرکشی های خود سپاهش را به سوی "قنّوج" می راند. در آنجا نامه ای به فور، شاه قنّوج می نویسد و او را به فرمانبرداری دعوت می کند، اما فور با پاسخی تلخ به وی جواب رد می دهد. اسکندر از این پاسخ برآشفته می شود و با سپاهی عظیم به سوی قنّوج حرکت می کند. فور با فیل های جنگی به مقابله برمی خیزد. اسبان سپاه اسکندر از فیل های سپاه فور ترسیده و می رمند. اسکندر با تدبیر فرزانگان، هزار اسب از آهن می سازد، آنها را با نفت آغشته می کنند و در پیشاپیش سپاه شعله ور می سازند و بر دشمن حمله می برند. فیل ها از آتش می ترسند و می رمند و در نتیجه نظم لشکریان فور بهم می ریزد.

عده‌ء زیادی از سپاه فور کشته می شوند. اسکندر فور را به جنگ تن به تن می خواند و هر دو پهلوان با یکد یگر رو به رو می شوند.

فور به دست اسکندر کشته می شود و لشکریانش تحت نفوذ اسکندر می آیند. اسکندر دو ماه در هند حکومت می کند و گنج های فور را میان سپاهیان تقسیم می کند و آنگاه حکومت هند را به "سورگ" که پهلوانی بزرگ و صاحب رای است می سپرد و او را نصیحت های گرانمایه می‌کند.

سر تخت شاهی بدو داد و گفت — که دینار هرگز مکن در نهفت

ببخش و بخور هر چه آید فراز — بدین تاج و گاه و سپنجی مناز

که گاهی سکندر بود گاه فور — گهی درد و خشم و گهی بزم و سور

Eskandar Slays Fur and Conquers Hind
Attributed to Abd-ol-Vahab
Shah Tahmasb's Shahnameh(496-R.)
First half of 16th century
Tehran Museum of Contemporary Art



پشنگ در چو باد اندر آمد ز گرد
بزد تیغ تیزی بران شیرمرد
ببرید تا سینه از گردنش
ز بالا بخاک اندر آمد تنش
شد از لشکرش بانگ تا آسمان
برفتند گردان ایران دمان

بهرام گور شیر را شکار می کند

منسوب به عبدالعزیز

برگی از شاهنامه شاه طهماسبی(.R- ۵۷۳)،موزه هنرهای معاصر

روزی بهرام به قصد شکار گورخر، به نخجیرگاه می رود بهرام در شکارگاه، دشت را پر از گورها و شیرهایی می بیند که گورها را شکار می‌کنند، از این رو قصد خود را نسبت به شکار گورخر تغییر می دهد تا به شکار شیرها بپردازد.

بهرام برای قدرت نمایی، شیرها را با تیر و کمان نمی کشد بلکه آنها را با شمشیر به دو نیم می کند و تعدادی شیر نر و ماده و بچه های آنها را می کشد و پس از فراغت، قصد شکار گورخر می کند. همراهان و بزرگان وی ناراحت می شوند و به او اعتراض می کنند:

یکی گفت کای شاه خورشید چهر — نداری همی بر تن خویش مهر

همه بیشه شیرند با بچگان — همه بچگان شیر ما در مکان

کنون باید آژیر بودن زشیر — که در مهرگان بچه دارد به زیر

بهرام در جواب می گوید که اگر بخواهم به داد مظلومان برسم باید توانمند باشم و قدرت مقابله با دشمنان را در میادین جنگ داشته باشم.

Bahram-e Gur Applies the Sword to Lion-Hunting

Attributed to Abd-ol-Aziz

Shah Tahmasb's Shahnameh(573-R.)

First half of 16th century

Tehran Museum of Contemporary Art

بپوشید تن را به پشمینه قبای — باسب نبرد اندر آورد پای
همی تاخت تا پیش شیران رسید — یکی نعره از جگر برکشید
چو شیر آنچنان دید بر پای خاست — ز بالا دو دست اندر آورد راست
همی خواست زد بر سر اسب اوی — بزد پاشنه شاه نخچیر جوی
بزد بر سر شیر شمشیر تیز — سبک جفت او جست راه گریز
بخنجر میانش بدو نیم کرد — دل نره شیران پر از بیم کرد
بیامد دگر شیر غران دلیر — همان جفت او بچه پرورد زیر
بزد شاه شمشیر بر گردنش — سر شیر نر دور کرد از تنش



بدو گفت موبد که ای خوب چهر — نداری سپه بر تن خویش مهر
سه فرسنگ بالای این بیشه هست — بیک سال اگر شیر گیری بدست
همه بیشه شیرند با بچگان — همه بچگان شیر با درکان
کنون شهریاری بایران تراست — به بیشه درون جنگ شیران کراست
زمین هم نکرد و ز شیران تهی — تو چندین چرا رنج بر تن نهی
بدو گفت شاه ای خردمند پیر — ببینی فر و دامن و گرز و تیر
چو بنشست بر تخت شاه از نخست — ببیمان جز از رزم شیران نجست

انوشیروان به سئوال موبد موبدان پاسخ می دهد

منسوب به میرمصور

برگی از شاهنامه شاه طهماسبی (۶۵۵ -V.)،موزه هنرهای معاصر تهران

چنین گوید از دفتر پهلوان		که پرسید موبد ز نوشین روان

موبد موبدان از انوشیروان پرسش هایی می کند و وی به پرسش های او پاسخ مناسب می دهد. فردوسی با مطرح کردن این داستان، زمینه ای مناسب برای طرح مسائل حکمی و اخلاقی فراهم می آورد. برخی گفته اند که بوذر جمهر، وزیر دانای انوشیروان مخاطب موبد بوده و منظور از "نوشین روان" بوذرجمهر حکیم بوده است:

سئوالات موبد، شامل اعتقاد به خداوند و برآورده شدن حاجات مومنان از سوی حق و نیز پرسش هایی پیرامون مقام شامخ انسان، خرد و عقل و چگونگی سودمندی آن، شرایط پادشاهی، حاصل نیکی و بدی کردن انسان، حکمت ازدواج و خشنودی از فرزند، حکمت نیکی با وجود مرگ و از بین رفتن همه اعمال انسانی است.

نوشین روان در جواب، به نام نیک و یا بد انسان ها پس از مرگ اشاره می کند و نتیجه نیکی را نام نیک و نتیجه بدی را بدنامی پس از مرگ انسان می شمرد.

چنین داد پاسخ که کردار نیک		بیابد به هر جای بازار نیک

نمرد آن که او نیک کردار مرد		بیا سود و جان را به یزدان سپرد

نیاسود آن کس کزو بازماند		وز او در زمانه بد آواز ماند

پرسش های موبد، پیرامون مسائل اخلاقی، اجتماعی و حکمی ادامه می یابد و در پایان، وی از پرستش خداوند و چگونگی آن سئوال می کند که نوشین روان پاسخی مشروح می دهد.

Anoshirvan Responds to the Questions of the Grand Magus

Attributed to Mir Mosavvar

Shah Tahmasb's Shahnameh(655-V.)

First half of 16th century

Tehran Museum of Contemporary Art

چنین گوید از دفتر پهلوان — که آن چیست کز گرد کار جهان
که پرسید موبد ز نوشیروان — بخواهد پرستنده اندر نهان



بدان آرزو نیز پاسخ دهد — بپاسخ ورا بخت فرخ نهد
یکی دست بر داشته باسپمان — همی خواهد از گرد کار جهان

نیابد بخواهش همی آرزوی — دو چشمش پر از آب و پرچین بروی
بموبد چنین گفت پیروز شاه — فزونی ز یزدان باندازه خواه

بخواهش ز اندازه افزون شود — از آن آرزو دل پر از خون شود
بپرسید نیکی کرا درخورست — بنام بزرگی که زیباترست

چنین داد پاسخ که سرکش گنج — پراگنده یابد بنابرده رنج
ببخشش نباشد سزاوار تخت — زمان تا زمان تیره گردد ز بخت



شاهنامه فردوسی (شاه اسماعیل دوم)
موزه رضا عباسی

این نسخه از شاهنامه فردوسی در دوران پرتلاطم و کوتاه مدت پادشاهی شاه اسماعیل دوم (۹۸۴ هـ . ق.)، در قزوین به سفارش او ساخته شده است. شاه اسماعیل دوم که پس از حدود ۲۰ سال زندانی بودن در قلعه قهقه، در قزوین بر تخت پادشاهی نشست، علی رغم همه بدخویی‌ها و فجایعی که به بار آورد، برخی از نگارگران تبریز و مشهد و شیراز را برای احیاء کتابخانه سلطنتی و کارگاه مصورسازی به قزوین فراخواند. تدوین و مصورسازی این شاهنامه در همین سال به نقاشان کارگاه سلطنتی سفارش داده شد. اما به نظر می رسد که این نسخه در دوران سلطنت او به پایان نرسیده است. این شاهنامه ظاهراً ۵۰ نگاره داشته و اولین بار در اوایل سده بیستم در پاریس به نمایش گذاشته شده‌است. متاسفانه این نسخه نیز مانند شاهنامه ابوسعیدی ۷۳۵(هـ-ق.)توسط مجموعه دار و دلال نسخه های خطی پاریس- دموت- از هم گسیخته و اوراق آن به طور جداگانه به فروش رسیده است و فعلاً تعدادی از صفحات مصور آن [۱۶ صفحه]در موزه رضا عباسی نگهداری می شود. در میان تصویرگران این شاهنامه رقم این هنرمندان به چشم می خورد: سیاوش گرجستانی، صادق بیگ افشار، علی اصغر کاشانی، میر زین‌العابدین و مراد.

Ferdowsi's Shahnameh (Shah Ismail II)
Reza Abbasi Museum

This version of Ferdowsi's Shahnameh was produced during the tumultuous short period of Shah Ismail II's reign. Though it was commissioned by him, it was not completed during his tenure. It primarily consisted of 50 paintings which were exhibited in Paris in early 20th century for the first time. Unfortunately, similar to Abu Sa'idi Shahnameh dated 735 AH, this one too was torn apart by the Paris-based collectionnaire and commissioner of ancient manuscripts, Demotte, who sold a number of its sheets separately. A number of its illustrated sheets (16) are now being kept at Reza Abbasi Museum.

The signatures of the following painters are seen at the foot of the paintings: Siyavash Gorjestani, Sadeq Beiq Afsahr, Ali-Asqar Kashani, Mir Zein al-Abedin and Morad.



Ferdowsi among Qazneh Poets
Unknown artist
Shahnameh of Shah Ismail II,1576
Reza Abbasi Museum

فردوسی در جمع شعرای غزنه
هنرمند نامعلوم
شاهنامه شاه اسماعیل دوم،۹۸۴ه.ق
موزه رضا عباسی



Esfandiyar Battles the Dragon
Attributed to Siavush & Morad
Shahnameh of Shah Ismail II,1576
Reza Abbasi Museum

نبرد اسفندیار با اژدها
منسوب به سیاوش و مراد
شاهنامه شاه اسماعیل دوم، ۹۸۴ ه.ق
موزه رضا عباسی



Banquet of Fereydoun, and Sons & Daughters of the Yemeni King
Unknown artist
Shahnameh of Shah Ismail II,1579
Reza Abbasi Museum

پسران فریدون و دختران شاه یمن
هنرمند نامعلوم
شاهنامه شاه اسماعیل، ۹۸۲ دوم ه.ق
موزه رضا عباسی



دیدار سام از زال در لانهء سیمرغ
منسوب به صادقی
شاهنامه شاه اسماعیل دوم
۹۸۴ ه.ق
موزه رضا عباسی

Sam Visits Zall who is in the Phoenix's nest
Attributed to Siavush
Shahnameh of Shah Ismail II,
1576
Reza Abbasi Museum



رستم در پیشگاه کیکاووس
منسوب به سیاوش
شاهنامه شاه اسماعیل دوم
۹۸۴هـ.ق
موزه رضا عباسی

Rostam Attended by Kikavos
Attributed to Siavush
Shahnameh of Shah Ismail II,1576
Reza Abbasi Museum



Battle of Rostam and Sohrab
Attributed to Siyavush Beik Gorjestani
Shahnameh of Shah Ismail II,
1576
Reza Abbasi Museum

جدال رستم و سهراب
منسوب به سیاوش بیک گرجستانی
شاهنامه شاه اسماعیل دوم
۹۸۴ ه.ق
موزه رضا عباسی



Siyavush & Afrasiyab in the Hunting Ground
Attributed to Siavush & Morad
Shahnameh of Shah Ismail II,1576
Reza Abbasi Museum

سیاوش و افراسیاب در شکارگاه
منسوب به سیاوش و مراد
شاهنامه شاه اسماعیل دوم، ۹۸۴ه.ق
موزه رضا عباسی



Iranians Observe Advancement by Turani Army
Attributed to Mehrab
Shahnameh of Shah Ismail II,1576
Reza Abbasi Museum

ایرانیان پیشروی تورانیان را نظاره می کنند
منسوب به مهراب
شاهنامه شاه اسماعیل دوم،۹۸۴ه.ق
موزه رضا عباسی



Rostam Sleeps in Meadow
Attributed to Morad
Shahnameh of Shah Ismail II,1576
Reza Abbasi Museum

رستم خفته در مرغزار
منسوب به مراد
شاهنامه شاه اسماعیل دوم، ۹۸۴ه.ق
موزه رضا عباسی



Kay Khosrow, Giv, and Farangis Cross the Jeyhoun River
Attributed to Siavush
Shahnameh of Shah Ismail II,1576
Reza Abbasi Museum

کیخسرو، گیو و فرنگیس از جیحون می گذرند
منسوب به سیاوش
شاهنامه شاه اسماعیل دوم، ۹۸۴ ه. ق
موزه رضا عباسی


چنان پیش گرسیوز آورد خوش / که گفتی گل مورد دارد به کش
فرود آمد از اسپ و بگشاد دست / پر از خنده بر تخت زرین نشست
فکنده گروی زره یک طرف / دمور آوریده به نزدیک صف
برآشفت گرسیوز از کار اوی / پر از غم شدش دل ز کردار اوی
وزان تخت زرین به ایوان شدند / بگفتار سالار ایران شدند
نشستند یکهفته با نای و رود / می آورد و رامشگران و سرود
بهشتم برفتن گرفتند ساز / بزرگان و گرسیوز کینه ساز
سیاوش یکی نامه نزدیک شاه / پر از لابه و پوزش و پر گناه
وزان پس مر او را یکی هدیه داد / برفتند از آن شهر آباد شاد

شاهنامه فردوسی
موزه ملی ایران، بخش دوران اسلامی، نسخه شماره ۴۳۶۱

قطع این نسخه، ۲۳/۵×۳۸/۵ سانتی متر و شامل ۱۱۷۴ صفحه است. خط آن نستعلیق و توسط محمد کاتب در سدهٔ ۱۰ ه.ق. کتابت شده و صفحات مصور آن شامل ۴۳ نگاره بدون امضاء است. جلد آن مقوای ابری تیماج قهوه ای و داخل جلد لچک ترنج با سوخت ضربی است.

Shahnameh
National Museum of Iran,No. 4361

This is an illustrated version of Shahnameh written by Hakim Abolqasem Ferdowsi, the epic poet of the 4th-5th centuries AH.
Format:38.5 x 23.5 cms, 1,174 pages
Script: Nastaliq, written by Mohammad Kateb in 938 AH
Illustrations: 43 paintings, Tabriz style, the painter is unknown

مجلس گرسیوز و سیاوش
هنرمند نامعلوم
شاهنامه فردوسی
احتمالاً سده دهم ه.ق.
موزه ملی ایران

Garsivaz Meets Siyavush
Unknown artist
Shahnameh
16th century
Iranian National Museum



صحنه نبرد
هنرمند نامعلوم
شاهنامه فردوسی
احتمالاً سده دهم ه.ق.
موزه ملی ایران

The Battle Scene
Unknown artist
Shahnameh
16th century
nian National Museum

کشته شدن خسرو به دس
هنرمند نامعلوم
شاهنامه فردوسی
احتمالاً سده دهم ه.ق.
موزه ملی ایران

poyeh Kills Khosrow
Unknown artist
Shahnameh
16th century
nian National Museum



بدین گونه گردد جهان جهان	همی راز خویش از تو دارد نهان	سخن هیچ بی رنج اگر مرد لاف	نه بیند ز کردار او جز گزاف
اگر گنج یابی اگر کرم و رنج	نمانی همی در سرای سپنج	بی آزاری و راستی برگزین	چو خواهی که یابی بداد آفرین
چو گاهی بیامد بیازار و راه	که خسرو بران گونه برشد تباه	همان بدگمانان بزندان شدند	به ایوان آن مستمندان شدند



شاهنامه قاسمی [میرزا قاسم گنابادی]
موزه ملی ایران، بخش دوران اسلامی، نسخه شماره ۴۳۶۲

این متن اثر میرزا قاسم گنابادی و مضمون آن پیرامون کشورگشایی های شاه طهماسب اول است. قطع این نسخه ۲۳×۳۵/۶ سانتی متر و شامل ۲۵۲ صفحه است. خط آن نستعلیق و بر کاغذ خانبالغ الوان ابری کتابت شده و کاتب آن نامعلوم است.
صفحات مصور آن شامل ۱۱ نگارهء بدون امضاء است. این نگاره ها از نظر سبک به نگاره های شاهنامه شاه طهماسبی و آثار مکتب قزوین نزدیک است.

Qassemi Shahnameh [Mirza Qassem Gonabadi]
National Museum of Iran,Islamic Section,4362

This Shahnameh has been compiled by Mirza Qassem Gonabadi and it is about Shah Tahmasb I's conquests.
Format: 35.6 x 23 cms, 252 pages
Script: Nastaliq, written on variegated Khanbaleq paper, its scribe is unknown
Illustrations: 11 unsigned paintings, quite similar in style to Shah Tahmasbi version and
Qazvin School of Art.

برگی از شاهنامه قاسمی
هنرمند نامعلوم،
۱۰۰۰ه.ق
موزه ملی ایران

Unknown artist
Qassemi's Shahnameh
1591
Iranian National Museum

Qassemi's Shahnameh
Unknown artist
1591
Iranian National Museum

برگی از شاهنامه قاسمی
هنرمند نامعلوم
۱۰۰۰ه.ق
موزه ملی ایران



Qassemi's Shahnameh
Unknown artist
1591
Iranian National Museum

برگی از شاهنامه قاسمی
هنرمند نامعلوم
۱۰۰۰ه.ق
موزه ملی ایران



شاهنامه قوام
موزه رضا عباسی، نسخه شماره ۶۵۶

قطع این نسخه از اثر ارزشمند ابوالقاسم فردوسی، شاعر قرن ۴ و ۵ ه.ق سلطانی، ۳۲×۴۶ سانتی متر شامل ۵۸۱ صفحه است. خط آن نستعلیق، و کاتب آن قوام الدین محمد شیرازی آن را به سال ۱۰۰۰ ه.ق کتابت نموده است. صفحات مصور این کتاب شامل ۳۸ نگاره و دو سرلوح بدون امضاء است که در مکتب قزوین کار شده است.
درون و برون جلد آن، سوخت مطلا است.

Gavam Shahnameh
Reza Abbassi Museum,No. 656

This is a reproduction of the masterpiece of the prominent Iranian epic poet of 4^{th}-5^{th}centuries AH, Hakim Abolqasem Ferdowsi.
Format: Soltani, 46 x 32 cm, 581 pages
Script: Nastaliq, handwritten by Gavam al-Din Mohammad Shirazi, dated 1000 AH
Illustrations: 38 paintings, 2 epigraphs, unsigned, Qazvin School of Art
Cover: Gold inlaid leather

کشته شدن سهراب به دست رستم
هنرمند نامعلوم
شاهنامه قوام
۱۰۰۰ ه.ق
موزه رضا عباسی

Rostam Kills Sohrab
Unknown artist
Qavam's Shahnameh,
1591
Reza Abbassi Museum



برتخت نشستن سلیمان
هنرمند نامعلوم
شاهنامه قوام
۱۰۰۰ ه.ق
موزه رضا عباسی

Suliman Ascends the Throne
Unknown artist
Ghavam's Shahnameh
1591
Reza Abbassi Museum



شکارگاه
هنرمند نامعلوم
شاهنامه قوام
۱۰۰۰ه.ق
موزه رضا عباسی

Hunting Ground
Unknown artist
Qavam's Shahnameh
1591
Reza Abbassi Museum



حج اسکندر
هنرمند نامعلوم
شاهنامه قوام
۱۰۰۰ه.ق
موزه رضا عباسی

Eskandar's Pilgrimage
Unknown artist
Qavam's Shahnameh
1591
Reza Abbassi Museum




بهرام و آزاده
هنرمند نامعلوم
شاهنامه قوام
۱۰۰۰ه.ق
موزه رضا عباسی

Bahram & Aza
Unknown artist
Qavam's Shahn
1591
Reza Abbassi M



بر تخت نشستن کیومرث
هنرمند نامعلوم
شاهنامه قوام
۱۰۰۰ه.ق
موزه رضا عباسی

Ascending to the Throne of Kiyumars
Unknown artist
Qavam's Shahnameh
1591
Reza Abbassi Museum



سیاوش در آتش
هنرمند نامعلوم
شاهنامه قوام
۱۰۰۰ه.ق
موزه رضا عباسی

Siyavush in Fire
Unknown artist
Qavam's Shahnameh
1591
Reza Abbassi Museum

بدو گفت موبد که ای پادشا / هنرمند و با دانش و پارسا
همی جنگ شیران که فرمایدت / همی تاج و تخت آرزو آیدت
تو جان از پی پادشاهی مخواه / خورش پی بها ...
بهیکب پهم وا این کار نیست / جهان را همه دل پر آزار نیست
بدو گفت بهرام کای دین پژوه / تو زین بیکبی و دیگر گروه
نه آورد این رزم شیران منم / هم ایدون که جنگ دلیران منم
بدو گفت موبد که یزدان پناه / چو رفتی دلت را بشوی از گناه
دگر گفت بهرام کاری رواست / خرد بر دل هر کسی پادشاست
همی رفت با گرزهٔ گاو سر / چو دیدند شیران پرخاشخر
یکی زود بگسست زنجیر و بند / بیامد بر شهریار بلند
بزد بر سرش گرز بهرام گرد / ز چشمش همی روشنایی ببرد
بر دیگر آمد بزد بر سرش / فرو ریخت از دیده خون بر برش
بیامد نشست از بر تخت عاج / ببر بر نهاد آن دل افروز تاج
بیزدان نیازید کو بد پناه / نماینده راه گم کرده راه



بپردند گردان بپیش نماز / بخستند ای شاه گردنفراز
نشست تو بر گاه فرخنده باد / یلان جهان پیش تو بنده باد
ترا زیبد این تخت شاهنشهی / بتو شاد بادا مهی و بهی
تو شاهی و ما بندگان توایم / بگوهر پرستندگان توایم
بزرگان برو گوهر افشاندند / بران تاجدار آفرین خواندند
ز ایران برآمد سراسر خروش / بیارید آیین جشن و سروش

پادشاهی بهرام گور شصت سال بود

چو بهرام بنشست بر شاهی / نبی جست از آن تخت فرهی
برآمد یکی ابر و شد تیره ماه / همی برف بارید زابر سیاه
نه دریا پدید و نه دشت و نه راغ / نپیدا همی از هوا پر زاغ
چو اصل قیامت همی بر زمان / چه بسیار دیدی این بلند آسمان

شاهنامه فردوسی
کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری، نسخه شماره ۰۳۱۴ ردیف ۱۱۳۴

شاهنامه فردوسی، از مشهورترین میراث های گرانبهای ایران است که در آن، مجموعه ای از حکمت و پندهای گرانمایه در قالب مضامینی اساطیری، حماسی، تاریخی بیان شده و روح جوانمردی و غیرت ملی و دینی ایرانیان مورد ستایش قرار گرفته است.
هنرمندان نگارگر نیز بیش از هر متن دیگری، این گنجینه معارف حکمی و حماسی را مصور کرده اند و نگاره های بدیع خود را با مضامین آن شکل بخشیده اند.
قطع این نسخه ۳۷×۲۵ سانتی متر و شامل ۵۹۲ صفحه است. خط آن نستعلیق و به رقم محمدامین بن اسماعیل الاصفهانی به سال ۱۰۳۰ ه.ق. کتابت شده است.
صفحات مصور این نسخه ۵۱ نگاره به انضمام یک سرلوح بدون امضاء و جلد آن مقوایی، تیماج قهوه ای ضربی زرکوب است.

Shahnameh
Library of Martyr Motahari Higher Educational Institute,No. 0316-1134

This version of Shahnameh has been written by the 4th-5th centuries AH poet, Abolqassem Ferdowsi. This valuable treasure of wisdom and epic has been decorated with the picturesque virtuoso paintings of the artist of the period, which have been drawn in line with the content of the book.
Format: 37 x 25 cms, 592 pages
Script: Nastaliq, written and authographed by Mohammad Amin Ibn-e Ismail al-Isfahani,
dated 1030 AH
Illustrations: 51 paintings, one unsigned epigraph
Cover: Cardboard, brown gold-inlaid thin leather

تصرف تاج کیانی و کشتن شیران به دست بهرام
هنرمند نامعلوم
شاهنامه
۱۰۳۰ه.ق
مدرسه عالی شهید مطهری

Bahram Seizes the Crown and Kills Shiran
Unknown artist
Shahnameh,1620
Shahid Motahari School of higher Education


بر شیر بگشای چنگ کیان
ز هر تو باید همی گیسو

شاهنامه فردوسی (رشیدا)
کتابخانه موزه کاخ گلستان، نسخه شماره ۲۲۳۹

این نسخه متعلق به قرن یازدهم ه.ق.، احتمالاً در اصفهان ساخته شده است و از آن جا که کتابت آن به عبدالرشید دیلمی منسوب است به "شاهنامه رشیدا" معروف است.
این نسخه به قطع رحلی، (۲۷×۴۴/۵ سانتی متر)، شامل ۷۳۸ صفحه، هر صفحه ۲۳ سطر، هر سطر ۲ بیت است که با قلم نستعلیق و کتابت جلی عالی بر کاغذ اصفهانی کتابت شده است. حاشیه صفحه اول و دوم این نسخه حاوی مقدمه و سرلوح آغازآن متن مذهب مرصع است. این نسخه شامل ۹۳ نگاره بدون رقم است که به شیوهء مکتب اصفهان در نیمهء نخست سدهء ۱۱ ه.ق. کار شده و نیمه تمام است.
جلد نسخه، چرم ساغری مشکی با نقش ترنج و لچک ترنج ضربی طلاپوش از بیرون و درون آن، تیماج عنابی زرنگار با همین نقش است.
سرلوح های این نسخه از بهترین نمونه های عصر صفوی با ابتکارات و ابداعات در طراحی نقوش است. اما آن چه این کتاب را شاخص می‌نماید نگاره های کاملاً استثنایی آن است. طراحی نقوش و ترکیب عناصر بر مبنای سنت نگاره های مکتب اصفهان و از بهترین نمونه های آن به‌شمارمی‌آید. اما شیوه پردازها و نقوش ابرها و ساختار صخره ها و بوته ها و درختان یادآور شیوهء آزاد مکتب ترکمان و تصاویر خاوران نامه است. اگرچه ساختار این عناصر با خاوران نامه متفاوت است، اما قلم های درشت و آزادی عمل نگارگر در پرداخت عناصر یادآور همان شیوه است. رنگ ها در عین لطافت با لایه ای از پردازهای درشت و خطوط آزاد پرداخت شده اند، اما چهره ها با ساختاری لطیف هم چون سایر آثار مکتب اصفهان ترسیم شده است.

Rashida Shahnameh
Golestan Palace Library,No. 2239

This version of Shahnameh is another valuable example of Iranian Persian Painting. It dates back to the 11th century AH and has most probably been compiled in Isfahan during the Safavid reign.
Since its manuscript is attributed to Abdol-Rashid Deilami, it is called “Rashida Shahnameh”.
Format: Folio, 44.5 x 27, 738 pages
Script: Nastaliq, written on Isfahani paper, the 1st and 2nd page margins contain a preface, the epigraph starts with the text and is decorated with gold-inlaid illumination.
Illustrations: 93 unsigned paintings based on Isfahan style of 2nd half of 11th century AH
Cover: Black leather with medallion and a set of gold-sprayed ecoincon-medallion with golden jujube red inside cover



دو بیجاده بگشاد و آواز داد / که شاد آمدی ای جوانمرد شاد
درود جهان آفرین بر تو باد / خم چرخ گردان زمین تو باد

سپهبد چو از باره آوا شنید / نگه کرد خورشید رخ را بدید
چنین داد پاسخ که ای ماه چهر / درودت ز من آفرین از سپهر

چه مایه شبان دیده اندر سماک / خروشان بدم پیش یزدان پاک
کنون شاد گشتم به آواز تو / بدین چرب گفتار با ناز تو

یکی چاره راه دیدار جوی / چه پرسی تو بر باره و من بکوی
پری روی گفت سپهبد شنود / ز سر شعر گلنار بگشاد زود

کمندی گشاد او ز سرو بلند / کس از مشک از انسان نپیچد کمند
خم اندر خم و مار بر مار بر / بر آن غبغبش تار بر تار بر

فرو هشت گیسو از آن کنگره / بدل زال گفت این کمند سره
پس از باره رودابه آواز داد / که ای پهلوان بچه گردزاد







کنون زود بر تاز و برکش میان / بر شیر بگشای و چنگ کیان
بگیر این سر گیسو از یک سوم / ز بهر تو باید همی گیسوم

زال و رودابه
هنرمند نامعلوم
شاهنامه رشیدا
نیمه اول قرن ۱۱ ه.ق
کاخ گلستان

Zall and Roudabeh
Unknown artist
…shida's Shahnameh
…t half of 17th century
Golestan Palace



سرلوح
هنرمند نامعلوم
شاهنامه رشیدا
نیمه نخست سده ۱۱ ه.ق
کاخ گلستان

Frontispiece
Unknown artist
Rashida's Shahnameh
First half of 17th century
Golestan Palace



نبرد هومان و پیرا
هنرمند نامعلوم
شاهنامه رشیدا
نیمه نخست سده
کاخ گلستان

of Houman and
Piran-e Visseh
Unknown artist
a's Shahnameh
lf of 17th century
Golestan Palace



جنگ رستم و خاقان چین
هنرمند نامعلوم
شاهنامه رشیدا
نیمه نخست سده ۱۱ ه.ق
کاخ گلستان

Battle of Rostam and Chinese Emperor
Unknown artist
Rashida's Shahnameh
First half of 17th century
Golestan Palace



شکست ایرانیان از تر
هنرمند نامعلوم
شاهنامه رشیدا
نیمه نخست سده ۱۱
کاخ گلستان

nquer of Iranians by Turks
Unknown artist
hida's Shahnameh
t half of 17th century
Golestan Palace



عتاب کردن کیخسرو بر توس
هنرمند نامعلوم
شاهنامه رشیدا
نیمه اول قرن ۱۱ ه.ق
کاخ گلستان

A Page from Rashida's Shahnameh
Unknown artist
Rashida's Shahnameh
First half of 17th century
Golestan Palace



کشته شدن کهار کشانی به دست رستم
هنرمند نامعلوم
شاهنامه رشیدا
نیمه نخست سده ۱۱ ه.ق
کاخ گلستان

Rostam Kills Kahar Kashani
Unknown artist
Rashida's Shahnameh
First half of 17th century
Golestan Palace

کشتن فیل سفید توسط رستم در کودک
هنرمند نامعلوم
شاهنامه رشیدا
نیمه نخست سده ۱۱ ه.ق
کاخ گلستان

stam Kills the white elephant in childhood
Unknown artist
Rashida's Shahnameh
First half of 17th century
Golestan Palace


نگه کرد کوهی خروشنده دید
زمین زیر او پاک جوشنده دید
بدانسان که بیند رخ گرگ میش
تهمتن یکی نعره زد همچو شیر
بر آسید و آمد بر او دلیر
بر آورد خرطوم پیل ژیان
بدان تا بر رستم رساند زیان
تهمتن یکی گرز زد بر سرش
که خم گشت بالای که پیکرش
بلرزید بر خود که بیستون
بر خمی شد آن پیل خوار و زبون
بیفتاد پیل دمنده ز پای
تهمتن بیامد سبک از جای
بگفت و چو خورشید از خاوران
برآمد بسان رخ دلبران
بزال آگهی شد که رستم چه کرد
ز پیل دمنده برآورد گرد
بخاک اندر افکند مر نعش را
چو بشنید دستان فسانه سخن
که چون بود آغاز کردار و بن
که بودی خروشان چو دریای نیل
بجمله همه پاک بر هم شکست
بدی بازوی رستم نامور
بدو گفت کای بچه نره شیر
برآورده چنگال و گشته دلیر





به بند کردن ضحاک در کوه
دماوند توسط فریدون
هنرمند نامعلوم
شاهنامه رشیدا
نیمه اول قرن ۱۱ ه.ق
کاخ گلستان

Zahak is Captured in Mount Damavand
Unknown artist
Rashida's Shahnameh
First half of 17th century
Golestan Palace

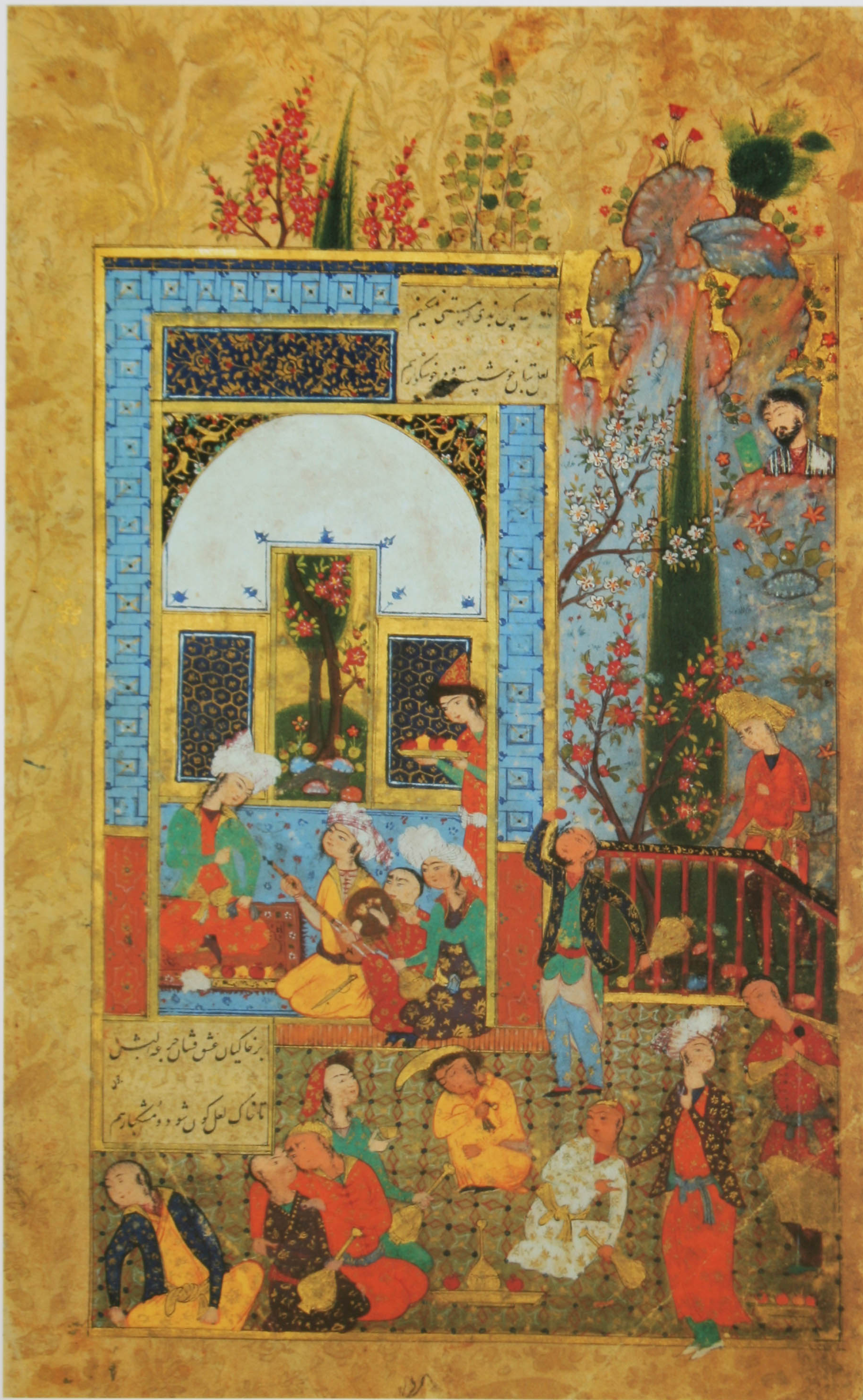


دیوان حافظ
کتابخانه موزه کاخ گلستان، نسخه شماره ۲۱۵۹

این نسخه اثر خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی، بزرگ ترین شاعر غزلسرای ایران و از اعاظم سرایندگان نظم فارسی در قرن هشتم ه.ق. است. اشعار او از زمان حیاتش تاکنون مورد علاقه و مشهور خاص و عام بوده است. به جرأت می توان گفت که تمامی خوشنویسان و کاتبان در اعصار مختلف، از اشعار وی به صورت قطعات و یا کتابت کل دیوان، خوشنویسی کرده اند.
دیوان حافظ در ردهء نخستین کتاب هایی است که در ایران و هند و دیگر سرزمین هایی که زبان فارسی در میان آنها رواج داشته به چاپ رسیده است.
کلام حافظ پس از گذشت شش سده از مرگش چنان با افکار و اندیشهء ایرانیان درآمیخته است که همگان برای آگاهی از آینده و جست و جوی راه مطلوب خود به دیوان او تفأل می زنند. حافظ در جهان معاصر نیز شهرت دارد و مورد احترام و تجلیل شعرا و حکمای عالم است.
این نسخه به قطع ۱۶/۵×۲۷/۵ سانتی متر و شامل ۲۶۷ صفحه است. خط آن نستعلیق و توسط شاه قاسم در سال ۱۰۰۳ه.ق. کتابت شده است. کاغذ متن آن، خانبالغ و کاغذ حاشیه، الوان زرافشان است.
صفحات مصور آن شامل دو نگارهء بدون امضاء و جلد آن مقوای تیماج سیاه با ترنج و نیم ترنج است.

Divan-e Hafez
Golestan Palace Library, No. 2159

Khaje Shams od-Din Mohammad Hafez Shirazi was the most prominent Iranian lyricist and one of the most renowned composers of Persian verse of his era (8th century AH).
It may certainly be claimed that calligraphers and acript-writers have been reproducing either pieces of his poems or his entire Divan in various eras.
Format: 27.5 x 16.5 cms, 267 pages
Script:Nastaliq, written on Khanbalegh paper with variegated and gold-sprayed margins, by Shah Qasem, dated 1003 AH
Illustrations: 2 unsigned paintings
Cover:Black thin leather inlaid with cardboard, adorned with medallions and semi-Medallions



A page from Hafiz's Divan
Unknown artist
Hafiz's Divan
1594
Golestan Palace

ما عیب کس به مستی و رندی نمی کنیم
هنرمند نامعلوم
دیوان حافظ
۱۰۰۳ه.ق
کاخ گلستان





دیوان حافظ
موزه ملی ایران ،دوران اسلامی، نسخه شماره ۹۲۱۰

نسخه ای مصور از اشعار لسان الغیب حافظ شیرازی، شاعر غزلسرای قرن هشتم ه .ق. است. خط آن نستعلیق و با رقم شاه قاسم است که بین سال های ۱۰۲۶ تا ۱۰۳۸ه.ق، کتابت و نقاشی شده، شامل ۲۸۲ صفحه که ۵ صفحه آن مصور است. نگارگر آن رضا عباسی است و تمامی آثار به خط هنرمند با عنوان "رقم کمینه رضا عباسی" امضاء شده است.

Divan-e Hafez
Iranian National Museum, No. 9210

This one is an illustrated version of the poetry collection of the world-famous 8thcentury Iranian lyricist, Lesan ol-Gheib Hafez Shirazi.
Script: Nastaliq, authographed by Shah Qassem, dated 1026-1038 AH
Illustrations: 5 paintings from the renowned artist of Safavid era, Reza Abbassi, all paintings bear the painter’s signature, “Raqam-e Kamineh, Reza Abbassi”



At the Time of the Forgiving King
Reza Abbassi
Hafiz's Collection,1617-1628
Iranian National Museum

در عهد پادشاه خطابخش جرم پوش
رضا عباسی
دیوان حافظ
۱۰۲۶-۱۰۳۸ه.ق.
موزه ملی ایران



Runkard who was not Treacherous
Reza Abbassi
Hafiz's Collection,1617-1628
Iranian National Museum

باده نوشی که درو رو و ریایی نبود
رضا عباسی
دیوان حافظ
۱۰۲۶-۱۰۳۸ه.ق.
موزه ملی ایران



خدارا کم نشین با خرقه پوشان
رضا عباسی
دیوان حافظ
۱۰۲۶-۱۰۳۸ ه.ق
موزه ملی ایران

Poetry from Hafiz
Reza Abbassi
Hafiz's Collection 1617-1628
Iranian National Museum



دیوان امیر علیشیر نوایی
کتابخانه موزه کاخ گلستان، نسخه شماره ۲۱۹۵

نظام الدین امیر علیشیر نوایی، شاعر توانمند عصر تیموریان، به زبان ترکی و فارسی شعر می سرود و در زمان صدارتش در حکومت آخرین پادشاه تیموری، سلطان حسین بایقرا بیشترین خدمت را به هنرهای گوناگون نمود.
امیر علیشیر در اشعار ترکی خود "نوایی" و در اشعار فارسی "فانی" تخلص می کرد.
این نسخه از دیوان امیرعلیشیر در قطع وزیری و خط آن نستعلیق و توسط فخرالدین شهابی هروی بر کاغذ دولت آبادی در سال ۱۰۱۴ ه. ق. کتابت شده است.
نسخه شامل پنج نگاره است که نگارگر آن نامعلوم است. جلد آن از مقوای تیماج قرمز روغنی زرد و ترنج دار، کناره ساغری سبز، و درون آن تیماج است.

Divan-e Amir Alishir Navaie
Golestan Palace Library,No. 2195

The great poet of Timurid era, Nezam od-Din Amir Alishir Navaie, composed poems in Turkish and Persian languages. During his ministerial term under the reign of the last Timurid monarch, Sultan Hossein Baiqora, he did his best to promote various art branches.
The pen name he used for his Turkish poems was “Navaie”, while he signed his Persian verses as “Fani.
Format: Quarto
Script: Nastaliq, written on Dowlatabadi paper by Fakhr od-Din Shahabi Hervai, dated 1014 AH
Illustrations: 5 paintings, the painter is unknown
Cover: Unctuous yellow cardboard inlaid with red thin leather decorated with medallion motifs and green bonds, inside leather cover



The Game
Unknown artist
Navaie's Collection,1605
Golestan Palace

شکار
هنرمند نامعلوم
دیوان نوائی
۱۰۱۴ه.ق
کاخ گلستان



Poetry from Navaie's Collection
Unknown artist,1605
Navaie 's Collection,1605
Golestan Palace

ساقیا نیلوفری جام
هنرمند نامعلوم
دیوان نوائی
۱۰۱۴ه.ق
کاخ گلستان



منتخبات مثنوی
کتابخانه موزه کاخ گلستان، نسخه شماره ۲۱۶۸

این متن اثر جلال الدین محمد بلخی، یکی از مشهورترین شعرای متصوفه و از عرفای نام آور ادب فارسی در قرن ششم ه.ق. است. او شاعری حساس، صاحب اندیشه و از متفکران بلامنازع عالم اسلام است.
وی در شش سالگی سفری به همراه پدر، از مشرق ایران به سوی قونیه کرد. در متن های ادبی از او به نام های "مولانا، مولوی و ملای روم" یاد کرده اند.
مولانا تحصیلات ظاهر و تربیت باطن را به کمال در خود جمع کرده و از محضر سیدبرهان الدین محقق و سلطان العلما و مشایخ کبراویه بهره برد. سپس در قونیه با شمس تبریزی آشنا گردید و از آن پس احوالش دگرگون شد.
زندگانی واقعی و انقلاب درونی مولانا به عنوان یک شاعر شیفته بعداز سال ۶۴۲ه.ق. آغاز شد و خود را وقف ارشاد و تربیت سالکان طریقت معنوی نمود. مدرسه تعلیم و تربیت وی به "مولویه" مشهور بود.
بخشی از این نسخه، منتخبات مثنوی معنوی مولانا و بخش دوم منتخباتی از حدیقهء سنایی، شاعر توانمند قرن ششم ه.ق. است.
قطع این نسخه وزیری کوچک، ۲۲×۱۲/۵ سانتی متر است. خط آن نستعلیق و توسط شاه قاسم بر کاغذ الوان لب طلا در سال ۱۰۱۸ه.ق. کتابت شده است.
صفحات مصور آن شامل دو نگاره و سه سرلوح بدون امضاء است که یک نگاره با مضمون "خلقت انسان" در بخش منتخبات مثنوی و یک نگارهء دیگر با مضمون "زهد" در بخش منتخبات حدیقهء سنایی است.
جلد این نسخه تیماج قرمز فرنگی است.

Montakhabat-e Masnavi
(A Selection of Masnavi)
Golestan Palace Library,No. 2168

The collection includes two Masnavis from Mowlana and Sana'ie. The first one has been written by one of the most famous Sufi poets and the prominent Gnostic of the Persian literature of the 6thcentury AH, Jalal od-Din Mohammad Balkhi. He was a poet of sense and intellect and an unrivaled intellectual of the Islamic world.
The second Masnavi consists the selected sections from Hadiqeh, written by the 6thcentury AH Iranian poet Sana'ie.
Format: Small quarto, 12.5 x 22 cms
Script: Nastaliq, written by Qasem Shah on variegated golden-edge paper, dated 1018 AH
Illustrations: 2 unsigned paintings and 3 epigraphs, the paintings called “Creation of Man” and “Piety” are respectively included in Mowlavi and Sana'ie selection of Masnavis
Cover: Red thin leather made by the bookbinder



Masnavi in Human Creation, Mary Meets the Holy Ghost
Unknown artist
Montakhabat-e Masnavi, 1609
Golestan Palace

دیدار حضرت مریم(س) و روح القدس
هنرمند نامعلوم
منتخبات مثنوی
۱۰۱۸ه.ق
کاخ گلستان

Shebli Meets the Mentor
Unknown artist
Montakhabat-e Masnavi, 1609
Golestan Palace

دیدار شبلی و پیر
هنرمند نامعلوم
منتخبات مثنوی
۱۰۱۸ ه.ق
کاخ گلستان



ابومسلم نامه
کتابخانه موزه کاخ گلستان، نسخه شماره ۲۲۳۶

ابومسلم نامه از داستان های افسانه ای، مانند داراب نامه، حمزه نامه، اسکندرنامه و امثال آنهاست. راوی اخبار این کتاب احتمالاً ابوطاهربن طرطوسی است. ابومسلم نامه از افسانه های حماسی است که آن را به زبان فارسی و با انشایی بسیار ساده ساخته و پرداخته اند. پهلوان این داستان ابومسلم خراسانی مروزی است. به نظر می رسد که این نسخه در عصر شاه عباس دوم صفوی به وسیله هنرمندان همان روزگار تهیه و تنظیم گردیده است.
قطع این نسخه، وزیری، ۲۱×۳۵ سانتی متر، شامل ۴۳۶ صفحه و هر صفحه ۱۷ سطر است. خط آن نستعلیق بر کاغذ دولت آبادی، مجدول زرین، بند مشکی و دو سرلوح مذهب مرصع در صفحات اول و احتمالاً در قرن ۱۱ ه. ق. کتابت شده است. کاتب آن احتمالاً یکی از خوشنویسان عصر صفوی و از اقران عبدالجبار نستعلیق نویس است. صفحات مصور آن شامل چهارده نگاره بدون امضاء است که متناسب با مضامین کتاب به شیوه مکتب اصفهان نقش شده است. جلد این نسخه، مقوایی، روکش تیماج مشکی و در متن و حاشیه، ضربی طلاپوش روغن کشیده با گل برجسته است. درون جلد، تیماج قهوه ای با متن نخودی رنگ است که متن و حاشیه به شیوه سوخت معرق بسیار عالی با نقش ترنج کار شده است.

Abu Muslem Nameh
Golestan Palace Library,No. 2236

The book consists legendary stories such as Darab Nameh, Hamzeh Nameh, Iskandar Nameh, ect. It is an epic mythology with special focus placed on the role of Islam and written in Persian language in a simple style. Abu Muslem Khorassani Marvazi is the central character of the story. The book seems to have been written during the reign of Shah Abbas II from Safavid dynasty and arranged by the artists and book designers of the era.
Format: Quarto, 35 x 21 cms, 436 pages
Script: Nastaliq, written on golden checker Dowlatabadi paper with black bond and 2 century calligrapher of Safavid era, Abdol-Jabbar, a specialist in Nastaliq.
Illustrations: 14 unsigned paintings
Cover: Cardboard covered with black thin leather with unctuous golden-finish floral relief. Inside cover: brown thin leather with buff-colored background, whose main texture and margin are exquisitely inlaid with ceramic medallions.



شکست لشگر سیار اسلم
هنرمند نامعلوم
ابومسلم نامه
احتمالاً قرن ۱۱ ه.ق
کاخ گلستان

Defeat of the Sayar Aslam Army
Unknown artist
Abumoslem Nameh
c.a. 17th century
Golestan Palace

مردم بر سر او هجوم کردند که بخرند سخره عبداسد مردی بود مومن و متقی و او را خوا

کنیز مغفر اعرابی سکفتند در گذر بود احوال پرسید گفتند کنیز صاحب جمالی آورده

که بفروشند نظر کرد گفت بحق واجب الوجود که این کنیز نیست قرضخواها را طلبید



از ایشان خرید و برداشته بخانه آورد و گفت ای عورت اگر صاحب تو د

دیگر نیاید تو بجای فرزند منی و عیال را طلبید و گفت دقیقه از خدمتکاری او فرو گذ

نکن اما روزی از روزها خواجه بر در خانه نشسته بود مردم صف کشیده بودند خوا

حکایت خرید مهلهل از جانب سخره عبداسد

هنرمند نامعلوم

ابومسلم نامه

احتمالاً قرن ۱۱ ه.ق

کاخ گلستان

A Page from Abumoslem Nameh

Unknown artist

Abumoslem Nameh

c.a. 17th century

Golestan Palace



دیو سلطان
عمل معین مصور

عالم آرای شاه اسماعیلی
موزه رضا عباسی، نسخه شماره ۶۰۰

نسخه ای مصور از زندگی نامه و جنگ های شاه اسمعیل صفوی است و نگاره های آن منسوب به معین مصور نگارگر قرن ۱۱ ه. ق. است. قطع آن وزیری، ۲۱/۵×۳۶ سانتی متر شامل ۳۳۴ صفحه است. خط آن نستعلیق و در سال ۱۱۰۵ ه. ق. کتابت شده و کاتب آن نامعلوم است.

این نسخه دارای ۱۹ صفحهء مصور و دو صفحه مذهب است که به شیوهء مکتب اصفهان ترسیم شده است.

Shah Ismaili Alam Ara
Reza Abbasi Museum,No. 600

This is an illustrated biography and anthology of Shah Ismail Safavid. It is attributed to Moin Mosavver, 11th century AH.
Format: Quarto, 36 x 21.5, 334 pages
Script: Nastaliq, dated 1105 AH, the calligrapher is unknown
Illurstration: 19 painted pages, 2 illuminated pages, based on style of Isfahan School of Art

بستن دست جوانمرد غزالی به دست دیو سلطان
منسوب به معین مصور
عالم آرای شاه اسمعیل، ۱۱۰۵ ه.ق
موزه رضا عباسی

Untitled
Assigned to Moin Mosavver
Shah Ismaili's Alam Ara
1693
Reza Abbassi Museum

کشته شدن سلطان بایرک به دست شاه اسماعیل
منسوب به معین مصور
عالم آرای شاه اسمعیل
۱۱۰۵ه.ق
موزه رضا عباسی

Shah Ismail Kills Sultan Bayrak
Attributed to Moin Mosavver
Shah Esmaili's Alam Ara
1693



رسانید بابرک سلطان و آنچنان دوال کمر آن بد بر نذیر که او را با جبه



وجوشن چون خیار تر قلم کرد انید چون بابرک را بدرک لا اسفل فرستاد

A Page from Shah Esmaili's Alam Ara
Attributed to Moin Mosavver
Shah Esmaili's Alam Ara, 1693
Reza Abbassi Museum

برگی از عالم آرای شاه اسمعیل
منسوب به معین مصور
۱۱۰۵ ه.ق
موزه رضا عباسی



جامع التواریخ رشیدی [رشیدالدین فضل الله همدانی]
کتابخانه موزه کاخ گلستان، نسخه شماره ۲۲۵۴

جامع التواریخ رشیدی، تألیف خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی (متولد حدود ۶۴۵ ه .ق.) طبیب، دانشمند، وزیر و نامدارترین مرد سیاسی عصر ایلخانان مغول ایران است. او در همدان زاده شد. پزشکی را در خانواده اش که همگی طبیب بودند آموخت و از همین راه به دربار ایلخانان راه یافت. به روزگار گیخاتو و ارغون خان به وزارت رسید. اصلاحات اجتماعی- اقتصادی روزگار غازان از ابتکارات او بود. به دوران حکومت سلطان محمد خدابنده (اولجایتو) صدارت یافت و سخت مورد توجه سلطان قرارگرفت. با مرگ اولجایتو، ستارهء اقبال خواجه رو به زوال نهاد و سرانجام با دسیسه ای که تاج الدین علیشاه، دیگر وزیر عصر اولجایتو در راس آن قرارداشت، وی و فرزندش ابراهیم به طرزی دلخراش به قتل رسیدند.
بخشی از منابع و مآخذ این کتاب مربوط به اطلاعات و تجارب خود مولف و بخشی مربوط به دانشمندان روزگار وی و قسمتی نیز ترجمه‌هایی است که دانشمندان به دستور او از کتاب های تاریخ ملل دیگر برگرفته اند.
این نسخه به قطع سلطانی، ۲۹ × ۳۹ سانتی متر، بر کاغذ کشمیری به قلم نستعلیق نیم دو دانگ خوش، به سال ۱۰۰۴ ه.ق. کتابت شده است. دو سر لوح مذهب و ۹۸ نگاره دارد که در زیر هر کدام نسبت طراحی و نقاشی هریک را به هنرمندی داده اند. این نسخه دارای ۳۰۵ ورق ۲۵ سطری است و جلد آن از بیرون ضربی طلاپوش با نقش گل و درخت و جانوران گوناگون و از اندرون سوخت با نقش لچک و ترنج برزمینه رنگین است.
این نسخه از نمونه های بارز ارتباط میان نگارگران ایرانی و نگارگران دربار مغولان هندی است.

Jame oT-Tavarikh [Rashid al- Din Fazl-allah Hamedani]
Golestan Palace Library,No. 2254

Jamie oT-Tavarikh has been written by Khajeh Rashid od-Din Fazl-o-allah Hamedani, the physician, scholar, minister and the most famous politician of the Mongol Ilkhanid era in Iran.
The book is of great value from historiography point of view.
Format: Qaurto, 39 x 29 cms, 305 pages
Script: Nastaliq, written on Kashmiri paper, dated 1004 AH
Illustrations: 2 illumiated epigraphs, 98 paintings, each attributed to a designer or painter
Cover: Golden decorated with floral motifs, various trees and animals, inside cover
embellished with ecoincon-medallion motifs on a colorful background

برگی از جامع التواریخ رشیدی
طرح نانهای چهره نامی مادهو،
عمل منصور
۱۰۰۴ه.ق
کاخ گلستان

A page from Rashidi's Jame-oT-Tavarikh
Drawing by Nanhai Chehreh Nami Madhoo
painting by Mansour
1595
Golestan Palace



در تربیت و تدبیر محترفه زرادخانه و غیره
طرح چهره نامی، عمل رامداس
جامع التواریخ رشیدی
۱۰۰۴ ه.ق
کاخ گلستان

page from Rashidi's Jame-oT-Tavarikh
Drawing by Nami & Chehreh Nami Madhoo, painting by Ramdas
1595
Golestan Palace



A page from Rashidi's Jame-oT-Tavarikh
Drawing by La'l Chehreh Nami Madhoo, painting by Jekchehoon
1595
Golestan Palace

ملاقات جاموقه با سنکون برای جلب رضایت وی در مخالفت با چنگیز خان
طرح چهره نامی مادهو، عمل جکجیون کلان
جامع التواریخ رشیدی، ۱۰۰۴ ه.ق
کاخ گلستان





شکست تایان از چنگیزخان مغول
طرح از لعل چهره نامی، عمل رامداس
جامع التواریخ رشیدی
۱۰۰۴ه.ق
کاخ گلستان

A page from Rashidi's Jame-oT-Tavarikh
Drawing by Nanhai & Chehreh Nami Madhoo, painting by Ramdas
1595
Golestan Palace

موضع ارکنه قو و برآمدن آبا و اجداد چنگیزخان
طرح مسکینه، عمل جکچون
جامع التواریخ رشیدی
۱۰۰۴ه.ق
کاخ گلستان

A page from Rashidi's Jame-oT-Tavarikh
Drawing by Meskineh, painting by Jekchehoon
1595
Golestan Palace



The son of Abaqakhan Son of Holakukhan Son of Changizkhan
Drawing by La'l, painting by Abdollah
1595 Jame-oT-Tavarikh
Golestan Palace

ابن اباقاخان بن هولاکوخان بن چنگیزخان
طرح لعل ،عمل عبدالله
جامع التواریخ، ۱۰۰۲ه.ق
کاخ گلستان



A page from Rashidi's Jame-oT-Tavarikh
Drawing by Nanhai & Chehreh Nami Madhoo, painting by Mansour
Rashidi's Jame-oT-Tavarikh,1595
Golestan Palace

برگی از جامع التواریخ رشیدی
طرح نانهای چهره نامی مادهو، عمل منصور
جامع التواریخ، ۱۰۰۴ه.ق
کاخ گلستان



تاریخ اکبرشاه هندی
کتابخانه موزه کاخ گلستان، نسخه شماره ۲۲۵۳

این کتاب تاریخچه ای است از زندگانی جلال الدین محمد اکبرشاه هندی، نوهٔ بابرشاه از دودمان تیموری که در اوایل قرن یازدهم ه .ق. در هند سلطنت کرده است.
این کتاب شرح سوانح زندگانی و وقایع سلطنت اکبرشاه از بدو طفولیت تا فتح قلعه سورت است. قطع این نسخهٔ رحلی، ۲۹×۳۷ سانتی‌متر و صفحات آن شامل ۶۶۶ صفحه و هر صفحه ۲۵ سطر است. خط آن نستعلیق و رقم آن معلوم نیست و در سال ۱۲۳۸ ه .ق. کتابت شده است. صفحات مصور این نسخه شامل ۱۲ نگاره به شیوهٔ هندی ایرانی به مناسبت شرح جنگ ها و مطالب تاریخی ترسیم شده است. امضاء آثار این نسخه بدین قرار است: لعل، هندکوالیاری، هم حبو چهرهٔ نامی، مسکین، سینگر، کریمدد افغان، طرح جکن عمل السیر، طرح بساون عمل چهتره.
روی جلد این نسخه، ابرهٔ تیماج زرد، ترنج و نیم ترنج و کتیبه دور، مطلای منگنه، و روی جلد سوخت تحریر ملون است.

History of Akbar Shah, Indian Monarch
Golestan Palace Library,No. 2253

The book is a history of the events taking place during the life time of Jalal od-Din Mohammad, the Inidan monarch Akbar Shah, the grandson of Babur from Timurid dynasty since childhood up to the conquest of Sourt castle.
Format: Folio, 37 x 29 cms, 666 pages
Script: Nastaliq, unsigned, dated 1238 AH
Illustrations: 12 paintings on battle scenes and historical events in Indo-Iranian style,
signed by La'l, Hend kvalyari, Ham Hobu, Meskin, Singer, Karimdad
Afghan, etc.
Cover: Yellow thin leather adorned with medallion and semi-medallion motifs, gold-pressed

برگی از تاریخ اکبر شاه هندی
هنرمند نامعلوم
۱۲۳۸ ه.ق
کاخ گلستان

A page from History the Indian Akbar Shah
Unknown artist
1822
Golestan Palace



شبیخون آوردن افغان
هنرمند نامعلوم
تاریخ اکبر شاه هندی
۱۲۳۸ ه.ق
کاخ گلستان

Invasion of Afghan
Unknown artist
History of the Indian
Akbar Shah
1822
Golestan Palace



رخصت نمودن
مرگان امرای عظام را
به رسم منقلای
طرح: جگن عمل السیر
تاریخ اکبر شاه هندی
۱۲۳۸ ه.ق
کاخ گلستان

A Line from Akbar
Drawing by Jakan
painting by Al-Sia
History of the Indian
Shah
1822
Golestan Palace



هزار و یک شب [ملاعبدالطیف طسوجی]
کتابخانه موزه کاخ گلستان

کتاب هزار و یک شب شامل داستان های عامیانه و افسانه هایی دربارهء زندگی شاهان، امیران، انسان ها، ملائک و پریان است که شهرت جهانی دارد. منشاء و ریشهء این داستان ها معلوم نیست. برخی آن را ایرانی و جمعی هندی پنداشته اند. این کتاب را ملاعبداللطیف طسوجی در سال ۱۲۵۹ ه.ق. از الف لیله و لیله عربی به فارسی ترجمه کرده و سروش اصفهانی آن را به نظم درآورده است. این کتاب سرگرم کننده را برای ناصرالدین شاه قاجار، هنگام ولیعهدی اش در تبریز خوانده بودند و او همواره آرزو داشت نسخه ای زیبا و مصور از آن داشته باشد. پس از رسیدن به سلطنت دستور داد تا محمد حسین تهرانی، خوشنویس مشهور زمان وی این کتاب را در قطع بزرگ کتابت کند. خوشنویسی کتاب به سال ۱۲۶۹ ه.ق. در شش مجلد پایان یافت، سپس کتاب به "مجمع الصنایع" سپرده شد تا کار نگارگری و تذهیب و تجلید و صحافی آن توسط ابوالحسن غفاری (صنیع الملک) و ۳۴ تن از شاگردانش انجام شود.

ساخت نگاره های آن به مدت هفت سال از ۱۲۶۹ تا ۱۲۷۶ ه.ق. ادامه یافت و اثری برجسته و کم نظیر از هنر کتاب آرایی و کتاب سازی ایران در دوران قاجار به انجام رسید. تذهیب و ترصیع آنرا میرزا عبدالوهاب و میرزا علی مذهب و شاگردان ایشان انجام دادند.

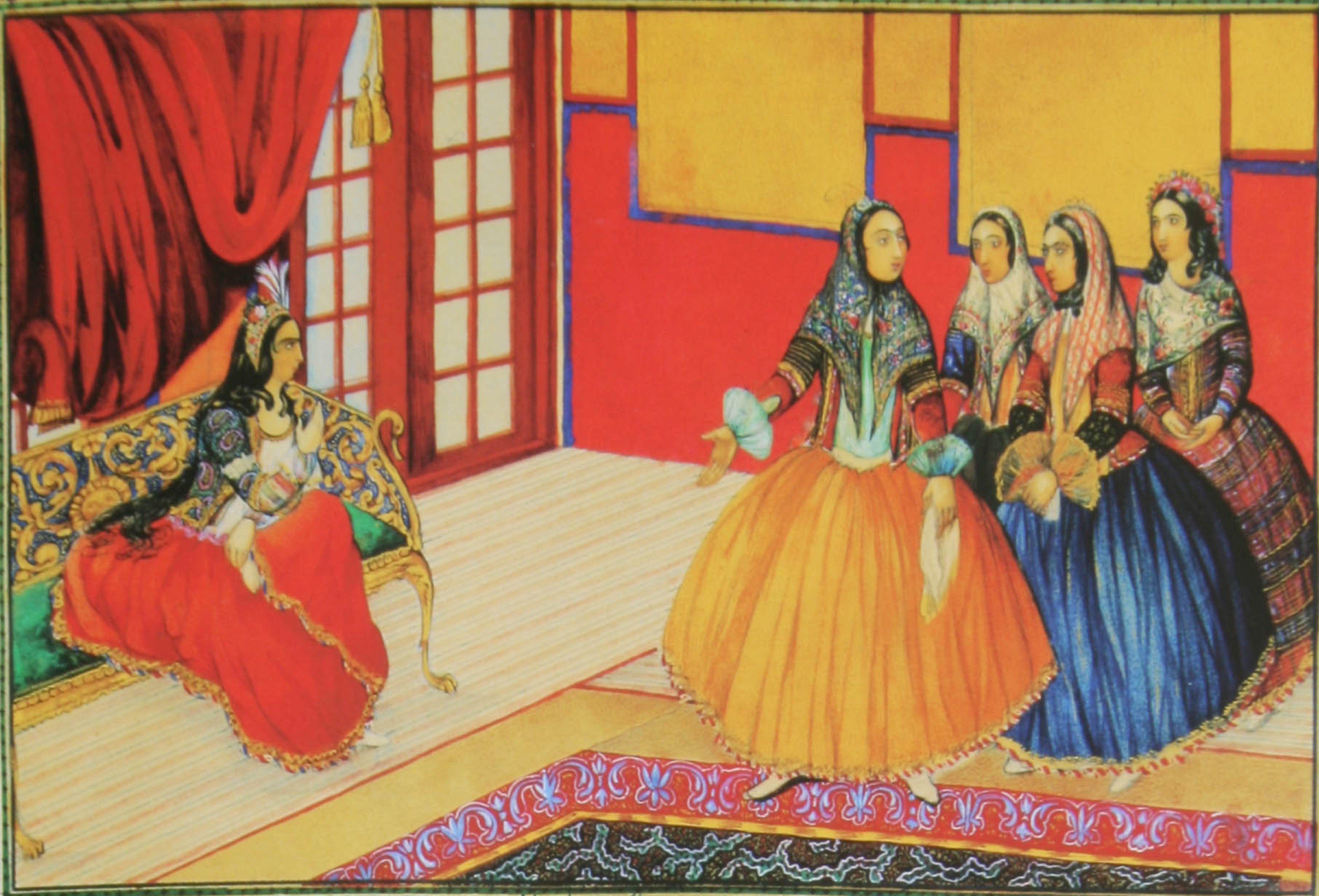
جلدهای روغنی کتاب را میرزا احمد و غلامعلی و آقاجانی ساختند. صحاف مجلدات ششگانه کتاب میرزا علی صحاف بود. مجموعهء این نسخه ها دارای ۲۲۸۰ صفحه، شامل ۱۱۴۲ صفحه متن و ۱۱۳۴ صفحه تصویر و چهارصفحهء سفید است. هر صفحه مصور بین سه تا شش مجلس نقاشی دارد. قطع مجلدات این کتاب ۳۰×۴۵ سانتی متر است. یکی از ویژگی های تصاویر این کتاب تطبیق وقایع داستان ها با فضای آن روزگار است. خلیفه و درباریان و شاهان وی، شاهان قاجاری و درباریان آنها هستند و مجموعهء شخصیت های این داستان ها از شخصیت های روحانی سیاسی، نظامی، تا زن ها و افراد عادی همگی در هیئت مردم ایران در عصر قاجاری به تصویر کشیده شده اند. این کتاب می تواند مرجعی قابل اعتناء در جامعه شناسی ایران آن عصر و روان شناسی اجتماعی آن دوره باشد.

از سوی دیگر این کتاب می تواند ما را نسبت به زیبایی شناسی ایرانیان در آن روزگار از طریق لباس ها، نقش و نگارها، معماری و باغ آرایی و تزیینات معماری و رنگ های دلخواه آن زمان آشنا کند.

One Thousand and One Nights
Golestan Palace Library

It comprises popular and mythological stories about the lives of world-famous monarchs, warriors, people, angels and fairies. The book was translated from Arabic into Persian by Molla Abd ol-Latif in 1259 AH and versified by Soroush Isfahani.

The manuscripts have been written by Mohammad Hossein Tehrani, dated 1269 AH and
comprises six volumes, 1142 pages of text and 1134 illustrated sheets
Illustrations: Paintings are depicted by watercolor of Qajar style distinguished by the
special touches of Abol-Hassan Ghaffari (Sani'al-Molk), while the relevant
lluminations and inlaid sections have been work out by Mirza Abd ol-Vahab, Mirza Ali, the illuminator and his trainees.







صفحه‌ای ازهزار و یکشب، (جلد ۲)
صنیع الملک
۱۲۶۹ ه.ق
کاخ گلستان

A page from from
One Thousand & One Nights
vol. 2
Sani-ol-Molk
1852-1859
Golestan Palace







صفحه‌ای ازهزار و یکشب، (جلد ۴)
صنیع الملک
۱۲۶۹ تا ۱۲۷۶ ه.ق
کاخ گلستان

A page from One Tousands & One Nights,
vol. 4
Sani-ol-Molk
1852-1859
Golestan Palace







صفحه‌ای ازهزار و یکشب، (جلد ۲)
صنیع الملک
۱۲۷۶-۱۲۶۹ ه.ق
کاخ گلستان

Apage from One Thousand & One Nights
vol. 2
Sani-ol-Molk
1852-1859
Golestan Palace



Khazib shows the painted portrait to Abolqassem
Sani-ol-Molk
One Tousands and One Nights, vol. 6, p.41
1852-1859
Golestan Palace

خضیب ، صورت نقاشی شده را به ابوالقاسم نشان می دهد
صنیع الملک
هزار و یکشب ، جلد ششم ، صفحه ۴۱
۱۲۶۹-۱۲۷۶ه.ق
کاخ گلستان





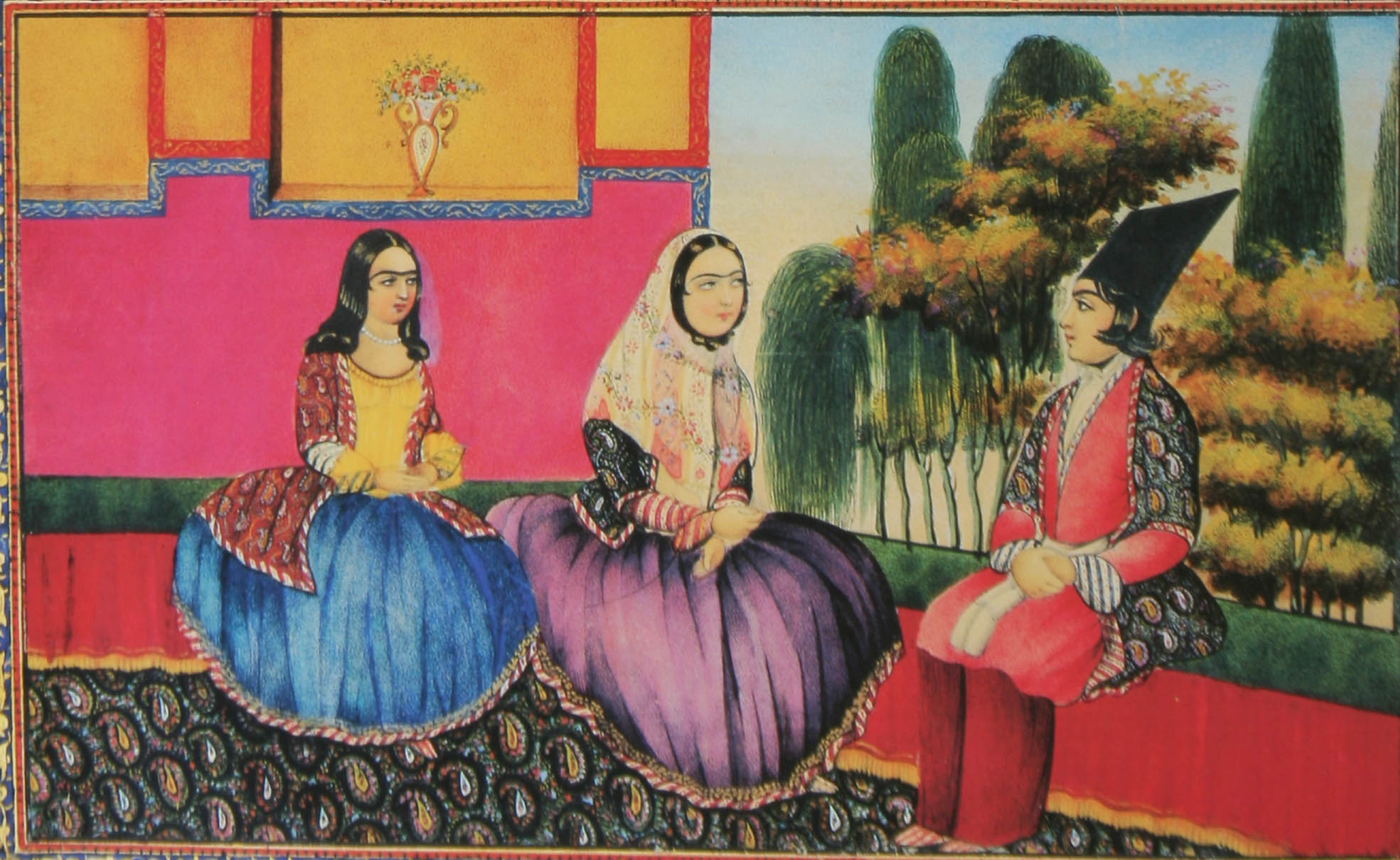


دو اردوی قورجاز و جم قاز در
مقابل هم
صنیع الملک
(جلد ۴) تصویر ۵۰
۱۲۶۹-۱۲۷۶ه.ق
کاخ گلستان

A page from One Tousands & One Nights,
vol. 4, picture 50
Sani-ol-Molk
1852-1859
Golestan Palace







صفحه‌ای از هزار و یکشب، (جلد ۱)
صفحه ۱۷۴
صنیع الملک
۱۲۶۹ تا ۱۲۷۶ ه.ق
کاخ گلستان

A page from One Tousands & One Nights,
vol. 4, picture 174
Sani-ol-Molk
1852-1859
Golestan Palace







A page from One Tousands & One Nights
vol. 4
Sani-ol-Molk
1852-1859
Golestan Palace

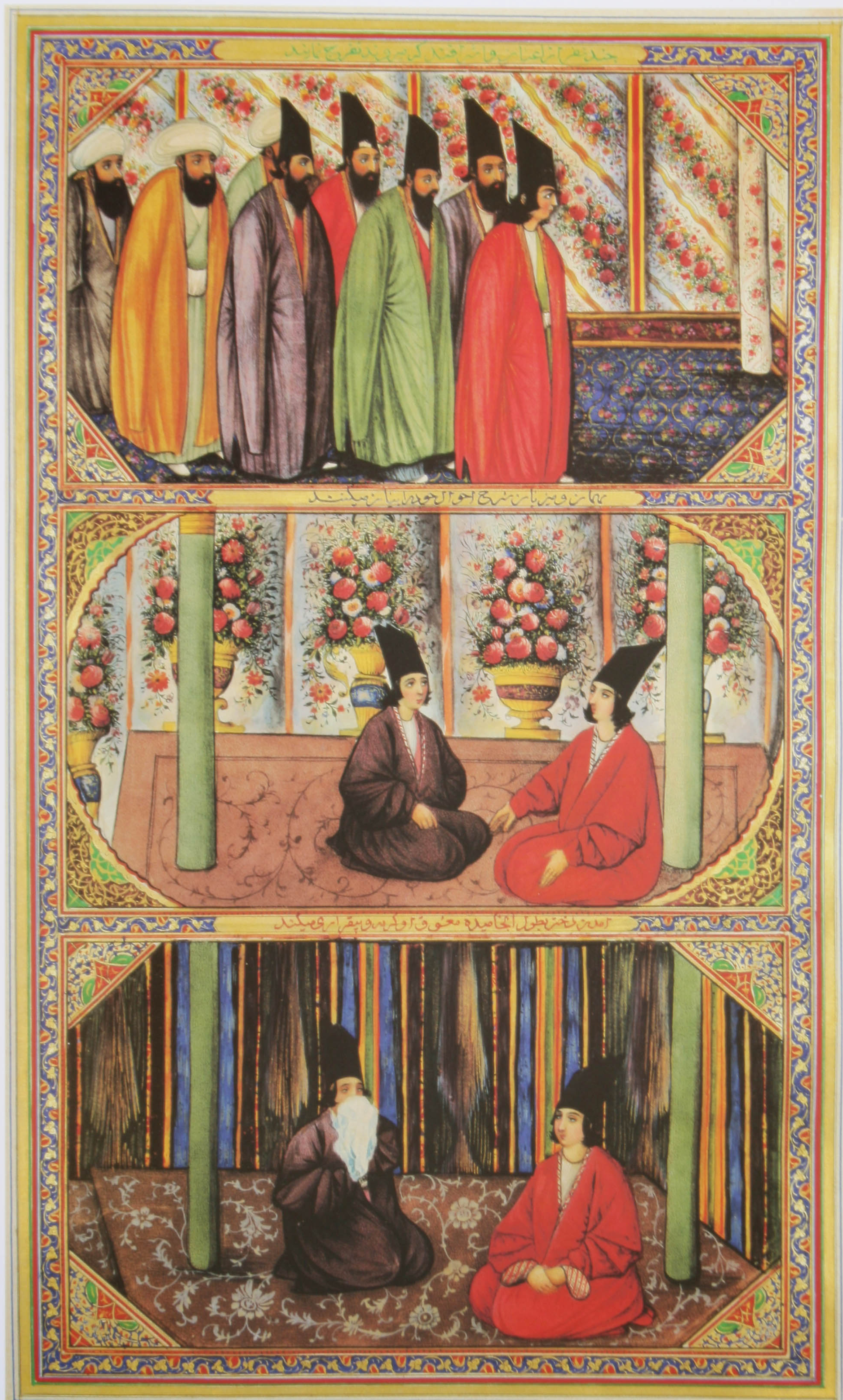
صفحه‌ای از هزار و یکشب، (جلد ۴)
صنیع الملک
۱۲۶۹ تا ۱۲۷۶ ه.ق
کاخ گلستان

۳۹۴
394



Taj-ol-Molook is standing over Aziz
Sani-ol-Molk
One Tousands and One Nights, vol. 1, p.295
1852-1859
Golestan Palace

تاج الملوک بالای سر عزیز ایستاده است
صنیع الملک
هزار و یکشب ، جلد اول ، صفحه ۲۹۵
۱۲۶۹ تا ۱۲۷۶ ه.ق.
کاخ گلستان



A page from One Tousands & One Nights
vol. 4
Sani-ol-Molk
1852-1859
Golestan Palace

صفحه‌ای از هزار و یکشب (جلد ۴)
صنیع الملک
۱۲۶۹ تا ۱۲۷۶ ه.ق
کاخ گلستان



A page from One Tousands& One Nights
vol. 3
Sani-ol-Molk
1852-1859
Golestan Palace

سیده شمسه با جانشاه وداع می کند
صنیع الملک
هزار و یکشب، (جلد ٣)
١٢٧٦ه.ق
کاخ گلستان





Hayat on-Nofoos takes the sheet from nanny and reads it
Sani-ol-Molk
One Tousands and One Nights, vol. 5
1852-1859
Golestan Palace

حیات النفوس ورقه را از دایه گرفته و می خواند
صنیع الملک
هزار و یکشب، (جلد ۵)
۱۲۶۹-۱۲۷۶ ه.ق
کاخ گلستان







صحبت سیف الملوک با
موجودات غریب
صنیع الملک
هزار و یکشب ،(جلد ۲)
۱۲۶۹-۱۲۷۶ ه.ق
کاخ گلستان

A page from One Tousands
& One Nights
Sani-ol-Molk
vol.2, 1852-1859
Golestan Palace







نجار صندوق را آتش می زند
صنیع الملک
هزار و یکشب، (جلد ۱)
۱۲۶۹-۱۲۷۶ ه.ق
کاخ گلستان

A page from One Tousands & One Nights
vol. 1
Sani-ol-Molk
1852-1859
Golestan Palace



Cover from One Thousand & One Nights
Sani-ol-Molk
,vol. 4
1852-1859
Golestan Palace

نگاره پشت جلد (روغنی)
صنیع الملک
هزار و یک شب (جلد ۴)
۱۲۶۹ تا ۱۲۷۶ ه.ق
کاخ گلستان







مرداس، عزیز را مأمور
خونخواهی پسر می کند
صنیع الملک
هزار و یک شب (جلد ۴)
۱۲۶۹ تا ۱۲۷۶ ه.ق
کاخ گلستان

A page from One Tousan
& One Nights
vol. 4
Sani-ol-Molk
1852-1859
Golestan Palace



مرقع گلشن

کتابخانه موزه کاخ گلستان، نسخه شماره ۱۶۶۳

این مرقع مجموعه ای است بی نظیر از آثار نقاشی، تذهیب، ترصیع، تشعیر و خوشنویسی که نمایانگر ذوق زیبایی آفرین هنرمندان برجسته ایرانی ونقاشاندربارگورکانی از سده نهم تا سدهء یازدهم ه.ق. است.
به سفارش جهانگیر (۱۰۱۴-۱۰۳۷ ه.ق.)، فرزند ارشد اکبر پادشاه گورکانی هند، که در هنرشناسی و علاقمندی اش به هنر و هنرمندان نقاش شهره است، تعداد زیادی از آثار بی نظیر هنرمندان سده نهم تا یازدهم ه.ق. در مرقع گلشن جمع آوری و تجلید شده است. این مرقع در اندازه۵/ ۲۴×۴۰ سانتی متر ساخته شده و دربرگیرنده آثاری بسیار با ارزش از هنرمندان ایرانی و هندی است. علاوه بر آثار رقم دار کمال‌الدین بهزاد، عبدالصمد شیرازی، نانهای، رقیه بانو، فرخ بیگ، رضا عباسی و... در حواشی صفحات این مرقع تذهیب و تشعیرهای بسیار زیبا و تصاویری از شخصیت های معروف همچون اکبرشاه، جهانگیر، عبدالرحمن جامی، ابوالحسن (نادرالزمان)، منوهر، بشنداس، گوردهن به قلم آقارضا و دولت صورتگری شده است. در آثار اخیر نفوذ شیوهء اروپایی در پرداخت و ترسیم چهره و حالات پیکره ها به صورت واقع نما دیده می شود و نشان دهنده شیوه نقاشی دوره جهانگیر است.
مرقع گلشن بین سالهای ۱۰۱۴ تا ۱۰۳۹ه .ق.پدیدآمده است و برخی معتقدند در قرن یازدهم ه.ق. به ایران آمده و در اوخر قرن سیزدهم، در زمان ولیعهدی ناصرالدین شاه به کتابخانه سلطنتی کاخ گلستان منتقل شده است. مرقع گلشن دارای دو بخش است. بخش نخست آن دارای ۹۰ ورق و بخش دوم آن مشتمل بر ۴۳ ورق است که با توجه به دو رو بودن اوراق جمعاً ۲۶۲ قطعه نقاشی، خوشنویسی و تشعیر دارد.

Moraqqa' Golshan

Golestan Palace Library,No. 1663

This Moraqqa' is a unique album of paintings, illuminations, inlaid works, poetry and calligraphies displaying the aesthetic faculties of outstanding Iranian painters of the 9^{th}-11^{th}centuries AH.
At the commission of Jahangir (1014-1037 AH), the oldest son of Akbar Shah from the Indian Gourkanid dynasty, who was known for his artistic talent and full support of painters, a great number of unique works of art produced by the artists of the 9^{th}-11^{th}centuries AH were collected in Moraqqa' Golshan. The Moraqqa' measuring 40 x 24.5 cms includes noteworthy paintings from Iranian and Indian painters. Besides, the signed illustrations of Kamal al-Din Behzad, Abd os-Samad Shirazi, Nanha, Roqieh Banu, Farrokh Beig, Reza Abbasi and others are listed in the album. The margins of the pages of Moraqqa' Golshan are embellished by elegant illuminations and poems as well as images of well-known figures such as Akbar Shah, Abdol-Rahman Jami, Abol-Hassan (Nader al-Zaman), Menoher, Beshendas, Govardahan painted by Aqa Reza and realistic figures manifesting the painting style of Jahangir's period.





تذهیب
یاقوت
مرقع گلشن
نیمه نخست سده ۱۰ ه.ق
کاخ گلستان

Tadhib
Yaghool
Moraqqa'-e Golshan
First half of 16th century
Golestan Palace



نقاش ازل کن خط مشکین قلم اوست
یارب چه رقمهای عجب در قلم اوست
چون ارادت کامله قادر بیچون و مشیت شامله
صانع کن فیکون بایجاد صور کارخانه بوقلمون
متعلق شد چهره آرای عنایت ازلی بقلم
حکمت لم یزلی مرقع انسانی را بر طبق آیات
بخوبتر وجهی تصویر نمود

تذهیب
هنرمند نامعلوم
مرقع گلشن
نیمه نخست سده ۱۱ ه.ق
کاخ گلستان


Tadhib
Unknown artist
Moraqqa'-e Golshan
First half of 17th century
Golestan Palace





تذهیب
یاقوت
مرقع گلشن
نیمه نخست سده ۱۱ ه.ق
کاخ گلستان

Tadhib
Yaghoot
Moraqqa'-e Golshan
First half of 10th century
Golestan Palace





مجلس آصف عهدست که در
حضرت او(نیمه راست)
هنرمند نامعلوم
مرقع گلشن، صفحه ۱۳۸
نیمه نخست سده ۱۱ ه.ق
کاخ گلستان

A page from Moraqqa'-e Golshan(right part)
Unknown artist
oraqqa'-e Golshan, p.138
First half of 17th century
Golestan Palace



جلس آصف عهدست که در
حضرت او (نیمه چپ)
هنرمند نامعلوم
مرقع گلشن، صفحه ۱۳۹
نیمه نخست سده ۱۱ ه.ق
کاخ گلستان

A page from Moraqqa'-Golshan(left part)
Unknown artist
Moraqqa'-e Golshan, p.
First half of 17th century
Golestan Palace



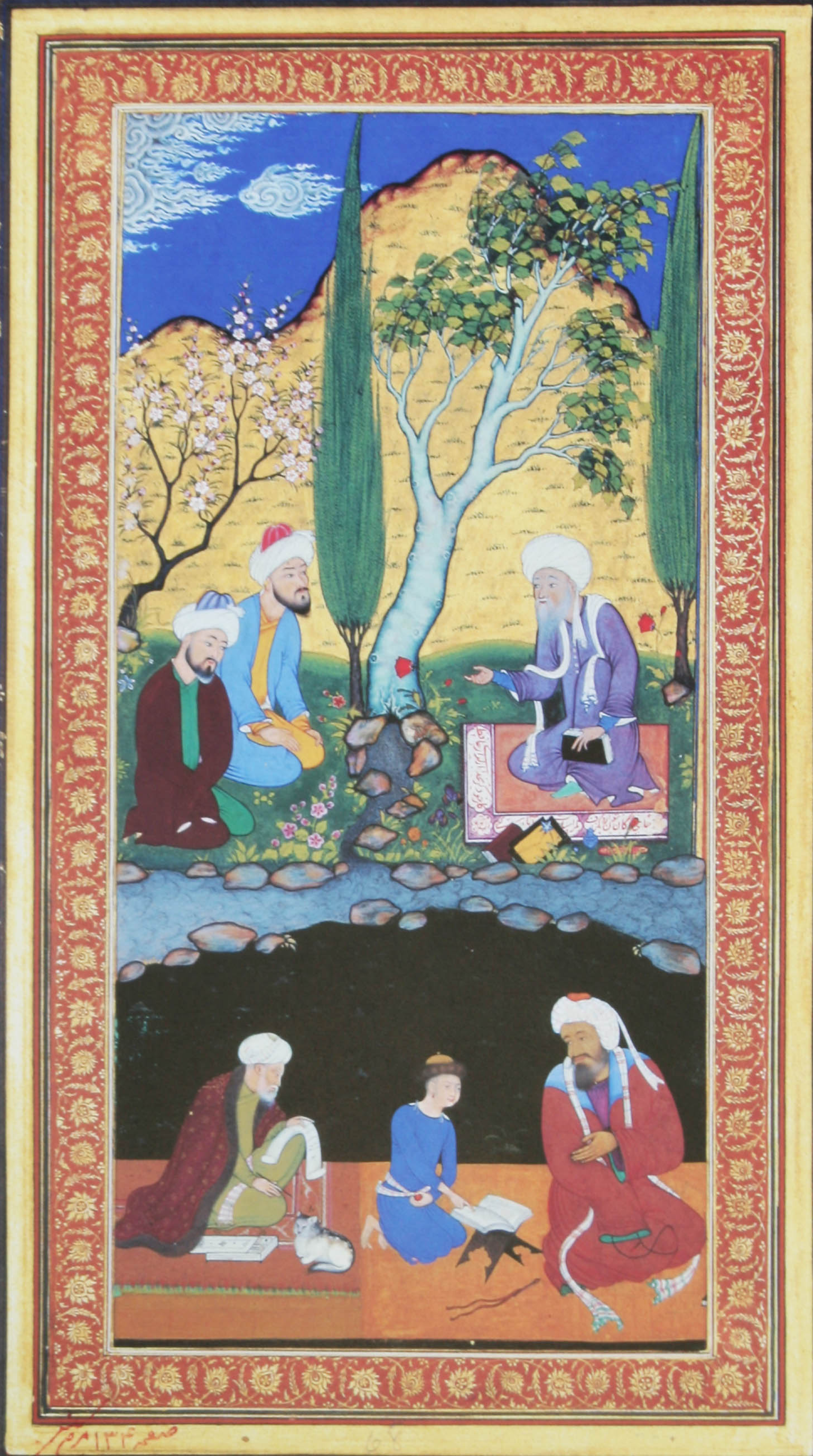
مهتر و اسب
هنرمند نامعلوم
مرقع گلشن، صفحه ۱۵۰
نیمه نخست سده ۱۱ ه.ق
کاخ گلستان

e groom and the horse
Unknown artist
Moraqqa'-e Golshan,
First half of 17th century
Golestan Palace



اسب و مهتر
عبدالصمد
مرقع گلشن، صفحه ۱۵۱
نیمه نخست سده ۱۱ ه.ق
کاخ گلستان

The horse and the groom
Abd-ol-Samad
Moraqqa'-e Golshan, p.151
First half of 17th century
Golestan Palace



در محضر پیر
هنرمند نامعلوم
مرقع گلشن، صفحه ۱۳۴
نیمه نخست سده ۱۱ ه.ق
کاخ گلستان

In the presence of the ascetic
Unknown artist
Moraqqa'-e Golshan, p.134
First half of 17th century
Golestan Palace







نصیحت پیر
کمال الدین بهزاد
(نگاره وسط)
مرقع گلشن
نیمه نخست سده ۱۰ ه.ق
کاخ گلستان

Advice of the ascetic
Attributed Kamaleddin Behzad
Moraqqa`-e Golshan
First half of 16th century
Golestan Palace



مجنون در بیابان
عبدالصمد
مرقع گلشن، صفحه ۱۵۸
۹۵۸ه.ق
کاخ گلستان

Mejnûn in desert
Abd-ol-Samad
Moraqqa'-e Golshan,
p.158
1551
Golestan Palace



مجنون در بیابان
عبدالصمد
مرقع گلشن، صفحه ۱۵۹
۹۶۰ه.ق
کاخ گلستان

Mejnûn in desert
Abd-ol-Samad
Moraqqa'-e Golshan, p.159
1552
Golestan Palace







حضرت نوح(ع)
هنرمند نامعلوم
مرقع گلشن، صفحه ۶
نیمه نخست سده ۱۱ه.
کاخ گلستان

Prophet Noah
Unknown artist
Moraqqa'-e Golshan, p.106
First half of 17^{th} century
Golestan Palace



بزرگ زاده منتظر نتیجه کار استاد است

هنرمند نامعلوم

مرقع گلشن، صفحه ۲۷

نیمه نخست سده ۱۱ه.ق

کاخ گلستان

Nobleman waits for the master

Unknown artist

Moraqqa'-e Golshan,p.27

17th century

Golestan Palace



مجلس بزم شبانه
هنرمند نامعلوم
مرقع گلشن، صفحه ۶
نیمه نخست سده ۱۰ ه
کاخ گلستان

Night Banquet
Unknown artist
aqqa'-e Golshan, p.46
rst half of 16th century
Golestan Palace





نزاع شتران
کمال الدین بهزاد
مرقع گلشن
سده ۱۰ ق
کاخ گلستان



Camels fight
Kamaleddin Behzad
Moraqqa'-e Golshan
16th century
Golestan Palace



۴۳۰
430

نزاع شتران
نانهای
مرقع گلشن، صفحه ۷
۱۰۱۷ه.ق



Camels fight
Nanhai
Moraqqa'-e Golshan, p.7
1608
Golestan Palace



سلطان حسین میرزا د
تفرجگاه (نیمه راست
کمال الدین بهزاد
مرقع گلشن، صفحه
اواخر سده نهم ه.ق.
کاخ گلستان

Hossein Mirza in
enade (right part)
amaleddin Behzad
qa'-e Golshan, p.62
d half of 15th century
Golestan Palace



سلطان حسین میرزا در
تفرجگاه (نیمه چپ)
کمال الدین بهزاد
مرقع گلشن، صفحه ۵۵
اواخر سده نهم ه.ق.
کاخ گلستان

Sultan Hossein Mirza in promenade (left part)
Kamaleddin Behzad
Moraqqa'-e Golshan, p.55
Secend half of 15th century
Golestan Palace



امیر و همراهان
هنرمند نامعلوم
مرقع گلشن، صفح
سده ۱۰ ه.ق
کاخ گلستان

g goes to the old ascetic
Unknown artist
qa'-e Golshan, p.43
16th century
Golestan Palace



شکارگاه
هنرمند نامعلوم
مرقع گلشن، صفحه ۴۲
سده ۱۰ ه.ق
کاخ گلستان

Hunting ground
Unknown artist
Moraqqa'-e Golshan, p.42
16th century
Golestan Palace



اطراق در صحرا
هنرمند نامعلوم
مرقع گلشن، صفحه ۳۸
نیمه نخست سده ۱۱ه.ق
کاخ گلستان

Camping in desert
Unknown artist
Moraqqa'-e Golshan, p.38
First half of 17th century
Golestan Palace



سنگ ها را بسته اند و سگ ها
را رها کرده اند
کمال الدین بهزاد
مرقع گلشن، صفحه ۱۴۷
نیمه نخست سده ۱۰ ه.ق
کاخ گلستان

A page from Moraqqa'-e Golshan
Kamaleddin Behzad
Moraqqa'-e Golshan, p.147
First half of 17th century
Golestan Palace



سوره‌ء حمد
محمدحسین زرین‌قلم
مرقع گلشن، صفحه ۵۶
نیمه نخست سده ۱۱ ه.ق.
کاخ گلستان

Hamd Surah
Mohammad Hossein
Zarrin Ghalam
Moraqqa'-e Golshan, p.56
First half of 17th century First
Golestan Palace



تشعیر
هنرمند نامعلوم
مرقع گلشن،
نیمه نخست سده ۱۱ ه.ق
کاخ گلستان

Tash'eer
Unknown artist
Moraqqa'-e Golshan
First half of 17th century
Golestan Palace



بعنایت بغایت صانعی که ترتیب مرقع زرنگار سپهر زبرجد فام اثری از مصنوعات
دست قدرت آثار اوست این مرقع بدیع الخط عجایب تزیین که غیرت افزای ریاض
رضوان و گلستان همیشه بهار جهانست **نظم** هر صفحهٔ او بزینت گلزاری
هر سطر چو زلف عارض دلداری هر حرف چو خط چهرهٔ مطلوبی
هر نقطه چو خال لب خوش گفتاری مانند درج زر و گهر بشکر فکاری و نیرنگ
سازی استادان مانی مثال بی بدل و هنروران بهزاد تمثال [illegible] مثل
بموجب فرمان سعادت عنوان خاقان اکبر اعظم شهریار عرصهٔ عالم صاحب قران
همایون بخت برازندهٔ تاج و فرازندهٔ تخت گوهر افسر تاجداران [illegible]
تارک جهانداران شهنشاه فلک قدر خرد رخش جهانگیر و جهاندار و جهان بخش
مطلع انوار نامتناهی الهی ابوالمظفر نورالدین محمد جهانگیر پادشاه غازی خلد ملکه
ابداً بساعت سعد و زمان مسعود صورت اختتام و شیرازهٔ انتظام یافته
زینت افزای کتابخانهٔ آفرینش و روشنی بخش دیدهٔ اصحاب بینش گردید
این مرقع که بتوفیق اله صورت آرای شد از لوح و قلم
رشک گلزار ارم تاریخش چهره پرداز خرد کرد رقم
١٠١٩
العبد محمد حسین زرین قلم جهانگیرشاهی

تشعیر
یولاقی
مرقع گلشن
نیمه نخست سده ۱۱ ه.ق
کاخ گلستان

Tash'eer
Youlaqi
Moraqqa'-e Golshan
First half of 17th century
Golestan Palace



جوان ایستاده
منسوب به فرخ بیگ
مرقع گلشن ، صفحه ۶
نیمه نخست سده ۱۱ ه.
کاخ گلستان

tanding young man
buted to Farokh Beik
qqa'-e Golshan, p.86
rst half of 17th century
Golestan Palace



باز در دست دارد آن سرمست
فرخ بیگ
مرقع گلشن، صفحه ۴۷
نیمه نخست سده ۱۱ ه.ق
کاخ گلستان

A page from Moraqqa'-e Golshan
Farokh Beik
Moraqqa'-e Golshan, p.47
First half of 17th century
Golestan Palace



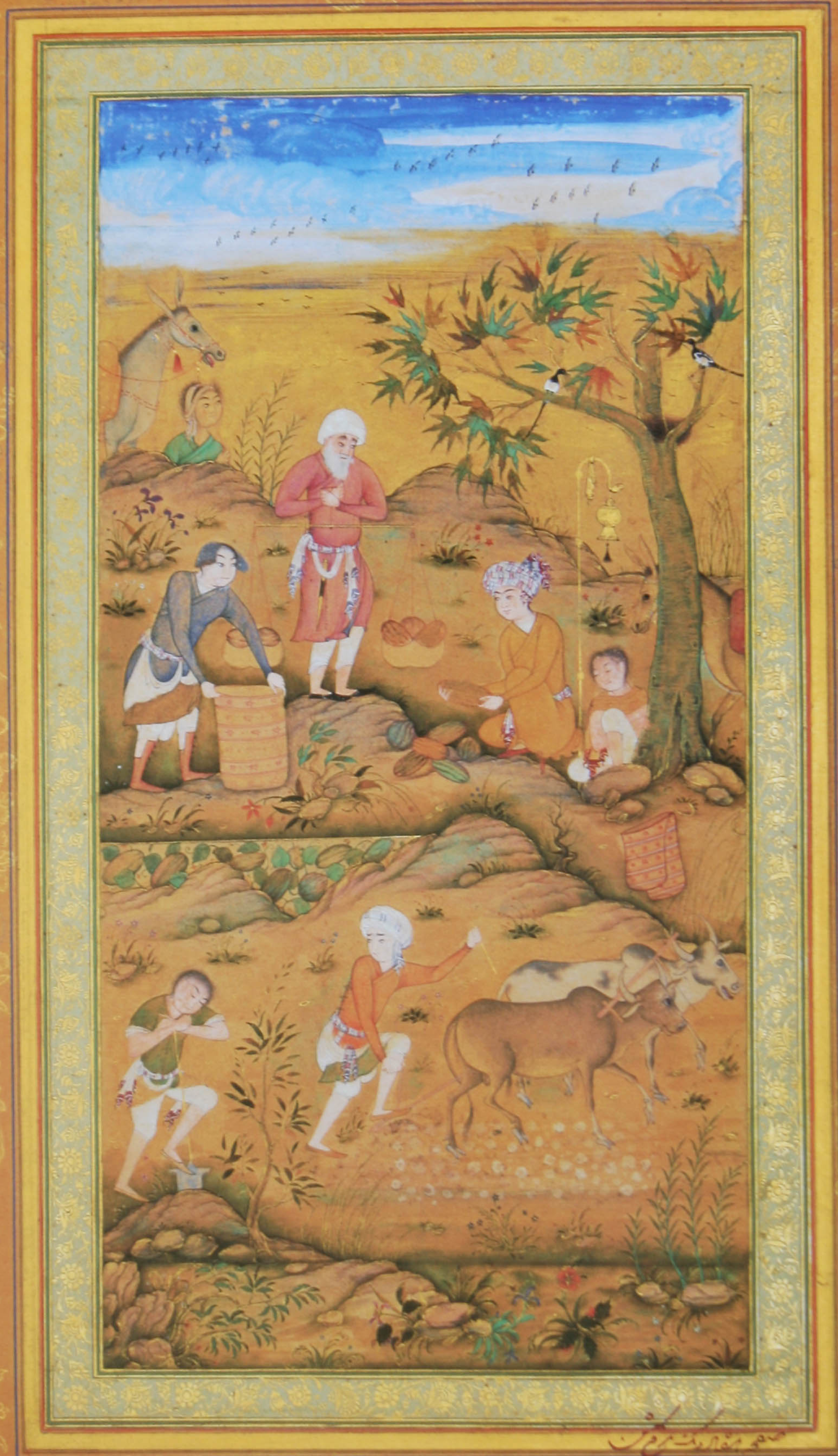
مجلس سوگواری
هنرمند نامعلوم
مرقع گلشن، صفحه ۰
نیمه نخست سده ۱۱ ه
کاخ گلستان

The funeral
Unknown artist
qa'-e Golshan, p.170
st half of 17th century
Golestan Palace



ضیافت درباری
عمل رضای مرید پادشاه
سلیم
مرقع گلشن، صفحه ۱۳۱
نیمه نخست سده ۱۱ ه.ق
کاخ گلستان

Court banquet
Painting by Reza the Shah's disciple
Salim
Moraqqa'-e Golshan, p.131
16th century
Golestan Palace



صحنه ای از زندگی
روستایی
هنرمند نامعلوم
مرقع گلشن، صفحه
نیمه نخست سده ۱۱
کاخ گلستان

ene from rural life
Unknown artist
qa'-e Golshan, p.71
t half of 17th century
Golestan Palace











تشعیر
هنرمند نامعلوم
مرقع گلشن،
نیمه نخست سده ۱۱ه.ق
کاخ گلستان

Tahseer
Unknown artist
Moraqqa'-e Golshan
First half of 17th century
Golestan Palace



از روز ازل عشق تو همخان
ماست
هنرمند نامعلوم
مرقع گلشن، صفحه ۱۸
نیمه نخست سده ۱۱ ه.ق
کاخ گلستان

page from Moraqqa'-e Golshan
Unknown artist
First half of 17th century
Golestan Palace



ساقی
رضا عباسی
مرقع گلشن
۱۰۲۹ ه.ق.
کاخ گلستان

Saqi
Reza Abbassi
Moraqqa'-e Golshan
1619
Golestan Palace

تشعیر
هنرمند نامعلوم
مرقع گلشن،
نیمه نخست سده ۱
کاخ گلستان

Tasheer
Unknown artist
raqqa'-e Golshan
half of 17th century
Golestan Palace

زن ایستاده
هنرمند نامعلوم
مرقع گلشن
کاخ گلستان

The standing woman
Unknown artist
Moraqqa'-e Golshan
Golestan Palace



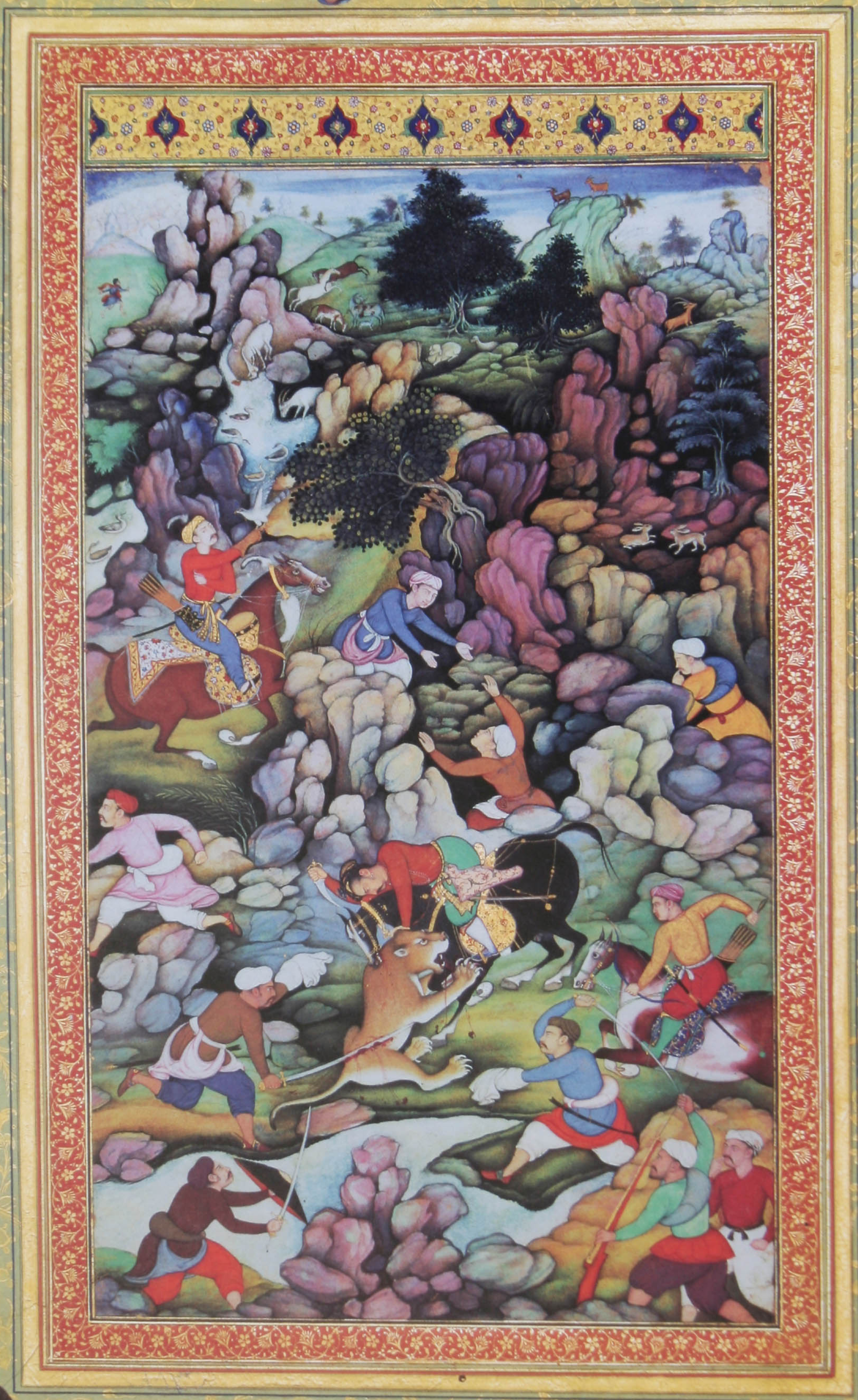
مجلس همایون و اکبر
عبدالصمد
مرقع گلشن، صفحه
سده ۱۰ ه.ق
کاخ گلستان

quet of homayoun and Akbar Shah
Abd os-Samad
qqa'-e Golshan, p.70
16th century
Golestan Palace



حکایت کاروانیان خفته و
مرد شوریده
عبدالصمد شیرین قلم
مرقع گلشن، صفحه ۶۳
سده ۱۰ ه.ق
کاخ گلستان

Story of the Sleeping Passengers and the Frenzied Man
Abd os-Samad Shirin Qalam
Moraqqa'-e Golshan, page 63
16th century
Golestan Palace



شکار گاه
هنرمند نامعلوم
مرقع گلشن
نیمه نخست سد
کاخ گلستان

unting ground
Unknown artist
qa'-e Golshan,
f of 17th century
olestan Palace



تفرجگاه
هنرمند نامعلوم
مرقع گلشن، صفحه ۱۵
نیمه نخست سده ۱۱ه.ق
کاخ گلستان

Promenade
Unknown artist
Moraqqa'-e Golshan, p.15
First half of 17th century
Golestan Palace



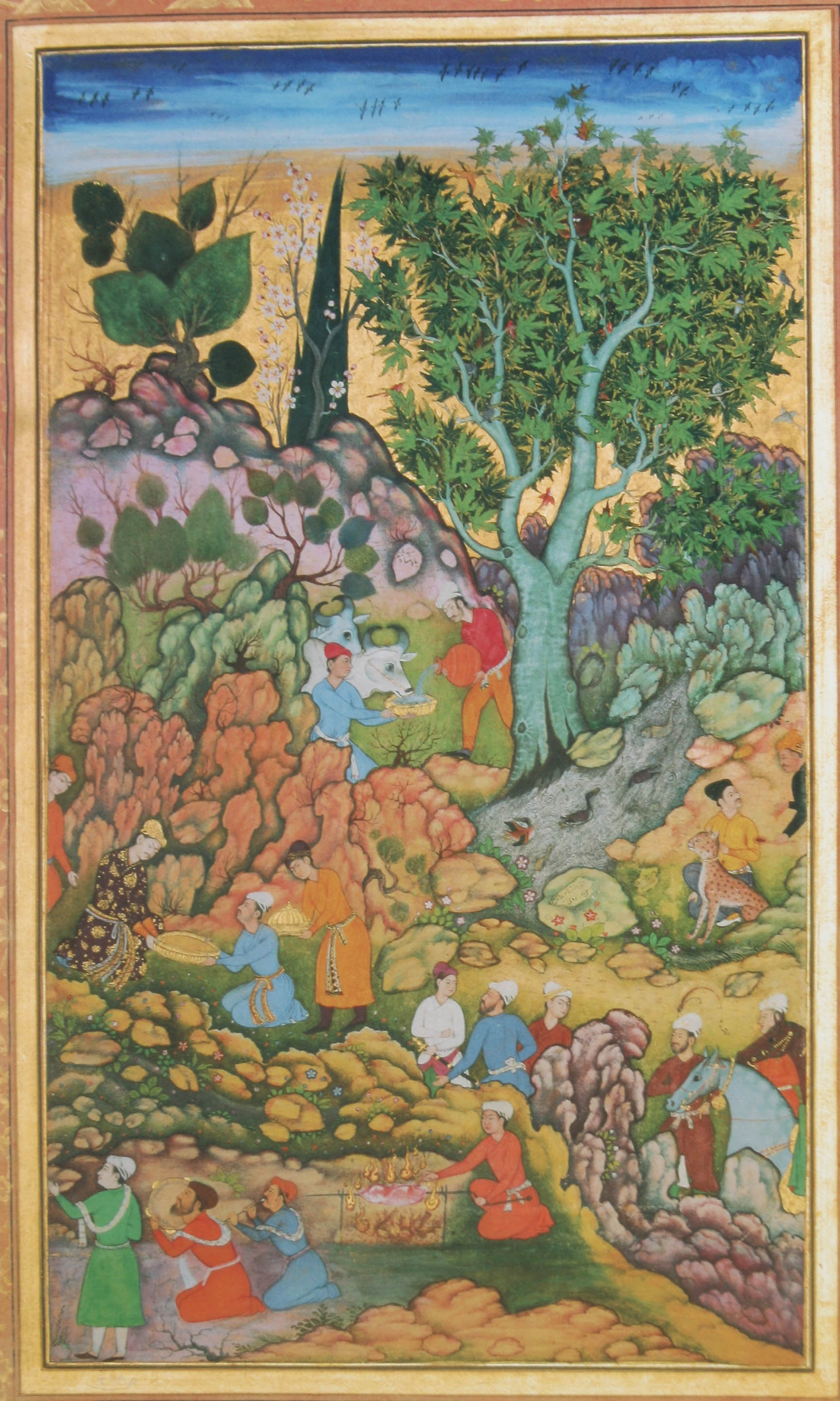
در محضر پیر
عمل نادرالزما
آقا رضا مرید با
مرقع گلشن
۱۰۳۰ه.ق
کاخ گلستان

esence of the ascetic
a the sincere disciple
1620
estan Palace



دو کبوتر
هنرمند نامعلوم
مرقع گلشن، صفحه ۲۲۳
نیمه نخست سده ۱۱ ه.ق
کاخ گلستان

Two pigeons
Unknown artist
Moraqqa'-e Golshan, p.223
First half of 17th century
Golestan Palace



تفرج در طبیعت
آقا رضا
مرقع گلشن،
نیمه نخست سده ۱۱ه.ق
کاخ گلستان

xcursion in the nature
Aqa Reza
Moraqqa'-e Golshan
First half of 17th century
Golestan Palace



بزرگزاده و ملازمان
هنرمند نامعلوم
مرقع گلشن،
نیمه نخست سده ۱۱ ه.ق
کاخ گلستان

The nobleman and his circle
Unknown artist
Moraqqa'-e Golshan,
First half of 17th century
Golestan Palace



بزم شاهانه در طبیعت
هنرمند نامعلوم
مرقع گلشن، صفحه ۱۷۲
نیمه نخست سده ۱۱ه.ق
کاخ گلستان

ngly banquet in the nature
Unknown artist
Moraqqa'-e Golshan, p.172
First half of 17th century
Golestan Palace



چند طرح
رقیه بانو و احمد نقاش
مرقع گلشن، صفحه ۱۴۳
نیمه نخست سده ۱۱ ه.ق
کاخ گلستان

A few drawings
Roqieh Banou and Ahmad the painter
Moraqqa'-e Golshan, p.143
First half of 17th century
Golestan Palace



در محضر پیر
آقا رضا
مرقع گلشن
سده ۱۰ ه.ق
کاخ گلستان

In the presence of the ascetic
Aqa Reza
Moraqqa'-e Golshan
16th century
Golestan Palace



امیر به حضور پیر زاهد می رسد
هنرمند نامعلوم
مرقع گلشن
سده ۱۰ ه.ق
کاخ گلستان

The king goes to the old ascetic
Unknown artist
Moraqqa'-e Golshan
16th century
Golestan Palace




ملک و همراهان با ساز
برگ شکار
هنرمند نامعلوم
مرقع گلشن
نیمه نخست سده ۱۱ ه.
کاخ گلستان

The king and his attendants with hunting gears
Unknown artist
Moraqqa'-e Golshan,
rst half of 17th century
Golestan Palace



تفرج در طبیعت
هنرمند نامعلوم
رقع گلشن، صفحه ۲۱۹
سده ۱۰ ه.ق
کاخ گلستان

Excursion in the natu
Unknown artist
Moraqqa'-e Golshan,
p.219
16th century
Golestan Palace



مرقع هند و ایران
کتابخانه کاخ گلستان ،نسخه ۱۶۳۹

قطع : رحلی به ابعاد ۲۲/۵×۳۵ سانتی متر
کاغذ: کشمیری ضخیم متن و حاشیه
خط : نستعلیق بسیار خوش
کاتب: عمادالحسنی سنه ۱۰۱۲ ه.ق. جهت خواجه شادعلی نوشته.
نام نقاشان: بشنداس- منوهر- لچتر- گوردهن - چترمن- بالچند- ظفر- نادرالعصر-
فرخ بیگ - هاشم - مسکینه- ابوالحسن- بهزاد

دارای ۱۷۲ قطعه که ۸۲ قطعه آن مسطور مابقی تصویر می باشد.
جلد: مقوای روکش چرم مشکی وسط ترنج و چهارسرترنج ضربی زمینه طلائی .

Muraqqa'Indo-Iranian
Golestan Palace Library No. 1639

Format: Folio, 35 x 22.5 cms
Paper: Thick Kashmiri
Scrpit: Nastaliq
Scribes: Emad ol-Hassani, dated 1012 Ah, commissioned by Khajeh Shad Ali
Painters/ Paintings: Beshendas (5), Menoher (8), Lechter (3), Govardahn (2), Cheterman (2), Belchande (2), Zafar(2)
Other Painters: Nader al- Asr, Farrokh Beigh,Hashem,Sakineh,Abol-Hassan Behzad, etc.
Cover: Cardboard with black leather surface, with medallion motifs in the middle, ecoincon motifs on 4 corners, golden background
Number of pieces: 172, including 82 manuscripts, the remaining pieces are paintings



تذهیب (شمسه)
هنرمند نامعلوم
مرقع هندی
نیمه نخست سده ۱۱ ه.ق
کاخ گلستان

Tadhib (Shamseh)
Unknown artist
Indian Moraqqa'
First half of 17th century
Golestan Palace

مجلس در طبیعت
هنرمند نامعلوم
مرقع هندی
نیمه نخست سده ۱۱ ه.ق
کاخ گلستان

thering in the Nature
Unknown artist
Indian Moraqqa'
First half of 17th century
Golestan Palace





تذهیب (شمسه)
هنرمند نامعلوم
مرقع هندی
نیمه نخست سده
کاخ گلستان

hib (Shamseh)
Unknown artist
ndian Moraqqa'
lf of 17th century
Golestan Palace



مجلس درس
گوردهن
مرقع هندی
نیمه نخست سده ۱۱ ه.ق
کاخ گلستان

The Classroom
Gordahan
Indian Moraqqa'
First half of 17th century
Golestan Palace



The Flower and the Bird
Mohammad Yusof
Indian Moraqqa'
First half of 17th century
Golestan Palace

گل و پرنده
محمد یوسف
مرقع هندی
نیمه نخست سده ۱۱ ه.ق
کاخ گلستان



برداشتی از نگاره
کمال الدین بهزاد
صحیفه بانو
مرقع هندی
نیمه نخست سده ۱۱
ه.ق
کاخ گلستان

An Interpretation of the Painting by Kamaleddin Behzad
Sahifeh Banou
First half of 17th century
Golestan Palace



شبیه عبدالمؤ
خان ازبک
هنرمند نامعلو
مرقع هندی
نیمه نخست
سده ۱۱ ه.ق.
کاخ گلستان

A page from
n Moraqqa'
nknown artist
f 17th century
estan Palace



شاه جهان سوار بر اسب
هنرمند نامعلوم
مرقع هندی
نیمه نخست سده ۱۱ ه.ق
کاخ گلستان

Shah- Jahan
Unknown artist
Indian Moraqqa'
First half of 17th century
Golestan Palace



درویش
مسکینه
مرقع هندی
نیمه نخست سا
کاخ گلستان

A page from
an Moraqqa'
Meskineh
of 17th century
estan Palace



پیرمرد
منوهر
مرقع هندی
نیمه نخست سده ۱۱ ه.ق
کاخ گلستان

A page from
Indian Moraqqa'
Monouher
First half of 17th century
Golestan Palace



The Sitting Young Man
Unknown artist
Indian Moraqqa'
First half of 17th century
Golestan Palace

جوان نشسته
هنرمند نامعلوم
مرقع هندی
نیمه نخست سده ۱۱ ه.ق
کاخ گلستان



The Bird
Mansour
Indian Moraqqa'
First half of 17th century
Golestan Palace

پرنده
منصور
مرقع هندی
نیمه نخست سده ۱۱ ه.ق.
کاخ گلستان



The Prince in the Presence of the Ascetic
Unknown artist
Indian Moraqqa'
First half of 17th century
Golestan Palace

شاهزاده در حضور زاهد
هنرمند نامعلوم
مرقع هندی
نیمه نخست سده ۱۱ ه.ق
کاخ گلستان



شاه و زاهد
هنرمند نامعلوم
مرقع هندی
نیمه نخست سده ۱۱ ه.ق
کاخ گلستان


The King and the Ascetic
Unknown artist
Indian Moraqqa'
First half of 17th century
Golestan Palace



برگ های مصور منفرد

Single Illustrated Pages





نامه سام بشاه منوچهر



Grooms in the presence of Ardeshir
Unknown artist
A page from Shahnameh
14th century
Reza Abbassi Museum

مهتران در حضور اردشیر
هنرمند نامعلوم
برگی از شاهنامه فردوسی
اوائل سده ۸ ه.ق
موزه رضا عباسی

شمسه
هنرمند نامعلوم
متعلق به یک نسخه نامعلوم
موزه رضا عباسی

Shamseh
Unknown artist
From an unknown manuscript
Reza Abbassi Museum



A page from Ferdowsi's Shahnameh
Unknown artist
14th century
Reza Abbassi Museum

برگی از شاهنامه فردوسی
هنرمند نامعلوم
اوائل سده ۸ ه.ق
موزه رضا عباسی



Mani is killed
Unknown artist
A page from Abu Saeedi's Shahnameh(Damoot)
1334
Reza Abbassi Museum

کشته شدن مانی
هنرمند نامعلوم
برگی از شاهنامه ابوسعیدی (دموت)
حدود ۷۳۵ ه.ق
موزه رضا عباسی



ذکر کفالة ابوطالب را صلوات علیه و سلام و قصه بحیرا راهب

ز عبد المطلب وفات یافت مصطفی را با بوطالب سبب شفقتی که ابوطالب را بروی میدید سپرد و دیگر آنکه ابوطالب
عبدالله پدر مصطفی از یک مادر بودند با وجود آنکه از ابوطالب عبدالله را پسران مهتر بودند بعد از مدتی ابوطالب با نیت
رت عزم شام کرد و پیغامبر در آن زمان بروایتی ده ساله بود از ابوطالب درخواست کرد تا او را بشام برد و رقت کرد ابوطال
و شفقت و رحم آمد او را با خود ببرد چون بزمین بصری رسید که از بلاد شام است و نزدیک شهر فرود آمدند آنجا صومعه
بانی بود نام او بحیرا و کتب بسیار خوانده بود و صفت پیغامبر یافته راهب از بالاء دیر می‌نگریست مشاهده کرد که ابری
سپیدی ... و چون در سایهٔ درختی فرود آمدند درخت را دیدند برگها

کوکبری بن زین الدین علی کوجك از اربل با لشکری آراسته بایشان پیوست چنانك روز مصاف سکمان تدبیر او
کار میکردند و اشارت و تعبیه او را مطیع و منقاد بودند و از شام نیز لشکری بمدد وی فرستادند و در سنه احدی عشرة
وستمایه مصاف دادند ناصر الدین منکلی را بشکستند چنانچه ذکر او در تواریخ مذکور و مسطور است و ایراد شرح [illegible] ینبغی
مناسب سیاقت این مختصر نه و سیف الدین ایغلمش را بجای منکلی در عراق متمکن کردند و ابهر و زنجان بجلال الدین حسن دادند
بحق السعی او و تا چند سال از این دو شهر مذکور و نواحی آن در تصرف عمال و گماشتگان او بود و جلال الدین بعد از یکسال
و نیم از عراق و اران و آذربایجان بالموت آمد و درین سفر و مدت مقام از بلاد دعوی اسلام او موکدتر و مصدق تر شد



اذا کان الغراب دلیل قوم قیاوس المحوس لهم مقبل

با جماعتی کودکان ببازی و تماشاء گوسفندان بچرا بردن و شیر دادن و مانند راعی برعایت گوسفند نمودن

A page from Majma-oT-Tavarikh
First half of 15th century
Reza Abbassi Museum

برگی از مجمع التواریخ
نیمه اول سده نهم ه.ق
موزه رضا عباسی



وهوا از نو سپیده شده و بعد از آن از جانب راست پهلوی او بشکافتند و بچه بیرون آمد آن پادشاه که شوهرش بود پرسید که من بتو
نرسیده ام و بکر بودی از که حامله گشتی جواب داد که در باغ می گشتم و در زیر فلان درخت بخفتم ناگاه نوری بر من افتاد و بیهوش شدم
ونداستم که چیست از آن حامله گشتم و هنگام ولادت آن فرزند فرشتگان از هوا فرود آمده اند و آب از دهن بروی می ریختند و او را
در طشتی زرین بشستند و هفت گام برفت و با آواز آمد و گفت مرا خدای تعالی فرستاد تا پیغامبر باشم تا وقتی که دیگر پیغامبران بیایند
و بغایت خوب صورت و فصیح و باقوت بود و در همه ابواب دانا و کامل بعد از آنکه نوزده ساله شد بکوه رفت و چند سال در کوه می بود
و هیچ نمی خورد ناگاه راه بحق یافت و مدت شش سال دیگر هم در آن کوه بعبادت مشغول بعد از آن دعوت پیغامبری کرد و تمامت
ولایت کشمیر و الکا و اکثر هندوستان و ختای مذهب او را قبول کردند و متابعت نموده و حکایت مذهب و سیرت و اخلاق
او در تاریخ هندوان مشروح خواهد آمد و در عهد موانک مذکور امیری بوده نام او بوقوا و کارهای پسندیده کردی



ذکر عزیمت کردن اغوز بجانب اران و موغان

چون از حدود شروان اغوز خان که فرمود و باران و موغان در آمد فصل زمستان بود و هوا در غایت گرمی
و امکان مقام ساختن از گرما آنجا متعذر بود اتفاق کردند و بکوههای ایلاق آنجا رفتند بعزیمه آنکه
زمستان باز گردند و آن ولایت را بگیرند و غارت کنند و تمامت بایلاق و کوههای آن ولایات با کوه
سبلان و کوههای الاتاق و کوه اغبسو بی تمام فرو گرفتند و چنین میگویند که نام الاطاق ایشان نهاده اند
و سبلان هم ایشان گفتند و بزبان ترکی معنی آن چیزی بر آمده بود و راست استاده و درین مدت که
بر ایلاق نشسته بودند تمامت ولایت که در آن میانه بود مسخر کرده اند و بستدند و ولایت آذربایجان
با بهم بگرفتند و اسبان خاصه خود را در مرغزار صحرا اوجان که جایی بس خوش و هموار است بست

A page from Majma-oT-Tavarikh
First half of 15th century
Reza Abbassi Museum

برگی از مجمع التواریخ
نیمه اول سده نهم ه.ق
موزه رضا عباسی

A page from Majma-oT-Tavarikh
First half of 15th century
Reza Abbassi Museum

برگی از مجمع التواریخ
نیمه اول سده نهم ه.ق
موزه رضا عباسی



Hoom carries Afrasiyab out of the cave
Unknown artist
A page from Ferdowsi's Shahnameh
AD 1424
Reza Abbasi Museum

هوم ، افراسیاب را از غار بیرون می آورد
هنرمند نامعلوم
برگی از شاهنامه فردوسی
حدود ۸۲۸ ه.ق
موزه رضا عباسی



Two Lovers
Unknown artist
Moraqqa'
Shahid Motahari School of Higher Education

دو دلداده
هنرمند نامعلوم
مرقع
مدرسه عالی شهید مطهری

494 **Sitting Young Man**
Unknown artist
Moraqqa'
15-16th century
Shahid Motahari School of Higher Education

۴۹۴ **جوان نشسته**
هنرمند نامعلوم
اواخر سده ۹ ، اوایل سده ۱۰ ه.ق
مدرسه عالی شهید مطهری

495 **Two Ladies**
Unknown artist
Moraqqa'
15-16th century
Shahid Motahari School of Higher Education

۴۹۵ **دو بانو**
هنرمند نامعلوم
اواخر سده ۹ ، اوایل سده ۱۰ ه.ق
مدرسه عالی شهید مطهری

496 **The young man and the hawk**
Unknown artist
Moraqqa'
15-16th century
Shahid Motahari School of Higher Education

۴۹۶ **جوان و باز**
هنرمند نامعلوم
اواخر سده ۹ ، اوایل سده ۱۰ ه.ق
مدرسه عالی شهید مطهری

497 **The sitting woman (Saki)**
Unknown artist
Moraqqa'
15-16th century
Shahid Motahari School of Higher Education

۴۹۷ **بانوی نشسته (ساقی)**
هنرمند نامعلوم
اواخر سده ۹ ، اوایل سده ۱۰ ه.ق
مدرسه عالی شهید مطهری











The hunter and the game
Unknown artist
Moraqqa' (No.1623)
Golestan Palace

شکارچی و شکار
هنرمند نامعلوم
مرقع ۱۶۲۳
کاخ گلستان



A page from Moraqqa'
Unknown artist
Moraqqa' (No.1623)
Golestan Palace

ای دهانت زلب و لب زدهان شیرین تر
هنرمند نامعلوم
مرقع ۱۶۳۲
کاخ گلستان



The captive man
Unknown artist
16th century
Reza Abbassi Museum

مرد اسیر
هنرمند نامعلوم
سده ۱۰ ه.ق
موزه رضا عباسی



The ascetic old man
Torabi Beik
Reza Abbassi Museum

پیر معتکف
ترابی بیک
موزه رضا عباسی





جنگجوی سوار بر اسب
هنرمند نامعلوم
سده ۱۱ ه.ق
موزه رضا عباسی

Warrior on horseback
Unknown artist
17th century
Reza Abbassi Museum

مرد نشسته
رضا عباسی
نیمه نخست سده ۱۱ ه.ق
موزه رضا عباسی

The sitting man
Reza Abbassi
First half of 17th century
Reza Abbassi Museum



چهره امیر شجاع
منسوب به بهزاد
موزه رضا عباسی

ortrait of Amir Shoja-el-din
Attributed to Behzad
Reza Abbassi Museum

زن ایستاده
هنرمند نامعلوم
موزه رضا عباس

The standing woman
nknown artist
Moraqqa'
Reza Abbassi Museum





Illuminated piece (the mystics and the cat)
Unknown artist
First half of 17th century
Reza Abbassi Museum

قطعه مذهب (دراویش و گربه)
هنرمند نامعلوم
اوائل سده ۱۱ ه.ق
موزه رضا عباسی



Mediation of Vizier
Unknown artist
15th century
Reza Abbassi Museum

شفاعت کردن وزیر
هنرمند نامعلوم
سده نهم ه.ق.
موزه رضا عباسی



پیر مرد نشسته
هنرمند نامعلوم
مرقع ۴۱۵۴
سده۱۱ه.ق
موزه ملی ایران

The sitting old man
Unknown artist
Moraqqa' (No.4154)
First half of 17th century
Iranian National Museum



A page from Nezami's Khamseh
Iranian National Museum

درآمد خسرو وخوبان چو پرویز
خمسه نظامی
موزه ملی ایران

هم دادیم و یکدگر را وداع کردیم

بوسه دادن بروی یار چه سود | هم در آن لحظه کردنش بدرود

Farewell of comrades
Unknown artist
A page from Sa'adi's Bustan
Reza Abbassi Museum

وداع یاران
هنرمند نامعلوم
برگی از بوستان سعدی
موزه رضا عباسی



The story of pious camel
Unknown artist
A page from Sa'adi's Bustan
Reza Abbassi Museum

حکایت شتر عابد
هنرمند نامعلوم
برگی از بوستان سعدی
موزه رضا عباسی



The warrior
Moin Mosavver
First half of 17th century
Isfahan Museum of Decorative Arts

مرد جنگجو
معین مصور
سده ۱۱ ه.ق.
موزه هنرهای تزئینی اصفهان



Portrait of Shah Abbas
Ali Reza Abbassi
First half of 17th century
Isfahan Museum of Decorative Arts

چهره شاه عباس
علیرضا عباسی
سده ۱۱ ه.ق.
موزه هنرهای تزئینی اصفهان



The young rider
Unknown artist
Reza Abbassi Museum

جوانی سوار بر اسب
هنرمند نامعلوم
موزه رضا عباسی



The Young Man and the Hawk
Unknown artist
16^{th} century
Reza Abbassi Museum

سوارجوان با قوشی در دست
هنرمند نامعلوم
اواخر سده‌ دهم ه.ق
موزه رضا عباسی



The Young Man and the Hawk
Unknown artist
Moraqqa' (No.1633)
17th century
Golestan Palace

جوان و درویش
هنرمند نامعلوم
مرقع ۱۶۳۳
سده ۱۱ ه.ق
کاخ گلستان




Heavenly mystic
Reza Abbassi,1624
Moraqqa'(No.1633)
Golestan Palace

درویش بهشتی
رضا عباسی ۱۰۳۴ه.ق
مرقع ۱۶۳۳
کاخ گلستان



The standing young man
Attributed to Aqa Reza, 17th century
Moraqqa' (No.22522)
Reza Abbassi Museum

جوان ایستاده
احتمالاً آقارضا ،سده یازدهم ه.ق
مرقع ۲۲۵۲۲
موزه ملی ایران



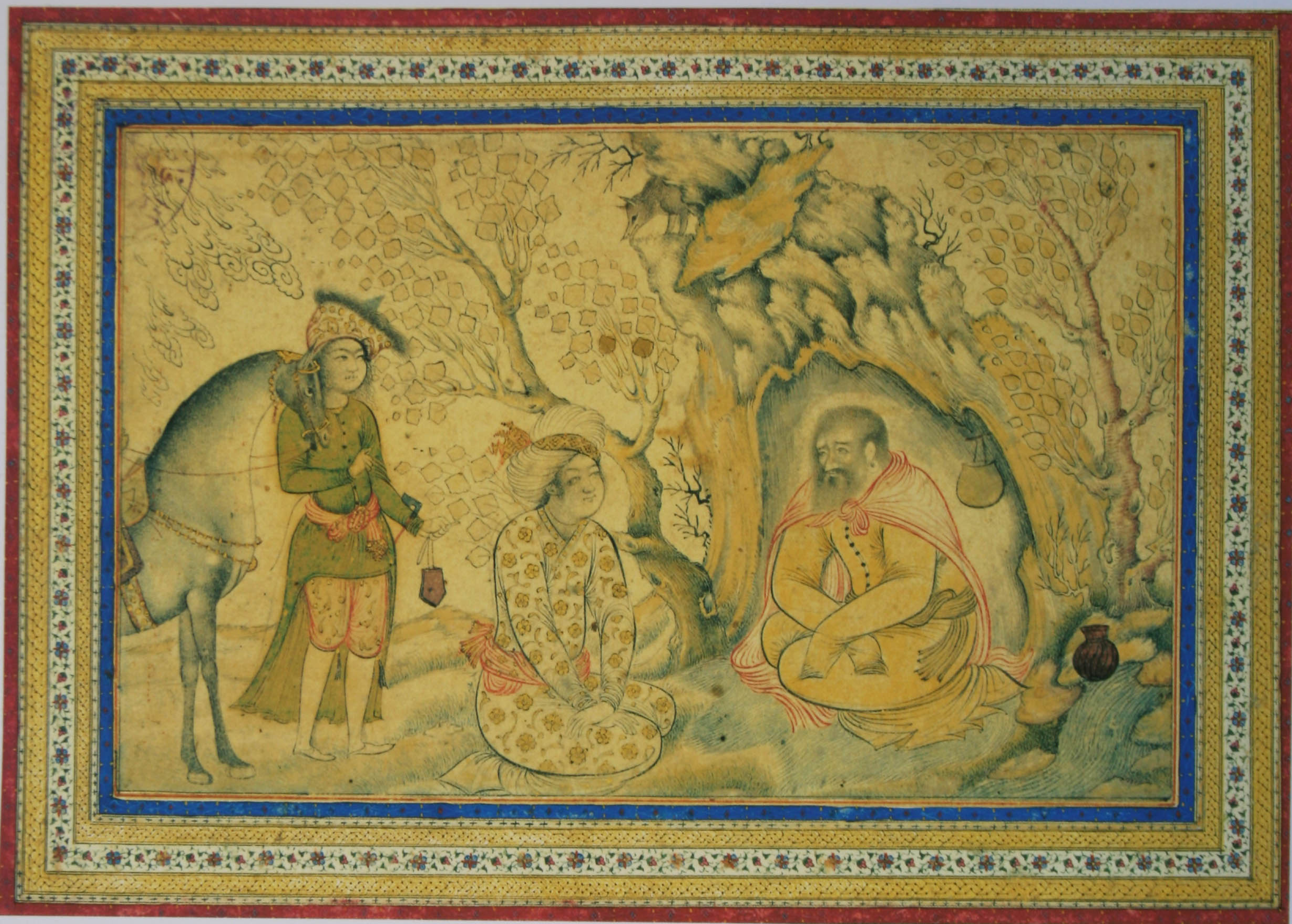
Gathering in the Nature
Unknown artist
Isfehan's School
Golestan Palace

مجلس در طبیعت
هنرمند نامعلوم
مکتب اصفهان
کاخ گلستان



The Rider
Unknown artist
Moraqqa'(No.1638)
17th century
Golestan Palace

اسب سوار
هنرمند نامعلوم
مرقع ۱۶۳۸
سده ۱۱ ه.ق
کاخ گلستان



The young man visits the old ascetic
Unknown artist
Moraqqa' (No.1638)
17th century
Golestan Palace

دیدار جوان و پیر معتکف
هنرمند نامعلوم
مرقع ۱۶۳۸
سده ۱۱ ه.ق
کاخ گلستان



شد آن جان جهان دامن کشان چون از چمن بیرون

روان شد جان مرغان چمن گویی ز تن بیرون



رقیبا چند خواهی تلخ گفتن چون نخواهد شد

ز جان عشقبازان ذوق آن شیرین دهن بیرون

دو مرد
رقم محمدعلی
سده ۱۱ ه.ق
موزه رضا عباسی

Two men
Mohammad Ali
Moraqqa'
17th century
Reza Abbassi Museum

The Lovers
Rashid, 17th century
Moraqqa'
Reza Abbassi Museum

دو دلداده
عمل رشید، سده یازدهم ه.ق
موزه رضا عباسی



Shah Abbas, Mahmoud and Ayaz
Mohammad Ali, 17th century
Reza Abbassi Museum

شاه عباس، محمود و ایاز
محمدعلی، سده یازدهم ه.ق
موزه رضا عباسی



A page from Moraqqa'
Mohammad Yusof, 17th century
Reza Abbassi Museum

سخن چندان بلند و طبع چندان
محمد یوسف، سده یازدهم ه.ق
موزه رضا عباسی



The sitting woman
Unknown artist
Moraqqa' (No.1638)
17th century
Golestan Palace

بانوی نشسته
هنرمند نامعلوم
مرقع ۱۶۳۸
سده ۱۱ ه.ق
کاخ گلستان





The sitting young man
Unknown artist
17th century
Reza Abbassi Museum

جوان نشسته
هنرمند نامعلوم
سده ۱۱ ه‍.ق
موزه رضا عباسی



The sitting man
Mohammad Yusof, 17th century
Moraqqa' (No.4036)
Iranian National Museum

مرد نشسته
محمد یوسف، سده ۱۱ ه.ق
مرقع ۴۰۳۶
موزه ملی ایران



Two youngsters in the garden
Shah Qassem, 1592
Reza Abbassi Museum

دو جوان در گلستان
هنرمند نامعلوم
۱۰۰۱ ه.ق
موزه رضا عباسی



The last page of an unknown book
Unknown artist
1592
Reza Abbassi Museum

صفحه‌ی آخر کتابی ناشناخته
هنرمند نامعلوم
۱۰۰۱ ه.ق
موزه رضا عباسی



Debate session
Unknown artist
16th century
Reza Abbassi Museum

مجلس مناظره
هنرمند نامعلوم
اواخر سده دهم ه.ق
موزه رضا عباسی



A young face
Mohammad Qassem Mosavver
Moraqqa' (No.1629)
17th century
Golestan Palace

صورت جوان
محمد قاسم مصور
مرقع ۱۶۲۹
سده ۱۱ ه.ق
کاخ گلستان

باتشکر از کلیه نهادها و اشخاص ارجمندی که در برپایی این رویداد تاریخی و انتشار کتاب آن، همکاری و تشریک مساعی داشتند، ضمن ارائه نوشتارهایی پیرامون هر یک از موزه های همکار و تقدیم کمال سپاسگزاری ، امید است این گام مهم در معرفی میراث گرانسنگ هنر اسلامی ایران نویدبخش تعالی فرهنگ و هنر معاصر ایران باشد.

باسپاس از :

آقای سید حسین مرعشی — رئیس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری
آقای محمد عطریانفر — معاونت فرهنگی و ارتباطات سازمان میراث فرهنگی و گردشگری
آقای دکتر محیط طباطبایی — مشاور ریاست سازمان میراث فرهنگی و گردشگری

خانم دکتر پروین صدرثقة‌الاسلامی — رئیس کاخ موزه گلستان
آقای محمدرضا کارگر — رئیس موزه ملی
خانم زهره روح فر — رئیس موزه دوران اسلامی
خانم بتول احمدی — رئیس موزه رضا عباسی
آقای سیدعلی اصغر میرخلف — رئیس موزه چهلستون اصفهان
خانم گیتی آذرمهر — رئیس موزه هنرهای تزئینی اصفهان
آقای دکتر سیدابوالقاسم نقیبی — رئیس کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار)
آقای حسن میرزامحمد علائینی — امین اموال کتب خطی کتابخانه کاخ موزه گلستان
خانم خدیجه خسرودی — کتابدار مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار)

ACKNOWLEDGEMENT

Special thank is due to all organisations and individuals who contributed to this historic event and to the publication of the present catalogue. We also acknowledge the collaboration of a number of museums in Terhan and Isfahan and hope that this important step toward introducing the prized heritage of Islamic art will be the harbinger of an elevated Iranian contemporary art and culture.

Seyed Hossein Marashi Director of Iranian Cultural Heritage and Tourism Organisation
Mohammad Atriyanfar Deputy of Communications and Cultural Affairs at the Iranian Cultural Heritage an Tourism Organisation
Dr. Mohit Tabatabaee Advisor to the Director of Iranian Cultural Heritage and Tourism Organisation

Dr. Parvin Sadr Seqat-ol-Eslami Director of the Museum of Golestan Palace
Mohammad Reza Kargar Director of the Iranian National Museum
Zohreh Roohfar Director of the Museum of Islamic Period
Batool Ahmadi Director of Reza Abbassi Museum
Seyed Ali Asqar Mir-Khalaf Director of Chehelsotoun Museum, Isfahan
Giti Azarmehr Director of the Museum of Decorative Arts, Isfahan
Dr.Abolghassem Naqibi Head of the Library of Shahid Motahari School of Higher Education
Hassan Mirza Mohammad Alaeeni Trustee of Manuscripts at the Library of Museum of Golestan Palace
Khdijeh Khosroudi Bookkeeper at the Library of Shahid Motahari School of Higher Education

کتابخانه موزه کاخ گلستان

کتابخانه خطی کاخ گلستان، در اوایل قرن سیزدهم ه. ق، در کاخ گلستان، به همت فتحعلی شاه قاجار تأسیس و کتابخانه شاهنشاهی نام گرفت. فتحعلی شاه قاجار تمایل زیادی به سرودن شعر و توجه خاصی به فن خطاطی و نقاشی داشت.
کتابخانه شاهنشاهی فتحعلی شاه، با جمع آوری بقایای کتب کتابخانه های شاهان گذشته ایران از دوران صفویه و زندیه و به ویژه، از ذخائر و خزائن نادر شاه افشار در کاخ گلستان پایه گذاری گردید. بعداز مرگ محمدشاه تا اواسط قرن سیزدهم، کتابخانه شاهنشاهی دائر بود. حاج میرزا آقاسی، نظارت مستقیم بر کتابخانه داشت و در جمع آوری کتب دینی علاقه ای وافر نشان می داد. بعداز مرگ محمد شاه، کتب نفیسی که از خاندان افشار بود خریداری و وارد کتابخانه گردید. در همین زمان مرقع معروف گلشن به کتابخانه شاهنشاهی وارد شد. پس از درگذشت ناصرالدین شاه، کتابخانه دچار هرج و مرج شد و کتب آن هرکدام به جایی رفت و دستخوش غارت گردید. هنگامی که کتابخانه ملی به دستور رضا خان تأسیس شد به جای خریداری کتاب برای آن کتابخانه، بین سال های ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۷ خ، تعداد چهارده هزار جلد کتاب خطی و چاپی از کتابخانه سلطنتی به کتابخانه معارف رفت. رئیس کتابخانه در آن زمان مرحوم دکتر مهدی بیانی بود که در سال های بعد رئیس کتابخانه سلطنتی کاخ گلستان شد. این کتابخانه از آن زمان رئیسانی صاحب نام داشته و در زمان حاضر آقای حسین میرزا محمدعلائینی سرپرست، کتابدار و مسئول آن است.
تعداد نسخه های کتابخانه خطی کاخ گلستان بالغ بر سه هزار و دویست جلد، شامل کتاب خطی، مرقع، قطعه خط و نقاشی است. دسته بندی کتب کتابخانه براساس هشت مجلد فهرست، در گذشته توسط خانم بدری آتابای و شماری از استادان این فن، بین سال های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ تهیه و تنظیم شده است.
اسامی فهرست ها به شرح زیر است:
کتب ادبی عرفانی
کتب دینی
دیوان خطی، جلد ۱
دیوان های خطی، جلد ۲ و هزار و یکشب
آلبوم و عکس های قاجاری
مرقعات
قرآن های خطی
تاریخ سفرنامه، سیاحت نامه، روزنامه و جغرافیای خطی.
لازم به ذکر است که در میان کتب کتابخانه موضوعاتی هم چون کتب طبی و نجوم و سایر موارد نیز به چشم می خورد.
کتب مصور کتابخانه بالغ بر دویست و هفتاد و پنج مجلد، شامل نقاشی و مینیاتور و تعدادی تذهیب و تشعیرهای بسیار عالی است که از این تعداد، کتبی همچون شاهنامه بایسنقر، مجموعه هزار و یکشب، ظفرنامه تیموری، خمسه جامی، جامع التواریخ رشیدی، مرقع هند و ایرانی و مرقع معروف گلشن است.
تعداد کل مرقعات کتابخانه دویست و بیست و چهار مجلد به صورت آکاردئونی است.
موضوعات مرقعات کتابخانه خطی کاخ گلستان به شرح زیر است:
مرقع خط
مرقع خط و نقاشی
مرقع تصویری و ناخنی
مرقع عکس و خطوط
مرقع نقاشی چینی با لعاب برنج
مرقع نقاشی ژاپنی
مرقع نقاشی طرح لباس نظام

موزه دوران اسلامی (موزه ملی ایران)

این موزه یکی از غنی ترین و معتبرترین مجموعه های هنر اسلامی در دنیاست که در ۱۳۷۵ گشایش یافت. اشیاء ارایه شده در این موزه حاصل حفریات علمی و یا مجموعه های معتبر مانند مجموعه شیخ صفی الدین اردبیلی است.
۱- در یک طبقه موزه اشیاء با موضوعات مختلف در تالارهای مجزا ارایه شده اند که عبارتند از: هنر سفالگری، فلزکاری، منسوجات (فرش و پارچه)، نسخه های علمی، ادبی و تاریخی، آثار نقاشی و خوشنویسی، ابزار علم و نجوم، ابزار علوم پزشکی، ابزار کتابت و ابزار وسایل روشنایی. فضای مرکزی این طبقه به نمایش قرآن های خطی اختصاص داده شده که به یک گنجینه کامل از نظر هنر خوشنویسی و کتاب آرایی در ادوار مختلف اسلامی است.
۲- در طبقه دیگر موزه با تاکیدی بر تزیینات معماری و آثار مختلف براساس دوره های قرون اولیه اسلام، سلجوقی، ایلخانی و تیموری، صفوی و قاجاریه تنظیم شده و در تالارهای مختلف به نمایش درآمده اند.

مجموعه آثار نگارگری

آثار نگارگری بخش اسلامی موزه ملی ایران شامل مجموعه ای بی نظیر از نگاره های مکاتب مختلف نقاشی ایران است. آثار نقاشی ایران در

دوران اسلامی را می توان در دو گروه جداگانه مورد بررسی قرارداد:
گروه اول شامل دیوار نگاره ها (از جمله دیوار نگاره کاخ سبز پوشان نیشابور)، نقوش روی فلزات، سفال ها، پارچه ها و ...
گروه دوم شامل قطعات نقاشی و نسخه های خطی مصور، بالغ بر ۱۷ نسخه و ۱۵۰ قطعه نقاشی است. این آثار متعلق به دوره تیموری تا اواخر قاجار هستند.

۱- نسخه های مصور دوره تیموری

-دیوان حافظ (شماره ۴۳۲۳)

این نسخه به خط نستعلیق و در ۴۶۱ صفحه تنظیم شده است و دارای ۱۴ مجلس نقاشی بدون رقم و تاریخ است. این اثر متعلق به دوره تیموری و ویژگیهای مجالس نقاشی آن نشان دهنده مکتب هرات است.

مجموعه خسرو و شیرین، لیلی و مجنون و خردنامه اسکندری نظامی (شماره موزه ۳۷۰۶)

این مجموعه دارای ۳۶۴ صفحه و ۱۴ مجلس نقاشی بدون رقم و تاریخ، مربوط به دوره تیموری و مکتب هرات است. از این ۱۴ مجلس یک مجلس آن از خردنامه اسکندری با مضمون "ملک بر تختی نشسته و در کنار او هفت نفر در وسط مجلس قرارگرفته اند" به تصویر کشیده شده است و نه مجلس آن مربوط به مضامین داستان خسرو و شیرین است که از مهم ترین مجالس آن "آمدن شیرین بر در چادر خسرو"، "تشییع جنازه خسرو"، و "مجلس انس خسرو با شکر اصفهانی "است. چهار مجلس باقیمانده مربوط به داستان لیلی و مجنون است که از مجالس آن می توان به "رفتن لیلی به نخلستان"، "آمدن پدر مجنون به نزد وی برای نصیحت او" اشاره کرد.

- منظومه شیرین و فرهاد (شماره ۲۲۸۲)

این کتاب به خط نستعلیق و دارای ۳۰۸ صفحه و ۶ مجلس نقاشی بدون رقم و تاریخ در مکتب هرات است. از مهم ترین مجالس آن "ملاقات شکر اصفهانی با خسرو پرویز"، "خبر یافتن شیرین از مرگ فرهاد"، "مجلس پایانی مرگ خسرو و آمدن شیرین به بالین وی" است.

قطعه نقاشیهای دوره تیموری

قطعه نقاشیهای این دوره بالغ بر ۱۰ قطعه در مکاتب هرات و شیراز است.

۲- نسخه های مصور دوره صفوی

- خمسه نظامی: (شماره ۴۳۶۳)

این نسخه به خط نستعلیق و دارای ۹۷۴ صفحه و ۲۱ مجلس نقاشی است. این کتاب دارای رقم شیخ محمدبن فخرالدین احمد الکاتب السلطانی فی ثانی عشرین شهر مبارک رمضان سنه ثلاث و ثلثین و تسعمایه (۹۳۳ه. ق.) نوشته شده است. این نسخه دارای اثر مهر وقفنامه ای از طرف شاه عباس در صفحه اول است. مجالس ارایه شده در این نسخه نشان از مکتب تبریز دارد.

-خمسه نظامی (شماره ۸۴۹۷)

این نسخه خطی به خط نستعلیق در ۷۲۸ صفحه و دارای ۲۶ مجلس نقاشی است. این کتاب رقم گلشنی کاشانی به تاریخ اواخر ماه جمادی الاخر ۹۷۵ه.ق. است. از این ۲۶ مجلس؛ دو مجلس آن از مخزن الاسرار؛ چهار مجلس آن از خسرو و شیرین؛ شش مجلس آن از لیلی و مجنون و هشت مجلس دیگر آن از هفت گنبد و شش مجلس باقیمانده از اسکندرنامه می باشد. این مجالس احتمالاً در مکتب قزوین به تصویر درآمده اند. از مهم ترین مجالس آن؛ "آب تنی شیرین در چشمه و جوی آب" و "نظاره کردن خسرو وی را"؛ "حضور فرهاد در نزد خسرو"، "مکتب خانه لیلی و مجنون" است.

- شاهنامه فردوسی (شماره۴۳۳۶)

این نسخه دارای ۸۵۰ صفحه و ۲۷ مجلس نقاشی بدون رقم و تاریخ و جلد آن روغنی است. مجالس نقاشی ارایه شده بیان کننده مکتب تبریز است. از مجالس مهم آن "شکارگاه سلطان محمود"، "کشته شدن ایرج به دست سلم و تور"، "جنگ رستم با دیو سفید"است.

-شاهنامه فردوسی (شماره۴۳۶۱)

این نسخه رقم محمد کاتب و دارای ۴۳ مجلس نقاشی و تاریخ ۹۳۸ه. ق. است. مجموعه مجالس این نسخه در مکتب تبریز است و از مجالس مهم آن؛ داستان کاوه "آهنگر با ضحاک"، "کشتن رستم دیو سفید را"، "عبور سیاوش از آتش"، "کشتن اکوان دیو به دست رستم" است.

-کلیات سعدی (شماره۳۷۱۳)

این نسخه به خط نستعلیق و دارای ۴۵۱ صفحه و پنج مجلس نگارگری بدون رقم و تاریخ است. براساس متن صفحه سوم این نسخه؛ اصل این مجموعه را "علی بن احمد بیستون" تدوین کرده است. این اثر متعلق به قرن ۱۰ه. ق. و آثار آن در مکتب تبریز با نشانه هایی از مکتب هرات است.

-خمسه نظامی (شماره ۴۳۲۵)

این نسخه به خط نستعلیق و دارای ۷۴۱ صفحه و تاریخ محرم الحرام ۹۵۰ ه.ق. و ۱۹ مجلس نگارگری در اواخر مکتب تبریز و شروع مکتب قزوین دارد.

-شاهنامه قاسمی (شماره ۴۳۶۲)

این نسخه به خط نستعلیق بر کاغذ خانبالغ و دارای ۱۱ مجلس نقاشی است. این منظومه اثر "میرزا قاسم گنابادی" و درباره کشورگشایی های شاه طهماسب اول است. نقاشی های این اثر از نظر ویژگی های به کار برده در آن به مینیاتورهای شاهنامه شاه طهماسبی نزدیک و بیانگر مکتب قزوین است.

-نسخه فرهاد و شیرین وحشی بافقی (شماره۳۷۰۷)

این نسخه به خط نستعلیق و در ۸۸ صفحه و دارای یک مجلس نقاشی است. نسخه فرهاد و شیرین دارای تاریخ سوم صفر ۹۹۷ه. ق. و بدون رقم است.

-خسرو شیرین نظامی (شماره ۳۷۱۷)

این نسخه به خط نستعلیق در ۴۰۱ صفحه و دارای ۵ مجلس نگارگری بدون رقم و دارای تاریخ ۹۹۲ه. ق. است و مجالس آن دارای مشخصه های پوشاک مکتب تبریز و هم چنین دارای تپه های پر گل و بوته مکتب شیراز است. از مجالس مهم آن می توان به "مجالست شیرین و خسرو"، "صحنه نبرد خسرو با بهرام چوبین"، "زفاف خسرو و شیرین" اشاره کرد. از نکاتی که در این مجلس جلب توجه می کند نشان دادن آسمان به صورت طلایی رنگ و زمین به رنگ آبی است.

-دیوان حافظ (شماره ۹۲۱۰)

این نسخه دارای ۲۸۲ صفحه روی کاغذ معمولی با رقم شاه قاسم و دارای شش مجلس نقاشی است و ویژگی های مجالس نقاشی آن بیانگر نقاشی مکتب اصفهان است.

- خمسه نظامی (شماره ۹۲۰۸)

این نسخه به خط نستعلیق و دارای پنج مجلس مینیاتور مربوط به مکتب اصفهان است و از مجالس مهم آن؛ "آبتنی کردن شیرین در رودخانه و نگاه کردن خسرو

به وی"، "آمدن مجنون بر در خیمه لیلی"، "زاری اسکندر بر مرگ دارا" ست.

- نسخه عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات (شماره ۲۰۳۲۲)

این نسخه خطی دارای رقم "ابی تراب منعم الدین الاوحدی الحسینی" با تاریخ ۹۱۴ه. ق. و در مکتب تبریز به تاثیرپذیری از مکتب هرات است.

۳- قطعه نقاشی های دوره صفوی

حدود ۶۰ قطعه نقاشی از دوره صفوی در موزه ملی ایران وجود دارد که حدود ۱۰ قطعه آن به مکتب تبریز و بالغ بر ۱۰ عدد دیگر به مکتب اصفهان و هم چنین بیش از ۱۰ عدد آن به شیوه اواخر صفوی و بقیه به مکتب هند و ایرانی تعلق دارد.

۴- نسخه های مصور و قطعه نقاشی های دوره قاجار

- بیاض کوچک اشعار (شماره ۲۳۵۹۵)

این نسخه به خط شکسته نستعلیق و بر کاغذ فرنگی و دارای ۲۴۵ صفحه و هفت مجلس نقاشی آبرنگ و بدون رقم و تاریخ است. مجالس ارایه شده بیانگر نقاشی شیوه قاجاری است.

قطعه نقاشی های موجود در بخش موزه دوران اسلامی بالغ بر ۵۰ اثر نقاشی به مضمون های گل و مرغ، چهره، سبک درباری و .... هم چنین بیش از ۱۰ اثر نقاشی قهوه خانه ای با مضامین حماسی شاهنامه فردوسی مربوط به این دوره وجود دارد.

موزه رضا عباسی

موزه رضا عباسی در شهریور ماه ۱۳۵۶ آغاز به کار نموده است. این موزه با دارا بودن مجموعه ای غنی از آثار تاریخی- هنری دوره های مختلف، جایگاهی معتبر در میان موزه های کشور دارد. اشیاء شاخص مجموعهء نسبتاً کوچک و در عین حال متنوع موزه، نمایانگر زمینه های هنری و فن آوری دوره های مختلف و معرف تاریخ هنر سرزمین ما هستند.

میراث بزرگ ادبیات فارسی از طریق کتب خطی برای ما به جای مانده است. در این میان نقاشی با ادبیات پیوندی ناگسستنی یافته و همواره وسیله مصورسازی و به تصویرکشیدن اندیشه ها و افکار نویسنده کتاب بوده است. بدین ترتیب نگارگری، نخست در تفهیم نوشتار کتاب بوده است و نگاره های نخستین نیز بسیار ساده و در حد مفهوم رسانی بوده اند. اما در دوره ها و سال های بعد، باعث غنای بیشتر نسخه ها شدند و باب جدیدی در هنرهای ایرانی گشودند. نسخ مذهب و مصور متعددی ساخته و پرداخته شد، که تعدادی از آنها نیز اکنون بخشی از گنجینه ارزشمند موزهء رضاعباسی را تشکیل می دهند. نسخ قرآنی، کتب ادبی، علوم و تاریخ، صحنه های پر نقش و نگار و آذینه های چشم نواز، همپای کتابت زیبا و صفحه آرایی های بدیع و کاغذسازی های الوان و سرشار از ذوق، نسخ خطی را بسان بناهایی با شکوه ساخت، که چشم طمع کاران بدانها خیره ماند و در پی برافکندن بنیادشان برآمدند، تا آنجا که یکی دو قرن پیش کتاب های بسیاری را با چشم داشت به اوراق و صفحات زرین و آذین یافته شان اوراق کرده و برگه های ناب آنها را از هم پراکندند و روانه بازار کردند و در همین رهگذر دست سودجویان بسیاری را از این اوراق پرکردند. خوشبختانه معدودی از این اوراق، هرچند به بهای کلان به ایران برگشتند و جایی امن یافتند، که تعدادی از آنها اکنون در موزه رضا عباسی جای گرفته اند، و حکم سرمایه فرهنگی و ملی ما را دارند. هرچند دریغ که هر برگی که اکنون در دست ماست، یک برگ از یک نسخه ارزشمند است، اما چه خوب که همین یک برگ و چند برگ هم، اکنون مایه افتخار یک موزه است و ما برآنیم که حافظ شان باشیم و پایدارشان بداریم.

مجموعه نگارگری موزه نیز با دارابودن برگ ها و نسخه های نفیس، هرچند که نمی توانند تاریخ نگارگری ایران را در برگیرند، اما از جامع ترین و زیباترین نمونه های نگارگری در ایران هستند. این نمونه های ارزشمند و در بعضی موارد منحصر به فرد، زمینه ای مناسب برای مشاهده و بررسی آنچه که شاهکار هنری ایران نامیده شده اند، فراهم می آورند.

کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری

موسس و بیانگذار مدرسه عالی شهید مطهری و کتابخانه آن، میرزا حسین خان، فرزند ارشد میرزا نبی خان قزوینی، در سال ۱۲۴۱ه. ق. در شهر قزوین متولد شد و در سال ۱۲۷۱ه.ق به عنوان مامور کنسولگری ایران در تفلیس مشغول فعالیت گردید. وزیر مختاری در دولت عثمانی ماموریت بعدی او بود. میرزا حسین نسبت به انجام اصلاحات، متناسب با جامعه غرب متمایل بود و در زمان ماموریت در دولت عثمانی گزارش تحولات را برای دربار می فرستاد و اصلاحات را موجب نجات عنوان می کرد. سفارت او در دولت عثمانی ۱۲ سال به درازا کشید. عضویت دارالشوری در سال ۱۲۸۰ه .ق. موقتا او را به تهران عزیمت داد. در این سفر باغ بهارستان را خرید و بعدها برخی از بناهای ساختمان موجود مجلس و مدرسه عالی را که به نام او مشهور گردید، بنیان نهاد. او در سال ۱۲۸۲ ه .ق. به لقب "مشیرالدوله" ملقب گردید و در سال ۱۲۸۵ ه. ق از مقام وزیر مختاری به "سفارت کبرایی" ارتقاء یافت. در سال ۱۲۸۷ ه . ق. ناصرالدین شاه را در سفر به عراق و زیارت عتبات عالیات همراهی نمود و شاه به پاس خدماتش در این سفر او را به "وزارت عدلیه" و "وزارت اوقاف" منصوب نمود.

مدتی از وزارت مشیرالدوله نگذشته بود که در ۱۳ رجب سال ۱۲۸۸ ه . ق. ، از سوی شاه به لقب "سپهسالار اعظم" ملقب و به ریاست کل قشون منصوب گردید اما مشاغل قبلی را، هم چون سابق عهده دار بود.

سپهسالار با توجه به درخواست شاه اقداماتی را در جهت سازماندهی به انجام رساند. چهل و هفت روز پس از انتصاب به ریاست کل قشون و سپهسالاری، به صدارت اعظمی دولت ایران منصوب گردید.حکم شاه به صدارت اعظمی سپهسالار، اختیارات فراوانی را به او اعطا نمود. او با استفاده از قدرت فراوان به تاسیس مدرسه، نشر روزنامه، تشکیل دارالترجمه و اصلاح برخی امور دربار اقدام نمود.

میرزا حسین خان سپهسالار در سال ۱۲۹۶ ه . ق. ساختمان مدرسه و مسجد را شروع و تا زمان عزل از صدارت (۱۲۹۷ه . ق.) کارها را مستقیماً زیر نظر داشت و از این تاریخ تا روی کارآمدن مجدد او، عملیات احداث متوقف شد، در نتیجه سپهسالار موفق به تکمیل و اتمام آن نگردید. این مدرسه و مسجد، پس از مدرسه

چهار باغ اصفهان، بزرگ ترین و با شکوه ترین بنای مذهبی در ایران است. مهندس و طراح آن یکی از اولین مهندسان ایرانی به نام "ممتحن الدوله" است. او در نقشه کشی و طرز معماری و وضع ساختمان این بنای بزرگ، شکل بنا و نقشه ابنیه شرقی اسلامی را ملحوظ داشته است. لذا این بنا را باید یکی از معرفه های تمدن شرقی، ایرانی و اسلامی بشمار آورد. با درگذشت میرزا حسین خان سپهسالار در سال ۱۲۹۸ در مشهد مقدس، برادرش یحیی خان مشیرالدوله در تکمیل و اتمام این بنا همت گماشت و پس از درگذشت او، قسمتی از ناتمامی و تزیینات تدریجاً به وسیله نایب التولیه های وقت انجام یافت.

بنا مشتمل بر مسجد و مدرسه عالی است و به هر دو اسم نیز شهرت دارد. ساختمان بنا از چهار جهت و در دو طبقه ساخته شده است و مشتمل بر حجرات فوقانی و تحتانی است که تعداد تقریبی آن شصت حجره است که جهت سکونت طلاب پیش بینی شده است.

در قسمت شمالی این بنا حیاطی کوچک با سه حجره در قسمت غرب و دو حجره بزرگ در قسمت شرق قرار گرفته است که حجره های غربی محل استقرار تولیت مدرسه عالی و دو حجره شرقی محل نخستین کتابخانه بوده است.

در قسمت شمال شرقی این بنا، ساختمانی جهت تاسیس اولین دانشکده معقول و منقول در ایران، در دو طبقه و هر طبقه دارای دو سالن بزرگ و کلاس های درس و سالن کنفرانس بنا نهاده شده است. نظر به عدم گنجایش مکان پیشین، کتابخانه به این مکان انتقال یافته است.

بنا بر آمار اداره اوقاف در سال ۱۳۳۲ه . ق. و تجدید نظر شده در سال ۱۳۳۸ه . ق. تعداد نسخه ها ۳۳۷۷ جلد بوده است. در همین سال ۸۰ جلد کتاب اهدایی دیگر به مجموعه افزوده شده و مجموع آن به ۳۴۵۰ نسخه رسیده است.

میرزا حسین خان سپهسالار با عنایت به اهمیت کتابخانه در یک مرکز علمی، قبل از تکمیل و اتمام بنا که موفق به آن نگردید، به تمهید مقدمات تاسیس کتابخانه اقدام نمود. او با خریدن کتاب در سال ۱۲۹۷ه . ق. گام نخست را در این زمینه برداشت. سپس با خرید کتابخانه اعتضادالسلطنه (۱۲۹۸ه . ق)، وزیر وقت علوم که خود از اهل فضل و دانش بود و در علم ریاضی دستی داشت کتابخانه را شکل داد. بنابراین مواد اولیه این کتابخانه از کتاب های شخصی سپهسالار و کتاب های خریده شده از ناحیه او و کتاب های اعتضاد السلطنه است که همه آن کتاب ها وقف و مهر و تاریخ ۱۵ ذیحجه ۱۲۹۷ه . ق. را برخود دارند.

موزه هنرهای تزیینی اصفهان

موزه هنرهای تزیینی اصفهان در عمارت تاریخی "رکیب خانه" در مرکز شهر اصفهان و در جوار بناهای "تالار اشرف"، "تالار تیموری"، "کاخ چهلستون"، "عالی قاپو" و "توحید خانه" قراردارد. بنای رکیب خانه در اوایل قرن یازدهم ه . ق. مقارن با سلطنت شاه عباس اول، احداث و جهت نگهداری لوازم سوارکاری و یراق آلات و مرکب های سلطنتی مورد استفاده قرارمی گرفت. این عمارت با انقراض حکومت صفویه متروک شد و بعدها در دوران قاجار به دستور حاج محمدحسین خان صدر اصفهانی تعمیر و احیا گردید. در دوران حاکمیت مسعود میرزا ظل السلطان (فرزند ناصرالدین شاه قاجار) پس از انجام الحاقات و تعمیراتی به سبک و سیاق روز، به عنوان اندرونی اختصاصی "ظل السلطان" مورد استفاده قرارگرفت. در دوران پهلوی این ساختمان به اداره آمار و ثبت احوال اختصاص یافت و بار دیگر تغییراتی خصوصاً در جبهه غربی آن صورت گرفت.

در سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی سازمان میراث فرهنگی کشور عمارت تاریخی "رکیب خانه" را مرمت و بازسازی کرد و با انتقال حدود چهار هزار اثر فرهنگی- هنری از موزه هنرهای تزیینی سابق تهران و سایر موزه های سازمان، "موزه هنرهای تزیینی ایران" در ۲۹ مردادماه ۱۳۷۵ شمسی در اصفهان گشایش یافت.

این موزه در فضایی به مساحت ۲۶۰۰ مترمربع، حدود ۱۲۰۰ مترفضای مفید نمایشگاهی دارد و شامل هفت بخش دایمی و نگارخانه جانبی است.

بخش های هفت گانه موزه عبارتند از:

بخش خط و کتابت

بخش آثار لاکی و روغنی

بخش دستبافته ها و رودوزیهای سنتی

بخش نگارگری

بخش آثار فلزی

بخش آثار چوبی

بخش آبگینه، سفال و چینی

علاوه بر بخشهای هفتگانه، دو کارگاه گلابتون و کارگاه گلیم، گبه و بافته های عشایری نیز به فعالیت و آموزش هنرجویان در موزه اختصاص دارد.

بخش خط و کتابت

این بخش از موزه دربرگیرنده مجموعه ای از قطعات، اوراق و مجلدات قرآن کریم، احادیث، کتب ادعیه و اشعار است که توسط هنرمندانی چون محمد صادق خوانساری، محمد مومن ابهری، وصال شیرازی، میر علی هروی، محمدعلی اصفهانی مکتوب شده اند. کتابهای خطی "زادالمعاد" به قلم محمدهاشم لولوی اصفهانی، دیوان مصور امیر علی شیر نوایی و کلیات سعدی مصور و مذهب و مرصع در زمره این آثارند. دیگر آثار نفیس خطی موجود در این بخش، قطعات خوشنویسی مختلف از سده هشتم ه . ق. به بعد است. آثاری از استادان بزرگ خوشنویسی از جمله یاقوت مستعصمی، محمدرضا مجلسی، سلطان علی مشهدی، میرعلی و محبی هروی، منشی گنابادی، عبدالجبار اصفهانی، ابوتراب، هاشم اصفهانی، شاهزاده بهرام میرزا صفوی، فرشید دیلمی، درویش عبدالمجید طالقانی، میرزا کوچک، طراز یزدی، شفیع تبریزی، میرعماد و دخترش گوهر شاد نیز در این بخش به نمایش گذاشته شده است. انواع جلدهای چرمی به شیوه های مختلف از

قبیل سوخت، معرق ضربی، لاکی و روغنی مرصع و مذهب از آثار آقا زمان دوم و محمدرضا امامی نیز در این بخش نگهداری می شود.

بخش آثار لاکی و روغنی

مجموعه زیبایی از انواع اشیاء لاکی و مذهب، قلمدان، جای تومار، جعبه، قاب آینه، ترازو، سرچسبدان، جلد آلبوم آثار این بخش را تشکیل می دهند. این آثار از یادگارهای ارزشمند استادانی چون: آقاصادق، میرزا بابای شیرازی، فتح الله شیرازی، آقا نجفعلی اصفهانی به شمار می روند که با نقش های مختلف گل و مرغ، تک چهره، ترنج، سرترنج، شکارگاه و فرهنگ عامه زینت یافته اند.

بخش نگارگری

مجموعه متنوعی از آثار نگارگری ایرانی در سبک و شیوه های مختلف زینت بخش این بخش است. آثار شیوایی از مینیاتورهای مکتب هرات، اصفهان، تبریز و نگاره های تک چهره قاجار در کنار تصاویر آبرنگ و رنگ روغن و موضوع های مختلف تصویرگری کتاب، مجالس حماسی و ادبی، بزمی، فرهنگ عامه در این مجموعه به نمایش گذاشته شده است. تابلوی ارزشمند و نفیس "چوگان" اثر استاد حاج میرزا آقا امامی اصفهانی که به شیوه سوخت و معرق و مینیاتور روی چرم خلق شده است نیز از جمله آثار این بخش به شمار می رود. تابلوی مذّهب تشعیری منحصر به فردی که توسط زین العابدین مذهب تبریزی در سال ۱۰۰۸ ه. ق. ترسیم و به شاه عباس اول اهدا شده است از دیگر آثار ارزشمند و نفیس این بخش است.

سایر آثار به نمایش درآمده در این بخش متعلق به هنرمندان صاحب سبک و صاحب نامی چون: آقارضا عباسی، محمدحسین طوطی، معین مصور، بهزاد، مصورالملک، ملک الشعرا، صنیع الملک، حبیب الله ساروی، نادر الزمان، محمد مسیح و ابراهیم اصفهانی است.

بخش آثار فلزی

مجموعه آثار فلزی این بخش مشتمل بر زیورهای طلا و نقره، کمربند، و قلاب کمر، قاب دعا، انواع قوطی، قفل و قلمدان، سرقلیان، قاب آینه، باروت دان، انفیه دان، آفتابه و لگن، عود سوز، جام های چهل کلید، خنجر و چاقواست.

بخش آبگینه و سفال

در این بخش آثار زیبایی از کریستالهای تراش دار با نقش افزوده و انواع شیشه (عطردان، پیاله) مربوط به سده های ۳ تا ۶ ه. ق. ساخت گرگان به معرض نمایش گذاشته شده است.

بخش آثار چوبی

این بخش شامل آثار نفیسی از صنایع هنری خاتم سازی، منبت کاری، مشبک و معرق است. از آثار ارزشمند این بخش جعبه تمام منبت و قاب آینه ایی است که با نقوش بسیار زیبای اسلیمی و گرفت و گیر توسط زین العابدین خوانساری در سده ۱۳ هجری قمری ساخته شده است.



شاهکارهای
نگارگری ایران

Tehran Museum of Contemporary Art



Masterpieces of
Persian Painting

